



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

رود زاینده

مبارزات مردم افغانستان در دوران پهلوی شوم و تا سال ۱۳۵۶

دکتر سید علی رضا افشاری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رود زاینده : مبارزات مردم اصفهان در دوره پهلوی دوم تا سال (1356)

نویسنده:

سید علی رضا ابطحی

ناشر چاپی:

واحد آموزش و پژوهش حوزه هنری اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	رود زاینده : مبارزات مردم اصفهان در دوره پهلوی دوم تا سال (۱۳۵۶)
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست
۲۳	پیشگفتار
۲۹	مقدمه
۳۳	فصل اول: مروری بر تحولات اشغال ایران و قیام پانزده خرداد در اصفهان
۳۳	اشاره
۳۵	آغاز نهضت اسلامی در شهر اصفهان:
۵۱	اصفهان و انقلاب سفید (انقلاب ششم بهمن ۱۳۴۱)
۵۴	اصفهان پس از حوادث نوروز ۱۳۴۲ ش
۶۰	واقعه ی ۱۵ خرداد در اصفهان
۶۱	واکنش ها به دستگیری آیت الله خمینی
۶۱	الف)روحانیان
۶۸	ب)بازاریان و اصناف
۷۲	ج)دانش آموزان
۷۶	آزادی امام خمینی و بازتاب آن در اصفهان
۸۷	فصل دوم: مروری بر فعالیت مستمر احزاب سیاسی در اصفهان (۵۵-۲۰ش)
۸۷	اشاره
۹۰	۱-عوامل داخلی:
۹۱	۲-عوامل خارجی:
۹۲	حزب توده ی ایران:
۹۶	فعالیت حزب توده در اصفهان:

- ۹۸ زمینه ی تشکیل اتحادیه های کارگری در اصفهان:
- ۱۱۵ آخرین اقدامات فداکار در شورای اتحادیه ی کارگری اصفهان:
- ۱۲۷ فعالیت حزب توده پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش:
- ۱۳۰ اتحادیه ی کارگران و برزگران ایران:
- ۱۳۱ حزب زحمتکشان ملت ایران:
- ۱۳۲ چگونگی تشکیل حزب زحمتکشان ملت ایران:
- ۱۳۳ وضع تشکیلاتی حزب زحمتکشان از خرداد ۱۳۳۰ تا مهرماه ۱۳۳۱ ش
- ۱۳۶ فعالیت حزب در اصفهان
- ۱۳۸ فعالیت حزب پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش:
- ۱۴۰ فعالیت حزب در اصفهان پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش:
- ۱۴۳ سازمان نظارت ملی:
- ۱۴۴ حزب پان ایرانیست:
- ۱۴۸ فعالیت حزب پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش:
- ۱۵۰ جبهه ی ملی ایران:
- ۱۵۰ اشاره
- ۱۵۰ جبهه ی ملی اول:
- ۱۵۴ فعالیت جبهه ی ملی در اصفهان:
- ۱۵۴ اشاره
- ۱۵۵ جبهه ی ملی دوم:
- ۱۵۸ نهضت آزادی:
- ۱۶۰ نهضت آزادی در اصفهان:
- ۱۶۵ فصل سوم: گروه ها و سازمان های سیاسی- فرهنگی- نظامی فعال در اصفهان پیش از انقلاب اسلامی
- ۱۶۵ اشاره
- ۱۶۷ گروه های فکری- فرهنگی فعال در طی سال های ۱۳۵۵-۱۳۲۰ ش
- ۱۷۱ هیئت علمیه ی اصفهان:
- ۱۷۲ فعالیت هیئت علمیه اصفهان پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش:

- ۱۷۴ جامعه ی تعلیمات اسلامی:
- ۱۷۵ تأسیس مدارس جامعه ی تعلیمات اسلامی:
- ۱۷۸ مدارس جامعه ی تعلیمات اسلامی در شهر اصفهان:
- ۱۸۹ گروه های فکری- فرهنگی فعال در طی سال های ۱۳۵۵ - ۱۳۴۰ ش
- ۲۰۰ فعالیت انجمن حجّیه در اصفهان:
- ۲۰۸ مرکز آموزشی احمدیه:
- ۲۱۱ هیئت های مؤتلفه:
- ۲۱۳ فعالیت در اصفهان:
- ۲۱۵ کانون تعلیمات و تبلیغات اسلامی بانوان اصفهان:
- ۲۱۶ جامعه ی معلمان اصفهان:
- ۲۱۸ کانون جهان اسلام:
- ۲۱۹ دبیرستان ادب:
- ۲۲۰ گروه های نظامی فعال پس از قیام ۱۵ خرداد
- ۲۲۱ سازمان مجاهدین خلق:
- ۲۲۲ فعالیت های سازمان مجاهدین خلق:
- ۲۲۵ گروه منصورون:
- ۲۲۶ گروه توحیدی صف:
- ۲۲۷ فعالیت در اصفهان:
- ۲۲۷ گروه فلاح:
- ۲۲۸ گروه مهدویون:
- ۲۳۰ فعالیت در اصفهان:
- ۲۳۱ سازمان چریک های فدایی خلق:
- ۲۳۴ گروه هدفی ها و غائله ی شهید جاوید:
- ۲۳۴ گروه هدفی ها:
- ۲۳۸ غائله ی شهید جاوید:
- ۲۴۳ فصل چهارم: زندگینامه ی رجال و شخصیت های فعال در شهر اصفهان از شهریور ۱۳۲۰-۱۳۵۶ ش

- ۲۴۳ اشاره
- ۲۴۶ الف)چهره های مبارز روحانی
- ۲۴۶ حاج آقا رحیم ارباب
- ۲۴۷ شهید آیت الله بهشتی:
- ۲۵۰ سید جلال الدین طاهری:
- ۲۵۴ آشنایی با امام:
- ۲۵۵ احمد سالک:
- ۲۵۷ آیت الله خادمی:
- ۲۶۴ اصفهان در آغاز نهضت و نقش آیت الله خادمی:
- ۲۷۱ آیت الله حسینعلی منتظری:
- ۲۷۶ آیت الله سید محمدرضا خراسانی:
- ۲۷۹ حجت الاسلام حاج شیخ غلامرضا فیروزیان:
- ۲۸۳ حجت الاسلام قربانعلی دری نجف آبادی:
- ۲۸۴ حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد احمدی:
- ۲۹۳ آیت الله سید ابوالحسن آل رسول:
- ۲۹۳ حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی رهبر:
- ۲۹۵ محمد حسن رحیمیان:
- ۲۹۶ ب)چهره های مبارز سیاسی- فرهنگی
- ۲۹۶ فریدون مختاریان:
- ۲۹۷ حسین گلپیدی:
- ۳۰۰ علی اکبر پرورش:
- ۳۰۲ رضا جدیدی:
- ۳۰۳ محمد علی الشریف:
- ۳۰۵ فضل الله صلواتی:
- ۳۰۶ محمد منتظری:
- ۳۰۹ پیوست ها

۳۱۶ ----- اسناد

۳۶۲ ----- تصاویر:

۳۶۹ ----- فهرست منابع:

۳۷۰ ----- کتب:

۳۷۹ ----- مقالات:

۳۷۹ ----- روزنامه:

۳۸۰ ----- پایان نامه:

۳۸۰ ----- مصاحبه:

۳۸۰ ----- سایت:

۳۸۳ ----- درباره مرکز

رود زاینده : مبارزات مردم اصفهان در دوره پهلوی دوم تا سال (1356)

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابطحی، سیدعلیرضا، 1342 -

عنوان و نام پدیدآور : رود زاینده: مبارزات مردم اصفهان در دوره پهلوی دوم (تا سال 1356)/ سیدعلی رضا ابطحی؛ [برای] آموزش و پژوهش اصفهان، حوزه هنری استان اصفهان؛ ویراستار زهرا صفائیان.

مشخصات نشر : اصفهان: نشر اسپانه، 1397.

مشخصات ظاهری : 338 ص. مصور، جدول، نمونه، عکس؛ 5/14×5/21 س م.

شابک : 300000 ریال 3-714-977-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت : کتابنامه: ص. 327 - 338؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : مبارزات مردم اصفهان در دوره پهلوی دوم (تا سال 1356).

موضوع : سیاستمداران -- ایران -- اصفهان -- قرن 14

Politicians -- Iran -- Esfahan -- 20th century

روحانیت -- ایران -- اصفهان -- فعالیت های سیاسی

Clergy -- Iran -- Esfahan -- Political activity

موضوع : اصفهان -- تاریخ -- قرن 14 -- جنبش ها و قیام ها

Esfahan (Iran) -- History -- 20th century -- *Protest movements

اصفهان -- سیاست و حکومت -- قرن 14

Esfahan (Iran) -- Politics and government -- 20th century

ایران -- تاریخ -- پهلوی، 1320 - 1357 -- جنبش ها و قیام ها

Iran -- History -- Pahlavi, 1941 - 1978 -- *Protest movements

شناسه افزوده : سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری استان اصفهان. واحد آموزش و پژوهش

رده بندی کنگره : DSR2073 اص 77 الف 2 1397

رده بندی دیویی : 955/93

شماره کتابشناسی ملی : 5213445

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فاپا

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم مرضیه محمدی سر پیری

ص: 1

اشاره

رود زاینده : مبارزات مردم اصفهان در دوره ی پهلوی دوم تا سال (1356)

دکتر سید علی رضا ابطحی

1396

ص: 3

آموزش و پژوهش اصفهان

حوزه هنری استان اصفهان

رود زاینده

نگارش: دکتر سید علی رضا ابطحی

هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

مدیر فنی: علی خطیبی

صفحه آرایی: محمد علی ناصحی

لیتوگرافی: سروش

چاپ و صحافی

چاپ اول: 1396

شمارگان: 1000 نسخه

شابک:

قیمت:

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

نشانی، تهران خیابان حافظ خیابان، رشت، پلاک 23 صندوق پستی: 1144-15815

تلفن: 61942 سامانه پیامک: 3005319 تلفن مرکز پخش (پنج خط): 66460993 فکس: 66469951

www.iricap.com

نشانی اصفهان خیابان، آمادگاه ساختمان سوره تلفن مرکز پخش اصفهان: 031-32209595

www.artcafahan.com

ص: 4

پیشگفتار...9

مقدمه...15

فصل اول...19

مروری بر تحولات اشغال ایران و قیام پانزده خرداد در اصفهان...19

آغاز نهضت اسلامی در شهر اصفهان...21

اصفهان و تصویب لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی...32

اصفهان و انقلاب سفید انقلاب (ششم بهمن 1341)...37

اصفهان پس از حوادث نوروز 1342 ش...40

واقعه ی 15 خرداد در اصفهان...46

واکنش ها به دستگیری آیت الله خمینی...47

الف) روحانیان...47

ب) بازاریان و اصناف...54

ج) دانش آموزان...58

آزادی امام خمینی و بازتاب آن در اصفهان...62

فصل دوم...73

مروری بر فعالیت مستمر احزاب سیاسی در اصفهان (55-20 ش)...73

حزب توده ی ایران: ...78

فعالیت حزب توده در اصفهان: ...82

زمینه ی تشکیل اتحادیه های کارگری در اصفهان: ...84

آخرین اقدامات فداکار در شورای اتحادیه ی کارگری اصفهان: ...101

فعالیت حزب توده پس از کودتای 28 مرداد 1332 ش: 113...

اتحادیه ی کارگران و برزگران ایران: 116...

ص: 5

حزب زحمت کشان ملت ایران: 117...

چگونگی تشکیل حزب زحمت کشان ملت ایران: 118...

وضع تشکیلاتی حزب زحمت کشان از خرداد 1330 تا مهر ماه 1331 ش: 119...

خطوط عمده ی فعالیت حزب زحمت کشان: 121...

فعالیت حزب در اصفهان: 122...

فعالیت حزب پس از کودتای 28 مرداد 1332 ش: 124...

فعالیت حزب در اصفهان پس از کودتای 28 مرداد 1332 ش: 126...

سازمان نظارت ملی: 129...

حزب پان ایرانیست: 130...

فعالیت حزب پس از کودتای 28 مرداد 1332 ش: 134...

جبهه ملی ایران: 136...

فعالیت جبهه ی ملی در اصفهان: 140...

جبهه ی ملی دوم: 141...

نهضت آزادی: 144...

نهضت آزادی در اصفهان: 146...

فصل سوم 151...

گروه ها و سازمان های سیاسی - فرهنگی - نظامی فعال در اصفهان پیش از انقلاب اسلامی 151...

گروه های فکری - فرهنگی فعال در طی سال های 1320-1355 ش: 153...

هیئت علمیه ی اصفهان: 157...

جامعه ی تعلیمات اسلامی: 160...

تأسیس مدارس جامعه ی تعلیمات اسلامی: 161...

مدارس جامعه تعلیمات اسلامی در شهر اصفهان: 164...

گروه های فکری - فرهنگی فعال در طی سال های 1340-1355 ش: 175...

فعالیت انجمن حجّیه در اصفهان: 186...

مرکز آموزشی احمدیه: 194...

هیئت های مؤتلفه: 197...

فعالیت در اصفهان: 199...

ص: 6

کانون تعلیمات و تبلیغات اسلامی بانوان اصفهان: 201...

جامعه‌ی معلمان اصفهان: 202...

کانون جهان اسلام: 204...

دیبرستان ادب: 205...

گروه‌های نظامی فعال پس از قیام 15 خرداد... 206

سازمان مجاهدین خلق: 207...

فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق: 208...

گروه منصورون: 211...

گروه توحیدی صف: 212...

فعالیت در اصفهان: 213...

گروه فلاح: 213...

گروه مهدویون: 214...

فعالیت در اصفهان: 216...

سازمان چریک‌های فدایی خلق: 217...

گروه هدفی‌ها و غائله‌ی شهید جاوید... 220

گروه هدفی‌ها: 220...

غائله‌ی شهید جاوید: 224...

فصل چهارم... 229

زندگینامه‌ی رجال و شخصیت‌های فعال در شهر اصفهان از شهریور 1320-1356 ش... 229

الف) چهره‌های مبارز روحانی... 232

حاج آقا رحیم ارباب: 232...

شہید آیت اللہ بہشتی: 233...

سید جلال الدین طاہری: 236...

علی جنتی: 239...

آشنایی با امام: 240...

احمد سالک: 241...

آیت اللہ خادمی: 243...

ص: 7

آیت الله حسین علی منتظری: 257...

آیت الله سید محمد رضا خراسانی: 262...

حجت الاسلام حاج شیخ غلام رضا فیروزیان: 265...

حجت الاسلام قربان علی دری نجف آبادی: 269...

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد احمدی: 270...

آیت الله سید ابو الحسن آل رسول : 279...

حجت الاسلام و المسلمین محمد تقی رهبر: 279...

محمد حسن رحیمیان: 281...

ب) چهره های مبارز سیاسی - فرهنگی 282...

فریدون مختاریان: 282...

حسین گلیدی: 283...

علی اکبر پرورش: 286...

رضا جدیدی: 288...

محمد علی الشریف: 289...

فضل الله صلواتی: 291...

محمد منتظری: 292...

پیوست ها: 295...

اسناد: 299...

تصاویر: 322...

فهرست منابع: 327...

اسناد منتشر نشده: 327...

اسناد منتشر شده: 327...

کتاب: 328...

مقالات: 336...

روزنامه: 336...

پایان نامه: 337...

مصاحبه: 337...

سایت: 337...

ص: 8

به باور بسیاری از محققان و نویسندگان رویداد های سیاسی اجتماعی در هر جامعه ای هم چون موجودی می ماند که از پیوند گذشته و فراز و نشیب آینده شکل می گیرد رشد می کند می بالد و شکوفا می شود و اگر تغییر مسیر و ماهیتی نیابد در هیاهوی شتابنده ی سایر رویداد ها گم می شود بررسی تحولات سیاسی اجتماعی اصفهان در سال های 1320 - 1355 ش از این قاعده مستثنی نیست. چرا که علی رغم ابهامات و تفاوت دیدگاه هایی که درباره ی ثبت و شرح و تفسیر رویداد های رخ داده در این سال ها در شهری چون اصفهان، از هنگام خروج رضا شاه از کشور و اشغال ایران به ویژه پس از رحلت آیت الله بروجردی و طرح مسئله ی انجمن های ایالتی و ولایتی و پس از آن اصلاحات ارضی منتهی به انقلاب سفید، وجود دارد جریان های شکل گرفت که در تصادم با سایر لایه ها، فراز و نشیب بسیاری یافت. از این رو در راستای حفظ و بررسی رویداد هایی که به مرور با گذشت زمان به فراموشی سپرده شده و یا به کنج کتابخانه ها و محل نگهداری اسناد و مدارک خانوادگی رانده می شود و با هدف ثبت این تحولات جهت آگاهی نسل جوان به ویژه هنرمندان در گرایش های مختلف و فراهم کردن زمینه ی لازم برای آن ها جهت استفاده در فعالیت های هنری اعم از داستان فیلمنامه بر اساس واقعیت های مربوط به عملکرد مردم گروه ها احزاب سیاسی و سیر مبارزات مردم اصفهان در سال های 1340 - 1355 شمسی جمع آوری و نوشتن این کتاب در دستور کار قرار گرفت. در مسیر جمع آوری مطالب این کتاب تا حد امکان از منابع منتشر شده در این خصوص به ویژه اسنادی که از طرف وزارت اطلاعات تحت عنوان

«اصفهان در انقلاب و یا انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک» منتشر شده بهره بردیم هم چنین در بخش زندگی نامه ها منبع اصلی اسناد منتشر شده درباره ی این چهره ها با عنوان یاران امام به روایت اسناد ساواک بوده است. از منابع تحقیقاتی جدید و نیز زندگینامه هایی که در چند سال اخیر در راستای معرفی چهره های فعال در جریان پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شده است نیز اطلاعات ارزشمندی جمع آوری شده است.

البته ذکر چند نکته نیز ضروری می نماید؛ نخست آن که در سیر بررسی تحولات جزئیات کمتر مورد توجه قرار گرفته اند که پرداختن به آن نه امکان پذیر بود نه شاید درست؛ زیرا علاوه بر کمبود وقت و حجم زیاد احتمالی کار این اشکال را نیز در پی داشت که از توازن مطلب در فصول مختلف جلوگیری می کرد. در برخی موارد ذکر جزئیات زیاد است و در برخی از موارد نیز آگاهی چندانی از جزئیات نبود. علاوه بر آن ورود به جزئیات پذیرش اختلاف نظرات و موضع گیری های مربوطه را نیز به دنبال می آورد که از نظر نگارنده قابل پذیرش نبود ضمن آن که بسیاری از جزئیات را می توان در بخش زندگینامه ها پیدا کرد. نکته ی دوم آن که همان گونه که ذکر شد اگر قرار بود در بخش زندگینامه ها از همه ی افراد و اشخاصی که به نوعی در سال های قبل از انقلاب نقشی ایفا کرده اند، یاد شود، طبعاً حجم زندگینامه ها بالغ بر چند جلد می شد. از این رو گزیده ای کلی و غیر پیش بینی شده از زندگینامه ها، به ویژه کسانی که از عملکرد و فعالیت سیاسی آن ها، شرح مستندی وجود داشت ارائه شد و البته جای خالی این گونه زندگینامه ها خالی است برخی از این چهره ها علی رغم فراز و نشیب های سیاسی در جامعه به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به طور مفصل معرفی شده و برخی موارد کم توجهی قرار گرفته اند. در این راستا برای پرهیز از ورود به اختلافات محلی، فکری و سیاسی به وجود آمده در طول سال های بعد از انقلاب شرح زندگی افراد تا قبل از اوج گیری مبارزات عمومی مردم و پیروزی انقلاب و پس از آن ارائه شده است.

نکته ی سوم در مبحث مربوط به گروه ها، انجمن ها کانون ها و دسته های مذهبی و... احتمالاً نام بسیاری از قلم افتاده ضمن پذیرش این نقضیه قابل ذکر است که برای رسیدن به مقصود نیاز به یک کتاب جدی فرصت کافی و البته از همه مهم تر مفاهمه و آمادگی متقابل به شدت احساس می شود. بسیاری از افراد به دلایل مختلف حاضر به همکاری نشده یا بهانه ی، فراموشی اشتغال و نبود اسناد نظر را جهت وارد نشدن به بحث های جدی مطرح کردند و یا علی رغم تلاش برای مصاحبه به دفع الوقت گذراندند. رسیدن به نقطه ی مورد نظر البته امکان پذیر است ولی نیاز به حوصله وقت و تلاش جمعی و جدی دارد در این راستا فعالیت نهاد ها و سازمان هایی همانند سازمان مجاهدین خلق انجمن حجّیه فعالان نهضت، آزادی هدفی ها مؤتلفه اسلامی و بازماندگان حزب زحمت کشان اعضای موسوم به گروه 90 نفر و بسیاری دیگر از این انجمن ها و دسته ها و کانون ها هم چنان جای کار جدی و دقیق دارد و می توان این تحقیق را مقدمه ای برای بررسی و تحقیق و کنکاش جدی و محققانه ی بعدی قرار داد. به عبارت دیگر این گام نخست نیست، ولی گام نهایی هم نیست. به جرأت می توان گفت نسبت به کار های انجام شده ی قبلی امتیازات و دسته بندی خاص خود را دارد که در هیچ یک از کار های قبلی دیده نمی شود، ولی به نسبت گسترگی موضوع خلا ها، نقصان و اشکالات خاص خود را نیز می تواند در بر داشته باشد امید است که این تلاش راه را برای محققانی که در این زمینه می توانند با حوصله و پشتکار و دقت و بررسی همه جانبه تر به فعالیت ها، اقدامات و تلاش ها پردازند هموار کند با توجه به توضیحات ارائه شده ی قبل مباحث در چهار فصل تنظیم شده است. در فصل اول، نگاهی کلی به اوضاع اصفهان در سال های پس از انتقال ایران به ویژه در سال های قبل از وقوع قیام پانزده خرداد تا هنگام تبعید امام خمینی به ترکیه مورد توجه قرار گرفته است. در فصل دوم فعالیت احزاب و گروه های سیاسی فعال در دوره ی سی و پنج ساله از سلطنت پهلوی دوم تا قبل از پیروزی انقلاب مورد بررسی قرار گرفته است و نسل جوان

از خلال مباحث فصل دوم و فصل سوم به اقدامات جمعی سازمان یافته در قالب حزب، سازمان و گروه های سیاسی و نظامی تا حدی می توانند آشنا شوند و این آگاهی ها می تواند به مقدمه ای برای نگاشتن سناریو ها و فیلمنامه هایی تبدیل شود که به ویژه دانشجویان و علاقه مندان رشته های هنری از آن استفاده برند. فصل سوم فصل نسبتاً متفاوتی است و با تکیه بر اطلاعات موجود تلاش بر آن بوده است تا ریشه ی فعالیت بسیاری از گروه های فعال در زمینه های سیاسی-فکری-فرهنگی و نظامی که در سال های مورد بحث این کتاب فعالیت داشته اند واکاوی شود از این رو برای سهولت در استفاده در دو مرحله ی شهریور 1320 تا سال 1340 از 1340 تا 1355 ش مطرح و ارائه شده است. فصل چهارم به شرح زندگی برخی از چهره ها و فعالین عرصه ی مبارزه با حکومت پهلوی دوم اختصاص دارد که به و تفاوت هر کدام نقشی در این زمینه ایفا کرده و تلاش هایی انجام داده اند.

در این جا لازم است از مدیریت حوزه هنری تبلیغات اسلامی اصفهان آقای دکتر احمدی فر و آقای حاج علیان و همکاران ایشان در اصفهان و تهران که با حسن ظن و حوصله این کتاب را مورد توجه قرار داده اند تشکر کنم. این کتاب و تلاش جمعی علی رغم کاستی هایی که دارد در نوع خود از جامعیت نسبی برخوردار است در آن از سلايق احزاب، گروه ها، کانون ها و افراد گوناگون سخن رفته؛ چرا که هدف اولیه ثبت بوده است نه اثبات و امید است که در آینده بتوان کاستی های آن را زدود.

بر خود فرض می دانم تا از مسئولین و کارکنان کتابخانه های دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد مرکز تحقیقات، معلمان شهرداری اصفهان خانه ی انقلاب اصفهان شناسی و باغ طویی که ما را در انجام کار یاری کردند تشکر کنم در ضمن از آقایان عیدی و رسولی پور به ویژه حاج آقا زمانی رئیس محترم مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل اصفهان که در این مسیر ما را راهنمایی کردند، سپاس گزارم. در راه انجام این کتاب از قبول همکاری و مصاحبه و کمک

برای رسیدن به مقصود از طریق افرادی هم چون دکتر فضل الله صلواتی، حاج آقا جدیدی الشریف و حجت الاسلام تویسرکانی آقای فریدون مختاریان قدرانی می کنم تشکر از جناب آقای الیاس شیخی به دلیل دادن امکان و اجازه ی استفاده از تحقیقات و کتاب های چاپ شده و در انتظار چاپ ایشان که در اختیار ما گذاردند، لازم است و بدیهی است؛ ایشان بر من حق همکاری و عنایت دارند و با سپاس از همکاری دانشجویان و فارغ التحصیلان گرامی هم چون خانم ها مریم توسلی در بحث گروه های چپ حوریه موحد نژاد در بحث زندگینامه ها، فاطمه درخشانی که در بحث زندگی استاد پرورش همراه من بودند.

از همکاری صمیمانه ی از خانم ها پرینا امینیان و کیمیا کشتی آرا که در جمع آوری تنظیم و تألیف این کتاب از کمک و همکاری آنان برخوردار بودم، خشنود و سپاس گزارم. اگر همکاری خانم کشتی آرا در تنظیم و تدوین نهایی نبود، این کتاب شکل فعلی خود را نمی یافت در مسیر انجام این کتاب موفقیت ها را مدیون دوستان و عزیزان هستم. ولی مسئولیت کاستی ها بر عهده ی این جانب خواهد بود.

در پایان از دوستان و عزیزان علاقه مند و نکته سنجی که این نوشتار را مورد مطالعه قرار می دهند تشکر کرده و پیشاپیش کاستی هایی که می توان ناشی از برخی اختلاف نظرات و سلايق و نادیده انگاشته شدن جزئیات یا تحلیل سهم افراد در حدوث وقایع دانست را بر عهده ی خود می دانم و انتظارم این است که با سعه ی صدر این نوشتار را مورد دقت قرار داده و با راهنمایی های خود این جانب را مساعدت کنند بدیهی است اختلاف نظرات و سلیقه ها و گرایش های مختلف سیاسی می تواند در ارزیابی این کار نتایج متفاوتی به دنبال داشته باشد. مهم این است که تلاش برای ارائه یک مجموعه ی نسبتاً دقیق و مستند مدنظر بوده و امیدوارم که در آینده با راهنمایی هایی اهل قلم و صاحبان اندیشه و کمک هایی که به این جانب خواهند کرد نسبت به رفع کاستی ها اقدام شود.

حوزه ی هنری و تبلیغات اسلامی شاخه ی اصفهان و دوستان در مجموعه ی این نهاد بر این باور هستند که انشالله کاستی ها در آینده مورد توجه قرار گرفته و بر طرف خواهد شد.

به فضل و کرمه

شب میلاد آقا علی بن موسی الرضا 92/6/25

سید علی رضا ابطحی، استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد

ص: 14

مردم اصفهان به تبع سابقه‌ی روحانیان و چهره‌های فعال سیاسی بازمانده از دوران مشروطه در این سال‌ها با پشت سر گذاشتن کوله‌باری از تجارب ملی شدن نفت وارد عرصه جدیدی شدند که با رویدادها و تحولات سایر نقاط به ویژه قم و تهران پیوندی نزدیک داشت و از هنگام به صحنه آمدن آیت الله خمینی (ره)، روحانی کمتر شناخته شده‌ای که بعداً رهبر انقلاب اسلامی ایران شد، در کنش و واکنش نسبت به حوادث هم چون تصویب قانون اصلاحات ارضی (انقلاب سفید)، واقعه‌ی فیضیه‌ی قم دستگیری امام و قیام پانزده خرداد و تبعید ایشان وارد عمل شدند تحقیق کردن و نوشتن کتاب در این زمینه امری سهل و ممتنع است؛ سهل از این رو که در نگاه اول بسیاری از رویدادها و تحولات آشکار و ثبت شده است و ممتنع به این خاطر که کاستی‌ها اختلاف نظرها و تحلیل‌ها بسیار است. هر چه تلاش بیشتری انجام شود لایه‌های جدید به بحث وارد می‌شود که حوزه‌ای جداگانه را می‌طلبد. تفکیک دقیق و روشن رویدادها و عناصر شرکت‌کننده در آن تقریباً امکان‌پذیر نیست؛ زیرا به دلیل در هم آمیختگی فعالیت گروه‌ها، دسته‌ها، صنوف و اقشار با یکدیگر و هم‌داستانی برخی از آن‌ها در رویدادها، ردپای هر کدام دیده می‌شود؛ به طور مثال در اعتراضات مربوط به دستگیری امام و واکنش نسبت به سرکوب قیام پانزده خرداد گروه‌های مختلفی از جمله روحانی‌بازاری، فرهنگی دانش‌آموز دانشجوی و چهره‌های دانشگاهی و تحصیل کرده در اقداماتی هماهنگ به اعتراض و اعتصاب دست زدند و در ساماندهی هدایت و انجام این اقدام از هر کدام از گروه‌های ذکر شده نمایندگان دیده می‌شود.

شهر اصفهان بنا بر موقعیت جغرافیایی خود از دیرباز متأثر از وقایع و حوادثی بوده که بر ایران زمین گذشته است و گاه خود نیز کانون وقایع و مرکز حوادث سیاسی و اجتماعی بوده است. گویی که تاریخ ایران با صفحات تاریخ اصفهان ورق خورده باشد اصفهان مأمن چهره های شاخص و سرشناس سیاسی و مذهبی، کانون دینداری و مرکز بیداری بوده است به مرور زمان از یک سو با تحولاتی که از مشروطیت به بعد به ویژه دوران پهلوی در ایران و به تبع آن اصفهان رخ داد و از سوی دیگر ظهور روشن فکران و حضور کارگران سبب شد تا این شهر مکانی مناسب برای شروع فعالیت احزاب و گروه های سیاسی مذهبی و مرکزی برای آغاز تحولات باشد. البته این موضوع امری طبیعی بود؛ به عبارت دیگر اصفهان نیز هم چون شهر های دیگر کم و بیش از تحولاتی که در اثر رویداد های خارج و داخل کشور به وقوع می پیوست، تأثیر گرفت؛ به ویژه آن که پس از شهریور 1320 ش / 1941 م، فصلی تازه در تاریخ کشور ورق خورد و تحرک و پویایی بی سابقه ای بر فضای سیاسی حکم فرما شد سقوط حکومت پهلوی و اشغال ایران و به وجود آمدن فضای باز سیاسی که متأسفانه بیشتر منشأ بیرونی داشت تا درونی باعث شد کسانی که برای سال ها گوشه نشینی پیشه کرده و مهر سکوت بر لبان شان زده بودند، به صحنه بازگشته و با تشکیل احزاب و گروه های سیاسی مذهبی در شهر های مختلف از جمله شهر اصفهان دست به فعالیت و تبلیغات زدند هر یک از گروه ها و احزاب بسته به بافت و ساختار فکری سیاسی و توان ارتباط با لایه های مختلف جامعه و اصحاب قدرت توانستند به سهم خودشان مردم را در این مسیر با خود هم سو کنند. امتیازات شهر اصفهان از قبیل، وسعت جمعیت سابقه ی تاریخی حضور چهره های فعال و استقرار صنایع، زمینه را برای این گونه حرکت ها مناسب تر کرد. بدین ترتیب فعالان -سیاسی- مذهبی و مردم اصفهان در راه دست به دست شدن قدرت کابینه های مختلف منازعات و کشمکش های سیاسی کشور سهم عمده ای داشتند. این روند تا مرداد 1332 ش / 1953 م که مجدداً خفقان نظامی

دوران پهلوی دوم عرصه را برای فعالان سیاسی تنگ کرد، ادامه یافت. ناتوانی طبقات مختلف جامعه و نخبگان و رهبران سیاسی - اجتماعی و ترفند ها و همداستانی های خارجی باعث شد تا با کودتا زمینه برای سرکوب مخالفان از هر دست فراهم شود و دوران ده ساله ی 32-42 به دورانی توأم با سکوت و رکود در فعالیت های، سیاسی اجتماعی شود. با آغاز نهضت آیت الله

خمینی و زده شدن اولین جرقه های اعتراض به تصویب نامه ی انجمن های ایالتی و ولایتی مردم اصفهان این بار به رهبری روحانی هایی هم چون آیت الله سید حسین خادمی مرحومین آیت الله سید محمد احمدی فروشانی و آیت الله سید جلال الدین طاهری و آیت الله منتظری در نقاطی مانند اصفهان، نجف آباد، سده (خمینی شهر) همگی به صحنه بازگشته و چهره های تازه نفس سیاسی فرهنگی و بازاری با آن ها همراه شدند. نخستین واکنش انقلابی ها به دستگیری و تبعید آیت الله خمینی تعطیلی بازار و درس حوزوی و مخالفت با رژیم شاهنشاهی نشان از نقش و حضور پررنگ فعالان انقلابی و مردم این شهر در صحنه تا پیروزی انقلاب

اسلامی دارد.

گر چه پس از سرکوب خون بار قیام پانزده خرداد و تبعید رهبر مبارز (امام خمینی) به خارج از کشور و فعالیت همه جانبه ی دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی حکومت پهلوی بار دیگر چرخه ی رفت و برگشت استبداد تکرار شد ولی در این سال ها فعالیت ها و تلاش هایی صورت گرفت. در این کتاب تلاش بر آن است تا با تکیه بر کتب، اسناد، شواهد و مدارک موجود به بازخوانی و تشریح آن پرداخته شود. البته در این مسیر علی رغم توفیق برای دستیابی به آثار، نوشته ها، اسناد و غیره هنوز با بخش زیادی از اسناد و مدارک غیر قابل دسترسی و یا نیازمند به بازخوانی و تحقیق مجدد روبه رو هستیم تلاش برای مصاحبه با تعداد بیشتری از افراد بازمانده به دلیل کمبود، وقت ناهماهنگی های ناخواسته بی رغبتی، نسیان، احتیاط و ... عملاً انتظار اولیه را برای رسیدن به مطلوب ناکام گذاشت. ولی این به معنای ادامه

ص: 17

ندادن این روش نیست بلکه بدان معناست که باید هر چه سریع تر در این راستا اقداماتی هماهنگ توأم با حوصله و تخصص سامان یابد؛ چرا که با مرور زمان بسیاری از افراد به دلیل کهنلت سن و مرگ صحنه را خالی کرده و ناگفته های خود را با خود می برند.

ص: 18

فصل اول: مروری بر تحولات اشغال ایران و قیام پانزده خرداد در اصفهان

اشاره

ص: 19

همان طور که در مقدمه ذکر شد به نظر می رسد تحولات سیاسی و اجتماعی اصفهان گاه تابعی از حوادث سایر نقاط به ویژه پایتخت و گاه منشأ تأثیرگذاری دیگر مناطق بوده است به عبارت دیگر با خروج پهلوی اول از ایران موقعیت برای فعالیت گروه ها و افراد فراهم شد و نتیجه ی آن پدیداری رنگین کمانی از ، احزاب گروه ها، سازمان ها و کانون هایی بود که هر یک بنا بر موقعیت گردانندگان آن ها ساختار و قدرت تشکیلات و میزان اقبال عمومی مدتی کوتاه یا بلند در صحنه ظاهر شده و گاه ناپدید شدند و یا این که مدت بیشتری به فعالیت ادامه دادند. در فصل دیگر به اختصار درباره ی اسامی عملکرد و نتایج کار آن ها بحث و بررسی شده است. است به هر روی با توجه به رویداد های مهمی که در صحنه ی سیاسی و اجتماعی جامعه به وقوع پیوست، شهر اصفهان هم چون برخی نقاط دیگر مثل تهران ملتهب شده و میدان بروز ناآرامی هایی شد که به تدریج با مرگ مرجعی هم چون آیت الله بروجردی و تلاش دولت برای انجام اقدامات متعددی هم چون تصویب و اجرای لایحه ی اصلاحات ارضی و انجمن های ایالتی و ولایتی به تقابل و رویارویی انجامید. در این فصل چگونگی فراهم شدن زمینه ی اعتراض عمومی از آغاز دهه ی چهل شمسی تا تبعید آیت الله خمینی و نقش و عملکرد مردم اصفهان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

آغاز نهضت اسلامی در شهر اصفهان:

در اوایل دهه ی چهل شمسی پس از یک دوره برقراری آرامش نسبی در ایران حوادث جدیدی شکل گرفت که مقدمه ی وقوع تحولات مهمی در آینده ی کشور شد. در این دوران محمد رضا شاه برنامه های نوین و جدیدی را بر اساس موازین و

الگوهای غربی برای پیشرفت و نوسازی اوضاع کشور در نظر گرفت و امیر اسدالله علم نخست وزیر وقت، مسئول اجرای آن ها شد.

اجرای این برنامه ها با دیدگاه ها و نظرات علما و اقشار مذهبی منافات داشت و با مخالفت از سوی روحانیان و در رأس آن ها آیت الله خمینی (ره) مواجه شد و علم نتوانست این برنامه ها را با موفقیت در کشور اجرا کند. نخستین برنامه ی حکومت پهلوی در 16 مهر 1341 ش با عنوان لایحه ی انجمن های ایالتی ولایتی در هیئت دولت مورد تصویب شد؛ در این قانون قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف شد در مراسم سوگند در مجلس به جای سوگند به قرآن مجید، سوگند به دیگر کتاب های آسمانی مجاز شد و هم چنین در یکی از بند های این لایحه به زنان حق رأی دادند و تساوی حقوق زنان و مردان ذکر شده بود و بدین ترتیب حاکمیت اسلام از بین برده می شد. (1)

اعتراض به تصویب لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی به رهبری روحانیان برای حکومت پهلوی عجیب و غیر منتظره بود زیرا در دوران حکومت رضا شاه و پس از کودتای 28 مرداد 1332 ش، به علت سیاست سرکوب این گونه گروه ها توسط حکومت آن ها از دخالت در امور سیاسی خودداری می کردند. هم چنین آیت الله بروجردی از مراجع تقلید در زمان حیات خود، روحانیان را از دخالت در سیاست منع می کرد. «علما و روحانیون شیعه پس از یک دوره ی سرکوب و خفقان شدید در دوره ی پهلوی اول، میل به سیاست گریزی و دوری از جریانات سیاسی داشتند. این وضعیت حتی پس از سقوط رضا شاه و طی دوره ی 12 ساله ای که در ایران فضای نسبتاً مساعدی برای فعالیت های سیاسی اجتماعی وجود داشت دوام پیدا کرد و علی رغم مسائل و رویداد های مهم این دوره روحانیت شیعه کما کان

ص: 22

1- امینی، علیرضا (1389)، نگاهی به تاریخ ایران از عهد باستان تا انقراض سلسله ی پهلوی انتشارات صدای، معاصر تهران ص 230.

سیاست دیرین خود در دوری از مسائل سیاسی را در پیش گرفت. (1)»

آیت الله خمینی که مانند دیگر روحانیان در زمان حکومت پهلوی فعالیت سیاسی علنی، نداشت در رأس همه ی روحانیان مخالفت خود را با تصویب لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی اعلام کرد. «امام خمینی با دیدگاه های مستقل سیاسی به همراه قابلیت های عظیم علمی و فقهی در دهه ی 40، پس از رحلت دهه ی آیت الله بروجردی، در کنار سایر روحانیون علاقه مند به مسائل سیاسی در جریانات و رویداد های سیاسی- اجتماعی حضوری فعال نشان دادند. البته آیت الله خمینی از ابتدا به تعارض با نظام سلطنتی و خود شاه پرداخت، بلکه حرکت های اولیه ی ایشان اعتراض به برنامه های غیر دینی دولت علم بود. (2)» علی رغم سیاست سرکوب و ارباب حکومت پهلوی، مردم نیز در کنار روحانیان به اعتراض در مورد این لایحه پرداختند و حکومت پهلوی در برابر این مخالفان مجبور به عقب نشینی شد و به توجیه مفاد این لایحه پرداخت.

«سرانجام زیر فشار مردم اسدالله علم در تاریخ بیست و دوم آبان ماه 41 مجبور به شکستن سکوت شد و با لحنی نرم به درخواست علما پاسخ گفت و از لایحه عقب نشینی کرد علم در این تلگرام اعلام کرد که شرایط اسلامیت برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان همان نظر علمای اسلام است. نهایت این که باید به حقوق اقلیت های مذهبی نیز توجه داشت مراد از سوگند به کتاب آسمانی نیز همان قرآن است. (3)» این مصوبه که ابتدا 14 مهر 1341 در هیئت دولت و در زمان نخست وزیری اسدالله علم به تصویب رسیده بود، در تاریخ 10 آذر ماه 1341 لغو شد پس از مدتی در 19 دی ماه 1341 ش، محمد رضا شاه در راستای اجرای برنامه هایی برای بهبود و نوسازی کشور تصمیم گرفت اصول شش گانه ای را تحت

ص: 23

1- شکر زاده، حسن (1386)، مبارزات امام خمینی به روایت اسناد از آغاز نهضت تا تبعید به ترکیه انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران، ص 19.

2- همان، ص 27.

3- استادی، کاظم (1381)، سرنوشت منصور انتشارات قدس تهران، ص 70.

عنوان انقلاب سفید به وسیله ی یک همه پرسی عمومی تصویب کند.

«این شش ماده عبارت بودند از ملی کردن جنگل ها فروش سهام کارخانه های دولتی به بخش خصوصی، سهم کردن کارگران در منافع کارخانه ها، تأسیس سپاه دانش و حق رأی به زنان. (1)» چند روز پیش از اجرای این همه پرسی امام خمینی مخالفت خود را با برگزاری آن اعلام کرد. «امام خود در 2 بهمن سال 41 ضمن اطلاعیه ای اصول شش گانه را غیر قانونی خوانده و فراندوم را اجباری و تحمیلی نامید. (2)» به دنبال این مخالفت محمد رضا شاه دو روز قبل از برگزاری این همه پرسی به قم سفر کرد و در این شهر به دفاع از برنامه های خود پرداخت. «شاه در چهارم بهمن 41 به قم آمد و در این شهر روحانیت را ارتجاع سیاه نامید، آن ها را بدتر از ارتجاع سرخ یعنی توده ای ها معرفی کرد.»

وی در این سخنرانی اصول انقلاب سفید را لازمه ی پیشرفت و توسعه ی ایران دانست و از مخالفان که بیشتر روحانیان بودند انتقاد کرد. «او مدعی شد که بیش از هر کسی به خداوند و ائمه اطهار نزدیک است اصلاحات ارضی را امری خداپسندانه دانست و اعلام کرد افراد قشری و نفهمی وجود دارند که هیچ وقت مغز آنان تکان نخورده و نمی تواند تکان بخورد برای این که متأسفانه قابل تکان خوردن نیستند او در ادامه گفت ما در بین سایر ملل دنیا زندگی می کنیم و نمی توانیم یک دیوار بلند دور خودمان بکشیم و بگوییم که ما با دنیا کاری نداریم و فقط با خودمان زندگی می کنیم این دیگر قابل دوام نیست... (3)» سرانجام این همه پرسی برگزار شد و حکومت پهلوی از برگزاری و نتیجه ی آن اظهار رضایت و خشنودی کرد. در روز ششم بهمن 1341 ش، فراندوم برگزار شد و رژیم اعلام

ص: 24

1- دلانوا، کریستین (1371)، ساواک، ترجمه عبدالحسین نیک، گهر انتشارات طرح نو، تهران، ص 91.

2- جعفریان رسول (1382) جریان و سازمان های مذهبی سیاسی ایران (سال های 56-1320) انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی، اسلامی، تهران ص 150.

3- آبادیان حسین، (1385) دو دهه ی واپسین حکومت پهلوی انتشارات مؤسسه ی مطالعات دهه ی و پژوهش های، سیاسی، تهران ص 263.

داشت که اصول پیشنهادی شاه با استقبال پرشور و بی نظیر مردم روبه رو گردید و در حدود شش میلیون نفر رأی موافق در مقابل چند هزار رأی مخالف به تصویب ملت ایران رسید و رژیم آن روز را روز موفقیت آمیزی اعلام کرد و آن را انقلاب سفید شاه و مردم نامید. (1)

پس از برگزاری این همه پرسى ساواک بر سخت گیری و خشونت خود نسبت به منتقدان حکومت افزود و سعی کرد از هر گونه اقدامی که با موازین حکومت پهلوی در تضاد بود جلوگیری کند اما علی رغم تدابیر به کار گرفته شده، آیت الله خمینی مخالفت خود را با این همه پرسى طی یک سخنرانی اعلام کرد و مردم و روحانیان را به مبارزه با حکومت پهلوی فراخواند. «امام در واپسین روز های سال 1341 ش طی اعلامی های شدید الحزن نوروز سال 1342 را عزای عمومی اعلام کرد و از علما و روحانیون و مردم مسلمان کشور دعوت کرد تا در مخالفت با اقدامات حکومت و انقلاب سفید تزلزلی به خود راه ندهند به دنبال این اعلامیه علما و روحانیون بسیاری از نظرات او پیروی کرده طی اعلامیه هایی تصریح کردند که مردم مسلمان سال 1342 ش عید نخواهند داشت. (2)» مسئله ی تحریم عید نوروز در آغاز سال 1342 ش به صورت جدی از جانب طلاب حوزه علمیه و روحانیان رعایت شد و آن ها با عملکرد و رفتار خود نوروز را تحریم کردند. «علما و روحانیون در برخورد و ملاقات نوروی به جای تبریک و شادباش گفتن به یکدیگر آیه ی انا لله و انا الیه راجعون و تسلیت می گفتند در شهر قم بالای درب بعضی از مدارس دینی پرچم سیاه که روی آن با خط درشت نوشته شده بود «امسال مسلمین عید ندارند» افراشته شده بود و جلب نظر می کرد. در مدرسه ی فیضیه نیز پلاکاردی حمل بر عزاداری به چشم می خورد به علاوه بسیاری از روحانیون و محصلین

ص: 25

-
- 1- امینی، علی رضا (1381)، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی انتشارات صدای معاصر، تهران، ص 271.
 - 2- شاهی، مظفر ، 1386، ساواک سازمان اطلاعات و امنیت کشور (1357 - 1335)، انتشارات مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی، تهران، ص 318.

علوم اسلامی حوزه ی علمیه ی قم نوار سیاه رنگی که سوگ و ماتم را می رسانید بر سینه زده بودند. (1)» روز دوم فروردین 1342 ش، در مدرسه ی فیضیه ی قم به مناسبت شهادت امام جعفر صادق (علیه السلام) مراسم سوگواری ای برگزار شد. این مراسم از سوی کماندو ها و نیرو های امنیتی مورد حمله قرار گرفت و عده ای از طلاب شرکت کننده در آن مجروح شدند. با وقوع این ماجرا مبارزات آیت الله خمینی با حکومت پهلوی و برخورد حکومت با وی وارد مرحله ی جدیدی شد.

«طبعاً شدت برخورد امام با شاه و دولت بیشتر شد. مقابله ی شاه با نهضت ایجاد شده با تصمیم بردن طلاب جوان به سربازی تلافی شد. کار هایی هم ضد امام صورت گرفت تا میان وی و سایر علما اختلاف افکنده شود اما اطلاعیه های امام چنان آتشین بود که موقعیت وی را هر روز بیش از پیش محکم می کرد. (2)» پس از سرکوب مخالفان و روحانیان در فیضیه تا مدت کوتاهی اوضاع آرام بود. اما در عاشورای همان سال علی رغم ایجاد جو امنیتی و سرکوب گرایانه توسط ساواک امام خمینی در این روز در جمع هواداران خود در قم سخنرانی کرد و بار دیگر مخالفت خود را با برنامه های حکومت پهلوی ابراز کرد این سخنرانی سرانجام باعث دستگیری امام خمینی در روز 15 خرداد و وقوع قیام در این روز و درگیری

میان دو طرف شد.

گزارشات ساواک نشان می دهد که از همان نخستین ساعات روز 15 خرداد در تهران و قم مخالفت عمومی با حکومت به سرعت فراگیر شد و جمعیت عظیمی از گوشه و کنار شهر با سر دادن شعار هایی بر ضد حکومت با نیرو های، اطلاعاتی امنیتی و نظامی درگیر شوند در این حال نیرو های امنیتی انتظامی به دستور مستقیم شاه و امیر اسدالله علم نخست وزیر با تظاهرات کنندگان در تهران و قم و سایر مناطق درگیر شدند که ساعت ها ادامه داشت و طی آن افراد بسیاری به

ص: 26

1- افراسیابی بهرام 1367 ایران و، تاریخ انتشارات علم، تهران، ص 359.

2- جعفریان، رسول جریان ها و سازمان های مذهبی، ایران 56 - 1320، ص 151.

شهادت رسیده و یا مجروح شدند. (1)» همان گونه که در آغاز بحث گفته شد مردم اصفهان که در ادوار مختلف تاریخ پیوسته در مبارزات مختلف در کنار روحانیت حرکت می کردند و پیروی از روحانیت را همواره سرلوحه کار خویش قرار می دادند در این برهه از زمان و آغاز نهضت اسلامی به رهبری آیت الله خمینی همانند مردم در قم و تهران و بسیاری از دیگر شهر های ایران در اعتراض به عملکرد حکومت پهلوی به میدان مبارزه وارد شدند.

اصفهان پس از مرگ آیت الله بروجردی و انتخاب آیت الله خمینی به مرجعیت حوزه ی علمیه ی اصفهان یکی از بزرگترین حوزه های علمیه ی ایران محسوب می شد. در این حوزه ی بزرگ هر یک از روحانیان اصفهان از تشکیلات و سلسله مراتب خاصی برخوردار بودند و هر کدام از آن ها یک رهبر داشتند. هیئت علمیه ی اصفهان یکی از مهم ترین این تشکل ها بود این هیئت در هفته دو بار جلسه ای پیرامون امور سیاسی و اجتماعی کشور برگزار می کرد و هدف آن ها ایجاد وحدت در کلیه ی امور بود. «گزارش مورخ 43/4/2 ساواک اصفهان نام اعضای آن هیئت را به شرح ذیل معرفی کرده است: 1- حاج آقا حسین خادمی رئیس هیئت 2- میرزا ابوالحسن شمس آبادی - میرزا سید علی ابطحی 4- حاج سید محمد رضا روضاتی -5- حاج آقا باقر رجایی 6- جمال الدین سده ی 7- عبدالحسین طیب 8- حاج شیخ مهدی نجفی 9- شیخ ابوالحسن نجفی» (2)

هیئت علمیه اصفهان با عموم مردم پیوند عمیقی داشت و دارای نفوذ زیادی بود. هیئت صاحب نفوذ دیگر هیئت وعاظ اصفهان بود. «این هیئت هفته ای یک بار در روز های یکشنبه جلسه تشکیل می داد و وظیفه ی متشکل نمودن روحانیون رده ی میانی و وعاظ اصفهان را بر عهده داشت. (3)» از مهم ترین اعضای آن می توان

ص: 27

1- شاهی، مظفر ساواک سازمان اطلاعات و امنیت کشور 1357 - 1335، ص 329.

2- مهر علی زاده مهدی تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان، ص 40.

3- همان ص 41.

به سید علی گیوه ای رئیس هیئت سید احمد عماد سید اصغر هاشمی و ... اشاره کرد هیئت صاحب نفوذ دیگر در اصفهان هیئت مدارس بود که ریاست آن را شیخ غلامرضا فیروزیان بر عهده داشت هیئت دبیران روحانی فرهنگی دیگر هیئت صاحب نفوذ روحانیان در اصفهان بود و روحانیانی چون آیت الله زند کرمانی، آیت الله ارباب آیت الله مهدی نجفی و ... از اعضای مهم آن بودند. همه ی روحانیان اصفهان نسبت به آیت الله بروجردی که از مراجع مهم شیعیان محسوب می شد ارادت داشته و در میان عموم مردم نیز مرجعیت و تقلید از وی را توصیه و تبلیغ می کردند.

پیوند مردم اصفهان با روحانیت از دیرباز بسیار محکم و عمیق بود و عده ی زیادی از مردم این شهر مقلد آیت الله بروجردی بودند و از همان ابتدا که خبر بیماری و بستری شدن ایشان منتشر شد برای بهبودی حال وی دست به دعا برداشتند و امیدوار بودند که سلامتی اش را به دست بیاورد اما در روز دهم فروردین 1340 آیت الله بروجردی پس از مدت ها مبارزه با بیماری از دنیا رفت. «هنگامی که بدرود حیات گفت ارادتمندان اصفهانی او هنوز سرگرم برگزاری مراسم جشن شکرانه ی بهبودی ایشان بودند اما تقدیر چیز دیگری رقم زده بود. رهبر مذهبی شیعیان در ساعت هفت و پنج دقیقه شبه دهم فروردین 1340 بعد از تکرار جمله ی لا إله إلا الله رخت از جهان بر بسته بود این خبر در تمامی نقاط اصفهان نیز منتشر شد و تأثیر شگرفی را بر جای گذارد.» (1) اقشار و گروه های مختلف مردم اصفهان نیز مانند دیگر هموطنان از مرگ آیت الله بروجردی متأثر شده و در غم از دست دادن او به عزاداری پرداختند. ساعاتی بعد پرچم های عزا جای پرچم های رنگین را گرفت. از بلندگو های همه ی مساجد صدای قرائت قرآن پخش می شد. بسیاری از اصفهانی ها جامه ی سیاه بر تن کردند مساجد کوچک و بزرگ این شهر محل تجمع سوگواران شد و در این میان حتی پیروان دیگر ادیان نیز به علامت هم دردی

ص: 28

1- حنیف محمد، 1383، اصفهان در انقلاب، ج 1، انتشارات چاپ و نشر عروج، تهران، ص 47.

با مسلمانان مراسم سوگواری برپا کردند. اصحاب کلیسا، کنیسه و معابد زرتشتیان پیروان خود را در سراسر ایران به احترام وفات رهبر شیعیان جهان به عزاداری فراخواندند.» (1) تعداد زیادی از مردم اصفهان علاوه بر برگزاری مراسم عزاداری برای آیت الله بروجردی در شهر به قم رفتند و در مراسم خاکسپاری و سوگواری ایشان نیز فعالانه شرکت کردند.

دکتر صلواتی در این باره در خاطراتش چنین توضیح داده است روز دهم فروردین ماه با یک عده از دوستان مان قراری گذاشته بودیم که خارج از شهر برویم و اردو داشته باشیم در میدان احمد آباد کنونی که در آن زمان خارج از شهر واقع بود قهوه خانه ای بود که محل اجتماع ما بود. در آن روز ناگهان برنامه های عادی رادیو قطع شد و رحلت آیت الله العظمی بروجردی اعلام گردید. با این که افراد داخل قهوه خانه از قشر مذهبی نبودند، ولی شخصاً دیدم که یکی دو نفرشان به محض شنیدن این خبر بدون مقدمه بر سر و سینه ی خودشان زدند کافه یکپارچه گریه شد ما هم در آن زمان جوان بودیم تحت تأثیر احساسات عجیب قرار گرفتیم و از آن جا با هم قرار گذاشتیم برای شرکت در مراسم این مرد بزرگ با دوچرخه به قم برویم و تصمیم گرفتیم که به خانواده های مان هم نگوئیم که با دوچرخه به قم می رویم. با وجود سردی هوا و بارندگی و خطرات میان راه و عدم آسفالت جاده و نبودن امکانات مناسب برای مسافرت با دوچرخه ساعت 11 صبح دهم فروردین از دروازه تهران اصفهان ده نفری با دوچرخه راه افتادیم. در همان موقع هم سیل مردم در محل دروازه تهران برای رفتن به قم جمع شده بودند. به هر حال با دوستان از آن جا حرکت کردیم وقتی به کاروان سرای انوشیروان رسیدیم باران شدیدی شروع به باریدن کرد این باران تا مورچه خورت ادامه داشت و { ... } در آن موقع ما واقعاً در احساسات مردم غرق شدیم و همین شادی برای ما کافی بود که در مراسم این روحانی عالی قدر شرکت کنیم ما در حد امکانات خود توانسته

ص: 29

بودیم نسبت به بزرگترین شخصیت مذهبی زمان ابراز علاقه و احساسات نماییم به هر حال در قم همه جا گریه بود و عزا مردم در مساجد جمع شده بودند و این چنین می خواندند سید ما، سرور ما، یار پیغمبر ما، رهبر ما و... از این جور شعارها خوانده می شد و عموماً روی همین کلمه ی نایب و جانشین امام زمان (عج) تکیه می شد و بیشتر روی این جنبه شعار می دادند.» (1) پس از درگذشت آیت الله بروجردی مسئله ی دیگری در میان مردم در سراسر کشور مطرح شد و آن پیدا کردن جانشینی به جای او بود آیت الله خمینی در میان علمای آن زمان از هر لحاظ متمایز بود و نظرات زیادی به سوی انتخاب وی مثبت بود. حجت الاسلام سید نورالدین طاهری شیرازی در این باره چنین توضیح داده است: «بعد از فوت مرحوم آیت الله بروجردی مسئله ی مرجعیت به این کیفیت تقسیم شد؛ مرحوم آیت الله حکیم، مرحوم آیت الله شاهرودی، آیت الله هادی شیرازی، مرحوم آیت الله خویی و آیت الله عبدالله شیرازی در عراق و در قم آیت الله گلپایگانی آیت الله مرعشی نجفی، حضرت امام و آیت الله شریعت مداری. اما اکثریت این آقایان مراجع در همان خط و مشی مرجعیت فتوا و تدریس بودند و تنها کسی که به عنوان یک روحانی و رهبر از نظر مرجعیت و سیاست جمع بین دو جهت را داشت آن هم در حد کمال امام بود.» (2) مرحوم آیت الله شیخ عباس ایزدی امام جمعه ی نجف آباد و یکی از شاگردان امام خمینی در مورد انتخاب آیت الله خمینی پس از فوت آیت الله بروجردی به مرجعیت چنین توضیح داده است: «آقای بروجردی که فوت شد آیت الله حاج سید عبدالهادی بسیار مطرح بودند. در این جا بنده معطل نماندم و به حاج سید عبد الهادی ارجاع دادم... آیت الله منتظری اصلاً موافق با این ارجاع نبودند چون دو داماد شان وارد دستگاه وقت شده بودند و مسلم بود که

ص: 30

1- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران شعبه ی، اصفهان (1371) حماسه ی پانزده خرداد در اصفهان به روایت، خاطرات انتشارات بنیاد تاریخ شعبه ی، اصفهان اصفهان، ص 23 و 22.

2- باقری علی (1387)، خاطرات 15 خرداد دفتر، هشتم انتشارات حوزه ی، هنری دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران، ص 101.

این‌ها مسئله دارند... اما خیلی طول نکشید که حاج سید عبدالهادی هم فوت شد. در این جا نمی‌توانستم یک دفعه به دیگری بدون شناخت و تبلیغات ارجاع دهیم تبلیغات تدریجاً اثر می‌کند. در این میان بعضی‌ها شناختی ندارند و بعضی دارند. بعضی وقت‌ها هم بعضی‌ها فداکاری‌هایی می‌بینند و از آن‌جا به دیگران ارادت پیدا می‌کنند.

بنده بدون اغراق می‌گویم که اردات بنده به حضرت امام معلول شناخت خودم بود که تا حالا هم امام را قبول دارم دیگران که آن روزها خبرشان نبوده و غیره و ذلک حتی زمانی که حضرت امام درس اخلاق می‌فرمود آقای منتظری پهلوی دست ایشان بود.» (1) دیگر روحانیان اصفهان نیز مرجعیت آیت‌الله خمینی را مورد تأیید قرار داده و ایشان را جانشین مناسبی برای آیت‌الله بروجردی تشخیص دادند. برخی هم چون آیت‌الله خادمی در همان اوایل بیشتر بر مرجعیت دینی حاج آقا روح‌الله تأکید می‌کردند و برخی بر مرجعیت سیاسی و البته در این میان بعضی بزرگان دینی و منبری‌های اصفهان چون حاج آقا فخر کلباسی، حاج آقا احمد، امامی، حاج آقا مهدی مظاهری حاج آقا کمال فقیه ایمانی و... بدون تأکید بر یکی از خصوصیات سیاسی یا علمی آیت‌الله خمینی به تبلیغ ایشان همت گماشتند.» (2) مهندس رضا میر محمد صادقی از فعالان سیاسی در آن زمان در مورد انتخاب امام خمینی به مرجعیت در خاطراتش چنین توضیح داده است زمانی که مرحوم بهشتی در سال 1340 به ما درس می‌داد ما را با امام آشنا کرد. بعد از فوت آیت‌الله بروجردی من و حاج تقی هسته‌ای و برادرم حاج علاءالدین و مرحوم بهشتی که در آن زمان از قم به تهران تقریباً تبعید بود به خانه‌ی آقای خمینی رفتیم و متوجه شدیم حرف‌هایی که این سید می‌زند با مسائلی که ما قبلاً دنبالش بودیم

ص: 31

1- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران شعبه ی، اصفهان حماسه ی پانزده خرداد در اصفهان ص 31.

2- حنیف محمد اصفهان در انقلاب، ص 69.

تطبیق می کند... (1) «بنابر این آیت الله با موضع گیری های خود در بین اقشار مختلف از روحانیان تا سایر فعالان سیاسی جایگاه ویژه ای پیدا کرده بودند و مطلبی که این جایگاه و مسیر مسائل رهبری هموار کرد بحث لایحه های انجمن های ایالتی و ولایتی بود.

اصفهان و تصویب لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی همان گونه که در ابتدا گفته شد در 16 مهر ماه 1341 دولت علم نخست وزیر وقت حکومت پهلوی لایحه ای را با عنوان انجمن های ایالتی و ولایتی در هیئت دولت وقت به تصویب رساند که مفاد آن مورد اعتراض روحانیان و علما قرار گرفت و به علت بی توجهی محمد رضا شاه به خواست روحانیان مبنی بر لغو این

لایحه زمینه ی بروز اعتراضات مردمی زیادی در شهر های مختلف کشور از جمله

اصفهان فراهم شد و مردم اصفهان نیز با علنی کردن اعتراضات خود، حمایت و پشتیبانی شان را از آیت الله خمینی اعلام داشتند. روزنامه ها نیز در خصوص مفاد این لایحه اطلاع رسانی می کرد. (2)

«اصناف شهر های مختلف از جمله اصفهان با تعطیلی مقطعی و پراکنده ی مغازه های خود و ارسال تلگرام هایی به دولت حمایت خود را از نظر علما اعلام داشتند. از این زمان تمایل تحصیل کردگان به روحانیت مبارز، خصوصاً در تهران و اصفهان شدت گرفت نخستین هسته های مبارزاتی روشن فکران دینی طرفدار آیت الله خمینی در اصفهان بعد از آغاز درگیری شاه و روحانیت ظهور و بروز کرد. هر چند دامنه ی درگیری بسیار محدود و در سطوح بالای رژیم و روحانیت بود، ولی زمینه ی تقویت و گسترش مبارزات بعدی را فراهم آورد. « (3)

ص: 32

1- مختاری، اصفهانی، رضا (1390)، درد و درد (خاطرات سید رضا میر محمد صادقی)، انتشارات مرکز اسناد انقلاب، اسلامی تهران ص 86 و 87.

2- امینی، امیر قلی 1341، روزنامه ی اصفهان (مقاله اراضی خرده مالکین جدید طبق قانون جدید)، شماره 1067، ص 1.

3- حنیف محمد اصفهان در انقلاب، ص 87.

روحانیان اصفهان و برخی از شهرستان های استان اصفهان و در کنار آن ها اصناف و بازاریان اعتراضات خود به این لایحه را با انتشار بیانیه و پخش آن در میان عموم مردم نشان دادند. علمای حوزه ی علمیه ی قم نیز از این عمل روحانیان اصفهان حمایت کردند آیت الله خادمی که در زمان مورد بحث مسئولیت حوزه ی علمیه اصفهان را عهده دار بوده است رسماً به اجرای آن اعتراض کرده و علیه دولت اتخاذ موضع کرده است. گزارش مورخ 1341/8/15 ساواک اصفهان نیز حکایت از تلاش حجت الاسلام سید محمد احمدی در تهیه ی اطلاعیه ای با سی امضا از طرف علما و بزرگان اصفهان در مخالفت با لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی دارد. با مطرح شدن اعتراض مکتوب روحانیون و بازاریان، کسبه و تجار اصفهان علیه تصویب نامه ی انجمن های ایالتی و ولایتی و انعکاس آن در حوزه ی علمیه ی قم، آیت الله محمد رضا گلپایگانی از مراجع تقلید قم طی نامه ای، طومار ها، نامه ها و حمایت های مکتوب مردم اصفهان را پاسخ داد.

آیت الله ارباب نیز که به محتوای تصویب نامه معترض بود و مراتب را به آیت الله گلپایگانی منعکس کرده بود، در مورخ 1341/9/7 پاسخ تأیید نظرات خود را از ایشان دریافت کرد. غیر از اصفهان و نجف آباد بزرگان علمای شهرضا که نام آیت الله حاج سید اسماعیل هاشمی نیز در آن به چشم می خورد، کتباً به اعلام و اجرای تصویب نامه اعتراض کرده و طی ارسال نامه ای به آیت الله گلپایگانی عملاً حمایت خود را از نهضت امام خمینی اعلام کردند.» (1)

فضل الله صلواتی بر نقش آیت الله خمینی و شرکت مردم اصفهان در اعتراض به اقدامات حکومت پهلوی و تصویب لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی تأکید فراوانی کرده است که به عنوان نمونه به نقل قول یکی از آن ها پرداخته می شود: «وقتی آیت الله خمینی وسط گود آمد، امیدی در قلب های مذهبی و دل سوختگان ایران زده شد و همگی مانند پروانه دور ایشان جمع شدیم. از همان زمان شکل ها

ص: 33

کارشان را در جهت افکار ایشان شروع کردند. در همان زمان به کمک برادران حاج آقا رضا روضاتی، حاج شیخ غلامرضا فیروزیان حاج آقا باقر نیلفروشان، حسین صاحبان پور و... جلساتی تشکیل می دادیم در این گردهمایی ها و فعالیت ها، مسائل اصفهان و ایران و جهان را بررسی می کردیم تا بالاخره مسئله ی انجمن های ایالتی و ولایتی مطرح شد یکی از مواد این تصویب نامه حذف قید مرد بودن برای کاندیدا ها بود این ماده حساسیتی ایجاد کرد و کم کم چنین شایع شد که تصمیم دارند زنان را به عنوان قانون گذار مسلط کنند و به اسم آزادی زن فساد و فحشا را رواج دهند. به همین دلیل تصمیم گرفتیم به علمای قم و اصفهان مراجعه کنیم از یکسو شور و نگرانی جوانان مبارز مذهبی حوزه را به حرکت در آورد و از سوی دیگر وجود حاج آقا روح الله به عنوان شخصیت منحصر به فردی جلوه گر شد که تمام این شور و نگرانی را عمیقاً درک می کرد و دقیقاً به همین دلیل وجود ایشان محوری برای مبارزان گشت و حرکت نهضت بر این اساس به سوی تکوین پیش رفت.» (1)

حسین صاحبان پور از فعالان سیاسی اصفهان در آن دوران در مورد نقش آیت الله خمینی در سازماندهی مبارزین علیه حکومت پهلوی و جریان تصویب لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی چنین توضیح داده است: «به خاطر دارم جلسه ای با دوستان درباره مسئله ی انجمن های ایالتی و ولایتی داشتیم. در این جلسه نامه ای در اعتراض به این مسئله نوشتیم و قرار بر این شد که من و مرحوم عبدالهی خورش نامه را خدمت آیت الله شریعتمداری ببریم با این که من با شخص آیت الله شریعتمداری صحبت نکردم ولی از سخن و صحبت های ایشان دریافتم که ایشان آن کسی نیست که پرچم اسلام را به دوش بگیرد. در آن زمان هنوز امام را نمی شناختم ولی زمانی که مراجع برای اعتراض به مسئله ی انجمن های ایالتی و ولایتی اعلامیه دادند و اعتراض کردند، من با امام آشنا شدم و

ص: 34

از اعلامیه های ایشان فهمیدم که ایشان همان کسی است که می توانیم پرچم اسلام را بر دو شش بگذاریم و پشت سرش راه بیفتیم و حقیقتاً هم هیچ اعلامیه ای گرم تر و هیجان انگیزتر از اعلامیه های ایشان نبود.» (1)

در جریان مبارزه با تصویب لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی عده ی زیادی از مردم از شهر های مختلف کشور از جمله اصفهان به قم رفتند و پس از سخنرانی آیت الله خمینی علیه این لایحه متوجه شدند که مبارزه با حکومت پهلوی باید تا لغو کلیه ی قوانین و موازین ضد اسلامی ادامه یابد مهندس میر محمد صادقی در مورد ارتباط مردم اصفهان با آیت الله خمینی در این خصوص در خاطرات خود چنین توضیح داده است: «من و چند تن از دوستانم از اصفهان به قم رفته بودیم، اصولاً در آن روز های بحرانی مسافرت به قم بخشی از زندگی جوانان انقلابی و متدین بود. معمولاً هم به منزل آیت الله خمینی می رفتیم به گونه ای که بعضی به شوخی گفتند «شما جوان ها آن قدر به دیدار حاج آقا روح الله می روید تا دولت هم در مورد ایشان احساس خطر کند». خلاصه در حالی که همه فکر می کردیم درگیری بین علما و دولت تمام شده حاج آقا روح الله تأکید می کردند که مبارزه ادامه دارد. ما هم بلافاصله خبر را به اصفهان رساندیم.» (2) در این مرحله از مبارزات علیه حکومت پهلوی، اعتراضات مردم اصفهان به تصویب این لایحه بیشتر در قالب اعلامیه های روحانیان و علما بروز کرد اما مقدمه مبارزات مردم اصفهان در جریانات بعدی با حکومت پهلوی فراهم شد. «در مجموع باید گفت در آن برهه، اصفهان در مقایسه با تهران و قم در پاسخ به اعلامیه های علما علیه تصویب نامه ی انجمن های ایالتی و ولایتی واکنش گسترده ی مردمی از خود بروز نداد و اعتراض ها به تشکیل مجالس روضه خوانی ایراد سخنرانی های مذهبی و گاه سیاسی و پخش

ص: 35

1- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران شعبه ی، اصفهان حماسه پانزده خرداد در اصفهان به روایت خاطرات ص 31.

2- مختاری، اصفهانی، رضا، درد و درد، ص 95.

اعلامیه محدود بود اما تأثیر این دوره در آمادگی و شناخت جوانان را نباید از یاد برد.» (1)

یکی از روحانیان، فعال حجت الاسلام علی اصغر مرتضوی فر معروف به «علی اصغر جعفری اصفهانی» بود که مبارزات سیاسی خود را در ابتدای دهه ی 1340 آغاز کرد او در جریان غائله ی انجمن های ایالتی و ولایتی به صحنه ی سیاسی وارد شد حجره اش در اصفهان مخفیگاه کتاب ها و اعلامیه های ممنوعه بود که به همکاری اشخاصی مانند غلام علی یوسف زاده، شیخ علی کفعمی، شیخ تقی کفعمی و... به نصب تکثیر و پخش آن همت می گماشتند. (2)

وی در خاطرات خود در این باره می گوید «فعالیت های ما در اصفهان بیشتر در قالب سخنرانی پخش نوار اطلاعیه و اعلامیه های حضرت امام بود. از تهران، حضرت آیت الله سعیدی و از قم آیات، جنتی مؤمن و منتظری برای ما نوار و اعلامیه های امام را می فرستادند. دوستانی در اصفهان داشتیم که به سرعت آن ها را تکثیر و پخش می کردند؛ از روحانیون حاج سید احمد احمدی خمینی شهری صادق روحانی حاج سید باقر هاشمی و حاج سید جلال الدین طاهری بودند. در بین بازاریان دوستانی مانند عباس صفایی اقارب پرست و حاج عباس انصاری که حجره هاش مخفیگاه اعلامیه و کتاب های قاچاق بود حضور داشتند. در مدرسه ی چهار باغ اصفهان نیز هم درس هایم از جمله شیخ غلام علی یوسف زاده، شیخ علی کفعمی و شیخ تقی کفعمی و آقای جوادی بودند که از آتشگاه اصفهان آمده بودند. اعلامیه ها و کتاب های قاچاق را از تهران و قم برای ما می فرستادند و این افراد در سطح استان توزیع می کردند و به دست مردم می رساندند.» (3)

هنگامی که نهضت امام با سخنرانی هایش در مخالفت با انجمن های ایالتی

ص: 36

1- حنیف محمد اصفهان در انقلاب ص 95.

2- عباسی، ابراهیم، 1386، ص 17.

3- همان، ص 35.

و ولایتی آغاز شد، در اصفهان نیز مبارزات پیگیری شد. رژیم با رحلت آیات بروجردی و کاشانی فرصت را غنیمت شمرد و قانون انجمن های ایالتی و ولایتی را به وسیله ی امیر اسدالله علم به تصویب رساند مسئله ی اساسی در این قانون حذف قید مذهب بود یکی دیگر از اصول این قانون نیز حضور کامل زنان در تمام شئون دولتی و اجتماعی بود. (1) جعفری اصفهانی در این خصوص می گوید: «{...} فعالیت های ما در قالب جلسات سخنرانی ها پخش اعلامیه و نوار بود. در جلسات هفتگی در مدرسه ی چهارباغ اصفهان که منبر داشتیم، خیلی شجاعانه این لایحه را رد کرده و مردم را نصیحت می کردیم تا به عنوان نیروی بازدارنده، این قانون در دل آن ها جا پایی باز نکند. این امر باعث شد که روحانیت به حرکت در آید. در اصفهان بعد از تصویب این قانون در مجلس شورای ملی خانمی از جراحان معروف اصفهان به نام دکتر حکمی نامزد انجمن شهر شده بود. درست همان موقع هم انقلاب الجزایر پیروز شد و به همین مناسبت ما در مدرسه چهارباغ اصفهان، جشنی برگزار کرده بودیم شیخ غلام رضا فیروزیان در آن جلسه به منبر رفت. جلسه ی جشن بیشتر بهانه بود. هدف اصلی [ایجاد] زمینه ای برای مخالفت با انجمن های ایالتی و ولایتی بود آقای فیروزیان در آن سخنرانی راجع به خانم دکتر حکمی صحبت کرد. جمعیت زیادی جمع شده بودند. مدرسه مملوء از جمعیت بود. چرا که مردم در آن زمان خیلی جریانات سیاسی را دنبال می کردند. سخنرانی ها و اعلامیه های حضرت امام نیز به آن ها این آگاهی را داده بود...» (2)

اصفهان و انقلاب سفید (انقلاب ششم بهمن 1341)

همان گونه که در ابتدا گفته شد محمد رضا شاه در بهمن 1341 اصول شش گانه ای را مطرح کرد و آن را به همه پرسی عمومی گذاشت و از مردم خواست

ص: 37

1- همان، 1386، ص 37.

2- همان، ص 38.

تا به آن رأی مثبت دهند (1). اصول شش گانه ی انقلاب سفید یا انقلاب شاه و ملت مخالفت جدی روحانیان را به دنبال داشت و موجب شکل گیری اعتراضات جدیدی شد در اصفهان نیز مانند دیگر شهر های ایران اعتراضاتی علیه این همه پرسی به رهبری روحانیان صورت گرفت آقای میر محمد صادقی در این باره در خاطرات خود چنین توضیح داده است: «آقای گلپایگانی و آقای مرعشی هم اعلامیه هایی در مخالفت با فراندم دادند. یادم می آید آقای مرعشی در یکی از اعلامیه های خود که گروه ما آن را در اصفهان تکثیر کرد نوشته بود: انقلاب تقلبی موجب زردچوبه ی تقلبی می شود. آن زمان پوست خربزه را خرد می کردند و به جای زردچوبه می فروختند آقای اشنی هم از جمله ی علمای اصفهان بود که شدیداً در منابر خود با اصلاحات ارضی شاه مخالفت می کرد.

او در یکی از جلسه های سخنرانی خود گفت رعیت آمده از من می پرسد «آقا من می خواهم به زمینم آب بدهم. این سر کرت ایستاده ام و آب هنوز به زمین من نیامده می خواهم بروم آب را بگردانم باید از روی کرت بپریم و ممکن است گندم های کشاورز دیگری را خراب کنم و اگر هم بخواهم دور بزنم آب هدر می رود تکلیف شرعی من چیست؟» حالا این رعیت رفته ملک مردم را گرفته و اسمش را گذاشته اند اصلاحات ارضی.» (2) نارضایتی مردم اصفهان در جریان انقلاب سفید کاملاً علنی شد و مردم اصفهان با تعطیل کردن بازار و اعتصابات عمومی گسترده اعتراض خود را نسبت به این همه پرسی نشان دادند این مسئله در اسناد ساواک روشن شده است. در اسناد موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی از تعطیلی بازار اصفهان در نخستین روز های سال 1342 در اعتراض به وقوع حادثه ی فیضیه و دستگیری طراحان و تحریک کنندگان اعتصابات توضیحی

ص: 38

1- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به روزنامه اصفهان مقاله ی انقلاب، (بزرگ 1341، شماره ی 1069، ص 4.

2- مختاری، اصفهانی، رضا درد و درد، ص 100.

بدین شرح آمده است: «از روز 42/1/12 شایعاتی در مورد تعطیل بازار در روز چهارشنبه 42/1/1408 در اذهان عمومی می شد این شهربانی پیشبینی های لازمه و مراقبت های کافی معمول تا این که از صبح روز 42/1/14 تعدادی کسبه ی بازار مغازه های خود را به تدریج باز ولی اکثریت دکاکین تعطیل بود و چون به نظر رسید که تعطیلی در اثر تحریکات باشد اقدامات لازمه برای دستگیری محرکین و آن هایی که مانع بازکردن بازار می شدند انجام گرفت.»

از جمله افرادی که در این تاریخ دستگیر شدند عبارت اند از:

- 1- حاجی میرزا حسن فرزند حسین شهرت کلاه دوزان بازرگان عمده بازار که برابر گزارشات واصله عده ای در منزل او جلسه داشتند که کسبه ی چهارباغ را نیز وادار به تعطیل کنند.
- 2- حسن رضازاده ، خیاط که روز 42/1/12 کلیمی های بازار را تهدید می کرده است که روز 42/1/14 مغازه های خود را باز نکنند.
- 3- حاجی عباس روحانی، سقط فروش بازار، که کسبه را تهدید می کرده که روز 42/1/14 مغازه های خود را تعطیل کنند و هم چنین در روز 42/1/14 که عده ای از کسبه باز بودند به آن ها اعتراض می کرده است.
- 4- سید حسن فرزند محمد صادق شهرت واعظ طلبه ی مدرسه ی صدر که روز 42/1/14 به اشخاصی که باز بودند اعتراض می کرده است.
- 5- اصغر جوی زادگان فرزند علی شاگرد، بزاز که روز 42/1/14 از باز کردن دکاکین جلوگیری و نسبت به آن هایی که قصد باز کردن داشتند فحاشی می کرده است.
- 6 - مرتضی شهرت توتون کوبان سقط، فروش که کسبه را تشویق به بستن مغازه های خود می کرده است.
- 7- فرامرز شهرت حسین، پور فرزند عباس پیشه شاگرد قلمزن 25 ساله

که از روی بام قیصریه به مغازه هایی که باز بودند سنگ اندازی می کرده است و...» (1)

روحانیان نیز در تعطیلی بازار و دعوت کسبه در اعتراض به وقایع فیضیه نقش مهمی ایفا کردند. در اسناد باقی مانده از ساواک در تاریخ 42/1/14 از شهربانی کل کشور این مسئله چنین گزارش شده است: «تا ساعت یک بعد از ظهر از تجارت خانه های بازارگانان در حدود صدی پنجاه و از کسبه و مغازه داران بازار که بیشتر مربوط به خوار و بار است صدی 10 باز و بقیه تعطیل است و آن چه به نظر می رسد ریشه ی تعطیل امروز بازار با تحریکات روحانیون بی ارتباط نیست.» (2) طبق سند موجود در گزارشات ساواک که در تاریخ 41/12/11 از طرف استانداری اصفهان و استاندار وقت اصفهان مهندس پارسا به سازمان اطلاعات و امنیت استان ابلاغ شده، دستور سرکوب معترضان به حق رأی زنان به کلیه ی مراجع قانونی و قضایی صادر شده است. «حسب الامر جناب آقای نخست وزیر احیاناً اگر از طرف مرتجعین ناراحتی در مورد حق رأی زنان تولید شود از طرف هر کس باشد با شدت بایستی سرکوب گردند مراتب از لحاظ استحضار و اقدام قانونی اشعار گردید استاندار استان، اصفهان مهندس پارسا.» (3) بدین ترتیب با همراهی عمومی و اعتراضات انجام شده به ویژه توسط علما و مراجع و امام موضوع انجمن های ایالتی پایان یافت، ولی رویارویی دو طرف به سطوح دیگر کشیده شد.

اصفهان پس از حوادث نوروز 1342 ش

در آخرین روزهای سال 1341 و در آستانه آغاز سال 1342، روحانیان اصفهان نیز از اقدام امام خمینی در تحریم عید نوروز پشتیبانی کرده و با انتشار و پخش اعلامیه دستور تحریم عید نوروز را صادر کردند. با وقوع حادثه ی فیضیه که

ص: 40

1- مرکز آرشیو اسناد انقلاب اسلامی / شماره ی پیوست سند 00133035 و 00133036.

2- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی / شماره ی پیوست سند 00133029.

3- اسناد ساواک سند شماره ی 612/م.

در ابتدا به چگونگی وقوع آن اشاره شد، نهضت امام خمینی وارد مرحله ی تازه ای شد و شکل دیگری گرفت.

روحانیان از دیگر شهرها نیز از آراء و نظرات امام خمینی حمایت کرده و با نوشتن نامه هایی علاوه بر نشان دادن اعتراض خود به عملکرد حکومت پهلوی صریحاً پشتیبانی خود را از امام خمینی اظهار داشتند. سید جواد علم الهدی از پیشگامان انقلاب اسلامی در این رابطه چنین نوشته است: «بعد از واقعه ی جان گداز مدرسه فیضیه و واکنش شدید حضرت امام، علمای خراسان، آذربایجان، اصفهان شیراز و بخش های جنوب اهواز و آبادان نسبت به عمل ضد انسانی رژیم شاه عکس العمل نشان دادند اکثر آن ها نامه هایی که می نوشتند خطاب به حضرت آیت الله العظمی خمینی بود. بعضی از آن ها توأم با طومار بود. در میان آن ها طومارهای جالب توجهی به چشم می خورد. مثلاً از شهرستان اراک و از خطه ی لرستان طوماری برای امام فرستاده شده بود که در آن آمده بود «ما کفن می پوشیم و از جان گذشته حرکت می کنیم و حاضریم در این راه خون مان ریخته شود؛ و یا از جای دیگری طوماری رسیده بود مبنی بر این که «اگر آقا اجازه فرمایند به ما امر کنند یا در راه خدا جهاد می کنیم و...» از آن وقت به بعد کلاس ها در دانشگاه تهران بر پا نشد و دانشجویان درس را ترک کردند.»

(1)

با وقوع حادثه ی فیضیه ی قم و رسیدن خبر آن به اصفهان در تعطیلات نوروزی شهر اصفهان شاهد عکس العمل های متعددی بود. «برگزاری مجلس فاتحه توسط علما و خواندن روضه ی فیضیه در مساجد و مدارس علمیه ارسال تلگراف های تسلیت و هم دردی از سوی روحانیون و دیگران تعطیلی نمازهای جماعت در اکثر مساجد شهر تعطیلی بازار و کسبه ی خیابان های اصلی شهر (بعد از تعطیلی نوروزی) به صورت گسترده چاپ و پخش اعلامیه های امام خمینی و دیگر مراجع در سطح شهر سرودن و انتشار اعلامیه های روشنگرانه ی مردمی از جمله ی این

ص: 41

اقدامات بود.» (1) در گزارشات و اسناد موجود در ساواک نقش کلیدی روحانیان در سازماندهی این اعتراضات و برگزاری مجالس عزاداری ماه محرم در اصفهان و برگزار کنندگان این مجالس شرح داده شده است.

«جریان عزاداری در اصفهان در 10 روز اول ماه محرم به شرح زیر از عرض می گذرد:

1- از طرف آیت الله خادمی، اردکانی، زند کرمانی و غیره که از علمای طراز اول هستند درخواست شد مانند سنوات قبل به آن ها اجازه داده شود در مسجد شاه جمع شده به مدرسه چهارباغ که در آن از طرف اوقاف همه ساله روضه خوانی می شود شرکت کنند با درخواست آن ها موافقت شد، مشروط بر این که شعار یکپارچه ای نداشته و ناطق را هم قبلاً معرفی کنند. در نتیجه عصر دیروز عده ای در حدود 3 هزار نفر از روحانیون تجار بازار اصناف، دانشجو و دانش آموز، افراد جبهه ی ملی و زحمت کشان و غیره به حال دمونستراسیون با نظم و ترتیب به مدرسه چهارباغ آمده منصور زاده واعظ درباره ی نهضت حسینی صحبت کرده سپس از مدرسه خارج و متفرق شدند.

2- روز گذشته چند برگ اعلامیه ی خمینی خطاب به واعظ و گویندگان دینی و هیئت مذهبی (موضوع التزام گرفتن از صاحبان مجالس و واعظ) که وسیله ی اشخاص متفرقه از قم آورده شده بود در دست مردم همایون شهر دیده شد. « (2) کسبه و بازاریان اصفهان با تعطیلی بازار از نهضت امام خمینی و قیام مردم حمایت کرده و نقش مهمی را در مبارزه با حکومت پهلوی ایفا کردند.

«با وقوع حادثه ی فیضیه در روز دوم فروردین سال 42 و رسیدن خبر آن به اصفهان، بازار تعطیل و مجالس فاتحه توسط علما برگزار شد در این مجالس که به روضه ی فیضیه معروف بود جمعیت زیادی شرکت می کردند مسائل روز

ص: 42

1- حنیف، محمد اصفهان در انقلاب، ص 125 و 126.

2- اسناد ساواک 38-308 رن.

مرجعیت امام خمینی و اقدامات هیئت حاکمه مورد بحث قرار می‌گرفت علاوه بر آن اعلامیه‌ها و نامه‌های اعلام هم‌دردی، روحانیت فرهنگیان، دانشجویان و اصناف و پیشه‌وران و روشن‌فکران اصفهان خطاب به مراجع تقلید شیعه که امضای اکثر روحانیون و وعاظ اصفهانی را در پای خود داشت تهیه و ارسال گردید. شعرا شعر سرودند. بسیاری از ائمه جماعات مساجد به نشانه‌ی اعتراض از اقامه‌ی نماز جماعت در مساجد خودداری کردند مکاتبات انجام شده بین روحانیون و مراجع و رسیدن نامه‌ی آیت‌الله خویی به علمای اصفهان و دیگر شهرها و درخواست ایشان از شاه برای دست برداشتن از حمایت قوانین ضد اسلام زمینه‌ای را فراهم کرد که در 1342/1/14 بازار اصفهان به نشانه‌ی اعتراض به حادثه‌ی فیضیه تعطیل شود.» (1)

روحانیان و بازاریان اصفهان در پخش اعلامیه‌های آیت‌الله خمینی و انتشار آن‌ها در میان عموم مردم سهم عمده‌ای را به خود اختصاص دادند. «حجت‌الاسلام سید محمد احمدی که در آبان سال 41 اولین بار به عنوان یکی از کسانی که تلگرافی برای آیت‌الله سید محمد بهبهانی ارسال کرده بود، به اتهام رونویسی خطی اعلامیه‌ی امام خمینی (قدس سره الشریف) در خمینی شهر (همایون شهر قبلی) شناسایی دستگیر و زندانی شد. در نمونه‌ای دیگر شهید آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی در آن ایام در مسافرت‌های خود به اصفهان علاوه بر دیدار با خویشاوندان با بسیاری از انقلابیون اصفهانی ارتباط برقرار می‌کرد.» (2) دیگر اقدام روحانیان در برابر حوادث فیضیه در نوروز 1342، خودداری از خواندن نماز جماعت در مساجد مهم شهر اصفهان بود. در گزارشات مرکز اسناد انقلاب اسلامی اسامی این روحانیون و مساجدی که در آن‌ها نماز خوانده نشده بدین شرح آمده است:

ص: 43

1- ابطحی سید علیرضا مقاله‌ی 15 خرداد در دست چاپ.

2- مرکز بررسی اسناد تاریخی یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص 6 و 3.

«1- آقای مجد العلماء، مسجد نو بازار 2- آقای شیخ مهدی نجفی، مسجد شاه 3- آقای شیخ محمد حسن فخیم مسجد شاه 4- آقای حاجی سید ابو الفضل، مدرسه ی عبدالله 5- آقای حاجی آقا، رضا مسجد خیاط ها 6- آقای ضیاء تجویدی، مسجد باغچه ی عباسی 7- آقای حاج باقر نم آور 8- آقای سید مهدی سده، مدرسه جده 9- آقای حاجی عبدالجواد مسجد حاجی نایب 10- آقای حاجی آقا رضا، مسجد طوقچی 11- آقای حاج میرزا سید علی ابطحی، مسجد جامع 12- آقای شیخ عباس علی ادیب، مسجد صاحب بن عباد 13- آقای خراسانی، مسجد جارچی در بازار 14- آقای حاجی آقا مرتضی ابطحی، مسجد خواجه اعلم خیابان هاتف 15- آقای سید محمود قدرجانی، مسجد کرمانی خیابان خیابان حافظ 16 - آقای حاجی یحیی، مسجد تکیه ی زولومات 17- حاجی آقا، کمال مسجد تکیه ی زولومات در بیچی» (1)

کار دیگری که پس از حادثه ی فیضیه در اصفهان صورت گرفت برگزاری مراسم روضه خوانی و عزاداری توسط روحانیان در نقاط مختلف اصفهان بود. در این مجالس علاوه بر آن جا مراسم عزاداری روحانیان با ایراد سخنرانی های گسترده، حمایت خود را از موازین آیت الله خمینی اعلام داشتند. «نخستین بازتاب حادثه ی دوم فروردین قم در اصفهان برپایی مجالس فاتحه توسط علما و صدور اعلامیه و در مراحل بعد تعطیلی یک هفته ای بازار بود بعد از حادثه ی فیضیه در چهار سوق اصفهان جلسه ی روضه ی مفصلی بر پا شد حاج آقا احمد امامی، شیخ تقی رهبر و آقای مهدی مظاهری سخنرانی کردند یک شب حاج آقا احمد امامی در مورد آیت الله خمینی و مقام علمی و مرجعیت ایشان سخنرانی کرد و گفت: «بسیاری از فضلا و بزرگان از شاگردان مکتب خمینی هستند در تهران حاج آقا مهدی حائری شاگرد مکتب خمینی است، در یزد آقای صدوقی شاگرد مکتب خمینی است، در اصفهان خودمان بالاترین علمای اصفهان آیت الله منتظری که البته در آن زمان

ص: 44

حجت الاسلام بودند شاگرد مکتب خمینی است.» (1) در مدارس علمیه ی اصفهان نیز مراسم فاتحه خوانی و بزرگداشت برای شهدای فیضیه برگزار شد و روحانیان و اقشار مختلف مردم اصفهان هم دردی خود را با باز ماندگان حادثه ی فیضیه ابراز داشتند. پس از حادثه ی فیضیه ی قم آیت الله خادمی نیز در مدرسه ی صدر مجلس فاتحه برپا کرد و در همین مجلس بود که نطفه ی نگارش نامه ی اعلام هم دردی جامعه ی روحانیت اصفهان درباره فاجعه ی مدرسه فیضیه خطاب به آیات عظام گلپایگانی خمینی و شریعتمداری بسته شد این نامه را بسیاری از روحانیون و وعاظ اصفهان امضا کردند. بعضی از آنان عبارت بودند از: شمس الدین خادمی، سید رضا روضاتی، احمد جنتی، فخر الدین کلباسی، سید حسن، سید احمد و محمد حسین امامی، محمد بهشتی، مهدی مظاهری و... این نامه که در زیر آن نام محافظه کار ترین و عاظ روحانیون اصفهانی نیز دیده می شد، از یک سو نشان گر تأثیر وسیع حادثه ی دوم فروردین فیضیه و از سوی دیگر بیانگر اتحاد روحانیون در مواقع حساس و رویداد های مربوط به روحانیت بود.» (2) از سوی دیگر ساواک در اصفهان تدابیر لازم برای مبارزه و سرکوب معترضان و هواداران امام خمینی را اندیشیده بود. با این وجود مردم اصفهان با توجه به پیشینه ی مذهبی و مبارزات شان در ادوار مختلف تاریخ به رهبری روحانیت در این مقطع زمانی نیز صحنه ی مبارزات را خالی نکرده و با برگزاری مجالس عزاداری ماه محرم و اعتراض در این مجالس به اقدامات حکومت پهلوی همراهی خود را با نهضت اسلامی و امام خمینی نشان دادند.

«تلاش برای کنترل اوضاع نیز رو به افزایش بود. در آستانه ی محرم 1382 خرداد 42 طرفین به یک رویارویی جدید کشیده شدند. از یک سو مراجع و علمای بزرگ کوشیدند تا هماهنگ شوند مأموریتی که انجام آن بر عهده ی آیت الله

ص: 45

1- حنیف محمد اصفهان در انقلاب ص 125.

2- همان ص 125 و 126.

خادمی گذارده شده بود از سوی ساواک ضمن مراقبت از مسافرین وارده به اصفهان به ویژه طلاب قمی، طی صدور دستور العملی کوشید دلایل مخالفت امام خمینی را با حکومت پهلوی محور بندی کرده به آن ها رهنمود دهد.» (1)

واقعه ی 15 خرداد در اصفهان

اوج مبارزات آیت الله خمینی در 15 خرداد 1342 پدیدار شد و اقشار و گروه های مختلف مردم اصفهان که از ابتدای شروع این مبارزات حضوری فعال در صحنه ی سیاسی و مبارزاتی داشتند در این مرحله نیز نهایت همراهی با نهضت اسلامی و آیت الله خمینی را از خود نشان دادند. همان گونه که گفته شد با رسیدن ماه محرم خرداد ماه 1342 حال و هوای شهر نیز رو به تغییر بود؛ زیرا اصفهان به عنوان شهری مذهبی دارای بیشترین جلسات روضه خوانی و عزاداری بود و اتفاقات روی داده در ماه های قبل و آمادگی مخالفین حکومت پهلوی اعم از روحانیان و وعاظ و، بازاریان کسبه و دانش آموزان و دانشجویان و برخی افراد و گروه های سیاسی دیگر و تلاش برای کنترل اوضاع از سوی حکومت پهلوی حال و هوای شهر را تغییر داده بود ساواک نیز در برنامه ی خود درگیری ها و برخورد ها را پیش بینی کرده بود با شروع محرم و بر پا شدن مجالس عزاداری زمینه برای تبلیغ و تشریح دیدگاه های اقشار مذهبی و مخالفت حکومت فراهم شد و از این رهگذر ضمن بزرگداشت شعائر مذهبی پخش اعلامیه های امام و فرستادن صلوات برای امام خمینی شایع شد.

«مردم اصفهان از همان ابتدای نهضت روحانیت همگام و همراه آیت الله العظمی امام خمینی و به دنبال ایشان راه افتادند و یک دل و یک صدا از مبارزات ایشان حمایت کردند از سال 1340 گام به گام با ایشان همکاری و

ص: 46

همراهی داشتند و یاران و دوستداران او را می ستودند.» (1) دستگیری امام خمینی در روز 15 خرداد 1342 توسط ساواک در قم واکنش های زیادی را از سوی طبقات و گروه های مختلف مردم ایران به دنبال داشت اخبار دستگیری حضرت امام خمینی (ره) و آیات قمی و محلاتی در مشهد و شیراز و درگیری های بعدی در تهران بعد از ظهر روز 15 خرداد به اصفهان رسید.

واکنش ها به دستگیری آیت الله خمینی

الف) روحانیان

آقایان حاج ابوالقاسم کوپایی و حاج حسن حداد اولین کسانی بودند که از دو طریق متفاوت این اخبار را شنیده و جلسات متعددی برای تصمیم گیری تشکیل می دهند. در نشست منزل حاج مهدی شکوهنده با حضور آیات و حجج الاسلام، خادمی ابطحی شمس آبادی، اشنی طیب زاده... برای حمایت از آیت الله خمینی و روحانیت تصمیماتی اتخاذ شد صدور اطلاعیه ای با امضای آقایان خادمی، ابوالحسن شمس آبادی طیب زاده و ابطحی سده از اولین اقدامات است. در این اطلاعیه آمده است: «بر عموم اهالی متدین اصفهان لازم است که با تمام قوا در نهضت مقدس مذهبی به رهبری حضرات آیات عظام مراجع تقلید اطال الله بقائهم به منظور دفاع از حریم اسلام و مسلمین پدید آمده تا حصول نتیجه ی قطعی شرکت کنند و با حفظ نظم و آرامش از هر گونه اقدام مؤثری کوتاهی نکنند. اکنون دین خدا در معرض مخاطره ی دشمنان اسلام قرار گرفته و اندک مسامحه ای موجب خسران دنیا و آخرت خواهد بود.» (2) در همین ایام تلگرافی برای ارسال به

ص: 47

-
- 1- صلواتی، فضل الله (1385)، مجموعه مقالات کنگره ی جهانی بزرگداشت اصفهان، انتشارات اطلاعات، تهران، ص 827.
 - 2- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، (1380) یاران امام به روایت اسناد ساواک حضرت آیت الله سید حسین خادمی (خام شریعت) انتشارات مرکز بررسی وزارت اطلاعات، تهران، ص 17 و 19.

حضور حضرت آیت الله خمینی با تعداد فراوانی امضا از سوی روحانیان اصفهان منتشر شد. در این تلگراف که از سوی تلگراف خانه پذیرفته نشده و ارسال نشد آمده است: «محضر مبارک مرجع عالی قدر شیعه حضرت آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی دامت برکاته، رونوشت حضرت آیت الله محلاتی و حضرت آیت الله قمی دامت ظلها گرفتاری های آن مرجع عالی قدر و سایر آیات عظام موجب نگرانی جامعه روحانیون و وعاظ اصفهان گردیده، از خداوند متعال سلامت و استخلاص و سربلندی اسلام و تأمین هدف های عالی روحانیت را خواستار است.» (1)

اقدام مهم روحانیان در جریان قیام 15 خرداد و دستگیری امام خمینی، دعوت عموم مردم به صحنه ی مبارزات علیه حکومت پهلوی بود. «زنده یادان آیات سید حسین، خادمی سید احمد فقیه امامی سید محمد احمدی روشانی به طور مستقیم زمام مبارزه را در دست داشتند و آیات زند، کرمانی، طیب زاده احمد آبادی و دیگران نیز پایداری انجام دادند و مردم را به صحنه کشاندند. با راهپیمایی های روز عاشورای سال 42 همراه با تصویر بزرگ آیت الله خمینی، تصمیم قاطع مردم اصفهان را نشان دادند و جناب حجت الاسلام دکتر سید جمال الدین موسوی و مرحوم شیخ منوچهر منصور زاده از سخنرانان آن مراسم بودند.» (2)

حجت الاسلام محمد حسن رحیمیان از دیگر روحانیان اصفهان که در جریان مبارزات امام خمینی با حکومت پهلوی و سازماندهی مبارزات نقش عمده ای ایفا کرد و ارتباط و همکاری نزدیکی با مبارزین داشت در این باره در خاطراتش چنین نوشته است: «با وجود جو خفقان، علما و وعاظ، طلاب و بسیاری از مؤمنین و به اشکال مختلف برای پیشبرد نهضت و دفاع از امام فعالیت می کردند. از جمله افرادی که حقیر در فعالیت ها با وی ارتباط داشتم شیخ طیاره بود. او در ظاهر

ص: 48

1- حنیف محمد اصفهان در انقلاب ص 165.

2- صلواتی، فضل الله مجموعه ی مقالات کنگره جهانی بزرگداشت اصفهان، ص 828.

مریض الحال نحیف و بسیار فقیر بود اما بر عکس ظاهرش فردی بسیار شجاع، بصیر و آگاه به مسائل سیاسی و نهضت بود و عشق سرشاری به امام داشت و بسیار فعال بود اخوان امامی حاج آقا احمد و حاج آقا حسن نیز نقش ارزنده ای در نهضت امام داشتند. سخنرانی های حماسی و شجاعانه ی حاج آقا احمد امامی در آن زمان کم نظیر بود.» (1)

حمله به مدرسه فیضیه و شکل گیری حوادث 15 خرداد 1342 علاوه بر اصفهان در نجف آباد هم موجب شکل گیری اعتراضاتی به رهبری روحانیان شد و مردم این شهر با مشارکت در اعتراضات همبستگی خود را با امام خمینی و دیگر مبارزین اعلام داشتند. حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی که از مبارزین فعال در این دوران بود در مورد این وقایع در نجف آباد در خاطراتش چنین توضیح داده است: «من نیز در آن تاریخ در قم بودم. هنگامی که می خواستم به نجف آباد بروم تعدادی از این اعلامیه ها را تهیه کردم و آن ها را داخل گونی جاسازی کردم اغلب اعلامیه ها را در لا به لای لباس های کهنه و وسایلی که همراه داشتم می گذاشتم و گاهی هم با کتاب و جزوه روی این اعلامیه ها را می پوشاندم که در حین بازرسی در مسیر سفر با مشکل مواجه نشوم تهیه ی این اعلامیه ها که مربوط به چهلم شهدای فیضیه بود تا حدودی مشکل بود البته بعضی مواقع به صورت های مختلف اعلامیه در خود مدرسه فیضیه هم توزیع می گردید. به هر حال با این کیفیت این اعلامیه را به نجف آباد رساندم و آن ها را در میان مردم پخش کردم و بار دیگر مضمون این اعلامیه که رژیم عملکرد عوامل آن را به باد انتقاد گرفته بود، شور و هیجان مبارزه را در میان مردم انقلابی این شهر برانگیخت.» (2)

آیت الله منتظری از روحانیان مبارز و پیروی آیت الله خمینی نیز نقش بزرگی در

ص: 49

1- رحیمیان، محمد حسن (1382)، حدیث رویش انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ص 68.

2- نظری، حیدر، 1384 خاطرات و مبارزات حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی انتشارات مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، تهران، ص 65.

سازماندهی مبارزات و اعتراضات مردم نجف آباد در جریان قیام 15 خرداد ایفا کرد و مردم این شهر را به اعتصابات عمومی دعوت کرد. سایر روحانیان بلند پایه ی این شهر نیز در این اقدام از وی حمایت کرده و مردم نجف آباد را به اعتراض علیه حکومت فراخواندند.

حجت الاسلام دری نجف آبادی در این باره در خاطراتش چنین توضیح داده است: «وقتی از الیگودرز به نجف آباد برگشتم در بدو ورود به شهر متوجه شدم که بسیاری از مردم به خاطر دستگیری امام خمینی (ره) توسط رژیم پهلوی در مسجد بازار شهر تحصن کرده اند و یک اعتصاب عمومی در مخالفت با این امر صورت گرفته است تمام مغازه ها و محل های کار بسته شده و بازار تعطیل بود هدایت و رهبری این اعتصاب را آیت الله منتظری و چند تن از علمای شهر بر عهده داشتند. در آن شرایط نیرو های اطلاعات شهربانی تلاش فراوانی می کردند که این اعتصاب را بر هم بزنند؛ اما نتوانستند موفق شوند؛ زیرا مردم در مساجد حضور جدی داشتند. البته بعضی از آن ها برای مدت کوتاهی جهت انجام کار های خود به بیرون می رفتند و دوباره به متحصنین ملحق می شدند من که خبر دستگیری امام را در راه الیگودرز شنیده بودم بسیار نگران و مضطرب حال ایشان بودم. علاوه بر آیت الله منتظری که به عنوان کارگردان این اعتصاب محسوب می شد، آیت الله ایزدی مرحوم آقا حسنی، شیخ غلام حسین ایزدی و چند تن دیگر از علمای نجف آباد در جمع اعتصابیون بودند البته محور اصلی حرکت خود آیت الله منتظری بود که در روز آخر اعتصاب یعنی روز هفتم به منبر رفت و در سخنرانی که ایراد کرد، نقش روحانیت در جامعه را به عملکرد روح نسبت به بدن تشبیه کرد و گفت که همان طور که بدن به روح نیاز دارد و اگر روح نباشد در حقیقت بدن فلج است و کاری از آن ساخته نیست، ملت و جامعه نیز به روحانیت نیاز دارد و روحانیت حکم همان روح را نسبت به بدن دارد.»

او در ادامه ی صحبت هایش در مخالفت با دستگیری امام گفت: « مردم از

حکومت و دولت نمی خواهند که امام (رضوان الله تعالی علیه) را آزاد کند؛ زیرا که دستگیری ایشان موجب نمی شود که مردم دست از مبارزه با رژیم پهلوی بردارند. آن ها راه خود را انتخاب کرده اند این اعتصاب در مساجد بازار که یک هفته طول کشید، با توجه به این که اعتصابیون از طرف نیرو های شهربانی و ساواک تحت فشار بودند به پایان رسید.» (1)

جو مذهبی نجف آباد و حضور آیت الله منتظری در (تعطیلی حوزه ی علمیه ی قم در ماه های محرم و صفر)، رسیدن اخبار وقایع پانزده خرداد و نشست روحانیان در مسجد، بازار، بازاریان نجف آباد نیز مغازه های خود را تعطیل و همراه با دیگر اقشار در مسجد بازار تجمع و تحصن کردند. «تحصن و تجمع روحانیون، بازاریان و مردم در مسجد بازار نجف آباد تا 42/3/22 به طول انجامید و در پی نامه نگاری علمای نجف آباد با آیت الله شریعتمداری به صورت محرمانه و ارسال تلگرافی از سوی وی خطاب به علمای نجف آباد تحصن بدون درگیری خاتمه یافت. مکاتبات میان مقامات سیاسی انتظامی نجف آباد و اصفهان نشان گر اختلافات جدی میان آن ها بوده است که احتمالاً عملکرد فرمانده ی شهربانی نجف آباد در عدم حمله به مردم تأثیر فوق العاده داشته است.» (2)

مبارزات روحانیان با حکومت پهلوی و اعتراضات آن ها به دستگیری امام خمینی تا مدت زیادی ادامه یافت و آن ها هم چنان خواهان آزادی ایشان بودند این اعتراضات منجر به دست گیری عده کثیری از روحانیان شد و به دنبال آن تعداد زیادی از روحانیان از شهر های مختلف کشور از جمله اصفهان به تهران رفتند و با مراجعه به ساواک و دستگاه های مربوط بر آزادی آیت الله خمینی تأکید کردند. آیت الله شمس آبادی میرزا عبدالجواد سده ی ، سید محمد باقر موحد ابطحی

ص: 51

1- همان، صص 67 و 68.

2- قیام 15 خرداد به روایت اسناد ج 7، صص 89-115 روزشمار انقلاب در اصفهان، ص 105، ستیز با ستم، ج 1، صص 36-39.

و شیخ حسین علی منتظری از جمله روحانیان اصفهان بودند که در تهران به جمع مهاجران پیوستند حاج میرزا عباس انصاری از روحانیان اصفهان، مهاجرت علمای اصفهان به تهران را این گونه شرح می دهد: «روز اول رفتیم خدمت آیت الله ارباب و به ایشان عرض کردیم که در تهران منزل هست و آمادگی پذیرایی از شما را داریم. بناست بعضی از طلاب هم برای انجام وظیفه و همراهی با حضرات آیات مهاجر به تهران بروند در همان حال که با آیت الله ارباب صحبت می کردیم ایشان استدلالی آوردند که صلاح خودشان را در هجرت نمی دانند. چون آیت الله خراسانی ریاست حوزه ها را داشتند و می دانستیم که آیت الله خادمی کاملاً برای ایشان احترام قائل هستند شب ساعت ده با آقای کلاهدوزان رفتیم کتابخانه ی مدرسه ی صدر خدمت شان و گزارش دادیم که قصه این است و آیت الله ارباب عذری داشتند؛ ما نیز همان طوری که آیت الله خمینی فرمودند سایرین نباید در کار مراجع دخالت کنند باید ادای ادب بکنیم گفتیم بیاییم پیش شما بودجه آماده و منزل هم برای هجرت آماده است. ایشان با کمال میل پذیرفتند. منتهی فرمودند چند روز است که طلبه ها را برای سربازی گرفته اند و این جور که این ها را گرفته اند خدا می داند که قلب من به درد آمد و ناراحتی قلبی پیدا کرده ام و گرنه آماده بودم» گفتیم که دیگر با این حال شان نمی توانیم برای ایشان تکلیف مشخص کنیم. بعداً آمدیم خدمت آیت الله خادمی ایشان با آغوش باز ما را پذیرفتند و فرمودند که «من آماده ام». منزل آقای اختریان در تهران مهیا شده بود و بودجه هم که آماده بود و یکی از آقایان متدین اصفهان هم ماشین سواری اش را آورده بود و تقریباً ساعت 12 شب ایشان به اتفاق آقای جبل عاملی که اهل خمینی شهر هستند، اخوی آقای شمس آبادی، آقای حاج محمد و آقای آل رسول آماده ی حرکت شدند؛ ولی شاخص آن ها آیت الله خادمی بود که بعد حرکت کردند و آیت الله خمینی هم در سخنرانی شان از همه ی مهاجران اظهار تشکر کردند.» (1)

ص: 52

حجت الاسلام و المسلمین جعفری اصفهانی از روحانیان فعال اصفهان در جریان مبارزات و قیام 15 خرداد و دستگیری امام خمینی نیز در خاطرات خود از همکاری روحانیان با بازاریان اصفهان برای پشتیبانی از امام خمینی و مهاجرت علمای اصفهان به تهران در اعتراض به دستگیری امام خمینی چنین توضیح داده است: «از اقدامات مهم ما در اصفهان برگزاری مراسم به مناسبت های مختلف برای آگاهی دادن به مردم بود هیئت های مختلفی داشتیم که با هم مرتبط بودند و با همکاری روحانیون و بازاریان در مقابل رژیم عکس العمل نشان می دادیم. قبل از 15 خرداد به خاطر حادثه ی فیضیه با دسته جات مذهبی اصفهان به قم آمدیم. در مدرسه فیضیه سخنرانی هایی داشتیم و قطعنامه ای توسط علی اصغر مروارید خوانده شد نهضت پانزده خرداد به دنبال بازداشت امام صورت گرفت. حکومت در صدد بود پرونده ای برای امام تشکیل دهد ترس ما این بود که ایشان را از بین ببرند لذا برای این که رژیم بدانند امام تنها نیست و تمام مردم و مراجع از او حمایت می کنند و حرف های ایشان و انقلاب او را قبول دارند قرار شد که علمای اصفهان به رهبری حاج رحیم ارباب به تهران بیایند ایشان از شاخص ترین علمای آن روز اصفهان بود.» (1) حجت الاسلام جعفری اصفهانی در ادامه ی خاطراتش در مورد مهاجرت علما از اصفهان به تهران می نویسد: «حاج رحیم ارباب به همراه سایرین به تهران نرفتند. ما با سایر علما به تهران آمدیم و به منزل آقای قدیری در امیریه رفتیم. آیت الله خادمی پس از بازگشت به اصفهان به حمایت کامل از امام برخاست به امام شهریه می داد و مدرسه و مسجد وی پایگاه بسط و گسترش اندیشه های امام بود.» (2)

حسین گلبدی از فعالان نهضت اسلامی در اصفهان در مورد مهاجرت علما و روحانیان به تهران و تحصن آن ها برای آزادی امام خمینی و پخش اعلامیه هایی

ص: 53

1- عباسی، ابراهیم 1386، خاطرات حجت الاسلام جعفری اصفهانی، ص 39.

2- همان، صص 40 و 42.

در این خصوص میان عموم مردم چنین گفته است: «من برای امر لازمی به تهران رفته بودم شنیدم مراجع و علمای بلاد برای چاره جویی جهت آزادی امام در تهران اجتماعی دارند به آدرس محل اقامت آنان که در خیابان خیام بود رفتم و با ارسال پیامی جهت آیت الله خادمی اجازه ی ورود به منزل را پیدا کرده، وارد شدم تا آن جا که در نظرم هست حضرات آیات میلانی مرعشی، خادمی و شریعتمداری و عده ی دیگری از علمای شهرستان ها در آن منزل جمع شده بودند و پیرامون آزادی امام به بحث پرداختند از شهرستان های مختلف اعلامیه هایی به پشتیبانی امام به این منزل می آوردند تعدادی از این اعلامیه ها در اختیار من گذاشته شد که به اصفهان بیاورم ظهر هنگامی که می خواستم از منزل خارج شوم چون اطراف منزل افراد و مأمورین ساواک قدم می زدند احتمال این که ناراحتی فراهم شود را می دادم پس اعلامیه ها را به آیت الله خادمی دادم که در جیب خودشان بگذارند تا از محل دور شویم و به من تحویل دهند. همین کار را کردیم و بالآخره اعلامیه ها به اصفهان رسید و توزیع گردید.»⁽¹⁾ بدین ترتیب روند حوادث به گونه ای پیش رفت که آیت الله خادمی رهبری هدایت حرکت های عمومی مردم در اصفهان را به کمک سایر روحانیان به دست گرفت و روز به روز نقش ایشان در این مسیر پررنگ تر شد.

ب) بازاریان و اصناف

بازار اصفهان از دیر باز یکی از قطب های مهم اقتصاد کشور محسوب می شد و پیوند عمیقی با روحانیت داشت بازاریان و کسبه ی اصفهان در ادوار گذشته با روحانیت همراه بودند و در مبارزات مختلف روحانیان را همراهی می کردند در حوادث 15 خرداد 1342 و دستگیری امام خمینی نیز با اعتصاب و تعطیلی بازار اعتراضات خود را نسبت به عملکرد حکومت پهلوی در جریانات پیش آمده ابراز داشتند. با انتشار اخبار قم و تهران در اصفهان و اقدامات علما و انقلابی ها اعتصاب

ص: 54

1- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران شعبه، اصفهان حماسه ی پانزده خرداد در اصفهان به روایت خاطرات صص 43 و 44.

بازار اصفهان از روز 42/3/16 آغاز و علی رغم فشار های دستگاه های امنیتی و انتظامی تا هفتمین روز شهادت شهدای 15 خرداد ادامه می یابد بسیاری از کسبه ی خیابان ها به ویژه چهارباغ و دروازه دولت و چهار سوق شیرازی ها نیز اعتصاب می کنند.

«در روز شانزدهم خرداد دعوت عمومی به اعتصاب و اقدامات انجام شده باعث تعطیلی بازار شد. از افرادی هم چون حسن حداد، حاج عباس نصر آزادانی، مهدی اقارب پرست، محمود کلاهدوزان، رحمت الله نادعلی، محمود و ایرج کسائیان حاج ابوالقاسم کوپایی مهدی، فقهی محمد پیشگاهی فرد، منوچهر بزرگی حسن صاحبانپور، حسین عبدالهی حسین واعظی، کاظم میر عمادی عباس، انصاری عبدالرسول موحدیان فضل الله، صلواتی، محمد باقر و حسین، نیلفروشان برادران مقدادی و روحانیونی هم چون آقایان خادمی کلباسی، طیب شمس آبادی ابطحی، شیخ العراقین، روضاتی امامی به عنوان فعالان و هدایت کنندگان راه اندازی اعتصاب و اعتراض عمومی نام برده شده است.» (1) شایان ذکر است برخی از روحانیان اصفهان از اعتصاب و تعطیلی بازار و مغازه های اصفهان استقبال نکرده و از در مخالفت با آن وارد شدند.

این اقدامات در حالی بود که بر اساس گزارش رسیده به ساواک تلاش برای متقاعد کردن آیت الله حاج آقا رحیم ارباب جهت امضای اعلامیه ی علما و دعوت به اعتصاب ناکام ماند بر اساس این گزارش عده ای نزد نام برده رفته و از ایشان درخواست امضای اعلامیه ی دعوت به اعتصاب را داشتند که آیت الله ارباب انکار کرده و به آن اشخاص بازاری می گوید: «شما ها که می خواهید این بلوا را راه بیندازید چه وسایلی با خود دارید؟» می گویند مثلاً سنگ و چوب و غیره به آن ها می گوید «بروید پیکار خود من ممکن نیست با امضا کردن این اعلامیه باعث و

ص: 55

مسبب ریختن خون تعدادی از بی گناهان اصفهانی بشوم.» (1) در گزارش دیگر مربوط به ساعت 6 بعد از ظهر روز 16 خرداد چنین آمده است: «قسمت اعظم بازار بسته است... در حال حاضر فقط مأمورین انتظامی دیده می شوند.» درگیری های پراکنده در خیابان های مرکزی شهر ادامه یافت و تعدادی از کسبه و تظاهر کنندگان و هفت نفر از رهبران و اعضای حزب زحمت کشان اصفهان دستگیر می شوند. در اسناد باقی مانده و موجود در ساواک در مورد شرح تعطیلی و اعتصاب بازار و بازاریان اصفهان چنین گزارش شده است: «وضع اصفهان ساعت 19 امروز (42/3/20): 1- بازار اصفهان و قسمتی از مغازه های چهارباغ بسته است؛ 2- وضع نجف آباد مانند روز قبل است؛ 3- ملاقات هایی در حال انجام است که تمام یا لاقفل قسمتی از آن باز شود.» (2) حجت الاسلام محمد حسن رحیمیان از روحانیان فعال در نهضت اسلامی در مورد تعطیلی و اعتصاب بازار اصفهان در خاطراتش چنین نوشته است: «به مناسبت حادثه ی 15 خرداد اصفهان را اعتصاب فرا گرفت تمام مغازه های خیابان ها و بازار بسته شد خیابان ها تا حدود یک هفته و بازار تا دو هفته در حال اعتصاب بودند.» (3) تعطیلی و اعتصاب عمومی در بازار اصفهان به فرمان روحانیان صورت گرفت و نقش آن ها در این مسئله بسیار مهم و اساسی بود. «مردم اصفهان پس از 15 خرداد 42 به خاطر اعتراض به کشتار مردم تهران و قم و تبریز و شیراز و ورامین و دستگیری امام خمینی و دیگر عالمان بزرگ کشور در شهر تعطیل عمومی اعلام کردند. مغازه ها و مدارس علمیه را نیز تعطیل کردند و پانزده روز اصفهان کاملاً تعطیل بود و پس از این مدت به دستور علما مغازه ها و مدارس باز شدند. در اصفهان و قم و تهران آیت الله منتظری نهایت تلاش را داشتند که مبادا

ص: 56

1- همان سند شماره ی 3478 ، 26 - 128 / ن.

2- اسناد ساواک سند شماره ی 334 تنظیم شده در 42/3/20.

3- رحیمیان، محمد حسن ، 1382 ، حدیث رویش، ص 68.

به آیت الله خمینی بی احترامی شود و یا این که ایشان را به محاکمه بکشاند.» (1)

حجت الاسلام رحیمیان در مورد نحوه ی انتشار و پخش اعلامیه های آیت الله خمینی با کمک حوزه و بازار و برخی روحانیان اصفهان در میان مردم این شهر در خاطراتش چنین توضیح داده است: «یکی دیگر از افرادی که در آن زمان تحرک خوبی داشت جوانی دانش آموز به نام آقای موسوی بود که مغازه اش در تیمچه ی کنار مسجد شیشه ی بازار بود و در توزیع اعلامیه ها و عکس های امام (قدس سره) همکاری خوبی داشت. آقای موحدیان که مغازه اش نزدیک حمام شاه بود و حاج آقا رضا مهاجر از علاقه مندان با نشاط امام بودند و آقای هسته ای نیز در محیط های کارگری بسیاری فعال بود حاج آقا حسن امامی نیز ضمن آن که از مدرسان خوب حوزه ی اصفهان بود به اشکال مختلف در خدمت نهضت بود در زمانی که امام در زندان بود، جناب حاج آقا حسن امامی برای چاپ اعلامیه ای که در حمایت از امام (قدس سره) و علیه رژیم شاه به نام بانوان مسلمان اصفهان تهیه شده بود از این جانب کمک خواست. حقیر از سال ها قبل با چاپ خانه ی مجلسی اصفهان آشنا بودم. در اواخر حیات مرحوم آیت الله العظمی بروجردی با دستور ایشان کتاب منتفی الجمان فی احادیث الصحیح و الحسان تألیف صاحب معالم برای اولین بار با تصحیح پدرم در چاپ خانه ی مجلسی اصفهان چاپ شد و به همین مناسبت در طول چند سال مرآورده به همراه پدرم با این چاپخانه و کارگران آن مأنوس شده بودم. بعد از دستگیری امام هیچ چاپخانه ای جرأت چاپ اعلامیه علیه رژیم و به طرفداری از امام را نداشت اما حقیر دور از چشم آقای مجلسی مالک چاپخانه، با یکی از کارگر های چاپخانه که فرد متدینی بود صحبت کردم و در ساعت های تعطیلی چاپخانه با هم متن اعلامیه را حروف چینی کردیم و سپس در تیراژی بالا آن را چاپ و به آقای امامی تحویل دادیم و تعدادی از آن را نیز خودم در نقاط مختلف توزیع

ص: 57

آقای حسین صاحبان پور از فعالان سیاسی آن زمان در اصفهان درباره ی واکنش کسبه و بازاریان اصفهان نسبت به دستگیری آیت الله خمینی و تعطیلی و اعتصاب بازار این چنین توضیح داده است: «وقتی که فهمیدیم 15 خرداد امام را دستگیر کردند، با عده ای از دوستان از جمله به برادر حسن حداد که تراشکار است گفتم «چه کار کنم؟» گفت «ببندید.» پس ما با دو چرخه دور شهر می گشتیم و به برادر ها می گفتم که بیاید مسجد جارچی به این طریق دوپست تا سیصد نفر جمع شدیم آمدیم اول بازار و شعار اولی را من دادم و همه همکاری کردند. ما به عنوان آشوب گر به مغازه ها ریختیم و فریاد زدیم «یا مرگ یا خمینی.» من به سمت بازار نجار ها رفتم دیدم که مغازه ها در حال بستن هستند یک دقیقه نشد که بازار بسته شد. به سمت خیابان دویدم تا آن جا را هم به اعتصاب بکشانیم. بعضی مغازه ها واقعاً طالب بودند حتی می خواستند و قسم می دادند که ما شیشه های شان را بشکنیم تا بدین بهانه مغازه را ببندند خیابان شاهپور همگی استقبال کردند و از این تظاهرات و شیشه شکستن ها خوشحال بودند چون وقتی مأموران امنیتی می گفتند «چرا بستنی؟» این ها می گفتند «چون امنیت نیست.»» (2) اعتصاب بازار اصفهان دو هفته به طول کشید اما سرانجام دخالت نیرو های امنیتی در تهران به تعطیلی و اعتصاب بازار این شهر پایان داد و اصفهان نیز به تبعیت از تهران مجبور به شکستن اعتصاب ها و باز کردن مجدد مغازه ها شد.

ج) دانش آموزان

دانش آموزان و فرهنگیان اصفهان از آغاز مبارزات آیت الله خمینی و پس از حوادث 15 خرداد 1342 و دستگیری ایشان همراه با سایر مردم نسبت به عملکرد

ص: 58

1- رحیمیان، محمد حسن، حدیث رویش ص 69.

2- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران شعبه، اصفهان حماسه ی پانزده خرداد در اصفهان به روایت خاطرات، صص 46 و 47.

حکومت پهلوی معترض شدند و از همان ابتدا با انتشار و پخش اعلامیه های امام خمینی در میان عموم مردم، شهر حمایت خود را از او ابراز کردند. دکتر صلواتی از نحوه ی چاپ و انتشار اعلامیه ها در میان مردم توسط عده ای از فرهنگیان چنین توضیح داده است: «اعلامیه های امام عموماً در اصفهان چاپ می شد. آقای گلپیدی که مسئول مدرسه ی کر و لال ها بودند، در آن شرایط خدمت بزرگی از جهت ماشین کردن اعلامیه ها توسط ایشان در مدرسه به انقلاب می شد در آن زمان بعضی مدارس تحت نظر ساواک بودند این اعلامیه ها از طریق مدرسه ی ترقی که مدیریت آن را حاج آقا باقر نیلفروشان داشت و نیز دفتر ازدواج حجت الاسلام حاج آقا روضاتی توزیع می شد. در محضر حاج آقا روضاتی علمای دیگر مانند آیت الله بهبهانی و آقای فلسفی و نیز آیت الله مهدی نجفی و آیت الله می رسید علی ابطی می آمدند و این هیئت علمیه اعلامیه می دادند که این اعلامیه خیلی مؤثر بود.» (1)

در خرداد 1342 و آغاز اعتراضات در قم جمع زیادی از معلمان اصفهان و چهره های فرهنگی و تحصیل کرده ی این شهر با روحانیان و دیگر اقشار مبارز همگام شده و آن ها را در این مبارزات همراهی کردند و عده ای از آن ها توسط نیروهای امنیتی و ساواک دستگیر شدند. «تعدادی از رجال اصفهان را در خرداد سال 42 به دنبال دستگیری امام (ره) بازداشت کردند که آقایان عبدالهی خوروش و حاج ابوالقاسم کوپایی و دکتر میر عمادی - رحمت الله علیهم از آن جمله بودند. از شخصیت ها و معلمان فعالی که در رابطه با نهضت آیت الله خمینی و اعلامیه های ایشان در اصفهان فعالیت بسیار داشتند می توان از این آقایان نام برد حاج آقا باقر نیلفروشان، حاج مهدی شکوهنده، حاج آقا حکیم باشی، حاج آقا تقی هسته ای، حاج عباس علی برهانی، پور حاج محمد فولادگر، حاج حسن حدادی، حاج شیخ غلامرضا فیروزیان مهندس رضا میر محمد صادقی، حاج سید رضا مهدی حاج شیخ علی اکبر فقیه ... مدتی که آقای سید محمد خاتمی در اصفهان بودند با این

ص: 59

گروه همکاری داشتند.» (1) در درگیری میان پلیس و تظاهر کنندگان اصفهانی در روز 17 خرداد 1342 نیز جمعی از فرهنگیان همراه با علما و روحانیان شرکت داشتند که از چهره های مهم فرهنگی می توان به فضل الله صلواتی، مهدی اقارب پرست حسین عبدالهی، خورش حسین واعظی عبدالرسول موحدیان و... در میان تظاهر کنندگان اشاره کرد. از دیگر چهره های فرهنگی اصفهان که در آغاز نهضت اسلامی و قیام 15 خرداد شرکت فعال داشت مهندس لطف الله میثمی بود. وی در خاطرات خود درباره ی رفتار مأموران ساواک برای جلوگیری از اعتراضات مردم اصفهان و جلوگیری از تظاهرات آن ها علیه حکومت می نویسد: «مسئولان اصفهان برای این که تظاهراتی نشود و مردم شورش نکنند شایع کرده بودند که خانمی در همان روز (ماه محرم) آرایش کرده و تبدیل به سگ شده است. تمام مردم شهر به دروازه دولت رفتند که این خانم را ببینند. در حالی که قضیه انحرافی و برای جلوگیری از حرکت مردم بود اما بعد از 15 خرداد روحانیون همه جا از جمله اصفهان برای شهدا ختم گرفتند. صمصام که واعظی طنزگو بود بر روی منبر گفت: من چقدر به این سید گفتم که پا روی دم سگ نگذار!» یعنی شاه را با سگ مقایسه کرده بود؛ ولی او را نگرفتند.» (2)

عده ی زیادی از معترضان در اصفهان از اصناف و طبقات مختلف مردم در جریان نهضت اسلامی و قیام 15 خرداد 1342 دستگیر شدند؛

«عباس علی شفیعی پارچه فروش غلامعلی طاهری: روحانی، شیخ علی رضایی: روحانی، میرزا حسین کلاهدوزان: تاجر، عباس روحانی: سقط فروش، محمود شهناسری: کارمند حریر بافی، سید اسدالله لدکی، فرامرز حسین پور، سید محمد احمدی، عباس شجاعت الحسینی، شیخ یدالله رحیمیان روحانی،

ص: 60

1- صلواتی فضل الله مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت، اصفهان، صص 828 و 829.

2- زمانی، احمد، 1392، مبدأ نهضت مجموعه مقالات قیام 15 خرداد و اصفهان به کوشش رحیم، نیکبخت جلد 2 خانه کتاب تهران.

شیخ غلامعلی خلدی فراز: روحانی، شیخ علی موحد: روحانی، شیخ محمد موحد، روحانی سید علی اکبر پور سجادی: روحانی، حسین سعادت پور: دیپلم بیکار، حسین کاملاسن: پیراهن باف، محمود منتظری: منشی بنگاه، سیف الله کریمی: عتیقه ساز، محمد خرمی: خرازی، سید اصغر حجازی: زنجیر ساز، حسین معنوی: عطار، شکرالله پرده ای: بقال، پرویز خسروی: شاگرد کفاش، حسن قلع ریز: چراغ ساز، علی رضوانی: شاگرد بقال، محمود کلاهدوزان: بزار، حسین خوروش: کتاب فروش، مصطفی قزوینی زاده: آرایش گر، سید کریم نازی: بنا، محمد ایزد خواستی: کفاش، حسین خشوئی: بافنده، ولی الله فتاحی: معلم دبستان، حسین فستقی: نخودریز، ابو القاسم کوپایی: تاجر، رضا نوروزی: خرازی فروش، باقر نوروزی: خرازی فروش، صفر علی عبد یزدانی، محمد اقتداری: آهن فروش، سید کاظم میر عمادی: دکتر، حسین واعظی: دکتر، عبدالرسول حاتم زاده: مهندس، کریم اقبالی خیر آبادی: معلم، حاج... احمدی، محمد ایزدخواستی: کفاش محمد خرمی: خرازی فروش، سید اصغر حجازی: پارچه فروش، کریم نادی: بنا، پرویز خسروی: شاگرد کفاش، حسین خوروش، مصطفی خلیلیان: شاگرد خیاط، شکر الله پرده ای: بقال، علی رضوانی: شاگرد بقال، حسین خشوئی: بافنده، حسین فاتحی: نخودریز، محمد اقتداری: آهن تراش، عباس علی کسائی کوپایی: کارمند، اسدالله خسروی نژاد: کارمند، عبدالغفور خسوری: دلال بازار، سید یحیی مرتضوی: روحانی، شیخ محمد رضا ناطق: روحانی، علی علی دوست: کارگر، عباس آزادانی: کارگر، حسین صاحبانپور: کارگر، حسین بهشت نژاد: کارگر، باقر هوشیار: کارگر، قاسم علی اسحاقیان: کارگر، محمد موسوی: دلال بازار، عبدالرسول موحدیان: دلال بازار، سید احمد امامی: روحانی، شیخ غلامعلی خلدی فراز: روحانی، شیخ حسین هاشمیان: روحانی». (1) این نکته قابل ذکر است که بسیاری از این افراد به مرور زمان از صحنه ی درگیری و مبارزه

ص: 61

خارج شدند. ولی برخی از آنان هم چنان به فعالیت خود ادامه دادند و در سال های سرنگونی حکومت پهلوی و انقلاب اسلامی جزء افراد مطرح و صاحب نام شدند. در ادامه ی این کتاب زندگی نامه ی برخی از این افراد در حد امکان و اختصار ارائه شده است.

آزادی امام خمینی و بازتاب آن در اصفهان

در اواخر سال 1342 ش محمد رضا شاه تصمیم به تغییر سیاست های خود گرفت. از این رو علم نخست وزیر وقت را با وجود نقش مهم و اساسی اش در سرکوب قیام 15 خرداد از مقامش برکنار کرد و حسن علی منصور را که چهره ای جدید و جوان در صحنه ی سیاست محسوب می شد و دارای افکار و برنامه های نوین و مترقی بود به نخست وزیری برگزید.

منصور قصد داشت تا با ایجاد فضای سیاسی آرام در ایران برنامه های اقتصادی و اجتماعی نوینی بر اساس سیاست های غرب و آمریکا در ایران پیاده کند به همین دلیل در آغاز کارش سیاست به ظاهر مسالمت آمیزی را نسبت به معترضین در پیش گرفت و در برابر روحانیان و دین اسلام ادای احترام کرد و در ادامه ی این سیاست تصمیم به آزاد کردن آیت الله خمینی از زندان گرفت و ایشان در 18 فروردین 1343 از زندان آزاد شد و در میان استقبال گرم مردم به قم بازگشت. اما در دیداری که با جواد صدر، وزیر کشور دولت منصور در قم داشت، بر مواضع پیشین خود تأکید کرد و بار دیگر مخالفت خود را با تصویب و اجرای قوانینی که با دین اسلام مغایرت داشت ابراز کرد و خواستار لغو آن شد آیت الله خمینی در دیدار با وزیر کشور با بیان این که نه با اعلی حضرت همایونی و نه با اسدالله علم و نه با دولت منصور کینه و عداوت داشته بلکه مخالف برنامه های ضد دینی رژیم و از جمله لوایح ششگانه بوده و تا آخرین نفس هم روی این موضوع مقاومت خواهد کرد، بر تصور دولت جدید مبنی بر وجود دشمنی دیرینه میان ایشان و دولت قبلی خط بطلان کشیده و

اغراض شخصی را ملاک مبارزات و مخالفت های خود ندانستند و عمل دولت را ملاک و معیار قضاوت قرار دادند.» (1) طلاب حوزه علمیه ی قم، روحانیان هواداران امام خمینی و هم چنین سران برخی از گروه های مخالف با حکومت پهلوی نیز از آزادی ایشان خوشحال شده و به دیدار ایشان شتافتند.

«طلاب سر درب مدارس حوزه علمیه را چراغانی و تصویر آقای خمینی را نصب کرده و ابراز خوشحالی کرده و به یکدیگر تبریک می گفتند همزمان با هجوم گسترده مردم برای ملاقات با امام علما و روحانیون طراز اول قم از جمله آیات عظام، شریعتمداری، نجفی گلپایگانی و علامه طباطبایی به دیدن ایشان آمدند و همان طلاب نیز با چراغانی و تعطیلی مدارس دینی در قم شادی خود را از بازگشت ایشان به این شهر ابراز داشتند برخی تشکل های سیاسی مخالف حکومت چون نهضت آزادی ایران ... با ترتیب دادن برنامه ی ملاقات با آیت الله خمینی در قم و عزیمت به آن شهر عملاً آزادی ایشان را گرامی داشتند.» (2) آزادی حاج آقا روح الله موجب خوشحالی مردم اصفهان نیز شد و آن ها هم همراه و همگام با سایر مردم و هواداران ایشان با برگزاری مجالس جشن و چراغانی در سطح شهر و مغازه ها به پرداختن سید علی اصغر غروی از فعالین نهضت اسلامی در اصفهان اوضاع شهر و مردم اصفهان پس از آزادی آیت الله خمینی را چنین توضیح داده شادی است:

«مردم سر تا سر شهر را در واکنش به خبر آزادی حاج آقا روح الله چراغانی کرده بودند. یادم نیست که دقیقاً چراغانی و جشن در چه قسمت هایی بود، ولی مدرسه ی صدر و حتی قسمتی از بازار و دروازه اشرف را مفروش کرده و شیرینی می دادند. کلاتری ها برای برخورد با حرکت های احتمالی تعداد نیروهای خود را افزایش

ص: 63

1- شکرزاده، حسن 1386، مبارزات امام خمینی به روایت اسناد انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ص 85.

2- همان ص.

داده بودند قدم به قدم یک پاسبان ایستاده بود؛ مردم دسته دسته وارد مدرسه ی صدر شده و به علما و طلاب تبریک می گفتند.» (1)

روحانیان سرشناس اصفهان از جمله آقایان آیت الله خادمی، حاج آقا فخر کلباسی و حاج آقا مصطفی ابطحی برای دیدار با امام خمینی به قم رفتند و آزادی ایشان را تبریک گفتند. علاوه بر این، روحانیان گروه های زیادی از مردم از دیگر شهر های اصفهان به قم رفته و با ایشان دیدار کردند. «هیئت هایی از نجف آباد به سرپرستی شیخ حسینعلی منتظری و شیخ نعمت الله صالحی و از خوراسگان نیز به سرپرستی شیخ احمد و شیخ محمود و ابوالقاسم ربانی و هم چنین تعدادی از طلاب شهرضا و همایون شهر نیز به قم عزیمت کردند. اشخاصی که سرپرستی گروه های اصفهان را بر عهده داشتند بیشتر دارای سابقه بوده اند.» (2) بالا-خره در این مرحله عموم طبقات مردم اصفهان به رهبری روحانیانی هم چون آیت الله خادمی موفق شدند که همگام با سایر نقاط و شهر های ایران در شیرینی آزادی امام سهیم شوند.

پس از قیام 15 خرداد و آزادی امام خمینی تا مدتی اوضاع کشور آرام بود. اما در تابستان 1343 ش، علی رغم اقدامات آرام کننده ی قبلی در ادامه ی اجرای سیاست های آمریکا در، ایران دولت منصور تصمیم به تصویب لایحه ی کاپیتولاسیون گرفت که طرح و تصویب این مسئله اختلاف میان حکومت و روحانیان را عمیق تر کرد. این امتیاز مبنی بر اعطای مصونیت به شهروندان آمریکایی مقیم ایران بود و موجب شکل گیری اعتراضات جدید به حکومت پهلوی از سوی اقشار و گروه های مختلف و در رأس آن ها به حکومت شد.

«منظور از کاپیتولاسیون آن بود که با اعطای این حق به یک کشور بیگانه اتباع آن کشور در کشور ثالث مورد تعقیب جزایی و قانونی قرار نمی گیرد. بدین لحاظ

ص: 64

1- حنیف، محمد اصفهان در انقلاب ص 256.

2- همان، ص 261.

و چنان چه اتباع بیگانه در کشور ثالث مرتکب جرم و قانون شکنی شوند، دستگاه قضایی حق هیچ گونه بازخواست و بازجویی از افراد خاطی را ندارد و سفارت آن کشور مسئول پیگیری و صدور حکم در مورد اتباعش می باشد.» (1)

همان گونه که گفته شد در اعتراض به تصویب این قانون اعتراضات زیادی از جانب گروه های مختلف صورت گرفت اما مهم ترین این اعتراضات از جانب آیت الله خمینی در روز 4 آبان 1343 انجام شد که منجر به تبعید وی در 13 آبان 1343 به عراق گردید ایشان با سخنرانی در روز 4 آبان موجب شد که موج مبارزات و اعتراضات علیه حکومت که پس از 15 خرداد تا حدودی خاموش شده بود، مجدداً روشن شود.

«رژیم که از تصمیم امام اطلاع یافت پیکری به قم فرستاد تا با امام دیدار کرده و ایشان را از تصمیم خود منصرف سازد ولی امام حاضر به دیدار وی نشد و به ناچار او با فرزند امام حاج آقا مصطفی دیدار کرد و با زبان نصیحت و تهدید اظهار داشت آمریکا به منظور کسب وجهه در میان مردم ایران با تمام قدرت فعالیت می کند و پول می ریزد و از نظر قدرت در موقعیتی است که هر گونه حمله به آن به مراتب خطرناک تر از حمله به شخص اول مملکت است.» (2)

آیت الله خمینی در این سخنرانی به شدت به مفاد این لایحه اعتراض کرد و تصویب آن را عامل وابستگی و تحقیر ملت ایران بیان کرد. قسمتی از سخنرانی ایشان بدین شرح است: «من تأثرات قلبی خود را نمی توانم اظهار کنم. از روزی که مسائل اخیر ایران را شنیدم خوابم کم شده قلبم در فشار است... من با تأثرات قلبی روز شماری می کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید ایران دیگر عید ندارد، عید ایران را عزا کردند اگر من به جای این ها بودم این چراغانی ها را منع می کردم و می گفتم

ص: 65

1- قاسمی، طهمورث، 1381 نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران ص 64.

2- رجیبی، محمد حسن، 1381، نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ص 64.

بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند عزت ما پایکوب شد... قانونی به مجلس بردند که در آن اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین و ثانیاً الحاق کردند به آن که مستشاران نظامی آمریکا با خانواده های شان و هر کسی که به آن ها بستگی دارد از هر جنایتی که در ایران بکند مصون هستند. اگر یک خادم آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد. دادگاه های ایران حق محاکمه ندارند. و باید پرونده به آمریکا برود و در آن جا ارباب تکلیف را معین کند...» (1)

علاوه بر این سخنرانی اعتراض آمیز آیت الله خمینی بیانیه ای را صادر کرد و از همه ی مردم خواست علیه این قانون اعتراض کنند. این اطلاعیه به سرعت طی چند روز به وسیله ی نیرو های طرفدار امام خمینی در سراسر کشور منتشر شد. پخش سخنرانی اعتراض ایشان و انتشار اطلاعیه منتقدانه ی وی با توجه به جو امنیتی که توسط ساواک و رژیم پهلوی در کشور ایجاد شده بود و اجازه ی هر گونه فعالیت مبارزاتی مسالمت آمیز با حکومت را از مخالفان گرفته بود، بی سابقه بود.

«این سخنرانی تاریخی در شرایطی ایراد شد که ساواک بر اوضاع و احوال کشور مسلط بود و برای جلوگیری از مخالفت علما و روحانیون و شخص امام تدابیر امنیتی شدیدی اندیشیده بود. به رغم کنترل شدید ساواک در زمانی بسیار کوتاه ده ها هزار نسخه از متن سخنرانی و اعلامیه امام در مخالفت با لایحه ی کاپیتولاسیون در کشور منتشر شد. سرعت عمل انتشار دهندگان به حدی سریع و غافل گیرانه بود که گفته شد شاه مستقیماً ساواک را به دلیل ناتوانی از انتشار آن مورد انتقاد قرار داده است.» (2) با توجه به سابقه ی مبارزات امام خمینی از 15 خرداد 1342 با حکومت پهلوی و اطلاع حکومت پهلوی از میزان نفوذ و قدرت وی در میان مردم و سایر روحانیان و مخالفت با لایحه ی کاپیتولاسیون وجود امام خمینی

ص: 66

1- روحانی، سید حمید (1360) بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی انتشارات وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، تهران، ص 259 و 260.

2- شاهی، مظفر، ساواک، ص 336.

در ایران برای حکومت پهلوی مشکل آفرین بود و رژیم که قدرت مبارزه با وی را نداشت و متوجه شد که نمی تواند از راه های مسالمت آمیز امام خمینی را به سازش دعوت کند تصمیم به تبعید وی از ایران گرفت امام خمینی در 13 آبان 1343 از ایران به عراق تبعید شد پس از تبعید امام خمینی از ایران ساواک اطلاعیه ی کوتاهی در این خصوص منتشر کرد و بدین نحو خبر تبعید امام خمینی را به اطلاع عموم مردم رساند. «طبق اطلاع موثق و شواهد و دلایل کافی چون رویه ی آقای خمینی و تحریکات مشارالیه بر علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شد، لذا از تاریخ 13 آبان 1343 از ایران تبعید گردید. سازمان اطلاعات و امنیت کشور.»
(1)

تبعید آیت الله خمینی که منجر به تحولات بزرگی در آینده ی ایران شد اعتراضات زیادی را از جانب گروه های مختلف از جمله بازاریان و طلاب و علمای حوزه های علمیه به دنبال داشت. به همین دلیل حکومت پهلوی جو امنیتی شدیدی را در ایران ایجاد کرد. «تبعید حضرت آیت الله خمینی در داخل کشور و خارج بازتاب بسیار وسیعی پیدا کرد و تقریباً بازار غالب شهر ها به حال تعطیل در آمد. نیروی انتظامی در شهر قم تدابیر لازم را اتخاذ کرده بود. به مناسبت دستگیری و تبعید آیت الله خمینی درس های حوزه علمیه و نماز های جماعت به عنوان

اعتراض به بازداشت و تبعید غیر قانونی ایشان در قم و مشهد و تهران و بسیاری از شهرستان ها تعطیل شد و این تعطیلی در حدود یک ماه به طول انجامید.» (2)

سخنرانی آیت الله خمینی در اعتراض به کاپیتولاسیون پنخس اعلامیه های اعتراض آمیز به این مسئله در اصفهان و تبعید آیت الله خمینی از ایران در اصفهان نیز بازتاب گسترده ای داشت مبارزان اصفهانی از جمله آقایان تقی هسته ای و

ص: 67

-
- 1- منصوری، جواد (1373) سیر تکوینی انقلاب، اسلامی انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران ص 187.
 - 2- عاقلی، باقر (1370)، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب، اسلامی جلد دوم انتشارات، گفتار، تهران، ص 180.

مهندس رضا میر محمد صادقی اعلامیه های آیت الله را در سطح شهر اصفهان پخش کردند اعتراضاتی نیز از سوی روحانیان و بازاریان اصفهان به تبعید امام خمینی صورت گرفت که اگر چه توسط نیرو های امنیتی حکومت پهلوی و ساواک سرکوب شد؛ اما تا مدت زیادی ادامه یافت در جلسه ای که با حضور مقامات امنیتی و حکومتی اصفهان از جمله مهندس پارسا استاندار، سرهنگ صدقی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان اصفهان سرهنگ فراست فرمانده هنگ ژاندارمری و... تشکیل شد تدابیر و تصمیمات امنیتی زیادی علیه معترضان اصفهانی اتخاذ شد از هنگام تبعید آیت الله خمینی تا ترور حسن علی منصور نخست وزیر در اول بهمن 43 و روی کار آمدن هوبدا در هجدهم بهمن در اصفهان، از سوی مأموران دولتی و اقشار مختلف مردم واکنش های متفاوتی بروز یافت با وجود اقدامات پیشگیرانه ی مأموران دولتی در اصفهان اعلامیه ی مراجع در مورد کاپیتولاسیون در این شهر نیز توزیع شد.

در همین زمان شایعاتی مبنی بر ربوده شدن یک دختر ایرانی توسط یک افسر آمریکایی و انجام اعمال منافی عفت با وی، باعث تحریک احساسات مردم گردید؛ به همین دلیل مغازه های اصفهان که بر اساس گزارش های اولیه ی ساواک در نخستین روز پس از انتشار اعلامیه ی آیت الله خمینی باز بودند به زودی و با تبعید آیت الله خمینی تعطیل شدند.» (1)

آیت الله صالحی نجف آبادی نیز درباره ی اوضاع اصفهان پس از تبعید امام خمینی این گونه توضیح می دهد وقتی یک بار دیگر پس از گذشت چند روز از تبعید آیت الله خمینی بازار اصفهان بسته شد در خیابان چهارباغ که رفت و آمد می کردم خبرنگاران خارجی و یا ایرانی را می دیدم که دوربین به دست از مغازه های تعطیل شده فیلم برداری می کردند. متأسفانه به یاد ندارم که کدام یک از روحانیون در آن ایام نقش بیشتری داشتند. جلسه های سخنرانی مرتب برقرار می شد و علما و

ص: 68

روحانیان در آگاهی مردم نقش مؤثری داشتند.» (1) محمود اسماعیل خانیان از دیگر فعالان و شاهدان آن زمانی در اصفهان در مورد چگونگی اعتراضات به تبعید امام خمینی چنین گفته است: «زمانی که حاج آقا روح الله را تبعید کردند، مادر اصفهان خیلی ناراحت شدیم ولی فشار رژیم به حدی بود که ما نتوانستیم تظاهرات مهمی راه بیندازیم حرکت مردمی هم تنها در حد تعطیلی مغازه ها، تکثیر نوار ها و اعلامیه های ایشان انجام شد یک امر مهم در این زمان این بود که رهبر را از ما گرفته بودند و کسی دستوری نداشت که به چه صورتی باید عمل بشود.» (2)

پس از تبعید آیت الله خمینی به عراق فعالیت های اعتراضی مبارزان در اصفهان به دلیل فقدان وجود رهبری توانا با رکود مواجه شد و حرکت مهم و قابل توجهی از جانب گروه های مبارز دیده نشد. روحانیان اصفهان نیز به دلیل فشار های وارد شده از سوی ساواک و حکومت پهلوی حرکت مهمی از خود نشان ندادند و اصفهان نیز هم چون سایر شهر های ایران در این مرحله دچار یک دوره ی فترت شد.

«مهم ترین پیامد تبعید آیت الله خمینی در اصفهان سرخوردگی نیرو های انقلابی در نخستین سال های پس از 43 بود به همین دلیل مرکزیت تکثیر اعلامیه های انقلابی که تا آن زمان در اصفهان بود به قم منتقل شد. در پی دستگیری گروه های تکثیر اعلامیه و روحانیون طرفدار آیت الله خمینی آرامش در سایه ی خفقان بر اصفهان حاکم گردید. ساواک در دوران پس از تبعید آیت الله خمینی با به دست آوردن آمار روحانیان و دسته بندی آنان به موافق مخالف، درجه یک، درجه دو، ممنوع المنبر و... سعی می کرد هر یک را با توجه به موقعیت و شخصیت شان به سکوت وادار کند.» (3) روحانیان اصفهان در این زمان با اقدام سرکوب گرایانه ی حکومت پهلوی با در پیش گرفتن سیاست های متفاوت در برابر رژیم محمد رضا

ص: 69

1- همان ص.

2- حنیف محمد اصفهان در، انقلاب، صص 281 و 282.

3- حنیف، صص 286 و 287.

شاه موضع و موقعیت خود را مشخص کردند اما روش اکثریت آن ها دوری از سیاست و مبارزه با حکومت پهلوی بود.

محمد علی مقدس دستجردی از روحانیان اصفهان در مورد واکنش دیگر روحانیان اصفهان در برابر حکومت پهلوی چنین توضیح داده است: «بعضی از علما مثل آیت الله خراسانی از اول هم خیلی در مسیر مبارزه نبودند و از ابتدا نیز به امام خمینی پیغام داده بودند که در برابر حکومت با احتیاط سخنرانی کنید اما عده ی دیگری از علما از هنگام شروع مبارزه با مردم همراه بودند. کسانی چون آقایان شمس آبادی خادمی زند کرمانی احمد، امامی منصور زاده، رهبر، مهدی، مظاهری، مصطفی ابطحی و... در جریان مبارزه سخنرانی های روشنگرانه ای هم داشتند؛ اما ساواک پس از قیام پانزده خرداد و تبعید آیت الله خمینی در صدد خاموش کردن آنان برآمده با هر یک به شیوه ای برخورد کرد. عده ای را با چند روز دستگیری بعضی را با نصیحت و پند و اندرز عده ای را با ایجاد وحشت و... وادار به عقب نشینی کرد به همین سبب علمای اصفهان پس از تبعید آیت الله خمینی بیشتر احتیاط می کردند فقط آیت الله منتظری از اول تا آخر همراه انقلاب بود. البته کسان دیگری هم مثل حاج احمد آقا امامی هم مورد توجه مردم بودند، ولی جزء علمای بزرگ نبودند آیت الله طاهری هم سال 42 در قم اقامت داشتند و در آن جا مشغول تحصیل بودند و حتی پس از وفات آیت الله بروجردی و طرح انتخاب مرجعیت بیشتر از آیت الله شاهرودی و آیت الله خوئی مسئله می گفتند. از آیت الله خمینی هم مسئله ای بیان می کردند. ولی نظرشان بیشتر به آیت الله شاهرودی بود آقای طاهری بعداً طی جلسه هایی که با آقای منتظری داشتند به آیت الله خمینی گرایش پیدا کردند.» (1)

به نظر می رسد بر خلاف گفته ی پیشین که تبعید امام را مایه ی دل سردی به حساب آورده است حجت الاسلام جعفری اصفهانی در خصوص تأثیر تبعید

ص: 70

امام خمینی در مبارزات مردم اصفهان نظری متفاوت دارد و در این باره می نویسد: «تبعید امام روحیه و انگیزه ی انقلابیون را بالا برد و حوزه ها را به حرکت درآورد. اطلاعیه ها و نشریات زیادی علیه سیاست های رژیم در قم و تهران منتشر می شد تلگراف های متعددی از طرف علما صادر گردید در اصفهان نیز ما طلبه ها سعی در گسترش مبارزات داشتیم. این اطلاعیه ها و اعلامیه ها را به دست آورده و در تیراژ وسیع تکثیر و منتشر می کردیم...» (1) البته از فحوای مطالب فوق می توان فهمید که منظور آقای جعفری درباره ی اوج گیری فعالیت ها به دوران کوتاهی، پس از تبعید امام بر می گردد و پس از آن با توجه به نظارت و سخت گیری ساواک جو کلی رو به رکود و سکون رفت و فعالیت های روحانیان در اصفهان پس از تبعید امام خمینی از ایران کمی کمرنگ شد یکی از عوامل آن انتشار نامه ی اعلامیت امام خمینی در اصفهان بود حجت الاسلام جعفری اصفهانی در این خصوص در ادامه ی خاطراتش چنین نوشته است: «نامه ی اعلامیت حضرت امام توسط جمعی از آیات از جمله مؤمن، جنتی، خزعلی و مرحوم آیت الله ربانی شیرازی با نظارت آیت الله منتظری تهیه و توسط ده نفر از فضلاء قم که همگی مجتهد و در تعیین مرجع ذی صلاح بودند امضا شده بود. گروهی از جوانان که حجت الاسلام جعفری اصفهانی نیز از جمله اعضای فعال آن بود اقدام به توزیع و انتشار آن در اصفهان کردند. همین امر منجر به افشای فعالیت آن ها در اصفهان شد.» (2)

به نظر می رسد منظور جعفری اصفهانی از تشدید فعالیت و تأثیر اعلامیت امام آن است که پس از کشف محل تهیه، تنظیم، تکثیر اعلامیه ها در اصفهان، فعالان دستگیر شده و جلوی ادامه ی کار آن ها گرفته شد این همان نکته ای است که پیشتر به آن اشاره شد؛ که مرکز تهیه و تکثیر اعلامیه ها پس از اصفهان به قم انتقال یافت.

ص: 71

1- عباسی، ابراهیم، 1386، ص 48.

2- همان ص 49.

فصل دوم: مروری بر فعالیت مستمر احزاب سیاسی در اصفهان (55-20ش)

اشاره

ص: 73

در این فصل به فراهم کردن زمینه‌ی آشنایی با احزاب سیاسی فعالی که شکل‌گیری آن‌ها به سال‌های پس از اشغال ایران در شهر یور 1320 ش، بر می‌گردد می‌پردازیم احزابی در این کتاب بررسی شده‌اند که دامنه‌ی فعالیت آن‌ها تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه دارد این احزاب عبارت‌اند از حزب توده حزب زحمت‌کشان حزب پان‌ایرانیست جبهه ملی و نهضت آزادی انتخاب این احزاب به این خاطر است که فعالیت آن‌ها در طول سال‌های مورد بحث استمرار داشته است. از این رو این بحث عملکرد بسیاری از احزاب و سازمان‌های سیاسی که شکل‌گیری و فعالیت آن‌ها با کودتای 28 مرداد 1332 ش خاتمه می‌یابد را شامل نمی‌شود.

بحث دقیق و موشکافانه درباره‌ی علل پیدایش و فعالیت احزاب، بسیار گسترده و وسیع است که در این جا با رعایت اختصار معرفی می‌شود. فعالیت احزاب سیاسی در ایران در حد فاصل سال‌های 1355 - 1320 ش / 1976-1941 م، تنها محدود به شهر تهران نماند و بسیاری از شهرستان‌ها نیز فعالیت‌های حزبی داشتند. عوامل متعددی در زمینه‌سازی برای حضور این احزاب در عرصه‌ی سیاسی کشور پس از شهریور 1320 ش / 1941 م نقش داشت عوامی که به طور کلی می‌توان آن‌ها را در دو قالب عوامل داخلی و عوامل خارجی دسته‌بندی کرد. بی‌گمان برای آگاهی از شرح فعالیت و اقدامات سیاسی احزاب، افراد و گروه‌ها در شهر اصفهان در طول سال‌های 1340 تا 1355 ش که محدوده‌ی اصلی این کتاب است نخست لازم است نگاهی ولو مختصر به وضعیت کلی در کشور و به طور خاص شهر اصفهان افکنده شود و با ارائه‌ی شرح کوتاهی در خصوص عواملی که در شکل‌گیری

احزاب و گروه‌ها پس از شهریور 1320 ش مؤثر بوده‌اند به معرفی مهم‌ترین احزاب و گروه‌های سیاسی در طول سال‌های 1320 تا 1355 ش پرداخته شود:

1- عوامل داخلی:

اشغال کشور توسط نیروهای متفقین جا به جایی قدرت و به سلطنت رسیدن شاهی جوان را می‌توان دلیل نخست تولد احزاب به حساب آورد. پس از شهریور 1320 ش در ایران بود زیرا زمینه‌ی مناسبی برای احیای مشروطیت فراهم شد و آزادی ناشی از سقوط دیکتاتوری سبب شد تا بسیاری از چهره‌های شاخص و سرشناس سیاسی، مجدداً فرصت پیش آمده را مغتنم شمرده و در قالب تشکیل احزاب و انجام فعالیت به عرصه‌ی سیاست بازگردند. (1)

دلیل دوم فراهم بودن زمینه برای گسترش کار این احزاب بود در طول سال‌های سلطنت رضا شاه برنامه‌های دولت بر پایه برقراری نظم و امنیت و تشکیل دولت مقتدر مرکزی استوار بود و همین امر سبب ظهور طبقه‌ی جدیدی در کنار طبقه‌ی مالکان و روحانی شد که به نام طبقه‌ی متوسط جدید شناخته می‌شد. این طبقه‌ی نو ظهور بیشتر متشکل از نویسندگان روزنامه‌نگاران نظامیان و سیاستمدارانی بود که در طول سلطنت رضا شاه به دلیل اختناق و استبداد حاکم مجال بروز نیافته و به همین دلیل در این مقطع زمانی و با توجه به موقعیت فراهم شده برای دستیابی به خواسته‌های خود از گسترش فعالیت احزاب سیاسی استقبال کردند. در کنار طبقه‌ی متوسط طبقه‌ی نو ظهور کارگر نیز از فعالیت احزاب پشتیبانی می‌کردند این طبقه در پی پیشرفت برنامه‌های صنعتی کشور ایجاد شد و بیشتر شامل اشخاصی بود که از روستا برای کار در کارخانجات صنعتی به شهر آمده و سالیان متمادی به مطالبات اقتصادی خود دست نیافته بودند. (2) ورود این دو طبقه‌ی متوسط جدید و کارگر در کنار طبقه‌ی متوسط قدیم که در تلاش بود

ص: 76

1- کتابی، 1377، شماره 15، 141.

2- مسعود نیا، 1386، 140-144.

امتیازات گذشته‌ی خود را حفظ کنند در عرصه‌ی سیاسی حوزه‌ی فعالیت احزاب را گسترش داد.

دلیل سوم مشکلات و بحران‌های ناشی از شرایط جنگی، دشواری‌های اقتصادی و در رأس آن‌ها کمبود شدید ارزاق عمومی و تورم افسار گسیخته بود که به یقین بخش مهمی از آن‌ها معلول سوء سیاست‌های اشتغال‌گر و کمبود مصنوعی خواروبار و قحطی نان و ناتوانی دولت مرکزی از اداره هر چه بهتر امور ناشی می‌شد و اسباب بروز نارضایتی را در میان مردم فراهم می‌کرد. (1) در حقیقت ایران در آستانه‌ی دهه‌ی بی‌قرار داشت که در آن مشروطه خواهی در کنار مبارزه برای دستیابی به قدرت امکان شکوفا شدن یافته بود مبارزه میان سیاستمداران نخبه زمین داران و کارفرمایان ثروتمند این بار در قالب مبارزات احزاب ادامه یافت اما نکته‌ی مهم این بود که بار دیگر مجلس و نهاد نخست وزیری اهمیت پیدا می‌کرد و همراهی با فعالیت احزاب به عنوان سدی در برابر استبداد طلبی محسوب می‌شد. (2)

2- عوامل خارجی:

علاوه بر تحولات داخلی مهم ترین عامل خارجی، حضور نیروهای اشتغال‌گر خارجی در کشور بود که بسیار تأثیرگذار بود و بر نحوه‌ی شکل‌گیری و فعالیت احزاب و تبلیغات آن‌ها مؤثر بود زیرا اشتغال‌گران در راه پیشبرد منافع خود تلاش می‌کردند از شاه جوان چهره‌ای متفاوت با پدرش عرضه کنند و او را حامی آزادی و مشروطیت در کشور معرفی کنند. دلیل دوم تلاش نیروهای متفقین جهت مقابله با فاشسیم بود که سبب می‌شد در این راه از همه‌ی نیروهای مؤثر بهره‌برده و با حمایت‌های مادی و سیاسی و نظامی خود از آنان اسباب رشد و گسترش احزاب را فراهم کنند. (3) با این حال موقعیت پیش آمده، خود فرصتی برای نیروهای داخلی بود

ص: 77

1- کتابی، 1377، شماره‌ی 15، 14.

2- کمبریج، 1371، 62.

3- حجاری طاهری، 1378، 201.

تا در راه مبارزه با استبداد با تشکیل احزاب و گروه‌ها به صحنه‌ی سیاست بازگردند. به این ترتیب زمینه‌های لازم برای فعالیت احزاب فراهم شد. شهر اصفهان نیز به عنوان یکی از شهرهای مهم پس از اشغال کشور دستخوش حوادث متعددی شد. کمبود ارزاق و نارضایتی عمومی از یک سو و حضور چهره‌های شاخص، سیاسی سرمایه‌دار و قشر کارگر از سوی دیگر موقعیت مناسبی برای فعالیت احزابی مانند حزب توده را در این شهر فراهم کرد کمبود نان و افزایش بهای آن و کاهش غله اسباب نارضایتی عمومی را فراهم کرده بود. در خصوص این، مشکلات مقالات متعددی در روزنامه‌های کشور از جمله روزنامه‌ی اصفهان به چاپ می‌رسید برای نمونه مقاله‌ی مورخ اردیبهشت 1322 ش؛ این روزنامه از تلاش نمایندگان شهر بنا بر دستور استاندار برای کاهش نرخ نان در سطح شهر خبر می‌دهد. (1) با این حال این تلاش‌ها تا حدود زیادی ناموفق بود و همین امر سبب شد تا احزاب با تبلیغات خود بتوانند نظر مساعد مردم را به فعالیت‌های خود جلب کنند. در حد فاصل ساله‌ای 1320 ش / 1941 م تا وقوع کودتا در 28 مرداد 1332 ش / 1953 م و دوران پس از کودتا تا سال 1355 ش، بسیاری از احزاب فعال در پایتخت به دلیل ویژگی‌های شهر اصفهان از قبیل، وسعت جمعیت و سابقه‌ی تاریخی و حضور چهره‌های فعال و استقرار صنایع بافندگی و نساجی و پیدایش روزافزون کارگران و بافندگان اقدام به تأسیس شعبه در این شهر کردند. هم‌چنین تعدادی از این احزاب به طور خاص تنها در شهر اصفهان مشغول فعالیت بودند.

احزاب سیاسی در حد فاصل سال‌های 1320 - 1355 ش:

حزب توده‌ی ایران:

حزب کمونیست ایران در سال 1299 ش / 1920 م تأسیس شد و با وجود مخالفت جدی حکومت رضا شاه به صورت مخفی به فعالیت‌های خود ادامه داد. در پی تصویب لایحه‌ای در مجلس شورای ملی در سال 1310 ش و ممنوع شدن

ص: 78

فعالیت حزب کمونیست در ایران ارانی از فعالین این حزب به همراه 53 نفر از یارانش که به گروه ارانی یا پنجاه و سه نفر معروف شدند با استناد به قانون فوق دستگیر و زندانی شده و تا آخر سلطنت رضا شاه در زندان بودند. از میان این افراد تقی ارانی در سال 1318 ش در زندان کشته شد. (1) پس از سقوط سلطنت رضا شاه در شهریور 1320 ش/ 1941 م اعضای حزب از زندان آزاد شده و پس از فراهم شدن موقعیت برای انجام فعالیت های سیاسی در مهر ماه سال 1320 ش، 27 نفر از اعضای گروه پنجاه و سه نفر با گردهمایی در تهران در سال روز مرگ، ارانی تشکیل حزب توده ی ایران را اعلام کردند و سلیمان میرزا اسکندری به عنوان اولین دبیر کل حزب انتخاب شد. (2) نور الدین کیانوری در خاطرات خود در خصوص انتخاب نام توده برای حزب می نویسد: «حزب توده ایران در دهم مهر ماه 1320 ش تأسیس شد و نام توده برای آن انتخاب شد تا یک جبهه ی وسیعی را در بر بگیرد تا فقط به کمونیسم محدود نشود.» (3)

حزب در آغاز، خود را ملزم به رعایت چهارچوب های قانون اساسی کرد.

علاوه بر این از ارائه ی برنامه های انقلابی خودداری کرد و به دلیل جنگ جهانی راه مبارزه با فاشیسم را پیش گرفت، رهبران میانه رو برگزید و موفق شد طبقه ی روشن فکر را به سوی خود جلب کند.

حزب توده به منظور جذب عناصر مختلف اجتماعی و سیاسی و بهره گیری از ظرفیت های مختلف در حوزه های فرهنگی، اجتماعی، کارگری، سیاسی، علمی به ایجاد پایگاه و تشکیل سازمان های متعدد اقدام کرد که برخی در ظاهر مستقل بودند و ارتباطی با حزب نداشتند؛ اما در واقع گروه های هوادار حزب (4) محسوب

ص: 79

1- کیانوری، 67، 1371.

2- صلاحی، 1386، 407.

3- کیانوری، 67، 1371.

4- احمدی حاجی کلانی، 1389، 191.

می شدند. در حقیقت اسلحه مؤثر حزب توده برای اجرای هدف های مورد نظرش همان تشکیلات حزبی بود به این ترتیب و با ایجاد سازمان های وابسته در هر زمینه و در میان هر صنف و دسته روز به روز نفوذ خود را بیشتر کرد ارگان های مختلف سازمانی حزب توده و تشکیلات وابسته بسیار فعال بودند سازمان و وظایف کمیته مرکزی حزب توده و شعب مختلف آن تعریف شده و مشخص بود. این تشکیلات عبارت بودند از شعبه تبلیغات، تعلیمات، مطبوعات، جوانان، کارگران سازمان، اطلاعات شعبه ی دهقانان شعبه ی زنان و... (1). در اکثر شهر های کشور فعال بودند سه تشکل فعال و بیشتر شناخته شده ی حزب عبارت بودند از:

1- سازمان نظامی (افسری): این سازمان حزب مهم ترین پوشش و سپر امنیتی حزب در برابر ضربات حکومت پهلوی بر پیکره ی حزب توده بود. از طریق این سازمان و نفوذ در ارتش حزب از بسیاری از مسائل آگاه می شد؛ این سازمان توسط عبدالصمد کام بخش و سرهنگ عزت الله سیامک و خسرو روزبه در اوایل سال 1323 ش / 1944 م تأسیس شد حزب از سال 1328 ش شروع به سازماندهی افسران نظامی ای که از سال 1323 ش به شکل غیر رسمی فعالیت خود را با حزب توده شروع کرده بودند کرد حزب در سال 1329 ش سازمان نظامی خود را رسمیت بخشید (2).

اولین مسئول کمیته مرکزی سازمان نظامی، عبدالصمد کامبخش بود (3). سازمان، افسران همپای اوج گیری و اعتلای نهضت ملی شدن صنعت نفت رو به توسعه و گسترش نهاد رشد تشکیلات سازمان به اندازه ای سریع بود که از سال 139 ش / 1950 م به بعد نه تنها سازمان افسران در تهران توانست در ارتش نیروی

ص: 80

1- فرمانداری نظامی شهرستان، تهران، 265، 1366-263.

2- صلاحی، 1386، 408.

3- احمدی حاجی کلانی، 1389، 192.

هوایی ژاندارمیری و شهربانی ریشه دواند و شبکه های سازمانی ایجاد کند بلکه توانست در برخی از شهرستان ها نیز شعبه هایی فعال تشکیل دهد پس از تهران مهم ترین شعبه ی سازمان تشکیلات کرمان بود. (1)

در لشکر 19 اصفهان نیز سرهنگ ها حبیب الله فضل اللهی و کشاورز و سرگرد ها فریدون واثق مهین تهرانی فرزند ستوان یکم دفتری و.... از اعضای فعال این سازمان بودند. (2) این سازمان به ظاهر در سال 1325 ش منحل گردید، اما مخفیانه تا سال 1333 ش به فعالیت خود ادامه داد سازمان در شهریور 1333 ش با دستگیری سروان عباسی و سرهنگ محمد علی مبشری و چند تن دیگر متلاشی شد (3).

2- سازمان جوانان: از نخستین سازمان هایی بود که توسط حزب توده تشکیل شد و مستقیماً به حزب وابسته بود. این سازمان در فروردین سال 1322 ش/ 1943 م بر اساس تصمیم رهبری حزب به پیروی از احزاب کمونیستی تشکیل شد و رهبری سیاسی آن ابتدا بر عهده ی عبدالحسین نوشین و سپس دکتر رضا رادمنش بود سازمان جوانان یکی از گسترده ترین فعال ترین و تأثیر گذار ترین تشکیلات وابسته به حزب بود این سازمان در 22 شهریور سال 1323 ش/ 1944 م سازمان دانش آموزان را تأسیس کرد که از آن به منظور شرکت در تظاهرات خیابانی سود می جست (4). حامد با خدایان مسئولیت تشکیلات سازمان جوانان حزب در سال 1323 ش/ 1944 م در شهر اصفهان را بر عهده داشت. (5)

3- اتحادیه ی شورای متحده ی مرکزی کارگران حزب به علت نقشی که برای

ص: 81

1- خسرو پناه، 1378 ، 128.

2- همان 128.

3- احمدی حاجی کلانی، 1389، 192.

4- همان، 1389، 192.

5- فرماندار نظامی شهرستان، تهران، 1336 ، 265.

خود در جنبش کارگری قائل بود از همان ابتدای فعالیت به تشکیل اتحادیه های کارگری مبادرت ورزید. اردشیر آوانسیان و رضا روستا در این کار پیش قدم بودند حزب در تمام ایران اتحادیه ی کارگری تأسیس کرد که از مجموعه ی آن ها، شورای متحده ی مرکزی کارگران و زحمت کشان به وجود آمد و رضا روستا مسئولیت آن را بر عهده گرفت همزمان با شورای متحده یا شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران سه اتحادیه ی مستقل به نام های اتحادیه ی کارگران و برزگران ایران و کانون کارگران راه آهن ایران و اتحادیه ی زحمت کشان ایران نیز وجود داشت که در میان کارگران و دهقانان به فعالیت مشغول بودند از مهم ترین اقدامات این سازمان می توان به فعالیت در نهضت ملی و درگیری با اتحادیه ی کارگران و برزگران ایران که زیر نظر یوسف افتخاری اداره می شد اشاره کرد این اتحادیه ی کارگری حزب توده در اردیبهشت 1323 ش / 1944 م تأسیس شد که در آن 150000 کارگر عضویت داشتند. (1)

فعالیت حزب توده در اصفهان:

حزب توده پس از سازماندهی برنامه های خود مشغول گسترش فعالیت در سراسر کشور شد شهر بزرگ و صنعتی اصفهان از ابتدا مورد توجه خاص حزب بود و تشکیلات وسیعی از این حزب در اصفهان فعال بودند. در تشکیلات اصفهان به این ترتیب افراد مسئولیت داشتند محجوبیان مالواجو، نظری سهرابیان و بعد ها شخصی به نام افکاری. (2)

از جمله تشکیلات بسیار فعال حزب در شهر اصفهان شورای متحده ی کارگری وابسته به این حزب بود شورای متحده ی کارگری در سال 1321 ش / 1942 م توسط حزب ایجاد شد. هدف از تشکیل این شورا متشکل ساختن کارگران بود حضور طبقه کارگر و عدم تحقق مطالبات صنفی آن ها در

ص: 82

1- احمدی، حاجی کلانی، 1389، 197-198.

2- فرمانداری نظامی شهرستان تهران 1336، 256.

سال های متمادی سبب شد حزب توده که با شعار حمایت از کارگران، فعالیت خود را از سر گرفته بود، به دلیل وجود کارخانجات نساجی و حضور کارگران زمینه را برای حضور در شهر اصفهان مناسب یافت و شعبه ای از حزب را در سال 1321 ش در این شهر تأسیس کرد.

یکی از مؤسسان شعبه ی اصفهان، تقی فداکار بود که به عنوان چهره ای تازه نفس و فعال توانست به جنبش کارگری جان تازه ای ببخشد. (1) وی از وکلای دادگستری بود که از طریق سلیمان اسکندری به این حزب ملحق شد و با در دست گرفتن نبض فعالیت های سیاسی این طبقه به تشکیل اتحادیه کارگری در اصفهان اقدام کرد. با شروع فعالیت های سیاسی حزب در اصفهان اعضای وابسته و نمایندگان آن در کارخانه ها موفق شدند از طریق سخنرانی کارگرانی را که به دلیل شرایط سخت اقتصادی به دنبال مطالبات صنفی بودند به سوی خود جذب کرده و با راه اندازی اعتصابات و اعتراضات به فعالیت تشوق کنند. (2)

عزت الله باقری یکی از کارگران فعال در این دوره در خاطرات خود درباره ی چگونگی جذب کارگران می گوید: «یکی از این اشخاصی که با کارگران صحبت می کرد احمد کفعمی بود. او از روحانیون سابق بود که در زمان رضا شاه، عمامه اش را برداشته بودند و بعد از آن مجبور شده بود در کارخانه ها کارگری کند؛ به همین جهت هم از جرئت و جسارت و قدرت بیان خوبی برخوردار بود. احمد کفعمی ابتدا با تک تک کارگران بافنده تماس می گرفت و در مورد لزوم فعالیت برای احقاق حقوق و تشکیل یک اتحادیه ی کارگری صحبت می کرد. کم کم وقتی تعداد این افراد رو به فزونی گذاشت این صحبت ها هم علنی شدند. وقتی از کار دست می کشیدیم موقع ناهار در کافه ی کارخانه یا آخر وقت، کارگران جمع می شدند

ص: 83

1- شیخی، 1383، 143.

2- همان، ، 144.

و احمد کفعمی برای آن‌ها صحبت می‌کرد که چگونه باید احقاق حقوق کرد.» (1)

حمایت کارگران از این‌گونه حرکت‌ها سبب شد تا تقی فداکار به عنوان چهره‌ای فعال بتواند رهبری این اعتراضات را بر عهده بگیرد و اقدام به تأسیس شورای اتحادیه‌ی کارگری در شهر اصفهان کند و وی موفق شد پس از این کار از طریق مذاکره با مقامات شهر و کارخانه داران به تعدادی از خواسته‌های صنفی کارگران جامه‌ی عمل بپوشاند و به عنوان رهبر اتحادیه به محبوبیت در میان کارگران دست یابد.

با این حال محبوبیت وی از جانب حزب توده قابل پذیرش نبود؛ زیرا وی تلاش می‌کرد فعالیت اتحادیه را به عنوان بخشی مستقل از حزب توده معرفی کند. این در حالی بود که عملکرد او در اصفهان سبب نارضایتی مقامات دولتی شهر نیز شده بود و آن‌ها از نفوذ وی در میان قشر کارگر نگران بودند. بدین ترتیب هر دو گروه به نوعی خواستار کاهش نفوذ فداکار در نزد کارگران بودند. (2)

زمینه‌ی تشکیل اتحادیه‌های کارگری در اصفهان:

گفته شد که اوضاع اقتصادی پس از اشغال ایران در شهریور 1320 ش/ 1941 م و حضور نیروهای متفقین در کشور بسیار وخیم و اسفبار بود. کمبود ارزاق و افزایش قیمت مواد غذایی و تورم فزاینده عرصه‌ی زندگی را بر همگان تنگ کرده بود و با وجود تلاش دولت برای سامان دادن به اوضاع آشفته کشور شرایط زندگی در اکثر شهرهای ایران از جمله در شهر اصفهان بسیار سخت بود. (3)

در آن ایام از هجده میلیون نفوس، ایران تعداد کارگران صنعتی نزدیک به دویست هزار نفر می‌شد که به طور عمده در تهران آبادان، اصفهان و قائم شهر متمرکز بودند. در نتیجه جنگ جهانی دوم صنایع سبک محدود کشور به طرف

ص: 84

1- لاجینی، 1387، ج 1، 206.

2- فرمانداری نظامی شهرستان تهران 1336، 255.

3- عیوضی، 1380، 143.

ورشکستگی می رفت و صنعت در ایران رشد نازلی داشت. (1) کارگران شاغل عموماً روستایی هایی بودند که به دلیل فقر شدید راهی شهر ها شده و با حقوق ناچیزی در کارگاه ها و معدود کارخانه های صنعتی کار می کردند. (2) در حدود 140 تا 150 هزار نفر از اکثریت جمعیت شهر اصفهان را طبقه ی کارگر و پیشه ور به همراه خانواده های آنان تشکیل می دادند این قشر به دلیل در آمد اندک، توانایی تأمین بیشتر مایحتاج خود را نداشتند. شرایط سخت اقتصادی سبب شده بود، آنان به دنبال راه چاره ای برای سامان دادن به اوضاع مالی خود باشند. از یک سو دولت و کارخانه داران پاسخ درستی به درخواست های مکرر آن ها نمی دادند و از سوی دیگر تشکیلاتی برای حمایت از حقوق صنفی به طور مشخص فعالیت نمی کرد. (3) همین امر موجب شد تا کارگران به ایجاد و بازسازی اتحادیه های کارگری در شهر های صنعتی از جمله در شهر اصفهان گرایش پیدا کنند (4). کارگران در اصفهان به دنبال رهبران قدرتمندی بودند که در سایه حمایت آنان بتواند از حقوق صنفی شان حمایت کند.

این روند درست زمانی بود که فضای باز سیاسی این امکان را به احزاب و گروه ها می داد تا در میان قشر های مختلف جامعه نفوذ کرده و هوادارانی پیدا کنند. (5) حزب توده نیز که به فکر ایجاد تشکیلاتی در شهر اصفهان برای یافتن جایگاهی در میان طبقه ی کارگر، بود از این موقعیت استفاده کرد و با شعار حمایت از اتحادیه های کارگری و ارائه ی امکانات افراد را به خود جلب کرد همین امر سبب شد تا کارگران از فکر ایجاد و بازسازی اتحادیه های کارگری در شهر اصفهان

ص: 85

1- طبری، 1373، 52.

2- جمعی از پژوهشگران، 1387، 100.

3- فلور، 1371، 85.

4- آبراهامیان، 1387، 315.

5- ازغندی، 52، 1379.

استقبال کنند از جمله شخصیت هایی که در شروع این حرکت با حزب توده همراه شد تقی فداکار بود. (1)

وی به دعوت، کارگران رهبری بنیاد اولیه اتحادیه در اصفهان را که در شهریور 1320 ش/ 1941 م مخفیانه بنا شده بود به عهده گرفت و با متشکل کردن کارگران و یافتن اعضای فعال اقدام به شروع تبلیغات در کارخانه ها کرد و از آن جایی که فعالیت های خود را بر روی رفع مشکلات زندگی کارگران متمرکز کرده بود به تدریج توانست توجه این طبقه را به سوی خود جلب کند. (2) میر محمد صادقی نیز در خاطرات خود این موضوع را تصدیق می کند که هر چند وجود کارخانه ها رونقی برای صنعت شهر اصفهان، بود اما وضعیت کارگران چندان مناسب نبود وی می نویسد: «تعدد کارخانه ها و فراوانی کارگران صنایع جدید به علاوه ی وضعیت نامناسب کارگران به فعالیت های کارگری اصفهان ویژگی خاصی بخشیده بود. بعد از شهریور 1320 ش و ایجاد فضای باز سیاسی - اجتماعی در کشور، اصفهان از این تحولات برکنار نماند و در عرصه ی کارگری صفحه ی نوینی در تاریخ معاصر گشود. در اصفهان دو گروه قدرتمند کارگری وجود داشت یکی اتحادیه های کارگری به رهبری شمس صدری و کیوان بود. کیوان از یک چشم نابینا بود و اتحادیه در خیابان شاه (طالقانی فعلی) قرار داشت مرکز نفوذ اتحادیه هم کارخانه های ریسباف، شهناز و صنایع پشم بود. گروه دیگر کارگری به رهبری تقی فداکار و از هواداران حزب توده بود. گروه فداکار در کارخانه های نخ تاب، عطاء الملک و پشم باف نفوذ داشت.» (3)

شاید بتوان گفت مهم ترین ابتکار حزب توده در اوایل سال 1321 ش/ 1942 م، تأسیس اتحادیه ی کارگری به نام شورای مرکزی اتحادیه ی کارگری و زحمت کشان

ص: 86

1- همان، 282، 1382.

2- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1382، ج 2، 185.

3- همان، صص 43-41.

ایران به ریاست رضا روستا بود. این سازمان توانست با پوشش کاملاً غیر کمونیستی با بهره‌گیری از افراد غیر، کمونیست مانند تقی فداکار (مسئول شورا در استان، اصفهان) در تهران قریب به 1000 کارگر و در سایر شهرها عده‌ی قابل توجهی را پیرامون خود گرد آورد و در مقایسه با دیگر سازمان‌ها، حزب توده به یک سازمان قابل توجه سیاسی مبدل شد. در سال 1322 ش/ 1943 م شورای مرکزی با دو 1332 ش سازمان کارگری دیگر ائتلاف کرد و نام خود را به شورای متحده‌ی مرکزی... تغییر داد. (1)

تقی فداکار فرزند شیخ محمد انصار ترک همدانی در سال 1282 ش/ 1903 م در شهر اصفهان متولد شد و در این شهر تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را گذراند. (2) در نوجوانی تحت تأثیر افکار برادرش به نهضت جنگل پیوست و در این راه بود که برادر او جان خود را از دست داد. پس از شکست نهضت جنگل به تهران رفت و در مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران تحصیل کرد و با سلیمان میرزا اسکندری و مدرس آشنا شد و با آن که به ایدئولوژی مارکس و انگلس گرایش یافت اما هم‌چنان به اعتقادات مذهبی پایبند بود. (3)

در دوره سلطنت رضا شاه در اصفهان زندگی می‌کرد نخستین شغل او در یک شرکت تجاری روسی بود و در آن جا با زبان روسی آشنا شد. چندی بعد به استخدام اداره‌ی ثبت اصفهان در آمد و مدتی نیز به وکالت اشتغال داشت و تا زمانی که رضا شاه از سلطنت کناره گرفت در همین حرفه مشغول بود. او در سال 1321 ش/ 1942 م با معرفی سلیمان اسکندری به حزب توده پیوست. کامبخش نیز در این راه وی را متقاعد کرده بود و رهبری اتحادیه کارگران اصفهان را در دست گرفت. (4)

ص: 87

1- جمعی از پژوهشگران، 1387، 100.

2- مهدوی، 1387، 249.

3- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1382، ج 2، 185.

4- لاجوردی، 1369، 269 - 270.

شاخه ی حزب توده در اصفهان در 22 خرداد 1321 ش تشکیل شده بود.

رهبان اولیه کمیته ی ولایتی اصفهان عبارت بودند از: تقی فداکار، محرم علی شهیدی نعمت الله بهرام پور احمد کفعمی، عبدالحسین بزرگزار، ژرژ قسطنیان، احمد کشاورز و حسن عصر طلایی، بعداً محمود بقراطی نیز از سوی رهبری حزب توده به منظور تقویت فعالیت حزب به اصفهان اعزام شد. (1) زیرا مهم ترین مرکز فعالیت (شورای متحده) در شهر اصفهان بود. (2) محمود بقراطی از گروه 53 نفر ارانی از دیگر رهبران حزب توده بود که به کمک نعمت الله بهرام پور، برای پیوند اتحادیه با حزب توده فعالیت می کرد. (3) در این زمان از فعالان حزب توده در اصفهان می توان به علی شمیده اشاره کرد. (4) او از طرف حزب توده در شهر های اصفهان تهران و تبریز به کار اتحادیه مشغول بود (5). اسکندری در مقابل شمیده که تندروی بیشتری داشت کمیته ی مرکزی را قانع کرد تقی فداکار رهبری اتحادیه را بپذیرد. در مراسم افتتاح این مرکز رضا روستا عضو کمیته ی مرکزی حزب نیز از تهران حضور یافت و برای حضار سخنرانی کرد و به این ترتیب تلاش برای فعالیت های تبلیغاتی آغاز شد و با کارگران مستعد تماس گرفته شد. (6)

در مراحل بعد با رشد فعالیت کارگران و اتحادیه ی کارگری اولین اختلافات بروز پیدا کرد و میان فداکار و کمونیست های اعزامی از تهران درگیری روی داد؛ زیرا فداکار خودش اصولاً کمونیست نبود و به همین خاطر بود که تعداد زیادی از کارگران اصفهان به اتحادیه ی کارگری پیوسته بودند. به علاوه او اتحادیه را مستقل

ص: 88

1- حنیف، 395، 1383.

2- جمعی از پژوهشگران، 1387، 100.

3- شیخی، 1383، 144.

4- لاجوردی، 272، 1369.

5- طبری، 1373، 287.

6- لاجینی، 206، 1387.

از حزب توده می دانست و نه زیر مجموعه ی آن و با وجود همکاری با رضا روستا، او نام اتحادیه ی خود را شورای مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمت کشان اصفهان گذاشته بود و نه شورای ایالتی که نشانه ای از وابستگی به حزب باشد. (1) بنابراین با محمود بقراطی نماینده ی اعزامی حزب توده از مرکز در مورد نفوذ توده ای ها در اتحادیه درگیر شد البته در دنبال کردن این هدف تا حدودی موفق بود؛ زیرا پس از گسترش فعالیت ها تعداد اعضای اتحادیه های کارگری اصفهان به سی هزار نفر رسید و تعداد اعضای حزب توده از صد نفر بیشتر نبود (2)؛

زیرا اکثریت طبقه کارگر صنعتی ایران نیز مذهبی بودند و کسانی که به حزب توده و شورای متحده روی می آوردند بیشتر به دنبال نیاز های اقتصادی خود بودند تا انگیزه های سیاسی. (3) در بازجویی ای که بیست سال بعد توسط ساواک و پس از غیر قانونی اعلام شدن فعالیت حزب توده در ایران توسط دولت از فداکار صورت گرفت وی در این خصوص گفته بود: «من خودم جزو حزب توده بودم ولی کارگران را از عضویت حزب توده به علت عدم اطلاع و نداشتن معلومات برای عضویت صلاح نمی دانستم مخصوصاً وقتی تحریکات مرکز بعد از فوت سلیمان میرزا علیه من شروع گردید...» (4) صحبت های فداکار خیلی زود توانست نظر کارگران را به خود جلب کند و گفته های دلگرم کننده ی او مبنی بر توانایی کارگران برای تغییر شرایط زندگی آن ها را هر چه بیشتر به سوی متشکل شدن با یکدیگر در قالب اتحادیه ها سوق می داد و این گونه روز به روز نفوذ فداکار و هم فکرانش در درون تشکیلات کارگری در کارخانه ها زیادتر شد. از آن جایی که در اصفهان زاده شده بود کارگران با او احساس هم دلی می کردند و او را از خود می دانستند. (5) روند

ص: 89

1- جمعی از پژوهشگران، 1387، 100.

2- ذبیح، 1387، 195.

3- طبری، 1373، 52.

4- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1382، ج 2، 198.

5- لاجوردی، 1369، 270.

فعالیت های حزب در ابتدا بر پایه مخفیانه بنا شده بود؛ اما پس از 28 مرداد 1321 ش انسجام و اتحاد در میان کارگران این امکان را به حزب توده ی اصفهان داد تا با انجام اعتصاب در جهت تحقق خواسته های خود برآیند. اعتصاب موفقیت آمیز در کارخانه های بافندگی تجربه ی بسیار مهمی را برای کارگران به ارمغان آورد هر چند ابتدا با مقاومت کارخانه داران و مقامات دولتی روبه رو شدند اما کم کم توانستند امتیازاتی را دریافت کنند همین امر موجب شد کارگران دریابند می توانند با راه اندازی اعتصاب مطالبات خود را عنوان کنند و کارخانه داران را مجبور کنند به خواسته های آن ها رسیدگی کنند. (1)

موفقیت کارگران کارخانه های بافندگی به کارگران ریسندگی نیز شهادت اعتراض و اعتصاب داد و همین امر سبب شد قوام که در آن سال در پست نخست وزیری مشغول به کار بود از دامنه دار شدن اعتصابات و گسترش آن به سایر شهر ها احساس نارضایتی کرده و در صدد برآید راه حلی برای مشکل پیش آمده بیابد بنابراین هیئتی به سرپرستی سید علی نصر (معاون وزارت پیشه و هنر) به اصفهان اعزام شد هیئت اعزامی حل مشکل را در دستور کار خود قرار داد و در این خصوص حتی توافق نامه هایی را نیز با کارخانه داران امضا کرد، اما پذیرش این توافق ها مانند افزایش دستمزد کارگران در قسمت های مختلف کارخانه های ریسندگی و بافندگی و هم چنین فراهم آوردن شرایط بهتر آموزشی و زندگی برای کارگران و خانواده های شان صرفاً در ظاهر توسط کارخانه داران پذیرفته شده بود. بنابر این هنگامی که کارگران متوجه شدند کارخانه داران و کارفرمایان در عمل قصد انجام این توافقات را ندارند هر چه بیشتر به سوی همکاری اتحادیه های کارگری سوق داده شدند. (2)

کارگران در ابتدا صرفاً از جانب نمایندگان شان با کمیته ی حزب توده و شخص

ص: 90

1- همان، 1369، 280.

2- خسرو پناه، 98، 1384.

فداکار در ارتباط بودند. این نمایندگان گزارشی را در خصوص وضعیت زندگی کارگران به فداکار ارائه می دادند و در خصوص فعالیت های شان دستورات لازم را از او دریافت می کردند اما شرایط آنان را مجاب کرد که در قالبی متحد تر و از طریق تشکیل اتحادی های وسیع تر و نه صرفاً در سطح هر کارخانه بهتر می توانند دست به اقدامات اساسی بزنند بنابراین روز 15 آذر 1321 ش اتحادیه ی کارگران اصفهان وابسته به حزب توده تأسیس خود را اعلام کرد. (1) ریاست اتحادیه با تقی فداکار بود. او اتحادیه را به همراه آقای بهرام پور اداره می کرد. مرام نامه ی منتشر شده توسط اتحادیه نشان می داد که آن ها در تلاش هستند تا از شرایطی که به دلیل نبود قانون درست و مدون در رابطه ی کارگر و کارفرما ایجاد شده بود رهایی یابند و هر چند مرام نامه دارای نواقصی بود و اتحادیه بر خلاف سایر اتحادیه های کارگری در ایران نتوانسته بود به درستی به تفکیک وظایف پردازد، اما این حرکت شروع راهی بود که از کارگران می خواست تا اتحادیه را به عنوان نماینده ی خود برای حل اختلافات شان با کارفرما بپذیرند. (2) گزارش استانداری اصفهان برای شخص نخست وزیر حکایت از پیگیری این فعالیت ها توسط مقامات دولتی اصفهان و تحت نظر بودن فعالیت های تقی فداکار داشت. (3) در مقابل اما کارخانه داران و کارفرمایان نمی توانستند حضور اتحادیه ی کارگران را به عنوان نهادی صرفاً صنفی بپذیرند و همین مسئله باعث شد در برابر فداکار که از آن ها می خواست اتحادیه را به عنوان نماینده ی کارگران برای حل اختلافات و جامعه ی عمل پوشانیدن به توافق نامه بپذیرند واکنش تندی نشان داده و از مأموران شهربانی خواستند در برابر کارگران از آن ها حمایت کنند

برخورد بد مأموران شهربانی با کارگران و دستگیری نمایندگان آن ها به رغم

ص: 91

1- لاجوردی، 1369، 269.

2- حنیف، 1383، 295.

3- طیرانی، 1376، ج 1، 253.

دستور قوام برای پایان دادن به اختلافات و رسیدگی شهربانی به شکایات باعث نارضایتی بیشتر کارگران شد اما از آن جا که علاوه بر شهربانی سایر مقامات اصفهان هم از فعالیت های اتحادیه ناراضی بودند نمایندگان اتحادیه ی اصفهان و شخص فداکار را مسئول ناآرامی و تحریک کارگران دانسته و عنوان کردند که خود قصد خاتمه دادن به این اختلافات را دارند. (1)

برای تضعیف موقعیت اتحادیه کارگری وابسته به حزب توده جلسه ای با حضور مقامات در استانداری تشکیل شد و در این جلسه عنوان شد که اجازه داده نشود اشخاصی مانند فداکار نظم عمومی را بر هم بزنند. در خاتمه ی جلسه بر لزوم افزایش حقوق کارگران توافق شد ولی با وجود افزایش دستمزد اعتراضات کارگران خاتمه نیافت و همین امر زمینه را فراهم کرد تا اتحادیه ی کارگری اصفهان بتواند از اوضاع بهره ی بهتری برده و اعتصابات را سازماندهی کند و کارگران ناراضی را به سوی خود جلب کند. (2) در جریان این اعتصاب عمومی کمیسیون رسیدگی به شکایات این وضع را ناشی از تحریک افرادی مانند فداکار دانست، با کارگران برخورد تندی کرد و از دولت قوام خواست تا اجازه دهد از ادامه ی فعالیت اتحادیه ی کارگری اصفهان جلوگیری شود؛ اما نخست وزیر نپذیرفت و در مقابل این طرح را که بهتر است به کارگران مبلغی پول تحت عنوان عیدی داده شود مطرح کرد. این امر نشان می داد که قوام به خوبی از اوضاع روز آگاهی داشت بود و به این مسئله واقف بود که مانند سابق نمی توان از طریق رعب و زور و به شیوه ی ترساندن کارگران از مأموران دولتی آن ها را از مطرح کردن خواسته های خود منصرف کرد (3). وضعیت و زندگی شان شرایط اقتصادی به گونه ای نبود که کارگران بتوانند اوضاع و عدم افزایش دستمزد برای بهبود زندگی شان را بپذیرند. بنابر این هم چنان به حمایت

ص: 92

1- لاجوردی، 1369، 467.

2- لاجوردی، 1369، 470.

3- همان، 278.

خود از اتحادیه ادامه داده و همین امر سبب شد پس از برکناری قوام و روی کار آمدن دولت سهیلی هم با وجود درخواست مکرر مدیران کارخانه ها مبنی بر پایان دادن به فعالیت اتحادیه ی کارگری وابسته به حزب توده ی کارگران کارخانجات از اتحادیه حمایت کنند. (1)

مقاومت کارگران و همکاری با اتحادیه موجب شد تا سهیلی با فرستادن هیئتی جدید به نمایندگی دکتر، شیخ رئیس اداره ی تعلیمات وزارت پیشه و هنر، نقش واسطه ای میان نمایندگان اتحادیه و مدیران کارخانه ها را به عهده گیرد و هر دو را به امضای توافق نامه ای که در آن شرایطی برای بهبود وضعیت زندگی کارگران در نظر گرفته شده بود راضی کند تقی فداکار در جلسه ای که به این منظور تشکیل شد به عنوان نماینده ی کارگران حضور داشت.

هیئت اعزامی نقش میانجی را در میان نمایندگان کارگران و کارفرمایان بر عهده داشت و در نهایت با در نظر گرفتن حداقل دستمزد بر اساس هزینه ی زندگی یک خانواده ی چهار نفره ی کارگری امتیازاتی به شرح زیر به کارگران داده شد:

کاهش ساعت کار از 12 ساعت به 8 ساعت در هر شیفت؛

دریافت 35 درصد اضافه حقوق برای کار شب؛

دریافت روزانه 20 سیر نان رایگان برای هر کارگر؛

دریافت سالی یک ماه حقوق به عنوان پاداش سالیانه در شب عید نوروز؛

دریافت حقوق روزهای اعتصاب؛

دریافت پانزده روز مرخصی استحقاقی برای هر کارگر (2).

موفقیت فداکار باعث گرایش بیشتر کارگران به اتحادیه ی کارگری وابسته به حزب توده شد و روز به روز بر تعداد کارگران عضو افزوده شد؛ به گونه ای که اتحادیه به یکی از قوی ترین اتحادیه های کارگری ایران تبدیل شد و توانست امتیازات

ص: 93

1- همان 278-280.

2- لاجینی 1387، 214.

دیگری را نیز مطالبه کند که مورد قبول نمایندگان کارگران واقع شد. پس از آن فعالیت های تقی فداکار و یارانش بیشتر بر حول محور افزایش آگاهی کارگران در خصوص فعالیت های سندیکایی متمرکز شد و جلساتی با کارگران ترتیب داده می شد تا در خصوص فایده ی این گونه فعالیت ها صحبت شود و هم چنین اعضای اتحادیه بهتر از روند انجام امور در کارخانه ها توسط کارگران آگاه شوند. اما با وجود اجرای بند های توافق نامه ی صورت گرفته هنوز کارخانه داران و مقامات اصفهان در اندیشه ی کاهش نفوذ تقی فداکار و در مراحل بعد از میان برداشتن اتحادیه ی کارگری بودند.

شاید بتوان گفت زمینه ی این هدف برای آن ها از انتخابات انجمن شهر فراهم شد. فداکار در این انتخابات کاندید شد و با وجود رأی کارگران و حمایت های فراوان از او به دلیل ایجاد اختلافات و رقابت ها و اتهاماتی که مبنی بر تقلب در انتخابات و چگونگی عملکرد حزب توده متوجه تقی فداکار شد، مجبور شد از موقعیت خود انصراف دهد (1).

این واکنش فداکار و حزب توده در برخورد با نتیجه ی انتخابات و چشم پوشیدن از آراء و کناره گیری از انتخاب شدن وی موجب شد که اندکی قضاوت در خصوص عملکرد او زیر سؤال رود و این مسئله مطرح شد که پیش از اتخاذ این تصمیم و اجرای آن حزب توده و مقامات دولتی در شهر اصفهان در خصوص کناره گیری فداکار از انتخابات انجمن شهر، در مقابل دریافت کرسی نمایندگی در مجلس شورای ملی به توافق رسیده اند. در هر حال شواهد نشان می داد اتحادیه از جانب دولت مرکزی و حزب توده تحت فشار بود و هر دوی این نهاد ها، فعالیت اتحادیه را به نوعی تهدید برای خود به حساب می آوردند. (2) دولت با آن که می دانست، می تواند از طریق دستاویز قرار دادن اتحادیه در مقابل حزب توده قد علم کند اما در عمل از

ص: 94

1- لاجوردی، 1369، 278.

2- همان، 1369، 280.

محبوبیت و استقلال اتحادیه نیز وحشت داشت و حزب توده نیز در واقع از افزایش قدرت اتحادیه و شخص فداکار و کاهش نفوذ خود در میان قشر کارگر و کم در آمد جامعه می ترسید بنابر این از فاصله گرفتن تقی فداکار از اتحادیه احساس رضایت بیشتری می کرد.

ظاهراً حتی در طی مبارزات انتخاباتی مجلس چهاردهم حزب توده، بقراطی را که تندرود بود برای نامزدی انتخاباتی حزب به فداکار ترجیح می داد با این حال با استناد به گزارشی که در خصوص عملکرد حزب توده در انتخاب نماینده برای مجلس شورای ملی است نیز می توان دلیلی بر این ادعا یافت که حزب توده دور بودن فداکار از اصفهان را ترجیح می داده است در متن این سند آمده است: احتمال می رود به زودی حوادث خونینی در اصفهان در موقع انتخابات به وقوع پیوندد. چون اکنون حزب توده ی اصفهان که تحت رهبری تقی فداکار لیبر حزب اداره می شد و اکنون هم اداره می شود و اغلب دستورات را از تهران به مشارالیه به وسیله ی اشخاص مخصوصی صادر می شود و فعلاً مشارالیه نیز از طرف کمیته ی مرکزی خود کاندید اصفهان نامزد است و از طرف کمیته ی مرکزی دستور داده شده است آرایی به نفع مشارالیه ریخته شود و یک وکیل دیگر از طرف حزب توده به مجلس بفرستند و چون وکلای دیگری را نیز نامزد کرده اند.» (1)

کنسول انگلیس با پشتیبانی از فداکار که میانه رو بود حزب توده را از مخالفت با وی منصرف کرد استدلال کنسول انگلیس این بود که اصفهان از شخص فداکار حمایت می کند اما از نامزد توده ای غیر اصفهانی نه از مرکز نیز مقدمات برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات مجلس در تمام شهر ها از جمله شهر اصفهان فراهم می شد بدین ترتیب استاندار جدیدی نیز به این منظور به اصفهان اعزام شد. (2) روزنامه ی ، اصفهان در شماره ی ، مورخ چهارشنبه 21 اردیبهشت

ص: 95

1- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1382، ج 2، 187.

2- لاجوردی، 1369، 483.

ماه 1322 ش، در بخش اخبار شهری خبر انتصاب فرج الله بهرامی، دبیر اعظم به مقام استانداری اصفهان را اعلام کرد. (1) او برای سامان دادن به اوضاع آشفته ی شهر در خصوص کمبود نان و آماده کردن شهر برای برگزاری انتخابات مجلس چهاردهم به این سمت منصوب شده بود در متن این خبر آمده است به طوری که رادیو تهران پریشب اطلاع داد جناب آقای فرج الله بهرامی (دبیر اعظم) وزیر سابق کشور که سابقه ی خوب و درخشانی از فرمانداری سابق خودشان در اصفهان به یادگار گذارده اند به مقام استانداری استان دهم منصوب گردیده اند» (2). به گفته ی همین روزنامه استاندار در اواخر اردیبهشت ماه به اصفهان وارد شد و کار خود را آغاز کرد. (3) در خلال این حوادث در اواسط خرداد ماه سال 1322 ش، شاه به همراه ملکه نیز سفری به شهر اصفهان داشت. در جریان این سفر از چند کارخانه از جمله کارخانه های وطن و زاینده رود نیز بازدید شد تا از نزدیک شاهد روند کار در این مراکز باشند (4).

بدین ترتیب حزب توده تصمیم گرفت در جریان انتخابات مجلس چهاردهم از تقی فداکار به عنوان نماینده ی این حزب برای ورود به مجلس حمایت کند. حزب توده پس از تصمیم گیری در خصوص حمایت از فداکار، در جهت حمایت و تبلیغات از او تصمیم به اعزام گروهی به شهر اصفهان گرفت فعالیت های این حزب در اصفهان از نظر نیروهای امنیتی تحت کنترل بوده و در گزارشی به شهربانی اصفهان جهت مراقبت در خصوص اعزام این افراد آمده است:

گزارش

«مأمور ویژه گزارش می دهد مطابق اطلاع واصله کمیته ی مرکزی حزب

ص: 96

1- روزنامه ی، اصفهان 1322، شماره ی 1، 8.

2- همان 1322، شماره ی 1، 8.

3- همان 1322 شماره ی 1، 9.

4- همان سال اول، شماره ی 11، 5.

توده در نظر دارد عده ای از افراد فعال خود را جهت تبلیغ و فعالیت انتخاباتی به نفع تقی فداکار به اصفهان اعزام دارد گفته می شود تمام دستورات که از تهران به اصفهان صادر می شود با اطلاع و صواب دید تقی فداکار می باشد. برای مراقبت دستور تلگرافی به شهرداری اصفهان داده شده است اخبار روز توده ی انتخابات اصفهان» (1) در هر صورت این امکان برای تقی فداکار فراهم شد تا نماینده ی حزب توده در انتخابات مجلس چهاردهم باشد. (2) سیف پور فاطمی از رقبای انتخاباتی فداکار از جمله اشخاصی که در خاطرات خود عنوان می کند که شخص فداکار از حمایت وزیر مختار انگلستان سر ریدر بولارد برای کسب کرسی مجلس برخوردار بوده است هم چنین سیف پور فاطمی در خاطرات خود مدعی است وزیر مختار انگلستان بولارد دبیر اعظم بهرامی استاندار و سر تپ قدر فرمانده لشکر اصفهان و صارم الدوله از جمله کسانی بودند که در انتخابات نفوذ، تأثیر و دخالت بسیاری داشتند. (3) ایرج اسکندری در خاطرات خود معتقد است شاید دلیل همکاری این اشخاص با فداکار به دلیل تلاش برای دور کردن او از اصفهان بوده است. (4) بدین ترتیب مقدمات انتخاباتی که در آن فداکار، به عنوان نماینده به مجلس شورای ملی راه یافت فراهم شد.

مجلس چهاردهم:

انتخابات مجلس چهاردهم از اهمیت و حساسیت زیادی برخوردار بود و بیشتر احزاب سیاسی در تکاپو برای کسب کرسی وارد میدان رقابت شدند این انتخابات هنگامی صورت گرفت که نیروهای نظامی کشورهای متفقین در ایران

ص: 97

1- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت، اطلاعات، 1382، ج 2، 188.

2- کی مرام 1374، 90.

3- سیف پور فاطمی، 1379، 289.

4- اسکندری، 148، 1372.

بودند. (1) رقابتی نفس گیر و طولانی شش ماه تمام از زمان اتمام مجلس سیزدهم در جریان بود و در نهایت با حضور چهره های متفاوت با انگیزه ها و ایدئولوژی های گوناگون مجلس کار خود را آغاز کرد. (2) تا قبل از شروع انتخابات حزب توده توانسته بود با مطرح کردن شعار های تبلیغاتی از قبیل نان برای همه بهداشت برای همه و فرهنگ برای همه در میان روشن فکران جوانان و کارگران از مقبولیت برخوردار شود و نیرو های اجتماعی قابل توجهی را جلب کند. (3)

مبارزات انتخاباتی از خرداد ماه سال 1322 ش آغاز شد. انتخاباتی که به دلیل باز بودن فضای سیاسی کشور از اهمیت بسیاری برخوردار بود و به رغم نفوذ دولت در جریان آن و برقراری حکومت نظامی در برخی شهر ها از جمله اصفهان با حضور احزاب جمعیت ها و گروه های سیاسی بسیاری انجام شد. شاه نیز به حوزه های انتخابیه ی تحت حکومت نظامی به خصوص مناطق ناآرام اصفهان، فارس کرمان و کردستان بیشتر اهمیت می داد (4).

اما آن چه تا حدودی اوضاع را آشفته می کرد وزارتخانه ی تازه تأسیس خواروبار بود که در عمل می توانست در انتخابات اعمال نفوذ کند؛ زیرا کسی نمی توانست بدون ارائه کارت جیره بندی اش رأی دهد در نتیجه نخست وزیر همراه با وزرای کشور و خواروبار در تهران ماندند دو استان اصلی خارج از محدوده ی حکومت نظامی و نواحی تحت اشغال بیگانه به شدت اعمال نفوذ می کرد. (5) انتخابات شهرستان اصفهان در تاریخ 17 مرداد 1322 ش 1943 م آغاز شد. روزنامه اصفهان در روز دوشنبه مورخ 23 آبان ماه 1322 ش، در شماره 52، در

ص: 98

1- نوذری، 1380، 33.

2- مدنی، 1370، 281 - 280.

3- منتصری، 1379، 21.

4- آبراهامیان، 1387، 168.

5- همان، 168.

یک مقاله از تقلب گسترده در انتخابات و عدم توجه مسئولین به این مسئله خبر داد. در متن این گزارش آمده بود: «رأی دهندگان از روی عدم آگاهی و بدون شناخت کامل کاندیداها در انتخابات شرکت جسته اند». (1) این روزنامه در ادامه خبر داد که توجه کافی از سوی مسئولین در خصوص عدم تقلب در انتخابات صورت نمی گیرد و برخی افراد با یک شناسنامه چندین بار رأی می دهند و یا افرادی دیده شده اند که با شناسنامه ی مردگان در صندوق ها رأی ریخته اند. (2) با این وجود برگزاری انتخابات و نیز شمارش آراء مدت زمان طولانی ادامه داشت.

روزنامه ی اصفهان در 26 آبان ماه 1322 ش از نتایج شمارش آراء خارج از شهر اصفهان گزارش داد.

«رودشت:

نماینده ... رأی

آقای دولت آبادی ... 876

آقای فداکار ... 825

آقای امامی ... 753

آقای اعزاز نیک پی ... 399

جی و برز رود:

آقای فداکار ... 3998

آقای دولت آبادی ... 3707

آقای امامی ... 3707

آقای سمیعی ... 215

آقای اعزاز نیک پی ... 171» (3)

ص: 99

1- روزنامه ی ، اصفهان، 4، 1322.

2- همان، 4.

3- روزنامه ی اصفهان شماره ی 53 ، 26 آبان ماه 1322، 4.

در 5 آذر 1322 ش، تقی فداکار در مجموع با 30424 رأی از 40132 رأی حائز اکثریت معرفی شد و از حوزه ی اصفهان به مجلس راه یافت. (1)

به این ترتیب چهاردهمین دوره ی قانون گذاری در تاریخ 6 اسفند ماه 1322 ش (مطابق با اول ربیع الاول 1263 ق و 26 فوریه 1944 م) افتتاح شد و در تاریخ 21 اسفند 1322 ش برابر 27 ربیع الاول 1363 ق رسمیت یافت. (2) هنگامی که فداکار به مجلس راه یافت مخالفان او و هم چنین حزب توده در صدد برآمدند که با تصویب اعتبار نامه وی در مجلس شورا مخالفت کنند در مقابل برای حمایت از او کارخانه های شهر اصفهان تعطیل شد و کارگران و مردم اصفهان به اعتراض برآمدند و تلگراف ها و طومار های اعتراض آمیز به مجلس شورای ملی ارسال کردند و تنها در پی تصویب اعتبار نامه ی او این اعتراض ها خاتمه یافت. (3)

با رفتن فداکار به تهران جای او را در اتحادیه هیئت هفت نفره ای به سرپرستی شمس صدری که خواهان عدم تسلط حزب توده بر اتحادیه بود گرفتند. (4) پس از حضور در مجلس فداکار به فراکسیون حزب توده پیوست و در کنار نمایندگانی متمایل به گرایشات چپ دست به فعالیت در جریان جلسات مجلس زد به جز او که از اصفهان در فراکسیون حضور داشت سایر اعضا از شهر های شمالی بودند. (5)

از آن جایی که فراکسیون حزب توده از فعال ترین فراکسیون های این دوره بود در اثر مبارزات پیگیر اتحادیه ها فراکسیون توانست لایحه ی قانون کار را که حاوی خواسته های قانونی کارگران بود تسلیم مجلس . کند هم چنین فراکسیون حزب توده به فشار هایی که از سوی دولت برای تعطیلی روزنامه های وابسته به این حزب

ص: 100

-
- 1- شجعی، 1372، 222.
 - 2- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به پایان، نامه کشتی، آرا، کیمیا، 1391 بررسی فعالیت های سیاسی گروه ها و احزاب در اصفهان از شهریور 1320 تا بهمن 1357 ش.
 - 3- حنیف، 395، 1383.
 - 4- شیخی، 1383، 148.
 - 5- کیانوری، 1371، 97.

اعمال می شد اعتراض داشت. از دیگر حوادث مهم در مجلس چهاردهم و نقش چشم گیر فراکسیون حزب توده مسئله ی نفت شمال و موضع گیری حزب در قبال واگذاری امتیاز به شوروی بود و دومین حادثه ی مهم در طول حیات مجلس غائله ی دموکرات ها در آذربایجان و کردستان بود. (1) در گزارش محرمانه ی شهربانی مورخ 18 مهر ماه 1324 ش در خصوص موضع فداکار نماینده ی مجلس در قبال غائله ی آذربایجان آمده است:

« مهر 1324 ش شب 18 ماه جاری تقی فداکار نماینده ی فراکسیون توده در جلسه ی خصوصی روشن فکران حزب توده اظهار می داشت: دولت به ما پیشنهاد کرده است اگر می خواهید درب کلوب های شما باز و جراید دست چپ آزاد شود، باید متعهد شوید و قول دهید که با حزب دموکرات تبریز مبارزه و مخالفت نمایید و بر علیه آن ها شروع به کار کنید البته دولت هم از شما حمایت می نماید. ولی در مقابل این پیشنهاد دولت کمیته ی مرکزی پاسخ داده است که حزب توده نمی تواند این شرط را قبول نماید. اما اگر شما درب کلوب های حزب را باز و جراید را آزاد کنید، ما قول می دهیم که فشار حزب دموکرات آذربایجان کمتر خواهد شد و مخالفت های شمالی ها نسبت به دولت مرکزی کمتر خواهد گردید و این اظهارات در افراد حزب توده مؤثر واقع شده روی هم رفته تشکیلات توده را یک قدرت بزرگی تصور می نمایند.» (2) هم چنین فراکسیون حزب توده در مجلس بار ها از شکایت اتحادیه ی کارگری این حزب مبنی بر به تعطیلی روزنامه های وابسته به اتحادیه حمایت کرد.

آخرین اقدامات فداکار در شورای اتحادیه ی کارگری اصفهان:

روز به روز بر قدرت حزب توده افزوده می شد حزب علاوه بر برخورداری از یک سازماندهی کارآمد فراکسیونی فعال در مجلس و دستگاه تبلیغاتی وسیع در

ص: 101

1- جمعی از پژوهشگران، 107، 1387.

2- تفرشی و طاهر احمدی، 1371، 88.

جهت سازماندهی کارگران صنعتی به صورت منظم و اصولی داشت و نهضت کارگری را تحت سلطه خود قرار داده بود و اسباب ناخشنودی ثروتمندان و کارفرمایان را فراهم آورده بود و این رویارویی پیامدهایی را در پی داشت؛ زیرا پس از آن که فداکار رهبر اتحادیه کارگران اصفهان برای تصدی کرسی نمایندگی خود در مجلس راهی تهران شد نقش معتدل کننده ی او در اتحادیه و تلاش وی مبنی بر کاهش وابستگی اتحادیه از حزب توده به صورت چشمگیری کاهش یافت و حزب که پیوسته تندرو تر می شد کوشش کرد تا بر دامنه ی نفوذ خود بر کارگران بیفزاید و این چیزی نبود کارفرمایان حاضر به پذیرش آن باشند بنابراین

تهدید می کردند که در صورتی که اتحادیه ارتباط خود را با حزب توده قطع نکند کارگران وابسته را اخراج خواهند کرد و تا حدودی نیز تهدیدات خود را عملی کردند. بدین ترتیب اعتصابات کارگری آغاز شد و درگیری هایی نیز روی داد. (1)

فداکار در جریان اعتصاب کارگران اصفهان در زمان دولت ساعد و تعطیلی کارخانه ها به اصفهان بازگشت و با وجود این که کارفرمایان عازم تهران شده بودند کارگران به دستور و مشورت وی در غیاب کارفرمایان و بی اجازه آن ها جریان کار را در دست گرفتند و انبار ها را باز کرده و مشغول کار شدند و مراتب از طرف او به اطلاع نخست وزیر رسانده شد. (2) نخست وزیر ساعد در تلگرافی به فداکار جواب داد: «مطابق قانون مجازات عمومی بدون رضایت صاحب خانه نمی توان وارد کارخانه شده و دخالت و تصرف در اموال و امور کرد.» (3) کارگران هم چنین مبادرت به تصرف اجناس به عنوان دستمزد خود کردند و این کار موجب اعتراضات بخشی از نمایندگان مجلس شد از این رو اتحادیه ی کارگران هم چنین در اثر این بحران

ص: 102

1- عظیمی، 1372، 135 - 134.

2- جامی، 1362، 205.

3- همان، 1362، 206.

تضعیف شد و به دو گروه هوادار و مخالف حزب توده تقسیم شد. (1) البته این از جمله آخرین اقدامات فداکار در اتحادیه بود؛ چرا که هر روز از قدرت و توانش در میان اتحادیه کاسته می شد و پس از کاهش میزان محبوبیت او در میان کارگران و ایجاد تفرقه و اختلاف در میان اعضا و حزب توده و کارشکنی های دولت اتحادیه به سوی فروپاشی پیش رفت.

به دنبال تشدید بحران در اصفهان کارفرمایان موفق شدند فرج الله بهرامی استاندار اصفهان را به دلیل همکاری و همراهی نداشتن با آنان برکنار کنند و بدین ترتیب در 10 اردیبهشت 1323 ش 1943 م ساعد که از رویداد های اصفهان و افزایش قدرت حزب توده و اتحادیه ی کارگران ناراضی بود، افشار را که مخالف سرسخت حزب توده بود به جای بهرامی به استانداری اصفهان منصوب کرد. البته گفته می شود که این انتصاب از حمایت نماینده ی انگلستان برخوردار بود، اما از آن جایی که افشار در سال 1313 ش/ 1948 م به اتهام فساد و رفتار خلاف به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم شده بود این انتصاب اعتراض نمایندگان مجلس را در پی داشت و فرصتی را در اختیار حزب توده قرار داد تا دست به تبلیغات منفی ضد دولت زده و به این ترتیب افشار پس از چند هفته به تهران فراخوانده شد. (2)

با پایان دوره ی مجلس چهاردهم فداکار به اصفهان بازگشت و به فعالیت های جنبی پرداخت. (3) بدین ترتیب او در حد فاصل سال های 1321 لغایت 1323 ش/ 1942-1945 م، نماینده مجلس شورای ملی بود. پس از بازگشت به اصفهان هم چنان فعالیت های او توسط نیرو های امنیتی تحت کنترل بود به ویژه آن که او را یکی از عوامل تحریک کننده ی کارگران برای حمله به سه کارخانه ی نور، پشم باف و نختاب به شمار می آوردند. در بخشی از گزارش ساواک آمده است:

ص: 103

1- عظیمی، 1372، 136.

2- همان 136.

3- لاجوردی، 1373، 300.

«نام برده در فروردین ماه 1325 موقعی که از تهران به اصفهان وارد شده به علت این که کارخانه های نور و پشم باف و نختاب برای احترام ورود او به اصفهان سوت کارخانه را به صدا در نیاورده بودند، در حدود پنج هزار نفر از کارگران و افراد وابسته به حزب منحل ی توده را تحریک می نماید که با در دست داشتن اسلحه و چوب و سنگ به سه کارخانه مذکور حمله نمایند که مأمورین انتظامی از ورود آنان به کارخانه ی نختاب جلوگیری ولی به دو کارخانه ی دیگر حمله کرده و کلیه ی اثاثیه ی آنان را می برند و ضمناً چند نفر از کارگران وابسته به اتحادیه ی کارگران را که مخالف حزب منحل ی توده بوده اند مضروب می نمایند.» (1)

در مقابل اتحادیه کارگران وابسته به حزب توده اتحادیه ی کارگران و پیشه وران و دهقانان اصفهان از جمله تشکل های کارگری بود که در اصفهان به وجود آمد این اتحادیه به وسیله ی شمس صدری و هم فکانش در سال 1323 ش/ 1944 م و پس از جدایی از حزب توده و اتحادیه ی کارگری وابسته به حزب توده تشکیل شد.

صدری در سال 1300 ش در اصفهان متولد شد میزان تحصیلات او سیکل قدیم بود و با زبان انگلیسی آشنایی داشت. (2) شمس صدری از نفوذ حزب توده بر اتحادیه ی کارگری ناراضی بود و همین نارضایتی موجب جدایی او از اتحادیه شد. (3) به دلیل حمایت شورای متحده ی مرکزی کارگری از امتیاز نفت شمال اتحادیه ی کارگران و پیشه وران و دهقانان اصفهان از برتری نسبی برخوردار شد و حمایت دولت از آن سبب شد که این اتحادیه در سال 1324 ش/ 1945 م به نیروی برتر سیاسی - اجتماعی در شهر اصفهان تبدیل شود.

رهبر کارگران به عنوان ارگان این اتحادیه از سال 1329 ش/ 1950 م به

ص: 104

1- لاجوردی، 1373، 300.

2- معصومی زاده، 1390، 256.

3- شیخی، 1383، 148.

صورت هفته نامه منتشر می شد. (1) صدری مدتی بعد مدیر عامل بعضی از کارخانه های ریسندگی و بافندگی در سگزی شد. (2) به نظر می رسد قوی ترین تشکیلات دولتی که توانست کارگران را به خود جذب کرده و از نفوذ اتحادیه ی وابسته به حزب توده بکاهد «اسکی» بود. دولت در این راه، مهم ترین اتحادیه ی کارگری ضد کمونیست را به وسیله ی وزارت کار و تبلیغات ایجاد کرد در بهار 1325 ش/م در جریان گفت و شنود میان سفارت انگلستان در تهران و وزارت خارجه ی آن کشور تصمیم کاهش نفوذ در میان کارگران ایران و نابودی فدراسیون اتحادیه ی کارگری حزب توده یعنی شورای متحده مرکزی به هر وسیله ای و ایجاد اتحادیه های کارگری غیر سیاسی اتخاذ شد این شیوه ی اخیر را مأموران دولت در تبریز و اصفهان، بر حسب مورد قبلاً آزموده بودند. در شهریور 1325 ش، وزارت کار و تبلیغات در تهران سرپرستی این طرح را بر عهده گرفت و اتحادیه ی کارگران ایران را که به نام اختصاری اسکی مشهور شد تأسیس کرد. (3) این اتحادیه هم چنین از سوی صاحبان کارخانه ها برای کنترل شمس صدری و اتحادیه تحت رهبری او حمایت می شد.

اسکی موفق شد در نهایت اتحادیه ی کارگران پیشه وران و دهقانان را به خود ضمیمه کند. (4) علاوه بر تشکیل اتحادیه ی کارگران ایران (اسکی) از تشکیلات دیگری به نام اتحادیه مرکزی کارگران و کشاورزان نیز نام برده شده است. البته اطلاعات در خصوص چگونگی فعالیت آن ها در شهر اصفهان اندک است. اتحادیه ی مرکزی کارگران و کشاورزان در سال 1326 ش به وسیله ی امیر کیوان تشکیل شد. او معاون شمس صدری بود و بعد از بروز اختلافات به تأسیس این

ص: 105

1- معصومی زاده، 1390، 330.

2- همان 256.

3- لاجوردی، 308، 1369.

4- شیخی، 1383، 151.

اتحادیه اقدام کرد (1). در اتحادیه ی کارگری اصفهان از یک سو طرفداران شمس صدری میر اشرفی و از سوی دیگر گروه کیوان فولادی که در میان توده ای ها به کیوان تخت فولادی معروف بود او مالک محله ی تخت فولاد و از سرمایه دار های به نام اصفهان بود نفوذ داشتند کلوب این اتحادیه کنار دروازه دولت قرار داشت. بهرام پور نیز در آن دوران به شاه توده ای ها شهرت یافت و از کارگران دست پرورده تقی فداکار در اصفهان بود کلوب های حزب توده هم در اصفهان پراکنده بود و بیشتر در میدان کهنه، دروازه دولت و طبقه بالای تماشاخانه اصفهان متمرکز بودند. (2)

علاوه بر اتحادیه ی کارگران تلاش برای انسجام و متشکل کردن کشاورزان نیز دنبال شد. از جمله اتحادیه هایی که به وجود آمد، اتحادیه ی کشاورزان اصفهان بود. این اتحادیه با تلاش پیگیر حسام الدین دولت آبادی و کمک عده ی زیادی از مالکین اصفهان در مقابل قدرت یابی اتحادیه ی حزب توده تأسیس شد. (3) رشد روز افزون تشکیلات رقیب و بروز اختلافات در دل تشکیلات حزب توده باعث شد تا فداکار راه خود را از حزب توده جدا کند می توان گفت از زمان مرگ سلیمان میرزا اسکندری اختلافاتی میان فداکار و کمیته ی مرکزی خود را نشان داد و هر روز بر شدت این اختلافات افزوده می شد چرا که کمیته مایل بود از اعضای خود به اصفهان اعزام کند با این حال فداکار به دلیل فاصله گرفتن از شایعات پیرامون او در خصوص دریافت پول از جانب کارخانه داران از استعفا خودداری می کرد.

این موضوعی است که او پس از خروجش از حزب در خصوص تاریخچه ی حضورش در حزب توده در جریان نامه ای برای یکی از دوستانش مطرح می کند:

«بعد از فوت مرحوم سلیمان میرزا با کمیته مرکزی حزب توده اختلاف پیدا

ص: 106

1- همان 151.

2- رسولی، پور مرتضی مصاحبه با فریدون مختاریان ص 4.

3- کتابی، 1377، شماره ی 15، 161.

شد. همین طور اختلاف شدید شده در اثر اختلافات همیشه در صدد استعفاء و کناره گیری بوده ولی به علت این که هیاهو و تهمت زده نشود که فداکار پول از مدیر کارخانه های اصفهان گرفته و استعفاء داده و کناره گیری کرده از استعفا و کناره گیری خودداری کرده تا در اوج قدرت حزب توده و شرکت در کابینه.» (1) هم چنین به دلیل اقدامات او در تحریک کارگران به اعتصاب و اعتراض کارخانه داران نیز از جدایی او از حزب توده استقبال می کردند. او پس از حضور و معرفی وزرای حزب توده ای پیامی علنی به کمیته ی مرکزی حزب توده فرستاد و عدم همکاری خود را اعلام کرد و در 15 آذر 1325 ش، کتباً در جواب دعوت نامه مرکزی علل استعفاءی خود را شرح داد حزب بخشنامه ای صادر کرد و اعضای حزب را از مراد و معاشرت با وی منع کرد.

به این ترتیب در مرداد 1326 ش، حکم اخراج وی در روزنامه ی مردم به چاپ رسید و در مرداد ماه 1326 ش بر حسب رأی کنگره از حزب اخراج شد. اما پس از آن به مدت سه سال به اصفهان بازنگشت. او حتی دعوت برای فعالیت در احزاب و گروه های سیاسی جدید التأسیس را که از او دعوت به همکاری کرده بودند را نیز نپذیرفت و تنها مدتی به عضویت هیئت مدیره ی جمعیت وکلای دادگستری اصفهان درآمد. (2)

در گزارشی محرمانه از سوی ساواک (سازمان اطلاعات امنیت کشور) در خصوص این موضوع که حزب مردم از فداکار برای عضویت در این حزب دعوت کرده، آمده است:

«بنا به اظهارات نادعلی کریمی نماینده ی سابق مجلس شورای ملی اخیراً آقای اسداله علم رهبر حزب مردم پیامی برای تقی فداکار نماینده ی سابق مجلس شورای ملی و عضو پیشین کمیته ی مرکزی حزب منحل ی توده که مقیم اصفهان

ص: 107

1- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت، اطلاعات، 1382، ج 2، 190.

2- همان، 1382، ج 2، 196.

است فرستاده و از وی دعوت کرده که عضویت حزب مردم و رهبری کمیته ی محلی این حزب را بپذیرد. پس از آن که این پیام به فداکار می رسد، نام برده یکی دو روز جوانب کار را مطالعه و پاسخ منفی می دهد» (1). در سلسله اسناد منتشر شده ی ساواک در تاریخ 51/4/11 گزارشی از طرف سازمان اطلاعات و امنیت استان اصفهان در خصوص چگونگی مرگ او آمده است:

«درباره ی تقی فداکار فرزند محمد

نامبرده ی بالا در تاریخ 51/4/7 در اثر تصادف با اتومبیل در جاده ی اصفهان شیراز فوت کرده است مراتب جهت استحضار و انعکاس در پرونده ی مربوطه اعلام گردد» (2).

پس از کناره گیری، فداکار، تقریباً حزب توده شخصی را نداشت که نفوذ و توانایی او را در پیشبرد اهداف حزب در اصفهان و بهره برداری از اتحادیه های کارگری در قالب شورای متحده داشته باشد پس از انتخاب صدر به عنوان نخست وزیر روز های اوج حزب توده نیز به پایان خود نزدیک می شد. در زمان نخست وزیری، صدر به دلیل برقراری حکومت نظامی فعالیت های حزب توده و اتحادیه ی کارگری محدود شد. (3) پس از تشکیل کابینه ی ائتلافی قوام موفق شد به امتیازات ویژه ای دست یابد و بر تلاش خود مبنی بر خاتمه دادن به تسلط دولت شوروی بر مناطق اشغالی کشور بیفزاید هدف قوام از پذیرفتن عناصر توده ای در کابینه این بود که حزب توده به طور جدی با مشکلاتی که پیش روی دولت است درگیر شود و او را در رویارویی با روس ها و دموکرات ها در آذربایجان یاری دهد، در حفظ نظم و قانون علاقه مندی بیشتری نشان دهد و دولت را در مقابله با ناآرامی های مکرر کارگری در جنوب و اصفهان مساعدت کند.

ص: 108

1- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1382، ج 2، 194.

2- همان، 1382، ج 2، 201.

3- شیخی، 1383، 149.

این اقدام هم چنین بدین منظور بود که ماهیت دولت قوام را ملی و دموکرات نشان دهد؛ زیرا حزب توده اعلام کرده بود که تنها با چنین دولتی مشارکت و همکاری خواهد کرد این مسئله به اختلاف نظر های آشکار در میان سران حزب توده منجر شد. ترفند مزبور در وهله ی نخست اهمیت و نقش حزب توده را افزایش داد، اما دیری نپایید که حزب را دستخوش آسیب و ضعف کرد این همان مقصودی بود که قوام در نظر داشت. (1)

او هم چنین به تأسیس حزب دموکرات ایران اقدام کرد. این حزب جدید التأسیس در ابتدا به همراه حزب توده و حزب ایران دست به ایجاد ائتلافی در خصوص بهره گیری از جنبش کارگری در کشور زد و این کار سبب شد اتحادیه ی کارگری نیز مجدداً احیا شود ولی دیری نپایید که با استفاده از امکانات اداری و مراکز دولتی حزب دموکرات در سراسر کشور گسترش یافت و درگیری در میان حزب توده و حزب دموکرات بالا گرفت حملاتی از جانب حزب جدید التأسیس به دفاتر حزب توده شد و بالا گرفتن اختلافات منجر به خروج اعضای توده ای از کابینه ی قوام گردید.

آخرین مرحله ی گسترش حزب توده در سال 1325 و 1326 ش 1946-1947 م بود. غائله ی آذربایجان و کردستان پایان یافته و شورش عشایر جنوب کشور فرو نشانده شده بود و بهترین فرصت برای قوام فراهم بود تا به قدرت حزب توده در کشور خاتمه دهد تشکیل سندیکای کارگری ایران اسکی از جمله اقدامات قوام در این راه برای شکستن قدرت اتحادیه های کارگری وابسته به حزب توده بود. (2) در انتخابات مجلس پانزدهم حزب توده موفق نشد که نماینده ای به مجلس بفرستد؛ زیرا همانند گذشته شخصی مانند تقی فداکار را نداشت با گذشت زمان در اواخر سال 1325 ش اعضا و فعالان حزب توده دستگیر و یا تبعید

ص: 109

1- عظیمی، 1373، 201.

2- شیخی، 1383، 87.

شدند و جنبش کارگری وابسته به حزب قدرت سابق را نداشت. در سال 1326 ش، قوام موفق شد بر اوضاع کشور مسلط شود با اعزام مظفر فیروز، وزیر کار و تبلیغات در سال 1325 ش به اصفهان و برقراری حکومت نظامی ضربه ی نهایی به شورای متحده در اصفهان وارد شد و روند چیرگی آن ها خاتمه یافت و این امر سبب افزایش قدرت اتحادیه ی وابسته به شمس صدری شد پس از قوام، حکیمی به عنوان نخست وزیر انتخاب شد (1).

حکیمی در اولین اقدام حکومت نظامی را لغو کرد اما عنوان کرد که حکومت نظامی قابل تجدید است. در اقدامی دیگر بر شدت سخت گیری بر هواداران حزب توده افزود و حتی در مواردی حامیان او به دستگیری و اخراج هواداران حزب توده از کارخانه ها اقدام کردند. با به قدرت رسیدن ساعد بر فشار ها افزوده شد و لزوم انحلال بیشتر مورد توجه قرار گرفت و با حادثه ترور نافرجام شاه در 15 بهمن ماه 1327 ش، توسط ناصر فخر آرایبی در دانشگاه تهران، اعلام شد که این فرد در عضویت حزب توده بوده بنابراین پس از اعلام حکومت نظامی تشکیل کلیه ی اجتماعات ممنوع شد و روزنامه های مخالف دولت بسته و رهبران و اعضای حزب توده دستگیر شدند.

بدین ترتیب محمد ساعد نخست وزیر در طی اعلامی های انحلال و غیر قانونی بودن حزب توده را در سایر کشور اعلام کرد و در ساعت 12 نیمه شب 15 بهمن 1327 ش / 1948 م کلیه ی مراکز و دفاتر حزب در تهران و شهرستان ها به اشغال نیرو های نظامی و انتظامی در آمد. روزنامه ی اطلاعات در تاریخ 1327/11/17 ش، در اطلاعیه ای خبر انحلال حزب توده در تهران و شهرستان ها را منتشر کرد که در متن این اطلاعیه آمده بود در اجرای اعلامیه ی دولت کلیه ی مراکز حزب توده در تهران از ساعت 21 شب 15 بهمن 1327 ش توسط مأمورین حکومت نظامی اشغال گردید و در شهرستان ها نیز دستور داده شد کلیه ی مراکز منظور سازمان های

ص: 110

1- همان، ص 151.

این حزب توسط شهربانی و مأمورین انتظامی توقیف و منحل گردند. فرماندار نظامی تهران و حومه سرلشکر خسروانی» (1).

هر چند پس از آن اعضای فعال حزب محاکمه و در مواردی به زندان و تبعید محکوم شدند اما حزب به صورت مخفی به حیات خود ادامه داد و نشریات حزب به صورت پنهانی به دست مردم رسانده می شد (2). در دوران فعالیت مخفی نیز حزب توده توجه زیادی به اصفهان مبذول می داشت و کادر هایی نظیر مهندس نظری و جهانگیری را به آن شهر فرستاد. (3) با وجود فشار هایی که از جانب کارخانه داران بر کارگران وارد شد حزب هم چنان هوادان خاص خود را داشت کارگران کارخانه های اصفهان در هر موقعیتی که پیش می آمد با برگزاری اعتصابات نارضیاتی خود را نشان می دادند برای مثال هنگام اعتصاب خوزستان در سال 1330 ش، تظاهراتی وسیع و دامنه دار و جمع آوری اعانه از طرف کارگران اصفهان با تحریک حزب توده در جهت پشتیبانی از اعتصاب خوزستان صورت گرفت. (4) با برگزاری انتخابات شانزدهمین دوره مجلس و راه یابی اعضای جبهه ی ملی در مجلس و آغاز فعالیت در راه ملی کردن صنعت نفت بار دیگر حزب تلاش خود را برای بازگشت به صحنه ی سیاست آغاز کرد. (5)

مجلس شورای ملی در 24 اسفند 1329 ش / 1950 م، طرح ملی شدن صنعت نفت را به تصویب رساند و مجلس سنا نیز در 29 همان ماه رأی مجلس شورا را تأیید کرد و شاه هم در همان روز بر قانون مزبور صحنه گذاشت. شور و نشاط فراوانی که از ملی شدن نفت سراسر کشور را فراگرفت مجال مناسبی برای حزب توده و

ص: 111

1- روزنامه ی اطلاعات، 1327، 72.

2- صلواتی، 1385، 824.

3- فرمانداری نظامی شهرستان، تهران 255، 1336.

4- همان، ص 255.

5- شیخی، 1383، 100 - 102..

به تبع آن شورای متحده مرکزی فراهم ساخت تا حزب و شورای متحده مرکزی به رغم غیر قانونی بودن فعالیت دوباره ی خود را زیر پوشش سازمان هایی مانند جمعیت ملی مبارزه با شرکت های استعماری نفت در ایران و تشکل های کارگری سازمان دهند و برای دست یابی به اهداف خویش به تکاپو پردازند. به علاوه حزب هم چنان حامیان خود را داشت امضای اعلامیه حزب در سال 1330 ش، از جانب اعضای هفت کارخانه ی مهم در اصفهان گویای این مطلب بود.

پس از تصویب قانون ملی شدن نفت کار به سامان رساندن و اجرای آن به عهده ی دکتر محمد مصدق گذاشته شد و در 8 اردیبهشت 1330 ش، مصدق با بیشترین آرای نمایندگان در مجلس شورا و سنا به نخست وزیری برگزیده شد. چهار روز بعد در 12 اردیبهشت مصدق اعضای دولت خود را به مجلس شورای ملی معرفی کرد با وجود آن که رسیدگی به مسئله ی نفت را در صدر برنامه های خود قرار داد به دلیل اعتصاب های گسترده کارگران در دو کانون بزرگ صنعتی و کارگری کشور یعنی خوزستان و اصفهان و نیز برای خنثی کردن آشوب گری های حزب توده که از همان نخستین روز آغاز به کار دولت جدید در تهران و اصفهان برپا شده بود، به مسائل کارگران نیز توجه کرد و تظاهرات روز اول ماه/ یازدهم اردیبهشت را که دولت حسین علاء می خواست ممنوع کند را آزاد کرد. (1)

اعتصابات و اعتراضات گسترده ای در طول نخست وزیری دکتر مصدق در شهر های مختلف کشور از جمله شهر اصفهان برپا شد که حزب توده از دست اندرکاران اصلی برگزاری آن ها بود اما با سقوط دولت مصدق و شکل گیری ساواک حزب توده نتوانست تا مدتی دست اقدامی جدی بزند. (2) به علاوه، حزب از درون دچار مشکل، بود در تشکیلات اصفهان نیز مشاجرات داخلی در بین

ص: 112

1- تیموری، 1382، شماره ی 146، 15.

2- همان، شماره ی 146، 16.

کادر های حزب و هم چنین میان حزب و سازمان جوانان به شدت وجود داشت. (1)

حزب توده با وجود آن که از بزرگترین و منظم ترین سازماندهی حزبی در میان احزاب تاریخ معاصر ایران قبل از انقلاب اسلامی برخوردار بود و در میان طبقه ی متوسط و کارگر نیز تا حدودی نفوذ و نقشی تأثیر گذار داشت، اما به دلیل وابستگی به شوروی هم چنین نقشی که در جریان ملی شدن صنعت نفت و پیشه کردن سیاست های متغیر در قبال حمایت از دکتر مصدق داشت و به دلیل صبغه ی دینی مردم ایران پس از آن که از جانب حکومت پهلوی متحمل چند ضربه ی اساسی شد عملاً نقش مؤثری در حوادث سیاسی ایران نداشت. (2)

فعالیت حزب توده پس از کودتای 28 مرداد 1332 ش:

در 15 بهمن بهمن 1327 ش، پس از سوء قصد نافرجام به جان محمد رضا شاه دولت بی درنگ حزب توده را غیر قانونی اعلام کرد و همه ی باشگاه ها و دیگر مراکز وابسته به آن را تعطیل کرد از جمله شورای متحده ی مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمت کشان ایران که اتحادی های وابسته به حزب توده بود نیز بسته شد. کلوب شورا در همان غروب 15 بهمن نیز توسط نیرو های پلیس اشغال شد و عده ای نیز دستگیر و زندانی شدند با وجود، این آن دسته از رهبران شورای متحده که از دست پلیس و نیرو های امنیتی در امان ماندند و از کشور نیز بیرون نرفتند به فعالیت پنهانی روی آوردند و برای طرز نوین فعالیت خود تشکیلات تازه ای برقرار کردند و با چاپ اعلامیه و هم چنین انتشار روزنامه ی ظفر در فروردین 1329 ش حضور خود را در عرصه ی جنبش کارگری اعلام و میان شورای متحده ی مرکزی و اعضا و هوادارانش ارتباط برقرار کردند (3).

پس از طرح ملی شدن نفت، حزب مجدداً شروع به فعالیت کرد. اما با

ص: 113

1- فرمانداری نظامی شهرستان تهران 1336، 256.

2- صلاحی، 1386، 411-410.

3- طاهر احمدی، 1382، 56.

سقوط دولت مصدق حزب به فاز مخفی در فعالیت هایش روی آورد. در سال 1340 ش 1961 م شبکه ی 90 نفری حزب که در اصفهان به صورت مخفیانه فعالیت می کرد و تلاش می کرد در میان اقشار مختلف مردم نفوذ کند، شناسایی شد و اعضای آن دستگیر شدند. تعداد زیادی از معلمان اداره ی فرهنگ از جمله اسدالله سلیمانی فر، کارمندان دولت و یک وکیل دادگستری به نام بنی هاشم از اعضای این شبکه بودند. (1)

بعد از واقعه ی 28 مرداد 1332 ش تعداد زیادی از توده ای های اصفهان دستگیر و زندانی شده و برخی هم که توانستند از کشور به خارج (اروپا) فرار کنند، صدر عاملی از جمله اشخاصی بود که توانست به اروپا برود و در آن جا فعالیت کند. پس از نخست وزیری دکتر امینی و در پی باز شدن محدود فضای سیاسی کشور صدر عاملی به ایران بازگشت به امید آن که اعضای قدیمی و فعالان کارگری و فرهنگی اصفهان را دوباره سازماندهی کند او از معلمان اخراجی از آموزش و پرورش بود سازماندهی توده ای های اصفهان توسط صدر عاملی و تحت نظر هیئت مرکزی حزب توده انجام می گرفت. آن زمان مرکزیت حزب توده تصمیم به بازسازی نیرو های خود گرفته بود ترکیب این افراد بیشتر فعالان کارگری و فرهنگی بودند بعضی هم نیرو های جوان بودند که تازه به حزب پیوسته و تعدادشان به 90 نفر می رسید. بعضی از این افراد از زندان آزاد شده و برخی از خارج کشور برگشته بودند و سن نسبتاً بالایی هم داشتند. فعالیت این گروه 90 نفره مخفی بود و همواره سعی داشتند به فعالیت پرداخته و به تقویت درون سازمانی پردازند عضو جدید بگیرند و به طور محدود به تبلیغات پردازند. (2)

فریدون مختاریان در خصوص فعالیت این گروه در خاطرات خود می گوید:

«... سال 39 و 40 که تازه به اصفهان آمده بودم با بازماندگان این گروه مانند

ص: 114

1- حنیف، 1383، 377.

2- همان، ص 3.

هوشنگ گلشیری و صدر عاملی آشنا شدم. صدر عاملی که در میان گروه های چپ به شاه توده های معروف بود پس از لو رفتن جریان 90 نفر در اصفهان به آلمان گریخت و در آن جا با کیانوری آشنا شد. البته او بعد از انقلاب به ایران بازگشت و دو سالی نیز به زندان افتاد و پس از آزادی یک دفتر معاملاتی باز کرد. صدر عاملی از مؤسسان جریان 90 نفر بود و عده ای از اعضای این جریان که با من ارتباط داشتند را به یاد می آورم افرادی مانند کمال حسینی (کارگر شرکت نفت)، باقر اعتضادی (کارگر کارخانه زاینده رود) رسول شاه چراغی، دکتر کارخیران زاهدی (معلم سابق که اکنون از سرمایه دار های مقاطعه کار است و حاجی انصاری از که از کارگرانی بود که در اعتصاب کارگری سال 1326 ش، شهر سمنان را به آتش کشید...)» (1) اما مدتی نگذشت که کلیه اعضای گروه 90 نفر مورد شناسایی مأموران ساواک قرار گرفتند و دستگیر شدند. صدر عاملی هم فرار کرد و به آلمان گریخت دستگیر شدگان در بازجویی ها تصور کردند که صدر عاملی به هر جهت خیانت کرده و همه را لو داده و خودش از کشور گریخته این بحث تا زمان بعد از پیروزی انقلاب هم وجود داشت و عده ای هنوز نسبت به او مشکوک بودند. احتمالاً صدر عاملی در 1355 از آلمان به ایران بازگشت و چون ساواک او را شناسایی کرده بود، بلافاصله دستگیر و روانه ی زندان شد و در زمان انقلاب از زندان آزاد گردید. (2)

هم چنین مختاریان در خاطرات خود اشاره می کند: «... چند عنصر سازمانی نیز در میان 90 نفر نفوذ کرده بودند که یکی از آن ها موسی پور بود بیژن جزنی در کتاب تاریخ سی ساله و نیز مجاهدین عراق به این مطلب و نام موسوی پور اشاره کرده اند...» (3) به هر جهت منابع از او به عنوان عنصری که 90 نفر را لو داد، یاد

ص: 115

-
- 1- رسولی، مرتضی، مصاحبه با فریدون مختاریان ص 30.
 - 2- رسولی مصاحبه با عباس جان قربان ص 4.
 - 3- رسولی، مرتضی، مصاحبه با فریدون، مختاریان، ص 30.

کرده اند. لازم به ذکر است که موسی پور در سال 36 در اصفهان یک فرستنده ی رادیویی ساخت. او با توده ای ها نیز همکاری می کرد پدر او نیز در حزب ایران بود و با الهیار صالح روابط نزدیکی داشت گفتنی است جریان 90 نفر در نخستین ماه های روی کار آمدن کابینه ی امینی به وجود آمد و یکی از اقدامات مهم دکتر امینی و نیز نورالدین الموتی (وزیر دادگستری کابینه) آزاد کردن این گروه بود. (1)

اتحادیه ی کارگران و بزرگان ایران:

به دنبال واقعه ی شهریور 1320 ش همه ی زندانیان و تبعیدیان آزاد شدند و یوسف افتخاری نیز که در زندان بندرعباس به سر می برد، با اندکی تأخیر خود را به تهران رسانید. او کمونیستی بود که در زمان رضاشاه به خاطر عقاید سیاسی سال های بسیاری را در زندان سپری کرد بود؛ زیرا از رهبران اعتصابات کارگران صنعت نفت در سال 1308 ش محسوب می شد در همان هنگام حزب توده جلسات خود را جهت اعلام موجودیت برگزار می کرد و رضا روستا مأموریت یافت تا افتخاری را به عضویت کمیته ی مرکزی حزب دعوت کند. افتخاری هم از نهتهی شرایط را برای تشکیل حزب مناسب نمی دید و هم از رهبران حزب توده و وابستگی به شوروی پرهیز کرد و اقدام به ایجاد یک اتحادیه کرد. بنابر این اتحادیه ی کارگران و بزرگان ایران (که غالباً اتحادیه کارگران ایران خوانده می شود) در اوایل سال 1321 ش به دست یوسف، افتخاری خلیل انقلاب آذر، ابراهیم علیزاده عزت الله، عتیقه چی انصاری رحیم، همداد نادر کلهری و محمود نوایی تأسیس شد که نخستین تشکیلات کارگری در دهه ی بیست به حساب می آمد. (2) در تابستان 1322 ش، روزنامه ی گیتی با امتیاز و مدیریت خلیل انقلاب به عنوان ارگان رسمی اتحادیه انتشار یافت، افتخاری علیزاده نوایی نصرت الله جهان شاه لو، علی نقی، حکمی فریدون و محب علی دبیر سپهری نویسندگان و

ص: 116

1- همان مصاحبه با فریدون، مختاریان، ص 30.

2- بیات، 14، 1370.

مترجمان مقالات این روزنامه بودند اتحادیه کارگران از همان اوایل تابستان با اختلافات درونی شدیدی مواجه شد که عمدتاً ناشی از اختلاف میان دو رهبر اصلی آن افتخاری و انقلاب آذر بود. در مهر ماه 1322 ش سخن از ائتلاف انقلاب آذر با حزب توده و پس از چندی گزارش حمایت او از سید ضیاء الدین طباطبایی مطرح شد سرانجام انقلاب آذر به همراه علیزاده عتیقه چی، انصاری، حبیب جلیل و اسدالله قدرتی به تشکیلات کارگری حزب توده ی ایران پیوستند و با همکاری رضا روستا شورای متحده کارگران و زحمت کشان وابسته به حزب -توده را به وجود آوردند. (1) یوسف افتخاری در سال 1323 ش به عنوان مدیر تشکیلات اتحادیه ی کارگران ایران فعالیت می کرد او در اول مهر 1324 ش، به عنوان نماینده ی کارگران از سوی اتحادیه ی کارگران و برزگران ایران به کنفرانس کار در پاریس اعزام شد و فعالیت خود را بر پایه ی رقابت با حزب توده قرار داد. از سندیکای اصفهان دو نفر به نام های شمس و کیوان که ابتدا از اعضای حزب توده بودند. اما بعد جدا شده و در اصفهان تحت رهبری تقی فداکار اتحادیه تشکیل دادند، در کنفرانس حضور داشتند و از تشکیلات کارگری، سید ضیا مهندس تاج بخش و از مطبوعات حسین فاطمی از کارفرمایان مهندس غیور و از طرف دولت مهندس نفیسی در اجلاس شرکت جستند افتخاری پس از بیست سال به تدریج از عرصه ی فعالیت های صنفی و سیاسی کناره گیری کرد. (2)

حزب زحمتکشان ملت ایران:

دکتر بقائی در 26 اردیبهشت 1330 ش، دو هفته پس از نخست وزیری دکتر مصدق همراه با تنی چند از جمله خلیل ملکی از سران و تئورسین های با سابقه ی حزب توده حزب زحمت کشان ملت ایران را تأسیس کرد این حزب از ائتلاف دو

ص: 117

1- مدیر شانه چی، 1375، 83.

2- بیات، 1370، 84.

از همان آغاز این حزب از دو جناح مذهبی و چپی تشکیل شده بود، دکتر مظفر بقائی کرمانی رهبر حزب که پیش از این گروه های دیگر چون سازمان نظارت آزادی انتخابات و سازمان نگهبان آزادی را به وجود آورده بود، همراه با برخی هم فکran و هواداران خود هم چون عیسی سپهبدی و علی زهری یکی از این دو جریان بودند و ملکی و جلال آل احمد که در آن زمان گرایشات ماتریالیستی داشتند، جناح دیگر محسوب می شدند. در روزنامه ی آن ها مسائل مارکسیستی درج می شد اما شعار بالای روزنامه «نصرٌ من الله و فتح قریب» بود (2). امور تشکیلاتی آموزشی و مطبوعاتی و عقیدتی حزب در اختیار ملکی و یارانش بود و فعالیت های سیاسی در اختیار بقائی و یاران، او، روزنامه شاهد ارگان حزب بود که تحت نظارت بقائی روزانه منتشر می شد و ملکی هفته نامه ی نیروی سوم و ماهنامه ی علم و زندگی را تأسیس کرد.

چگونگی تشکیل حزب زحمتکشان ملت ایران:

مسعود حجازی در خاطرات خود در خصوص چگونگی تشکیل این حزب چنین می نویسد: «... در عصر یکی از روزهای اردیبهشت 1330 ش که جلسه ی فعالین سازمان دانشجویان و جوانان مبارز تشکیل می شد عده ای از اعضای سایر سازمان ها نیز به این جلسه دعوت شدند و بدون آگاهی قبلی اعلامیه ی تشکیل حزب زحمت کشان ملت ایران بین فعالان سازمان پخش گردید و فردای آن روز در روزنامه ی شاهد انتشار یافت این اعلامیه به امضای سازمان هایی بود که در مدت دو سال قبل از طرف دکتر بقائی تشکیل شده بودند. سازمان نظارت بر آزادی، انتخابات سازمان نگهبان آزادی و سازمان مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور، امضا کنندگان آن اعلامیه بودند. نام سازمان دانشجویان و جوانان

ص: 118

1- نودری، 1380، 85.

2- همان، 1380، 85.

مسعود حجازی این موضوع را عنوان می کند که او نیز مانند سایر اعضای حاضر در آن جلسه از تشکیل این حزب آگاهی و اطلاع نداشتند معلوم شد که این اقدام بر اثر توافق دکتر بقایی و خلیل ملکی و احتمالاً چند نفر دیگر انجام شده و اعضای تشکیلاتی سازمان به خصوص سازمان دانشجویان و جوانان مبارز آن اطلاعی ندارند تشکیل حزب بدون اطلاع دیگران اثر مطلوبی نداشت؛ زیرا هدف کسانی که جمع شده بودند، سازماندهی در راستای اهداف جبهه ملی بود و صحبت تشکیل حزب در میان نبود. بعضی اشخاص و گروه ها بعد از تشکیل حزب در تشکیلات سازمان جوانان باقی نمانده و اولین گروه از دانشجویانی که با اعلام تشکیل حزب از این سازمان رفتند دانشجویان وابسته به انجمن اسلامی دانشجویان بودند که تمایلات مذهبی و ملی داشتند. آن ها می گفتند که برای نهضت ملی و ملی کردن صنعت نفت آمده اند و حالا که مسئله ی حزب مطرح است دیگر نمی توانند مانند گذشته ارتباط خود را با سازمان حفظ کنند. (2)

وضع تشکیلاتی حزب زحمتکشان از خرداد 1330 تا مهرماه 1331ش

تشکیل حزب در روند کار تشکیلاتی سازمان ها تغییرات عمده ای نداد جنبه ی مهم تشکیل حزب فقط این بود که کمیته ی اصلی سازمان جوانان و فعالین و گویندگان آن علاوه بر حوزه های دانشجویی و دانش آموزی به سازماندهی در سایر طبقات و قشر ها پرداختند. فعالیت در سازمان ادارات و اصناف و پیشه وران بیش از سایر قسمت ها بود گروهی از ورزش کاران نیز به حزب روی آوردند و سازمان ورزشی حزب با موقعیت مناسبی تشکیل شد دکتر بقایی اصولاً در کار های حزبی

ص: 119

1- حجازی، مسعود، 1375، رویداد ها و داوری 1339 - 1329 (خاطرات مسعود حجازی) انتشارات نیلوفر چاپ اول، تهران، ص 31.

2- حجازی، مسعود، 1375، رویداد ها و داوری 1339 - 1329 (خاطرات مسعود حجازی)، انتشارات نیلوفر چاپ اول تهران 31.

دخالت نمی کرد. او یک اتاق در حزب داشت و عصر ها آن جا از افراد مختلف پذیرایی می کرد او در جلسات حزب شرکت نداشت و وقت خود را صرف مسائل حزب نمی کرد.

مهم ترین شخصیتی که تمام وقت خود را صرف حزب می کرد خلیل ملکی بود او مقالات سیاسی و تئوریک برای روزنامه شاهد می نوشت و جزوات متعددی راجع به مسائل سوسیالیسم و تئوری نیروی سوم و مسائل اجتماعی در سطح جهانی تهیه می کرد که از طرف حزب منتشر می شد. او اقدام به انتشار مجله ی علم و زندگی کرد که نشریه ی تئوریک حزب بود. این مجله اعتبار و حیثیت فراوانی برای حزب ایجاد کرد علاوه بر این خلیل ملکی در جلسات حزبی به تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی می پرداخت و به سؤالات افراد به خصوص دانشجویان پاسخ می داد علاوه بر او دکتر محمد علی خنجی نیز به طور تمام وقت به امور حزبی اشتغال داشت تهیه ی مقالات برای روزنامه ی شاهد و اداره ی بحث در جلسه ی فعالین و هم چنین گویندگی تعدادی از حوزه های دانشجویی و تهیه ی بعضی مطالب تئوریک و اجتماعی از جمله کار های او بود جلال آل احمد هم فعالیت زیادی داشت و علاوه بر شرکت در جلسات به تهیه ی مقالات برای روزنامه ی شاهد و سایر نشریات می پرداخت از سایر مسئولان تشکیلاتی باید به مهندس قندهاریان و ناصر وثوقی و حسین ملک اشاره کنیم که وقت زیادی صرف فعالیت های حزبی می کردند ستون «کند و کاو روزنامه ها» که در روزنامه ی شاهد به چاپ می رسید توسط دکتر محمود عنایت تهیه می شد. (1)

خروج میر محمد صادقی از حزب زحمت کشان:

نبودن نظم تشکیلاتی از همان اوایل تشکیل حزب برای صاحب نظران مشهود بود؛ ولی جوانان و سایر افراد تحت تأثیر هیجانات سیاسی و پیروزی های دولت

ص: 120

1- حجازی مسعود 1375 رویداد ها و داوری 1339 - 1329 (خاطرات مسعود حجازی)، صص 33-32.

دکتر مصدق به این مسائل که فرعی به نظر می‌رسید توجهی نداشتند. حسین میر محمد صادقی پس از مدت کوتاهی زبان به انتقاد گشود و در جلسات فعالان حزبی به وضع روزنامه و مشکلات مالی و نحوه‌ی اداره‌ی تشکیلات حزب اعتراض می‌کرد این انتقادات بیشتر متوجه دکتر بقایی بود ولی خلیل ملکی از دکتر بقایی جانبداری می‌کرد و این انتقادات را وارد نمی‌دانست تا آن‌که به مرور رابطه‌ی بین میر محمد صادقی و خلیل ملکی سرد شد و در یکی از جلسات فعالیت حزبی پس از درگیری کوتاهی که بین آن دو روی داد میر محمد صادقی با سکوت ولی به حالت اعتراض از جلسه خارج شد و از محل حزب بیرون رفت و دیگر بازنگشت. لازم به ذکر است که طرح همین انتقادات بعد از گذشت بیش از یک سال پس از آن تاریخ از طرف فعالان حزبی و تأیید خلیل ملکی از این انتقادات موجب تیرگی روابط خلیل ملکی و دکتر بقایی گردید و بهانه‌ای شد و جدایی جمع کثیری از فعالان حزبی و خلیل ملکی را از دکتر بقایی به دنبال داشت. (1)

خطوط عمده‌ی فعالیت حزب زحمت کشان:

با وجود تمام نارسایی‌های تشکیلاتی و مشکلات مالی افراد و فعالین از نویسندگان حزب زحمت کشان ملت ایران در سال 1330 و نیمه‌ی اول سال 1331 ش در جهت تقویت دولت دکتر مصدق و تجهیز توده‌ی مردم به حمایت از او بسیار مؤثر بودند علاوه بر مقالات روزنامه‌ی شاهد و سایر نشریات حزبی اعضای اصلی و فعالین به طور منظم در جلسات هفتگی شرکت می‌کردند و کلیه‌ی حوادث هفته و مسائل سیاسی روز را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند و بعد در محل کار و فعالیت خود و یا بر اثر مأموریت حزبی به میان قشر‌های مختلف جامعه می‌رفتند و برای انتقال یکنواخت طرز تفکر نهضت ملی به توده‌ی مردم کوشش می‌کردند. حزب زحمت کشان از نظر تئوری بیشتر در برابر تئوری‌های حزب توده قرار داشت؛ که هم از نظر تجزیه و تحلیل مارکسیستی و طبقاتی و هم از نظر سیاسی

ص: 121

هجوم فکری وسیعی را علیه دکتر مصدق و نهضت ملی تدارک دیده بود و در میان توده های متوسط و پایین جامعه با تحریف و دروغ و قلب واقعیت ها برای تخطئه ی دکتر مصدق و نهضت ملی با تجهیز افراد تشکیلاتی و صرف هزینه های هنگفت فعالیت می کرد و برای نابودی آن ها و اهداف آن به هر وسیله ای دست می زد. (1) پس از حوادث سی تیر 1331 ش و دوری بقایی از مصدق اختلافات داخلی آغاز شد گروه ملکی که اکثریت، فعالان سازمان دهندگان و نویسندگان حزب را تشکیل می دادند به پشتیبانی مصدق اعتقاد داشتند و بقایی خواستار مخالفت علنی بود. (2) در حقیقت دکتر آیت، حزب زحمت کشان را به دو جناح چپ (طرفدار ملکی و آل احمد) و مذهبی (هوادار آیت الله کاشانی) تقسیم کرد و با این تقسیم بندی قاعده ی دکتر بقایی در جناح مذهبی های هوادار آیت الله کاشانی قرار گرفت. (3) حزب در مهر 1331 ش به دو جناح تقسیم شد؛ جناح ملکی با عنوان حزب زحمت کشان ملت ایران نیروی سوم به فعالیت خود ادامه داد. (4) پس از کودتا حزب زحمت کشان به رهبری مظفر بقائی، عمدتاً به فعالیت خود در چهارچوب قوانین دولتی و مبارزه به شیوه ی پارلمانی ادامه داد و مهم ترین عملکرد آن ها انتقاد به شیوه ی برگزاری انتخابات از سوی دولت انتقاد به رشوه گیری ها در ادارات و انتقاد به استعفای تعدادی از معلمان بود حزب زحمت کشان حزبی نخبه سالار بود و به حرکت مردم فقط تا جایی باور داشت که به تحکیم مواضع این تشکیلات مدد رساند و گرنه با هر گونه حرکت جمعی مخالف بوده. (5)

فعالیت حزب در اصفهان

ص: 122

- 1- همان، 1375، 35.
- 2- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1389، 87.
- 3- آیت، 1363، 185.
- 4- مدیر شانه چی 1385، 84.
- 5- آبادیان، 1377، 420.

در سال 1335 ش، کلیه ی حوزه های حزبی در سراسر کشور 16 مورد بود و مسائل شخصی مهم ترین موضوعات مطرح شده در جلسات حزبی این حوزه ها بود و فعالیت آن ها بیشتر به صورت شخصی و بر پایه ی دستورات رهبری حزب بود. مراکز مهم فعالیت حزب شهر های تهران کرمان و اصفهان محسوب می شد (1).

«آغاز فعالیت این حزب در اصفهان به انتخابات دوره ی هفدهم مجلی شورای ملی باز می گردد حزب با نام سازمان نظارت ملی اصفهان فعالیت می کرد و مسئولانی مانند کاظم میر عمادی حسین قلی اوژند خسروی نژاد عباس علی کسایی که از کارگران کارخانه ی پشم بافی اصفهان بود و هم چنین محمود سنبلستانی و موسوی زادگان و غیره از فعالین حزب در اصفهان بودند». (2)

سازمان نظارت ملی اصفهان ارتباط گسترده ای با روحانیانی هم چون آیت الله حسین خادمی و آیت الله بهشتی و بخش مذهبی شهر اصفهان داشت و از مخالفان جدی حزب توده در این شهر بود هم چنین از جریان های حامی مصدق بودند و از نخست وزیری وی پشتیبانی می کرد (3). حزب از جمله احزاب فعالی بود که در جریان قیام سراسری 30 تیر 1331 ش با میتینگ، سخنرانی و صدور اعلامیه حمایت خود را از نخست وزیر اعلام کردند. (4) پس از جریانات منتهی به قیام و کشتار و سرکوب خواهان مجازات عوامل آن بودند سازمان نظارت ملی اصفهان برای ترویج افکار و اندیشه های خود علاوه بر انجام سخنرانی و پخش اعلامیه روزنامه ای به نام پل را نیز به مدیریت حسین قلی اوژند از سال 1330 ش به بعد منتشر کرد سازمان نظارت ملی تا پاییز 1331 ش که حزب زحمت کشان ملت ایران روش خود را در قبال دولت مصدق تغییر داد و به مخالفت جدی و سرسختانه با

ص: 123

1- نوذری، 1380، 85-86.

2- شیخی، 1383، 107.

3- همان 108.

4- شیخی، 1383، 202.

آن پرداخت با جبهه ملی ایران و احزاب عضو جبهه ی مذکور ارتباطات نزدیکی داشت. (1)

فعالیت حزب پس از کودتای 28 مرداد 1332 ش:

اختلاف در صفوف جبهه ی ملی در واقع از بدو تشکیل دولت مصدق آغاز شد و علت عمده ی آن در درجه ی نخست ترکیب نیرو های تشکیل دهنده ی جبهه و در درجه ی دوم ترکیب اعضای کابینه بود که اکثراً به دنبال دستیابی قدرت بوده و مصالح ملی ایران برای آنان ارزش چندانی نداشت. به همین علت عده ای خود را از جبهه جدا کرده و برای تحقق اهداف خود دست به کار شدند. اولین حرکت از سوی عبد القدیر آزاد صورت گرفت که ظاهراً به دلیل مخالفت با ترکیب دولت از جبهه ی ملی کناره گیری کرد و فراکسیون وطن را تشکیل داد و هم چنین آیت الله کاشانی با صدور یک اعلامیه ی چند سطر ی خود را از مداخله در طرز تشکیل دولت برکنار داشت و نیز مظفر بقایی که حزب زحمت کشان ملت ایران را تشکیل داد. (2) سازمان نظارت بر آزادی انتخابات که علت وجودش انتخابات مجلس شانزدهم بود با ورود افرادی از جبهه ی ملی به مجلس ضرورت خود را از دست داد و بقایی نام آن را به سازمان نگهبان آزادی تغییر داد.

تشکیل حزب زحمت کشان محصول ائتلاف بقایی و سازمانش با انشعاییون حزب توده به رهبری خلیل ملکی بود حزب که در اوایل اردیبهشت 1330 ش تشکیل شد معجونی در هم جوش از گروه های چماق دار اعضای مجمع مسلمانان مجاهد قنات آبادی و برخی روشن فکران جدا شده از حزب توده بود که در پیرامون روزنامه ی شاهد گرد آمده بودند و هدف اصلی اش آن ها علیه حزب توده بود که البته حزب و مظفر بقایی از حمایت سفارت امریکا نیز برخوردار بودند. (3) از همان ابتدا

ص: 124

1- همان، 108.

2- آبادیان، 1386، 185.

3- آبادیان، 1386، 186.

دو گروه کاملاً متمایز در بین رهبران و اعضای حزب زحمت کشان دیده می شد. گروهی متشکل از بقایای سپهبدی علی زهری و چهره ی بسیار مؤثر و تعیین کننده ای مانند حسین خطیبی که یکی از بازیگران مهم در پشت پرده ی تحولات این دوره ی ایران بود و گروهی دیگر متشکل از نیرو هایی مثل ملکی، آل احمد که نیرو هایی صادق به شمار می رفتند و در صدد تشکیل حزبی بودند که منافع ایران و توقعات فرودست جامعه را در سر لوحه ی فعالیت های خود قرار دهد.

آن ها می خواستند در مواجهه با سرمایه داران غرب و کمونیسم روسی راهی دیگر بیابند. از درون این اندیشه بود که بعداً نیروی سوم را تشکیل دادند که از سیاست موازنه ی منفی جانب داری می کرد و سیاست عدم تعهد در بلوک شرق و غرب را سرلوحه فعالیت خود قرار می داد. از همان ابتدای امر بین این دو دسته اختلافات اساسی وجود داشت. معلوم بود که بقایی از این افراد صرفاً برای دستیابی به اهداف خود دعوت به کار کرده است و در موقع مناسب، خویش را از آنان جدا خواهد کرد، هم چنین برای کسانی که با چهره های اطراف بقایی آشنا بودند این امر واضح و معلوم بود که آن دسته به هیچ وجه زیر بار افرادی مثل ملکی نخواهند رفت و آن ها در واقع هسته اصلی و تأثیرگذار در فعالیت های آتی خواهند بود. (1) مهم ترین ادوار فعالیت حزب زحمت کشان مربوط به حوادث بعد از پانزده خرداد سال 1342 ش/1963 م است.

این دوره با این که از نظر کمی یکی از ادوار افول تلاش های این تشکیلات مهم به شمار می آمد لیکن از نظر حوادثی که در تحولات سال های آتی بسیار مهم ارزیابی می شوند این تشکیلات به طور کیفی نقش غیر قابل انکاری ایفا کرد چرا که در نیمه ی دوم دهه ی سی تحولات مهمی در صفوف حزب زحمت کشان بروز کرد که منشأ حوادث زیادی شد. یکی از مهم ترین این تحولات شکل گیری نسلی از اعضای حزب بود که تعلقات و گرایش های مذهبی داشتند. آن ها جشن گرفتن

ص: 125

روز 28 مرداد و اطلاق قیام ملی به آن کودتا را سخت مورد انتقاد قرار دادند. از نهضت امام خمینی حمایت کردند و به طور کلی فراکسیون جدیدی درون حزب شکل دادند. اینک دو نسل از اعضای حزب قابل شناسایی بودند، نسل اول اعضای حزب که هم چنان شاه را از تعرض و یا انتقاد مصون می دانستند و گروهی دیگر که نوک تیز حملات خود را متوجه دربار می کردند بقایای خود در صف گروه نخست قرار داشت و حرکت 15 خرداد را هم مورد انتقاد قرار می داد و به همین دلیل وی تا مدت ها بعد از آن هم در برابر این حادثه سکوت کرد و با انتقاد جدی اعضای مذهبی حزب مواجه شد. (1)

فعالیت حزب در اصفهان پس از کودتای 28 مرداد 1332 ش:

هر چند فعالیت حزب زحمت کشان در اصفهان پس از کودتای 28 مرداد رسماً ممنوع نشده بود اما به دلیل مواضع این حزب رو به افول نهاده و تا اولین دوره ی فعالیت انتخاباتی مجلس بیستم در سال 1339 ش این حزب در اصفهان فعالیت نداشت و در این سال به منظور نظارت بر نحوه ی انتخابات بار دیگر فعالیت خود را تجدید کرد از مسئولان این حزب در اصفهان می توان به دکتر میر عمادی حسین واعظی، الشریف حاتم زاده، فضائلی، اصغر و عباس علی کسایی، سجاد، اقبالی، خشوری آزمون و... اشاره کرد. (2) هم چنین محمد علی مدنی، منوچهر آزمون و کریم اقبالی نیز از جمله افرادی هستند که شرکت آن ها در جلسات و همکاری با سازمان نگهبانان آزادی مورد تأیید منابع موجود است. البته جلسات حزبی عمدتاً پیرامون قرائت آیین نامه ی حزب و تفسیر آن و برخی مسائل روز انتخابات مجلس کاندیدا های آن و... متمرکز بود و به مرور زمان دکتر بقایی از افراد سازمان نگهبان آزادی خواست تا از مداخله در مسائل سیاسی پرهیز کنند. به هر روی جلسات افراد نام برده به شدت تحت کنترل ساواک بود و به نظر می رسد ساواک بر این باور بود

ص: 126

1- آبادیان، 1386، 536.

2- حنیف، 1383، 191.

که افراد حزب زحمت کشان و سازمان نگهبان آزادی از عناصر طرفدار امام خمینی هستند که به جهت ترس از عواقب سیاسی از اظهار علنی آن خودداری می کنند به هر روی این مجموعه به مرور زمان به یک مجموعه محدود دوستانه تبدیل شد که حلقه ی اصلی ادامه ی آن ارتباط با مظفر بقایی و شرکت گاه به گاه او در سفر هایش به اصفهان در جلسات آن ها بود. (1)

همان گونه که گفته شد نسل جوانی در میان اعضای حزب زحمت کشان ظهور کردند که تعلقات و گرایشات مذهبی داشتند و آغازگر فصل جدیدی در فصول فعالیت های این حزب بودند در این زمان اعضای حزب زحمت کشان ملت ایران در اصفهان بسیار فعال بودند اعضای شعبه ی حزب در اصفهان نیز مذهبی بودند و ارتباط گسترده ای با علما و روحانیانی از جمله آیت الله خادمی، آیت الله منتظری و حجت الاسلام بهشتی داشتند و از فعالیت روحانیان حمایت می کردند. آن ها به عنوان مبارزان تحصیل کرده ی روشن فکری بودند که در صف مبارزان نهضت آزادی قرار گرفته و پس از تصویب لایحه ی انجمن ایالتی و ولایتی به مخالفت با آن

پرداختند. (2)

حزب در جریان حمایت از آیت الله خمینی و قیام 15 خرداد در اصفهان نقش چشمگیری داشت. 7 نفر از اعضای اصلی این شعبه از جمله 31 نفری بودند که پس از حوادث 15 خرداد 1342 ش/ 1963 م در اصفهان دستگیر شدند.

این افراد عبارت بودند از:

«1 - مهندس عبدالرسول حاتم زاده، فرزند عبدالصمد

2- عبدالغفور و خشوری، فرزند محمد حسن

3- اسدالله خشوئی نژاد، فرزند حسن

4- کاظم میر عمادی، فرزند عبدالکریم

ص: 127

1- مصاحبه با آقای علی الشریف، 1392.

2- حنیف، 1383، 89.

5- دکتر حسین واعظی فرزند محمد علی

6- عباس علی کسائی کوپایی، فرزند عبد الحسین

7- کریم اثباتی، فرزند محمد حسین» (1).

اعضای دستگیر شده حزب از عوامل محرک بازار تشخیص داده شده و در کمیته ی امنیت استان اصفهان در استناداری دستور دستگیری آن ها به جرم اقدام علیه امنیت ملی صادر شد. (2) دکتر حسین واعظی در حالی که عضو انجمن اسلامی پزشکان اصفهان بود در حزب زحمت کشان اصفهان نیز فعالیت می کرد. (3) دیگر فعالیت تشکیلات اصفهان، چاپ و تکثیر و ارسال اعلامیه ها و جزوه هایی از حزب به تهران بود که در تهران به علت کمبود امکانات چاپ نمی شد.

نخستین اقدام در این دوره تشکیل اولین کنگره ی حزب در اصفهان بود؛ این کنگره در مرداد ماه 1341 ش / 1962 م در ابتدای دولت اسدالله علم و پیش از غائله ی انجمن های ایالتی ولایتی برگزار شد و از آن جا نخستین زمزمه های انتقاد از بقایی به گوش رسید و این اقدام بی سابقه بود؛ زیرا عرف بر این بود که در این حزب رهبر از هر گونه انتقاد مصون باشد و در واقع این تشکیلات فقط کلویی برای اجرای خواسته های شخص بقایی باشد برجسته ترین چهره ی منتقد بقایی در این دوره سید حسن آیت بود که بدون پروا اقدامات حزب زحمت کشان را به باد انتقاد گرفت. نخستین انتقاد این بود که باید مشکل عدم اعتماد بین نیرو های حزبی برداشته شود که به نظر منتقدین این مشکل در نوع تشکیلات حزب نهفته بود و از همان ابتدای تشکیل حزب شخصیت و قدرت تصمیم گیری و اظهار نظر از نیرو های حزبی سلب شده بود و سرآمد رهبران حزب تصمیم گیرنده ی اصلی بودند (4).

ص: 128

1- حنیف، 191.

2- همان، 189.

3- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1383، 188.

4- آبادیان، 1386، 523.

عمده ترین ایراد این بود که حزب هیچ گونه ایدئولوژی مشخصی ندارد و در طول سال هایی که از تأسیس آن می گذرد معلوم نشده از نقطه نظر عقیدتی مواضع آن چیست و چه سمت و سویی دارد و اهداف آن چیست. در چنین حال و هوایی کنگره ی اصفهان برگزار شد و نارضایتی بیشتر در صفوف نیرو های جوانی بود که دارای انگیزه های مذهبی بودند و دیگر قالب سابق حزبی آنان را راضی نمی کرد. (1) آیت معتقد بود که باید در مرام نامه ی حزب به اجرای قوانین مذهبی اشاره شود تا عده ی بیشتری به حزب بپیوندند ولی هم چنین پیشنهاداتی برای استراتژی حزب ارائه داد که مورد توجه واقع نشد. (2) مظفر بقایی از همان ابتدای انتصاب علم به نخست وزیری ظاهراً با او از در مخالفت درآمد و در کنگره ی اصفهان بود که این مخالفت علنی شد بقایی از علم خواست از نخست وزیری کناره گرفته و حتی پیشنهاد کرد علم جای خود را به او بدهد. (3) از مهم ترین پیامد های این کنگره در اصفهان این بود که به عقیده ی آیت پس از آن افراد لایق و شایسته از ورود به حزب بازماندند. (4) پس از تبعید آیت الله خمینی فعالیت حزب زحمت کشان مانند دیگر احزاب غیر دولتی متوقف شد با این حال روابط اعضای اصلی با دکتر بقایی ادامه داشت و او در سفر های خود به اصفهان سر می زد و با اعضای حزب به ویژه دکتر میرعمادی، حسین واعظی، اصغر صادقی و الشریف در تماس بود. (5)

سازمان نظارت ملی:

این سازمان به جز در تهران در برخی از شهر های دیگر از جمله اصفهان و کرمان نیز فعالیت داشت. روزنامه ی ارژن ارگان آن بود روزنامه ی پل، در اصفهان

ص: 129

1- آبادیان 1386، 523.

2- همان، 409.

3- همان 397.

4- همان 408.

5- حنیف، 1383، 191.

یکی از ارگان های این سازمان، بود روزنامه چهلستون در اولین شماره ی خود در سال 1330 ش در پیامی از انتشار روزنامه ی پل در اصفهان خبر می دهد و به دست اندرکاران این مجموعه در خصوص آغاز کار تبریک می گوید در متن این پیام آمده است: «در هفته ی گذشته روزنامه ی پل ارگان سازمان نظارت ملی به صاحب امتیازی آقای دکتر اوژند و تحت نظر هیئت تحریریه به طور روزانه منتشر گردید» (1) روزنامه ی گواشیر نیز در شهر کرمان ارگان این سازمان محسوب می شد (2) از این سازمان و فعالیت های آن در شهر اصفهان به طور خاص اطلاع دقیقی در دست نیست.

اما با توجه به موضع گیری های روزنامه ی چهلستون در شماره های بعد خود علیه مواضع دست اندرکاران این سازمان می توان دریافت که فعالان آن با دکتر مصدق مخالف بودند و دیدگاه های آن ها در تضاد با دیدگاه دکتر مصدق بوده است و عوامل روزنامه ی چهلستون در این خصوص اعضای این سازمان را مورد انتقاد قرار می دادند.

حزب پان ایرانیست:

از جمله احزاب فعال پس از شهریور 1320 ش که توانستند فعالیت های خود را تا سال های متمادی در مقاطعی با فراز و فرود تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن 1357 ش در کشور ادامه دهد حزب پان ایرانیست بود واژه ی پان (3) که ریشه در زبان لاتین دارد به معنای همه عموم، سر تا سر طرفداری عمومی کل تمام و همگانی به کار رفته است. (4) پان ایرانیسم به معنا و منظور اتحاد کلیه ی ایرانی نژادان است برای حفظ عظمت و احترام تاریخ چند هزار ساله ی مشترک و زبان ادبی و

ص: 130

1- چهلستون سال اول 1330 شماره ی اول 4.

2- مدیر شانه چی 82، 1375.

3- pan

4- شاهدی، 1389، 12.

ادبیات مشترک. (1) هیچ یک از کسانی که در یکی دو سال نخست پس از شهریور 1320 ش، فعالیت های سیاسی خود را از تشکیل هایی که بعداً حزب پان ایرانیست از درون آن پدید آمد دنبال کردند سابقه ی فعالیت سیاسی و حزبی و اندوخته ی فکری و سیاسی چندانی نداشتند.

قریب به اکثر اعضای آن نوجوانانی بودند که در چند دبیرستان تهران تحصیل می کردند و به زحمت سن شان از شانزده یا هفده سال فرا تر می رفت پس از شهریور بیست فضای سیاسی اجتماعی و نظامی ناشی از اشغال کشور توسط متفقین و نیز نابسامانی و ناهنجاری های فرهنگی دامن گیر جامعه ی ایران، اعضا را به تحرک واداشت. در چنین شرایطی نخستین و مهم ترین هسته ی تشکیلاتی که بعد ها به تأسیس حزب پان ایرانیست منجر شد در اواخر سال 1322 ش و با حضور عده ای از جوانان و نوجوانان شکل گرفت. (2) در پانزدهم شهریور 1326 ش/ 1947 م محسن پزشکیپور فرید سیاح، سپانلو محمد رضا عاملی تهرانی و پرویز صفی یاری بیانیه ای انتشار دادند که می توان آن را مانیفست مکتب پان ایرانیست نامید. (3) این حزب در سال 1326 ش/ 1947 م، با عنوان بنیاد یا مکتب پان ایرانیست به وجود آمد و در سال 1330 ش، با عنوان حزب پان ایرانیست رسماً تشکیل شد. حزب گرایشات ناسیونالیستی افراطی داشت و هم چنان که از نامش پیداست با تأکید شدید بر ایرانیت شکل گرفت و با شعار «فلات ایران زیر یک پرچم» از اندیشه ی تشکیل ایران بزرگ حمایت می کرد (4). دبیر مسئول یا رهبر حزب محسن پزشکی پورخی دیگر از بنیانگذاران و چهره های شاخص آن دکتر محمد رضا عاملی تهرانی دکتر فضل الله صدر، دکتر اسماعیل فریور، دکتر هوشنگ طالع دکتر

ص: 131

1- شاهی، 13.

2- همان، ص 14.

3- همان، ص 15.

4- مدیرشانه چی، 1375، 61.

حسین طیب، پرویز ظفری و منوچهر یزدی بودند. (1) بیژن فروهر، علی رضا رئیسی و فریدون تقی زاده از فعالان اصلی این حزب محسوب می شدند. پس از تشکیل حزب در تهران شاخه های آن در سراسر کشور تشکیل شد. بر طبق بند بیست و دوم اساسنامه ی حزب مسئولین شهرستان ها و سازمان های وابسته مستقیماً یا به وسیله مراتب تشکیلاتی از طرف دبیر مسئول برگزیده می شدند. (2) عمده دلیل تشکیل و فعالیت حزب را وجود حزب توده در عرصه ی سیاسی و اجتماعی دانسته اند. هر چند حزب پان ایرانیست و مکتب پان ایرانیسم هیچ گاه در جامعه ی ایران شأن و اعتباری پیدا نکرد. (3)

یکی از استراتژی های اصلی حزب مبارزه با حزب توده بود؛ این رقابت به گونه ای بود که بسیاری از میتینگ ها به صحنه ی زد و خورد های خیابانی این دو جریان مبدل می شد شدت و تعداد درگیری ها چنان زیاد بود که توده ای ها وجود حزب پان ایرانیست را فقط به خاطر بر هم زدن میتینگ های حزب توده و مبارزه با آن ها عنوان می کردند. (4) در هر حال این حزب در طول سال های حیات سیاسی خود، به همراه احزاب آریا و زحمت کشان به رو در رویی با حزب توده مشغول بود. (5) پان ایرانیست ها در قضیه ی نفت عضو جبهه ی ملی نبودند. اما تا پیروزی جریان نفت آن ها را همراهی و از مصدق پشتیبانی کردند. (6) حزب در آغاز به حمایت از نهضت ملی ایران برخاست اما با بروز اختلاف میان شاه و مصدق جانب شاه را گرفت و در نتیجه برخی پان ایرانیست ها به رهبری داریوش فروهر با جدایی از این حزب

ص: 132

1- همان، 69، 1385-68.

2- رزمجو، 1378، 84.

3- شاهی، 17، 1389.

4- رزمجو، 1378، 132.

5- مدیر شانه چی، 1375، 61.

6- رزمجو، 1378، 137.

فروهر در صفوف مصدق بود اما حزب روش انقلابی و براندازی علیه رژیم شاه را نمی پسندید این مهم ترین انشعابی بود که در حزب رخ داد و منجر به پدید آمدن شکافی عمیق بین صفوف پان ایرانیست ها شد زیرا داریوش فروهر از اعضای اصلی حزب و از یاران نزدیک محسن پزشکیان بود، میر محمد صادقی و دکتر بقایی تلاش کردند که این جدایی رخ ندهد ولی کوشش آن ها به نتیجه ای نرسید. ظاهراً کوشش بقایی در این زمینه به خاطر سوء استفاده نکردن حزب توده از این قضیه بوده است. (2) حزب پان ایرانیست گرایش ناسیونالیستی افراطی داشت و در سال های حیات نهضت ملی به همراه احزاب آریا و زحمت کشان به رو در رویی و درگیری با حزب توده مشغول بود سازمان جوانان این حزب، روزنامه ی جوانان پان ایرانیست را انتشار می داد. (3) حزب پان ایرانیست ایران از جمله احزابی است که در اصفهان فعالیت می کرد. افرادی چون مهندس ، ظفری یحیی ، جناب رضا احتشامی، ناصر اعتمادی، محمد رضا عاملی و میر قاسمی از جمله کسانی بودند که در راستای اهداف این حزب در اصفهان فعالیت می کردند عمده تلاش آن ها تشویق ادامه مقاومت در برابر اقدامات غیر قانونی دولت و دستگاه دولتی بود و هماهنگی با محسن پزشکیان، دبیر کل حزب پان ایرانیست که در مواقعی از او برای ایراد سخنرانی در اصفهان دعوت به عمل می آمد حزب علاوه بر اصفهان در نقاط دیگر از جمله نجف آباد نیز جلسه می داد از این رو جلسات حزب و افراد شرکت کننده در آن به دقت توسط ساواک کنترل می شدند. این حزب می کوشید تا از طریق گسترش پایگاه خود در میان کارمندان و طبقه ی متوسط به فعالیت خود ادامه دهد و پس از تشکیل ذوب آهن اصفهان یکی از کانون های تمرکز و فعالیت این

ص: 133

1- مدیر شانه چی 1385 ، 69-68.

2- رزمجو، 1378 ، 87.

3- مدیر شانه چی، 1375 ، 61.

در طول سال های 31-1330 ش/52-1951 م، مسئولیت حزب پان ایرانیست در اصفهان بر عهده ی جلال موسوی نسب بود. او در سال 1331 ش، در اثر اختلاف با احمد قیصری از فعالان حزب مزبور در اصفهان از حزب اخراج و دکتر سیاوش صحت دبیری حزب در اصفهان را عهده دار شد صحت نیز در اداره ی حزب ناکام ماند؛ چرا که حزب پان ایرانیست توان مالی محدودی داشت و گذشته از آن حزب توده به شدت علیه آن حزب در اصفهان تلاش می کرد در اثر این عوامل حزب پان ایرانیست اصفهان عملاً از فعالیت باز ایستاد. «در سال 1333 ش، عظیمما مدیر روزنامه ی آپادانا از تهران جهت سر و سامان دادن حزب در اصفهان، تلاش کرد ولی او نیز بعد از کودتای 28 مرداد عملاً کاری نتوانست از پیش ببرد و حزب از هم پاشید پس از سفر صحت به امریکا مسئولیت حزب به عباس دখانی واگذار شد این حزب پس از دوره ای رکود پس از حوادث کودتای 28 مرداد 1332 ش با اجازه ی محمد رضا شاه به صحنه ی سیاسی کشور بازگشت.

فعالیت حزب پس از کودتای 28 مرداد 1332 ش:

پس از کودتای 28 مرداد و آغاز فعالیت احزاب دولتی، شاه از بابت هیچ یک از مخالفان خود نگرانی نداشت حزب توده سرکوب شده بود و جبهه ی ملی سکوت اختیار کرده بود. (1) در آبان 1343 ش، یک سال و نیم پس از فاجعه ی پانزدهم خرداد و همزمان با تبعید امام خمینی محسن پزشکیور به همراه دو تن دیگر از اعضای حزب پان ایرانیست به حضور شاه رفتند و شاه نیز انگیزه ی مهار حزب جدید التأسیس ایران نوین و حسن علی منصور از شروع مجدد فعالیت آن ها حمایت کرد. (2) بدین ترتیب از اواسط آبان و اوایل آذر 1343 ش، حزب پان ایرانیست با نظر موافق شاه و هدایت و حمایت ساواک به تدریج فعالیت های خود را در چهارچوب

ص: 134

1- شاهی، 1389، 65.

2- همان، 1389، 66.

خواست حاکمیت آغاز کرد. با سازماندهی مجدد مجموعه اعضا و هواداران خود در تهران و سایر مناطق کشور شعب و تشکیلات خود را اساساً در مناطق مورد تأیید ساواک و حکومت برپا ساخت حزب هفته نامه ای هم به نام خاک و خون به عنوان ارگان خود منتشر کرد سه روزنامه ی خاک و خون، ساسانی و ندای پان ایرانیسم از نشریات رسمی حزب پان ایرانیست بودند.

صاحب امتیاز روزنامه ی خاک و خون محسن پزشکپور بود. این روزنامه که در تهران و هفته ای سه شماره و روزهای یکشنبه سه شنبه و پنج شنبه انتشار می یافت یک روزنامه ی سیاسی بود و ناشر افکار ناسیونالیستی و مبلغ نظریات حزب به شمار می رفت انتشار خاک و خون از مهر ماه 1344 ش آغاز شد که در دومین سال انتشار آن از طرف حزب جشنی برگزار شد. انتشار تا سال 1349 ش ادامه یافت و بعد با وقفه ای کوتاه دوباره اجازه ی انتشار یافت. در این سال به سبب فعالیت های حزب در مخالفت با جدایی بحرین از ایران بیشتر امتیازات حزب از جمله اجازه ی انتشار نشریه از آن گرفته شد و خاک و خون توقیف شد. از سال 1352 ش، انتشار مجدداً شروع و تا پایان حزب رستاخیز ادامه یافت (1).

ساواک از همان آغاز از مجموعه فعالیت ها موضع گیری ها و شعائر و ایده های سیاسی و اجتماعی و آمد و شد های رهبران مسئولان و دیگر اعضای این حزب مراقبت و بر آن نظارت شدیدی می کرد. این موضوع در دستور العمل های هشدار دهنده ی اداره کل سوم ساواک به ساواک استان ها و شهرستان ها به وضوح قابل ردیابی است. از جمله درباره ی مراسله ای از اداره کل سوم ساواک به ساواک اصفهان به تاریخ نهم تیر ماه 1344 ش گزارشاتی آمده حزب پان ایرانیست در دوره های بیست و دوم و بیست و سوم نمایندگانی را به مجلس فرستاد. در مجلس بیست و دوم فراکسیون پان ایرانیست به جدایی بحرین از ایران رأی مخالف داد صدر تنها نماینده ی فراکسیون که رأی موافق داده بود از حزب اخراج شد و حزب

ص: 135

ایرانیان را به وجود آورد در اوایل سال 1350 ش مسئولان حزب پان ایرانیست در شهر های مختلف کشور طی نامه هایی خطاب به ساواک خواستار بازگشایی شعب و مراکز حزبی خود شدند در اوایل اردیبهشت ماه 1350 ش شهربانی کل کشور در نامه ای به نصیری پیرامون چگونگی برخورد با فعالیت های حزب پان ایرانیست کسب تکلیف کرده بود نصیری در شانزدهم اردیبهشت ماه 1350 ش در پاسخ به نامه ی شهربانی به شرح زیر موافقت خود را با تداوم فعالیت حزب اعلام کرد. حزب در صدد تشکیل کنگره ی ششم در اوایل اردیبهشت ماه سال 1350 ش بود و ساواک با آن مخالفت کرد در سال 1353 ش/1974 م، با تشکیل حزب فراگیر

رستاخیز، احزاب موجود از جمله پان ایرانیست منحل و در آن ادغام شدند (1).

پان ایرانیست ها در مجلس بیست و چهارم فراکسیون خود را داشتند. حزب نشریات مختلفی را در داخل و خارج از کشور انتشار می داد. ارگان رسمی آن روزنامه ی خاک و خون بود. در آستانه ی انقلاب اسلامی این حزب بار دیگر تشکیل شد. در همان روز پیروزی انقلاب اسلامی از نظام سیاسی ساقط شده ی پهلوی تبری جسته و با دولت موقت انقلاب اعلام همبستگی کرد و از همه ی اعضای خود خواست که از دولت موقت پشتیبانی کنند.

جبهه ی ملی ایران:

اشاره

جبهه ملی ایران هم چون هر تشکیلات دیگری فراز و نشیب بسیاری از آغاز تا هنگام انقلاب اسلامی طی کرد که به اختصار مورد بررسی قرار می گیرد.

جبهه ی ملی اول:

در فضای مساعد سال های آغازین دهه ی 1320 ش/1941 م، احزاب، جمعیت ها و گروه های سیاسی با سمت و سو و گرایشات مختلف این امکان را یافتند تا به عرصه ی فعالیت های سیاسی در کشور قدم نهاده و با حضور در صحنه و فعالیت در مجلس از قدرت و حدود اختیارات شاه کاسته و مانع از قدرت یابی

ص: 136

مطلق وی شوند اما شاه پیوسته در تلاش بود تا با تقویت موقعیت خود در برابر مجلس تا حدودی بر قدرت خود بیفزاید و امتیازات از دست رفته را باز یابد و این فرصت در 15 بهمن و در پی ترور نافرجام وی در دانشگاه تهران برای او مهیا شد. شاه از موقعیت پیش آمده برای سرکوبی کلیه مخالفان بهره برد. همه ی روزنامه های عمده ی مخالف دربار را برچید و حزب توده را غیر قانونی اعلام کرد. آیت الله کاشانی را به بیروت تبعید کرد و مصدق را به املاکش فرستاد و حتی تلاش کرد قوام را در توطئه دخیل نشان دهد. وی هم چنین تلاش کرد با استفاده از حس همدردی مردم و موقعیت پیش آمده به کار مجلس پانزدهم خاتمه دهد و بدین ترتیب با تشکیل مجلس مؤسسان این اختیار را یافت تا مجلس را منحل کرده و زمینه را برای تشکیل مجلس جدید فراهم کند. (1)

شاه در چند ماه آخر مجلس پانزدهم به کسب امتیازات ادامه داد و ظاهراً در آستانه ی انتخابات مجلس شانزدهم موقعیت خود را مستحکم کرده بود. (2) قانون اساسی اصلاح شده بر اختیارات رئیس کشور افزوده بود، نیروهای مصلح هم چنان تحت نظر شخص فرمانده کل قوا قرار داشت تملک اراضی به دربار باز پس داده شده و سازمان اداری و به خصوص دستگاه انتخاباتی در دست دوستداران شاه قرار گرفته بود و به نظر می رسید که سلطنت تقریباً از همان قدرت دوران پیش از شهریور 1320 ش برخوردار است این چیزی نبود که مخالفان پس از سال های طولانی تلاش و مبارزه برای خاتمه دادن به سلطنت مطلقه در کشور بپذیرند پس ضعف های شاه در اواخر سال 1328 ش، زمینه را برای اعتراض به چگونگی عملکرد وی در عرصه سیاست فراهم کرد از یک سو از میزان محبوبیت شاه کاسته شده بود و از سوی دیگر تکیه ی بیش از اندازه ی او بر کشور آمریکا و عملکرد او که یادآور روزهای استبداد حکومت رضاشاه بود این فرصت را به مخالفان داد تا چند

ص: 137

1- آبراهامیان، 1379، 255.

2- همان 255.

روز پیش از عزیمت وی به آمریکا مبنی بر درخواست کمک اقتصادی از این کشور به دربار او بروند مصدق به همراه گروهی از سیاسی ها دانشجویان دانشگاه و اصناف بازاری برای اعتراض به آزاد نبودن انتخابات برای ملاقات با شاه به دربار رفتند. (1)

این تحصن در تاریخ 1328/7/22 ش صورت گرفت. گزارشی در تاریخ 1328/7/24 ش در روزنامه اطلاعات در خصوص این تحصن نوشته شده است؛ در این مقاله اسامی همراهان و تحصن کنندگان به همراه دکتر مصدق به قرار زیر آمده است: «... آقایان عباس خلیلی مدیر، اقدام عمیدی نوری مدیر داد، دکتر حسین فاطمی مدیر، باختر حسین، ملکی احمد ملکی مدیر، ستاره جلالی نائینی مدیر کشور مهندس زیرک زاده مدیر جبهه ی اعضای کمیسیون اخذ تحصن و دوازه تن از آقایان دکتر به شرح زیر: شایگان، نریمان، امیر علایی بقایی، عبدالقدیر، آزاد، سنجابی حائری زاده» (2)

هدف این اعتراضات شخص شاه بود کمیته بیست نفره ای که به زودی هسته ی اولیه ی جبهه ملی گردید از سه گروه تشکیل شد؛ نخست سیاسی های مهم ضد درباری، دوم سیاسی های وابسته به بازار و سوم رادیکال های جوان و تحصیل کرده غرب این کمیته به ریاست مصدق برای مذاکره با هژیر وزیر دربار انتخاب شد تحصن در دربار چنان نگرانی ای ایجاد کرد که دربار قول داد به بی قانونی در انتخابات پایان دهد. کمیته ی بیست نفره با قول گرفتن از دربار یارانش را متفرق کرد و به خانه ی دکتر مصدق رفتند و پس از گفتگوی فراوان ائتلاف وسیعی به نام جبهه ملی تشکیل دادند (3). اساس نامه در اول آبان سال 1328 ش تدوین شد (4).

ص: 138

1- آبراهامیان، 1379، 226.

2- روزنامه اطلاعات، 1328، 55.

3- آبراهامیان، 1379، 229.

4- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1382، 46.

بنابر این می توان گفت پیدایش و شکل گیری جبهه ملی ایران معلول شرایط و اوضاع سیاسی زمان خودش بود و به یکی از قدرتمند ترین و وسیع ترین جریانات فعال در فضای پس از خروج رضاشاه از ایران تبدیل شد. این جبهه ی یک حزب نبود بلکه سازمانی سیاسی متشکل از رهبران احزاب جمعیت ها گروه های سیاسی و مذهبی، مدیران روزنامه ها و ائتلافی از تجمعی از شخصیت ها دوره ها، محافل اتحادیه ها و گروه بندی ها بود. (1) این افراد در طول طیف سیاسی کاملاً پراکنده بودند؛ از لیبرال ها و محافظه کاران گرفته تا مترقی ها و تندرو ها و دنیاگرایان و تجدد طلبان اسلامی اما فصل مشترک همه ی آن ها احساسات ملی گرایانه ی قوی بیزاری از مداخله ی بیگانه در امور داخلی کشور حمایت از ملی کردن نفت و مراتب مختلفی از التزام به تجدد طلبی و قوانین اصلاح گرانه بود.

هر چند جبهه ملی تشکیلاتی نامنسجم بود اما به هر حال سازمانی داشت که افراد زیر از جمله ی بنیان گذاران آن بودند: کریم سنجابی، علی شایگان، هر دو استاد حقوق و دومی وزیر فرهنگ قوام حسن فاطمی روزنامه نگار تحصیل کرده ی پاریس، حسین مکی از حزب دموکرات پیشین، قوام احمد رضوی، شمس الدین امیر علایی ابوالحسن حائری زاده و مظفر بقایی کرمانی که بعداً همراه با خلیل ملکی حزب زحمت کشان ملت ایران را بنیاد نهاد جبهه ی ملی به رغم همه ی نارسایی هایش بیشتر جنبه های مثبت انسان گرایانه و مترقی موجود در حیات عمومی ایران را در خود داشت و رهبران آن عموماً بهترین های نسل خود بودند. بعضی از احزاب و گروه های سیاسی شامل حزب، ایران، جمعیت آزادی مردم، ایران حزب ملت ایران حزب زحمت کشان ملت ایران مجمع مسلمانان مجاهد جمعیت فدائیان، اسلام پان ایرانیست سازمان نظارت بر آزادی انتخابات نهضت خدا پرستان سوسیالیست انجمن بازرگانان و کسبه ی تهران بخشی از دانشگاهیان و کشاورزان و گروه های غیر متشکل گروه های صنفی و برخی

ص: 139

اتحادیه‌ها به عضویت جبهه ملی در آمدند یا به همکاری با آن پرداختند و با ائتلاف با هم جبهه ملی را تشکیل دادند در تجدید انتخابات مجلس هشت تن از اعضای جبهه ملی به نمایندگی انتخاب شدند و فراکسیون جبهه ملی را به وجود آوردند. (1) جبهه ملی رهبری نهضت ملی شدن نفت را به دست گرفت و با تصویب این طرح صنعت نفت ایران ملی شد.

فعالیت جبهه ملی در اصفهان:

اشاره

در اصفهان جبهه ملی ایران به صورت مستقل فعالیت نمی کرد بلکه در چهار چوب احزاب ملی گرا رهبری حرکت‌ها و اقدامات سیاسی را بر عهده داشت احزاب عضو جبهه ملی در اصفهان شعبه داشتند و از آن طریق اهداف و برنامه‌های جبهه ملی را پیش می بردند و بیشترین فعالیت‌های احزاب عضو این جبهه در اصفهان در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت بود که با مردم از طریق نامه تلگراف، اعلامیه و دعوت به سخنرانی و سفرهای تبلیغاتی و سیاسی در ارتباط بودند (2).

به عنوان یک جنبش، سیاسی جبهه ملی در مقایسه با مخالفانش یعنی سلطنت طلبان، پر حرارت محافظه کاران مذهبی یا رادیکال‌ها و کمونیست‌ها بیشترین امتیاز را داشت، اما فاقد انسجام و انضباط بود و رفتار خودسرانه در آن فراوان دیده می شد. افراد می آمدند و می رفتند، مواضع خود را تغییر می دادند، ائتلاف‌های جدید تشکیل می دادند و مطامع شخصی را دنبال می کردند. (3) با نخست وزیری دکتر مصدق و ریاست مجلس آیت الله کاشانی اقشار مختلف مردم اصفهان نیز به میدان آمدند، روحانی‌ها و فرهنگیان و بازاریان و کارگران هر کدام به طرفداری از

ص: 140

1- مدیرشانه چی 47، 1385.

2- شیخی، 109، 1383.

3- کمبریج، 84-85، 1371.

ملی شدن صنعت نفت پرداختند. (1) اما پس از سقوط دولت مصدق فعالیت این حزب تا تشکیل جبهه ی دوم ملی در سال 1344 ش در اصفهان متوقف شد. به این ترتیب چرخه ی فعالیت جبهه ی ملی اول نیز مانند سایر احزاب سیاسی به دلیل کودتا از حرکت ایستاد با وقوع کودتا در 28 مرداد 1332 ش/1953 م، برگ جدیدی در صحنه ی فعالیت های سیاسی در کشور ورق خورد دوره ای که پس از سلطنت محمد رضا و قدرت گیری کابینه های جدید با بحران بی ثباتی و تزلزل رویه رو بود پایان یافت دوره ای که در آن از شهریور 1320 ش تا اردیبهشت 1330 ش، شانزده کابینه بر سر کار آمدند کم ترین دوران نخست وزیری متعلق به حکیمی با سه هفته عمر کابینه و طولانی ترین آن در زمان نخست وزیری قوام السلطنه از بهمن 1324 تا آذر 1326 ش بود.

جبهه ی ملی دوم:

این جبهه در تیر ماه 1339 ش و سال نخست وزیری علی امینی تشکیل شد با ایجاد شرایط جدید و فروپاشی جبهه ملی، اول رهبران نهضت مقاومت ملی احزاب ایران حزب ملت ایران و حزب مردم ایران در 33 تیر 1339 ش، با اجتماع در منزل دکتر غلام حسین صدیقی در زمینه ی تشکیل جبهه ی ملی دوم به توافق رسیدند (2).

به دنبال آغاز فعالیت جبهه ی ملی دوم در سال 1339 ش/1959 م، در جلسه ی شورای مرکزی جبهه ملی در روز شنبه 40/2/23 در خانه ی 143 تصمیم برای تشکیل میتینگ در میدان جلالیه گرفته شد (3). در تاریخ 29 اردیبهشت 1340 ش/1961 م در میدان جلالیه اولین میتینگ جبهه ی ملی دوم با نام میتینگ جلالیه برگزار شد که در برپایی آن حزب ملت ایران نقش اساسی داشت و

ص: 141

1- صلواتی، 1385، 825.

2- صلاحی، 1386، 382.

3- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1379، 57.

خسرو سیف از حزب ملت ایران و از همکاران داریوش فروهر مسئولیت برپایی و انتظامات این میتینگ را بر عهده داشت. (1) هر چند در سال 1340 ش، افرادی از این جبهه در سایر شهرهای کشور فعال بودند و با مرکز نیز ارتباط داشتند اما به دستور نخست وزیر، تأسیس شعبه توسط حزب در تمام کشور ممنوع بود و ساواک از این کار ممانعت به عمل می آورد. (2)

بنابراین فعالیت ها در تهران متمرکز بود در سال 1341 ش/1962 م حزب موفق شد که پس از تأسیس شعبه در سایر استان ها اولین کنگره را با حضور 167 نفر از نمایندگان برگزار کند بر طبق اساسنامه ی موقت کنگره ی این جبهه می بایست هر 2 سال یک بار برگزار می شد اما به دلیل مشکلات فراهم ساختن مقدمات کنگره ی اول متجاوز از 6 ماه به طول انجامید و در جریان انتخابات نمایندگان در تهران و شهرستان ها کشمکش های شدیدی صورت گرفت و بالأخره اولین جلسه با شرکت 167 نفر از اعضای شورای مرکزی، سابق نمایندگان

سازمان های مختلف تهران و حومه ی استان های خراسان، اصفهان، فارس، آذربایجان شرقی، خوزستان اراک و کاشان در تهران تشکیل شد. در این کنگره نمایندگان اصفهان نیز حضور داشتند؛ دکتر پرویز دبیری استاد دانشگاه اصفهان حسن قوامی زاده دبیر فرهنگ، دکتر عبدالرحمن برومند وکیل دادگستری، احمد قیصری وکیل دادگستری، محمد سپاهانی شغل آزاد محمد علی جنائی دانشجوی دانشگاه اصفهان و احمد هاشمی دانشجوی دانشگاه اصفهان، نمایندگان اصفهان در این کنگره بودند (3). در سومین جلسه ی این کنگره وقت به نمایندگان شهرستان ها واگذار شد و خزاعی منتخب، شهرستان اصفهان و عضو کمیته ی آن شهرستان

ص: 142

1- شادلو، 1379، 485.

2- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1379، 68.

3- همان، 1379، 107.

سخنرانی کرد و از جبهه خواست با شهرستان ها در ارتباط مستقیم باشد. (1) اما پس از برگزاری کنگره با بالا گرفتن اختلافات به ویژه در بین دکتر کریم سنجابی و علی اردلان اعضای حزب ایران و شورای جبهه ملی از یک طرف و دکتر محمد علی خنجی و دکتر شاهپور بختیار از سوی دیگر، بعضی از اعضای حزب ایران از جبهه کناره گیری کردند و نمایندگان، خراسان آذربایجان و اصفهان نیز به دلیل عدم توفیق و توجه به مطالبات و خواسته ی ایشان در جریان کار کنگره کنار کشیدند. (2) از اعضای سازمان دانشجویی تشکیلات جبهه ی ملی در سال 1340 ش در اصفهان می توان از اسامی زیر نام برد دکتر پرویز امیری (رادیولوژیست فعلی در خیابان آمادگاه) دکتر محمد مهریار دکتر، سیاسی محمد سپاهانی، عبدالرحمن برومند احمد، قیصری، محمدعلی خزائی.

در سال 1342 ش/1963 م، مأمور نفوذی ساواک در این جبهه، به عنوان رابط جبهه ی ملی و اصفهان تعیین شد؛ که این امر نشان از پاشیدگی شیرازه ی امور این جبهه پس از برگزاری کنگره ی اول داشت جبهه در این سال ها توفیق چندانی نیافت و با دستگیری اعضای شورای مرکزی جبهه ی ملی دوم فرو ریخت. (3)

در خصوص عملکرد جبهه ملی سوم می توان گفت که این جبهه با رفع مشکل ساختاری جبهه ملی دوم و مرکب از همه جریان های سیاسی روز با هر عقیده و مرامی به شرط اشتراک عقیده به آزادی و استقلال ایران در هفتم مرداد 1344 ش به وجود آمد اما چند هفته بعد با دستگیری خلیل ملکی مهندس بازرگان دکتر سامی فروهر و برخی دیگر این جبهه نیز فرو پاشید. (4) هم چنین جبهه ملی چهارم در آبان ماه 1356 ش/1978، با ترکیب جامعه ی

ص: 143

1- همان 119.

2- همان 156.

3- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1379، 158.

4- صلاحی، 1386، 383.

سوسیالیست های نهضت ملی، ایران حزب، ایران حزب ملت ایران جبهه ی ملی چهارم تشکیل شد سنجایی، فروهر بختیار رضا شایان و مشیری، به عنوان اعضای کمیته ی مرکزی و حسینی به عنوان رئیس شورای مرکزی انتخاب شدند. (1) اما در سال 1356 ش، حزب از کادری قدرتمند برای اداره امور در شهر اصفهان برخوردار نبود (2).

نهضت آزادی:

نهضت آزادی ایران یکی از مهم ترین احزابی بود که با استفاده از شرایط سیاسی مناسب کشور که از اواخر دوره ی نخست وزیری منوچهر اقبال در ایران پدیدار شد و تا سقوط دولت امینی ادامه داشت به وجود آمد. چهره ی سرشناس این تشکیلات، مهندس مهدی بازرگان از همکاران سابق مصدق و استاد دانشگاه تهران در تاریخ 1340/2/2 ش به نمایندگی از مؤسسان نهضت، آزادی طی نامه ای به مصدق قصد خود را برای تأسیس جمعیتی به نام نهضت آزادی ایران به اطلاع وی رساند و از او به عنوان پیشوای بزرگ خود درخواست راهنمایی کرد مصدق نیز در 1340/2/25 ش، در پاسخ به نامه ی، بازرگان موافقت خود را با تشکیل آن اعلام کرد. در پی آن به فاصله ی دو روز نخستین جلسه ی شورای مرکزی نهضت آزادی در 1340/2/27 ش در منزل فیروز آبادی واقع در تهران تشکیل شد و در این جلسه بازرگان و مظفریان سخنرانی کرده و مواضع و مرام نامه ی تشکیلات خود را اعلام

کردند. (3)

به این ترتیب، نهضت آزادی در اردیبهشت 1340 ش، به رهبری مهندس مهدی بازرگان دکتر یدالله سحابی و آیت الله طالقانی اعلام موجودیت کرد. حسن نزه از دیگر چهره های فعال این حزب بود آن ها از بعضی نگرش های سران جبهه ی ملی

ص: 144

1- صلاحی، 383، 1386.

2- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1379، 211.

3- کجباف، 1385، شماره ی 7، 161.

دوم ناراضی بودند و عوامل داخلی و خارجی نیز در شکل‌گیری این نهضت نقش داشتند. نهضت آزادی با تأکید بیشتر بر نقش مذهب و نیروهای مذهبی در مبارزه و با اعتقاد به چهار اصل مسلمان، بودن ایرانی، بودن مبارزه در چهارچوب قانون اساسی و مصدق بودن پا به عرصه‌ی سیاست گذاشتند. (1) در مرام‌نامه‌ی این نهضت که در ابتدای تأسیس آن تدوین شد علاوه بر انجام فعالیت بر اساس دین اسلام و قانون اساسی مشروطه اعلامیه حقوق جهانی بشر و منشور ملل متحد نیز به عنوان چهارچوب تعیین‌کننده فعالیت‌های سیاسی این جریان ذکر شد. ساختار تشکیلاتی نهضت آزادی به جهت خط‌مشی اعتقادی و سیاسی و افراد مؤسس و کادر اولیه‌ی آن بیشتر شبیه یک جبهه بود در آن هم افرادی که از اسلام برداشت ایدئولوژیک داشتند مانند محمد علی رجایی مصطفی چمران دکتر حسن حبیبی و هم کسانی مانند مهندس مهدی بازرگان دکتر سحابی که همگی مسلمان بودند اما از اسلام برداشت ایدئولوژیک نداشتند و گروهی که خواستار چهره‌ی سیاسی و غیر مذهبی از نهضت آزادی بودند نیز حضور داشتند. (2)

در اوایل سال 1340 ش / 1961 م، نهضت آزادی تنها تشکیلاتی بود که در تبلیغات گسترده خود را اسلامی معرفی می‌کرد علاوه بر این حضور افراد مذهبی اصول‌گرایی مانند سید محمود طالقانی را که به نهضت آزادی پیوسته بودند نیز نباید بی‌اثر دانست.

پس از سرکوب قیام 15 خرداد و فضای بسته سیاسی که از سوی رژیم پهلوی بر ایران حاکم شد فعالیت نهضت آزادی نیز متوقف شد. در ماه‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های محدودی داشتند و به حمایت از قیام مردمی چند اعلامیه صادر کردند. (3) در خصوص رابطه‌ی نهضت آزادی با جبهه ملی دوم

ص: 145

1- صلاحی، 1386، 391.

2- همان، 1386، 392.

3- همان 1386، 395).

می توان گفت سران و مسئولان نهضت آزادی ایران غالباً از یاران و همکاران مصدق و بیشتر آن ها عضو جبهه ملی اول بودند. در سال 1339 ش/1959 م که فضای سیاسی کشور برای شکل گیری احزاب سیاسی غیر دولتی مناسب شد، با توجه به اختلافات عقیدتی و روش سیاسی گوناگون میان اعضای جبهه ی ملی دوم بازرگان و هم فکرائش مصمم به تأسیس نهضت آزادی ایران شدند (1).

نهضت آزادی در اصفهان:

پس از سال 1340 ش/1961 م نهضت آزادی در شهر اصفهان نیز طرفدارانی یافت. از اعضای فعال نهضت آزادی در اصفهان می توان افراد زیر را نام برد احمد سلامتیان و احمد کتابی فضل الله صلواتی دکتر ابن الشهیدی که گویا از طرفداران جبهه ملی ایران نیز بود سید محمد جواد غروی اصفهانی متولد 1282 ش در روستای علون آباد کوهپایه که امام جمعه ی غیر دولتی اصفهان در پیش از انقلاب اسلامی، بود مصطفی نژاد ستاری، نویسنده ی خطبه های غروی از نشریه ی حرکت و دانش آموز دبیرستان ادب از چهره های مذهبی عضو این نهضت در شهر اصفهان لطف الله میثمی و فضل الله صلواتی از مخالفان همکاری نهضت آزادی با جبهه ملی بودند.

این نهضت چندین کمیته تشکیل داد که کمیته ی روحانیان یکی از آن ها بود و آیت الله غروی در آن عضویت داشت. (2) دبیرستان های ادب و هراتی، از مراکز مورد توجه طرفداران نهضت آزادی در اصفهان بود پانزده تن از دانش آموزان مدرسه ی هراتی از اعضا و طرفداران نهضت آزادی بودند و این نهضت متشکل ترین تشکیلات سیاسی و مذهبی را در سطح شهر اصفهان داشت. به همین منظور از بنیان گذاران نهضت آزادی برای سخنرانی در جلسات انجمن اسلامی و کانون های

ص: 146

1- کجیاف، 1385، شماره ی 158، 7.

2- حنیف، 1383، 388.

در طول این دوران آزاد ترین دوره ی انتخابات مجلس در دوره ی چهاردهم برگزار شد که موقعیتی را برای ظهور احزاب و گروه های متعدد و حضور چهره های سیاسی - مذهبی برای فعالیت فراهم کرد و مهم ترین حوادث این دوران، پایان یافتن جنگ جهانی دوم و غائله ی آذربایجان و به تعویق افتادن انتخابات مجلس پانزدهم شورای ملی تا خروج کامل نیرو های اشغالگر و غیر قانونی اعلام شدن فعالیت حزب توده بود پس از انتخاب دکتر مصدق برای سمت نخست وزیری او دولت تشکیل داد نخست وزیری او از اردیبهشت 1330 تا تیر 1331 در دوره ی اول و در دوره ی دوم از تیر 1331 ش تا مرداد 1332 ش به طول انجامید دوره ای که علاوه بر مشکلات داخلی همراه با تنش های خارجی بود از ویژگی های این دوران می توان به تظاهرات پی در پی حزب توده و تلاش در خصوص ملی کردن صنعت نفت یاد کرد. بدین ترتیب از شهریور 1320 ش/ 1941 م تا کودتای 28 مرداد 1332 ش/ 1953 م، پیش از بیست حزب در شهر اصفهان فعال بودند که بسیاری از اعضای آن ها در هنگام تشکیل جبهه ملی به پشتیبانی از دولت محمد مصدق پرداختند. پس از سقوط دولت مصدق در 28 مرداد 1332 ش / 1953 م تا تیر 1341 ش، پنج نخست وزیر روی کار آمدند که نشان از شروع دوران ثبات است. در مجلس نوزدهم طول عمر مجلس از دو سال به چهار سال تغییر کرد و از مجلس بیستم احزاب دولتی وارد میدان رقابت های سیاسی شدند.

به این ترتیب دورانی آغاز شد که در آن شاه و هواداران او توانستند موقعیت خود را تا سال 1342 ش تثبیت کنند. بختیار، عبدالحسین اردلان، یدالله سحابی، کریم سنجابی و چند نفر دیگر که تعدادشان به هفده نفر می رسید، شخصیت هایی بودند که در این نشست شرکت داشتند. (2)

ص: 147

1- همان 389.

2- کجباف، 1385، شماره 147، 7.

در 28 تیر ماه 1341 ش، شاه نخست وزیری را به علم واگذار کرد. در این هنگام دو نیروی عمده ی مخالف دولت روحانیت و جبهه ی ملی بودند. علم برای جذب، مخالفان گفتگو را با جبهه ملی آغاز کرد این جبهه پیشنهاد در اختیار گرفتن کرسی های مجلس شورای ملی و سنا در استان های تهران، اصفهان، تبریز و مشهد را در مقابل همکاری با حکومت رد کرد. در 16 مهر ماه 1341 ش، لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی در هیئت دولت به تصویب رسید در آن لایحه به زنان حق رأی داده شد قید مذهب اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهاگان مجلس حذف شد و برای مراسم سوگند نیز به جای قرآن، اصطلاح کتاب آسمانی قید شد. این لایحه با مخالفت علما روبه رو شد. شاه در نوزدهم دی ماه 1341 ش، شش اصل انقلاب سفید خود را رسماً به عنوان رئیس قوای سه گانه اعلام کرد و از مردم خواست به آن رأی مثبت دهند طرح هایی مانند الغای رژیم ارباب رعیتی، ملی کردن جنگل های سراسر کشور فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانه ی اصلاحات ارضی سهم کردن کارگران در منافع کارگاه های تولیدی و صنعتی لایحه ی اصلاحی قانون انتخابات و لایحه ی ایجاد سپاه دانش از جمله طرح های این انقلاب بودند (1).

با وجود مخالفت علما و همراهی مردم با آن ها و مخالفت جدی برخی گروه های سیاسی پس از رأی گیری در روز هشتم بهمن همان سال اعلام شد که انقلاب سفید با 99/9 درصد رأی مثبت به تأیید مردم رسیده است. (2) در حد فاصل سال های 1332 تا 1342 ش در شهر اصفهان نیز به دلیل استقرار کارخانه ها و مراکز صنعتی بیشترین تعداد اعتصابات کارگری بروز کرد. کشاورزان نیز در اصفهان از اوضاع اقتصادی شکایت داشتند. (3) و با در گذشت آیت الله بروجردی

ص: 148

1- هاشمی نجف آبادی، 1369، 138-139.

2- حنیف، 113، 1383.

3- همان، 36-37.

که ارادتمندان بسیاری در شهر اصفهان داشتند مراسم های بزرگداشت بی شماری برای ایشان به ویژه از سوی چهره های مذهبی برگزار شد که با استقبال مردمی روبه رو شد. (1) به این ترتیب برخی از چهره های فعال سیاسی گذشته به عرصه ی سیاست بازگشتند همزمان با شروع رخداد ها مرحله ی نخست انقلاب اسلامی در اوایل دهه ی پنجاه که پس از رحلت آیت الله بروجردی به تدریج آغاز شد و با تبعید رهبری آن به ترکیه و عراق به پایان رسید.

ص: 149

1- همان، 1383، 47.

تشکیلات سیاسی-مذهبی و شعبه ی سیاسی در شهرستان ها بیشتر بر حول محور شخصیت های متعدد و مردمی متبلور می شد در حد فاصل سال های 1320 ش تا 1332 ش / 1941 تا 1953 م، فعالین متعددی از اقشار و طبقات مختلف چهره های شاخص سیاسی و فرهنگی در شهر اصفهان حضور داشتند. از فعالین روحانی، آیت الله حاج شیخ محمد باقر زند کرمانی و حجت الاسلام حاج آقا صهری سده ی را می توان نام برد مرحوم حسین عبداللهی خوروش از چهره های فعال سیاسی مذهبی دهه ی 30 بود که جلساتی را اداره می کرد، با نخست وزیری دکتر مصدق و ریاست مجلس آیت الله کاشانی اقشار مختلف مردم اصفهان نیز به میدان آمدند روحانی ها از یک طرف و فرهنگیان و بازاریان و کارگران هر کدام از طرف دیگر به طرفداری از ملی شدن صنعت نفت پرداختند. از چهره های فعال مذهبی، آیت الله زند کرمانی، آیت الله شیخ محمد رضا جرقویه ای، آیت الله حاج میرزا محمد رضا کلباسی، آیت الله حاج شیخ حیدر صلواتی که شاگرد حاج میرزا محمد رضا کلباسی و تحت تأثیر او بود را می توان نام برد، که از طرفداران مصدق و ملی شدن نفت بودند بدرالدین، کتابی حسین، عریضی استادان محمد مهریار کیوان و بهدادفر، محمد تقی برومند از چهره های فرهنگی و از بازاریان محمد سپاهی و نوروزی افضل و کلاه دوزان را می توان نام برد. (1)

با توجه به نوع فعالیت گروه مذهبی سیاسی گروهی است که:

ص: 153

در اساس نامه و مرام نامه و یا اعلامیه ی آغازین فعالیت گروه تبعیت از مبانی عقیدتی اسلامی صراحتاً بیان شده باشد؛

اجرای احکام و شعائر مذهبی در جامعه را هدف خود قرار داده باشد؛

برای دستیابی به هدف خود از امکانات و ابزار های فرهنگی اجتماعی و سیاسی استفاده کند؛

در رویداد ها، بحران ها مسائل و موضوعات سیاسی - اجتماعی کم و بیش مشارکت داشته باشد.

معیار های مطرح شده در بالا ملاک بررسی گروه های سیاسی - مذهبی در این کتاب بوده و توجه به جنبه ی فعالیت آن ها صرفاً در خود شهر اصفهان مطرح بوده و نه در استان اصفهان نکته حائز اهمیت در خصوص این گروه های فعال در این دوره حضور چهره های شاخص روحانیت به عنوان بنیان گذاران آن است. هم چنین این گروه ها در این راه از حمایت مالی بازاریان متنفذ و سرشناس در خصوص گسترش حوزه ی کاری خود برخوردار بودند، پایه ی اصلی فعالیت های آن ها در این دوره بر مسائل فرهنگی بنا گذاشته شده بود و هدف بیشتر آن ها بر محور تربیت و آگاه ساختن جوانان متمرکز بود بنابراین سال های 1320 تا 1340 ش را می توان سال های تلاش جریان نیرو های مذهبی در ایران و به طور خاص شهر اصفهان شمرد؛ زیرا پس از شهریور 1320 ش، روحانیت در راه احیای اسلام تلاش خود را آغاز کردند. (1)

زمینه ی تشکیل انجمن های مذهبی از زمان مشروطه در شهر اصفهان فراهم شد و از آن جایی که این شهر به دلیل سوابق مذهبی مأمّن چهره های متنفذی مانند حاج آقا نجفی و حاج آقا نور الله اصفهانی بود فعالیت این انجمن ها در عرصه های مختلف گسترش یافت. (2) در اصل فعالیت نیرو های مذهبی نسبت به احزاب و

ص: 154

1- حسینیان، 1381، 454.

2- جعفریان، 99، 1385.

گروه های سیاسی سابقه ی طولانی تری داشت جامعه ی ایران در جریان نهضت مشروطه با احزاب سیاسی آشنا شد، اما قبل از آن کار سیاسی مهم تر نهضت تنباکو و نقش مؤثر روحانیت به ویژه در اصفهان و رهبری این فعالیت ها به دست آقای نجفی مجتهد بود تا زمان تأسیس سلسله پهلوی به جای حزب ها انجمن هایی مانند انجمن اتحادیه ی علمای اعلام انجمن اتحادیه طلاب، انجمن اتحادیه ی سادات، انجمن تجار و... فعال بودند و احزاب سیاسی در شهر اصفهان دارای شعبه نبودند. (1) پس از انقلاب مشروطه، اصفهان نیز از منازعات فکری تهران متأثر شد؛ تشکیل انجمن های متعدد گویای این مطلب بود. (2)

در مجموع نهضت مشروطیت در اصفهان در بستر سازی و ایجاد زمینه برای گرایش و عضویت مردم و احزاب و گروه های سیاسی و تأثیر گذاری در جریانات سیاسی جامعه در سال ها بعد، به ویژه در دوره ی پهلوی نقشی عظیم داشت. نکته ی قابل ملاحظه در فعالیت های سیاسی و انجمن های اصفهان صبغه ی مذهبی این فعالیت ها بود برای نمونه تشکل سیاسی هیئت علمیه اصفهان از جمله معروف ترین این انجمن ها بود. (3) اما پس از قدرت یابی رضا شاه فضای سیاسی کشور تغییرات چشمگیری یافت و اجازه ی ادامه فعالیت از انجمن ها گرفته شد (4). هم چنین فعالیت مدارس بر اساس برنامه ی وحدت سازمانی زیر نظارت دولت قرار گرفت. (5) پس از سقوط سلطنت رضا شاه آزادی ناشی از سقوط دیکتاتوری سبب شد تا گروه های مختلف مذهبی امکان فعالیت در شهر های مختلف کشور از جمله اصفهان را بیابند؛ چرا که از دیر باز روحانیان جایگاه و نفوذ ویژه ای در

ص: 155

1- شیخی، 1383، 51.

2- روضاتی، 1388، 83-84.

3- شیخی، 1383، 51.

4- جعفریان، 1385، 100.

5- صدیق، 1356، 186-187.

میان اقشار مختلف مردم شهر اصفهان داشتند. به این ترتیب پس از شهریور 1320 ش/ 1941 م، هر کدام از این شخصیت ها با تکیه بر طرفداران شان به رهبری تشکیلاتی مذهبی اقدام کردند جلسات بسیاری برگزار شد و روحانیان از طرق مختلف از جمله منبر و ایراد خطابه و سخنرانی در جهت تبلیغات مذهبی شروع به فعالیت کردند فریاد فریاد سیاسی های تمرکز گرای (1) به ویژه در آغاز سلطنت محمد رضا شاه و تظاهر شاه جوان مبنی بر دوری گزیدن از استبداد و توجه به ظواهر مذهب این امکان را به نخبگان سیاسی و نیرو های سرکوب شده ی مذهبی می داد تا بار دیگر به صحنه ی سیاست بازگشته و در قالب انجمن ها کار خود را از سر گرفته و دست به فعالیت بزنند. (2) فضای سیاسی کشور نیز به دلیل تلاش حکومت پهلوی دوم در خصوص جلوگیری از نفوذ اندیشه های کمونیست امکان فعالیت به این انجمن های مذهبی را می داد. (3) این گونه بود که هیئت هایی همانند هیئت علمیه اصفهان و یا انجمن تبلیغات دینی کار خود را از سر گرفته و گسترش یافتند (4). هر یک از این تشکلات و گروه های فرهنگی - مذهبی دارای مطبوعاتی بودند که ناشر افکار دینی آن ها بود. از جمله مجامع دینی که پس از شهریور 1320 ش/ 1941 م، در تهران و سایر شهر ها شروع به کار کرد جامعه ی تعلیمات اسلامی بود (5) پس از آن که وزارت فرهنگ عملکرد مدارس را زیر پوشش خود گرفت. (6)

این جامعه نیز از طریق تأسیس مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی فعالیت خود را آغاز کرد و شعبه ی این مدارس در سال 1326 ش/ 1947 م کار خود را در

ص: 156

1- کرونین 1383، 187-186.

2- آوری، 1371، 192.

3- جعفریان، 1385، 99.

4- آبراهامیان، 1379، 153.

5- جعفریان، 1385، 100.

6- صفوی، 1383، 54.

اصفهان شروع کرد (1) و فعالیت مدارس در زیر پوشش وزارت فرهنگ قرار گرفت. (2)

انجمن، ها، هیئت ها جمعیت ها و گروه هایی که پس از شهریور 20 ش 1941 م به وجود آمدند. بعضی در سرتاسر کشور فعال بودند و برخی تنها محدود به یک شهر یا یک منطقه بودند. اما در هر صورت انگیزه ی اصلی تشکیل آن ها بیش از آن که سیاسی باشد بیشتر فرهنگی بود. هدف اکثر آن ها تبیین اندیشه ی دینی و مبارزه با تفکرات غیر اسلامی بود حتی در مواردی که گروه ها نام حزب را بر خود نهاده بودند بیشتر عملکرد آن ها صبغه ی فرهنگی داشت و حتی اگر فعالیت آن ها جنبه ی سیاسی می یافت با گرایشات مذهبی همراه بود. (3) مقر اصلی بیشتر این گروه ها در شهر تهران بود اما بیشتر آن ها دارای شعباتی فعال در شهر اصفهان نیز بودند.

هیئت علمیه ی اصفهان:

پس از جریان جنبش مشروطیت انجمن ها و هیئت هایی توسط گروه های مختلف پدید آمد روحانیان برخی از شهر ها نیز به تشکیل انجمن مقدس علمی یا هیئت علمیه دست زدند در اصفهان نیز که به دلیل سوابق مذهبی از دیرباز مآمن چهره های دینی بود و به عنوان شهری مذهبی شناخته می شد، حاج آقا نورالله اصفهانی به همراه برادرش، آقا نجفی هر دو از رهبران مشروطه، هیئت علمیه را تأسیس کرده و خود ریاست آن را به عهده گرفتند (4). این انجمن نقش فعالی را در حوادث سیاسی در کشور ایفا کرد (5). اما از زمان قدرت یابی رضا شاه و کاهش قدرت، روحانیت این هیئت نیز از میان رفت پس از سقوط پهلوی اول در دهه ی 1320 ش و خصوصاً اواخر دهه روحانیان و علمای بسیاری از شهر ها

ص: 157

1- نیکبخت، 1390، 106.

2- صفوی، 1383، 54.

3- حسینیان، 1381، 459.

4- جعفریان، 99، 1385.

5- کوهستانی نژاد، 18، 1385.

برای موضع گیری واحد و مشاوره در امور مهم اقدام به تأسیس و احیاء مجدد هیئت علمیه یا جامعه ی علمیه گرفتند (1). در اصفهان نیز پس از سقوط پهلوی اول، بار دیگر هیئت علمیه اصفهان با تلاش آیت الله سید حسن چهار سوقی و پنجاه نفر از علمای اصفهان شکل گرفت و می توان گفت برای بار دوم کار خود را پس از سقوط پهلوی اول از شهریور 1320 ش 1941 م، آغاز کرد. در ابتدا دولت جدید برای فاصله گرفتن از سیاست های گذشته و مبارزه با کمونیست از فعالیت آن ها ممانعت نکرد. (2)

از اعضای اصلی این هیئت در اصفهان می توان به حاج میرزا چهار سوقی حاج شیخ مهدی نجفی، حاج میرزا محمد حسین ملاذ، روضاتی، حاج آقا حسین، خادمی، عبدالله ثقة الاسلام حاج میرزا ابوالحسن تویسرکانی، سید شمس الدین خادمی حاج سید عبدالحسین طیب و... اشاره کرد. جلسات هیئت در روزهای پنجشنبه هر هفته در منزل یکی از اعضا تشکیل می شد این هیئت سهم فعالی در ملی شدن صنعت نفت بر عهده داشت و اعلامیه هایی در این خصوص صادر می کرد گزارشاتی مبنی بر توجه هیئت بر مبارزه با اعمال خلاف شرع وجود دارد (3). هم چنین هیئت در ماه مبارک رمضان خواهان ممنوع شدن فروش مسکرات بود و در این رابطه مکاتباتی به استانداری اصفهان داشت. (4)

فعالیت هیئت علمیه اصفهان پس از کودتای 28 مرداد 1332 ش:

هیئت علمیه ی اصفهان با سابقه ای طولانی در طول تاریخ فعالیت های خود از آغاز به کار مجدد و حضور در عرصه ی سیاسی کشور در شهریور 1320 ش / 1941 م در قالب فعالیت های فرهنگی و سیاسی در شهر اصفهان حضوری

ص: 158

1- حسینیان، 467، 1381.

2- جعفریان، 1385، 100.

3- کوهستانی نژاد، 1385، 691.

4- همان، 1385، 692.

پررنگ داشت. این روند تا کودتای 28 مرداد در سال 1332 ش/ 1953 م ادامه یافت. روحانیانی که در این هیئت عضویت داشتند پس از کودتای 28 مرداد نیز در قالب فعالیت های فرهنگی به ارشاد جامعه پرداختند و نیز از طریق کمک های مادی و معنوی از چهره های فعال و مبارز در شهر اصفهان حمایت می کردند. پس از درگذشت عالم عالی قدر آیت الله بروجردی در دهم فروردین سال 1340 ش، روحانیان اصفهان از جمله اعضای شورای هیئت علمیه اصفهان در قالب تشکیلات خاص خود در برپایی مراسم برای بزرگداشت ایشان کوشیدند. (1) این هیئت پس از رسیدن خیر درگذشت آیت الله بروجردی جلسه ی فوق العاده تشکیل داد و فردای همان روز مجلس یادبودی در مدرسه ی صدر برگزار کرد. در آن زمان چهره های مشهور شورا عبارت بودند از حاج آقا رحیم ارباب حاج شیخ مهدی مسجد شاهی، شیخ محمد جواد کلباسی آیت الله خادمی، آیت الله طیب آیت الله شمس آبادی آیت الله میر محمد مهدی سلطان العلماء امام جمعه ی اصفهان (2).

از چهره های شاخص این، هیئت اشخاصی مانند آیات خادمی، شمس آبادی، ادیب طیب و... بودند که پس از فوت میرزا حسن چهار سوقی حوزه ی علمیه در اصفهان زیر نظر این افراد اداره می شد. (3) اعضای این شورا هر ماه یک بار دور هم جمع می شدند و در مورد مسائل مختلف از جمله معرفی طلاب علوم دینی برای دریافت معافیت نظام وظیفه گفتگو می کردند (4). جلسات این هیئت سیار بود و روز های پنج شنبه هر هفته در منزل یکی از اعضا تشکیل می شد. این هیئت از جمله حامیان آیت الله خمینی در شهر اصفهان بودند اعضای این هیئت هم چنین

ص: 159

1- حنیف، 1383، 50.

2- همان، 1383، 51.

3- حنیف، 1383، 64.

4- ساسان پور، 1386، 21.

از اعضای فعال جامعه ی روحانیت در شهر اصفهان نیز محسوب می شدند. (1)

جامعه ی تعلیمات اسلامی:

سابقه ی تأسیس مدارس نوین در ایران را می توان با افتتاح مدرسه ی دارالفنون توسط امیرکبیر دانست. شروع به کار این مدارس آغازی برای پایان شیوه ی سنتی آموزش بود. (2) سپس مدارس رشدیه جایگاه ویژه ای یافت. (3) پس از صدور فرمان مشروطیت نهضت تأسیس مدرسه در شهر اصفهان مانند سایر شهر ها به وجود آمد. (4) با این وجود نظام آموزشی ایران در اواخر دوره ی قاجار و به قدرت رسیدن رضا شاه، عقب مانده و فاقد نظم و یکپارچگی لازم بود.

بیشتر مدارس به صورت خصوصی اداره می شد و برنامه ی مدونی در خصوص گذراندن مدارج تحصیلی وجود نداشت؛ بنابر این از جمله طرح هایی که در دستور کار دولت رضا شاه قرار گرفت رسیدگی به سیستم آموزشی در کشور بود. اما همانند سایر برنامه های به اجرا در آمده در آن دوران برنامه های فرهنگی و آموزشی نیز تحت الشعاع اصول تمرکزگرایی و گرایش ناسیونالیستی دولت قرار گرفت و در نتیجه مجالی برای اعمال نفوذ از جانب سایر گروه ها در برنامه های آموزشی در مدارس باقی نماند و امکان پیدایش مدارس خصوصی بسیار محدود شد. مطالب درسی نظام نوین آموزشی در دوره ی پهلوی با توجه به الگوی فرانسوی طرح ریزی شد و از صبغه ی دینی تعلیمات و آموزش ها به طور چشمگیری کاسته شد. پس از شهریور 1320 ش/ 1941 م و باز شدن فضای سیاسی کشور، رویکرد گروه های مذهبی بر سیاست های فرهنگی متمرکز شد و تکاپوی گسترده ای از

ص: 160

1- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1380، 38.

2- ایمانیه بیتا 158.

3- روضاتی، 1388، 79.

4- معتمدی، 1386، 21.

جانب کانون های فرهنگی در اوایل سلطنت محمد رضا شاه آغاز شد (1). یکی از این کانون ها جامعه ی تعلیمات اسلامی بود که به دست عباس علی اسلامی از روحانیان مبارز آغاز به کار کرد و با حمایت مراجع تقلید و بازاریان متدین فعالیت های خود را گسترش داد و علاوه بر تهران در سایر شهر ها از جمله شهر اصفهان نیز شعباتی تأسیس کرد و با ساخت مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی موفق به جذب تعداد زیادی دانش آموز شد؛ چرا که در کنار مدارس دولتی مدارس خصوصی نیز امکان فعالیت یافته بودند.

مؤسس شعبه مدارس جامعه تعلیمات اسلامی در شهر اصفهان شیخ غلام رضا فیروزیان از نزدیکان شیخ عباس علی اسلامی و شخصیتی مورد حمایت روحانیان متنفذ اصفهان آیت الله خادمی و طیب بود که با کمک های بازاریانی هم چون حاج آقا موسوی و حاج میرزا علی اکبر کازرونی توانست این مدارس را در اصفهان گسترش دهد و با افزایش تعداد شعبات این مدارس در سطح شهر هنگام اجرای طرح ملی کردن مدارس از سوی دولت در سال 1352 ش/1974 م به فعالیت خود ادامه دهد.

تأسیس مدارس جامعه ی تعلیمات اسلامی:

حضور آقای اسلامی در تهران مصادف با ایجاد فضای باز سیاسی ناشی از سقوط سلطنت رضا شاه بود و موضع دربار در خصوص اوضاع فرهنگی و سیاسی کشور بر مقابله با نفوذ اندیشه های کمونیستی و فعالیت های حزب توده متمرکز بود به این ترتیب در ظاهر برخوردی با ظواهر شریعت و روحانیت صورت نمی گرفت. بنابر این شیخ عباس علی اسلامی در خلال سال های 1322 تا 1328 ش، به تدریج با همکاری علما بازاریان و جمعی از فرهنگیان سلسله مدارس ابتدایی و متوسطه را در تهران تأسیس کرد. در مقاله ای که تحت عنوان جمعیت پیروان قرآن در تاریخ

ص: 161

16 تیر ماه 1323 ش/1944 م در مجله ی آیین اسلام به چاپ رسیده چگونگی عملکرد این جمعیت را این گونه بیان می کند:

«جمعیت پیروان قرآن کیستند و مقصود آنان چیست؟»

جمعیت پیروان قرآن که مؤسسين آن عبارتند از یک عده مردمان صالح و متدین و دانشمند بی غرض که با هیچ یک از احزاب سیاسی تماس نداشته و ندارد، بر حسب دعوت و تقاضای آقای اسلامی مدت دو سال است تشکیل یافته و مشغول انجام وظیفه ی مقدسه ی خود می باشد و مرام و مقصودی جز مراتب زیر ندارد؛

ترویج شریعت عزای احمدی (ص) و مذهب اثنی عشری؛

تربیت اطفال و جوانان به آداب و سنن و اخلاق حسنه به وسیله ی آموزش و پرورش؛

معرفی کردن اسلام حقیقی به جهانیان علما و عملا؛

دست گیری فقر او در ماندگان و حمایت از آنان؛

تشویق و تربیت جوانان به دین داری و ناموس پرستی و دفاع از میهن و حفظ حقوق خود و جامعه؛

وادار کردن جامعه ی پیروی از علما و فقهای اثنی عشریه و منع از توهین و مخالفت با آنان با دلیل و برهان؛

کمک و ساعدت به طلاب علوم دینی و تسهیل در وسایل پیشرفت عقیلی آنان؛

سعی و کوشش در اتحاد و اتفاق مسلمین و جلوگیری از تولید نفاق بین آنان؛

مهیا کردن وسایل آسایش فقرا از حیث خواروبار و ممانعت از گرانی ارزاق عمومی؛

پاسخ دادن به مخالفین اسلام و مذهب اثنی عشری و پافشاری در مقابل دشمنان دین به واسطه ی کتب و مجلات و روزنامه و کنفرانس های عمومی و به طور کلی رعایت تمام مقررات اسلام و مذهب اثنی عشری حتی المقدور.

بنابراین می توان این جمعیت را فداکاران اسلام و حامیان ناموس و میهن خواند.» (1)

ص: 162

«این جمعیت جز خدا و رسول و ائمه طاهرین (صلی الله علیه و آله) به ویژه امام عصر (علیه السلام) اتکا و اتکالی ندارد ما از مردمان متدین دعوت می کنیم که در این مرام مقدس با ما همکاری کنند تا با کمک یکدیگر در اعاده و مجد و عظمت اسلام بکوشیم و به مضمون آیه ی شریفه «کم من فنت قلیلت غلبت فنت کثیره اله» به یاری خدا بر دشمنان خود پیروزی بیابیم از اموری که تاکنون به وسیله ی این جمعیت انجام یافته، تشکیل مدرسه علوم دینی شبانه است که مورد تقدیر و تقدیس قاطبه ی علمای طهران و بازرگان دین دار واقع شده حتی آقایان و عاظ محترم در منابر جامعه

را به استفاده از این جمعیت دعوت کرده و می نماید شعبی از این مدرسه در خیابان اسمعیل بزاز و مسجد قنات آباد و تجریش و خیابان سلیمان خان منزل مظاهری جدیداً دایر شده و بر حسب موافقت و تقاضای آقایان و عاظ و تجار در نظر است مدارس تمام روزی در بازار تأسیس گردد و البته بلکه در تمام شهرستان های ایران تشکیل این قبیل مدارس اقدام خواهد شد و هر یک از شعب نام برده زیر نظر یک نفر از آقایان علما اعلام یا عاظ محترم اداره می گردد» (1).

جامعه ی تعلیمات اسلامی در سال 1322 ش/ 1943 م آغاز به کار کرد ولی اساس نامه ی خود را در سال 1328 ش/ 1949 م تهیه و اعلام کرد. سرآغاز اساس نامه با عبارت «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» بیانگر شعار جامعه ی تعلیمات اسلامی و محور عملکرد آن بود (2). مطالب مورد آموزش در این مدارس عبارت بود از اصول عقاید استدلالی، اخلاق، تاریخ اسلام، عربی، قرآن با ترجمه و تفسیر (3). یکی از اصول مرام نامه ی آن وادار کردن جامعه به پیروی از علما و فقهای اثنی عشریه نشان از ارتباط نزدیک مؤسسه با روحانیت داشت. (4) به این ترتیب

ص: 163

1- آیین اسلام 170.

2- روشن نهاد، 1384، 52.

3- اسلامی، 1355، 24-25.

4- کوهستانی نژاد 1385، 51.

عباس علی اسلامی یوسف زاده و رجایی هسته جامعه تعلیمات اسلامی را شکل دادند پس از تهران اولین مدرسه در کرمانشاه تأسیس شد (1).

و به دنبال آن با حمایت نواب صفوی و آیت الله کاشانی فعالیت ها و اقدامات مذهبی حالت پویا و فعال به خود گرفت (2). جامعه تعلیمات اسلامی در راه گسترش فعالیت های خود مدتی پیش از کودتای 28 مرداد، در سال 1323 ش، از دولت دکتر مصدق تقاضای مساعدت مالی کرده بود (3). تأسیس مدارس و سخنرانی های مذهبی به ویژه در خصوص موضوعاتی مانند مسئله ی حجاب مسئله ی فلسطین و نیز تبلیغات ضد دینی رژیم و مطالب غیر اخلاقی مندرج در روزنامه ها و مسائل فرهنگی روز در دستور کار انجمن تعلیمات اسلامی قرار گرفت و همین موضوع سبب شد تا آقای اسلامی بارها از جانب ساواک تعقیب و بارها به دلیل سخنرانی های آتشین دستگیر و زندانی شود. (4) وی به دلیل جهاد فرهنگی و جدیت در مبارزات سیاسی بارها از جانب امام (رحمه الله) مورد تجلیل واقع شد. (5) فعالیت های او با مسجد سازی و هم چنین تأسیس کتابخانه و مؤسسه ی مطبوعاتی. (6) وی سرانجام در 20 فروردین 1364 ش، در سن 89 سالگی در حالی که بیش از یک صد و هشتاد مدرسه از خود بر جای گذاشته بود درگذشت. (7)

مدارس جامعه ی تعلیمات اسلامی در شهر اصفهان:

همان گونه که پیش تر آمد جامعه ی تعلیمات اسلامی ابتدا در تهران و در دهه ی

ص: 164

1- حسینیان، 1381، 435-437.

2- کرمی، پور 1380، 30.

3- مهرعلیزاده، 1386، 41.

4- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1383، 11-24.

5- حسینیان، 1381، 434.

6- اسلامی، 1355، 28.

7- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1383، 25.

بیست شمسی به وجود آمد و به تدریج در سایر شهرها شعب خود را گسترش داد.

شعبه ی اصفهان توسط شیخ غلام رضا فیروزیان پایه گذاری شد. (1)

پیش از حضور غلام رضا فیروزیان در اصفهان زمینه ی آشنایی در خصوص چگونگی عملکرد جامعه ی تعلیمات اسلامی در شهر اصفهان وجود داشت؛ زیرا بر اساس اسناد منتشر شده ی ساواک پیش از این شیخ عباس علی اسلامی به منظور تقویت مالی جامعه ی مزبور و دریافت کمک از سوی روحانیان اغلب مسافرت هایی به شهرستان های مختلف از جمله شهر اصفهان داشت. (2) هم چنین آقای اسلامی برای انجام مأموریت از جانب آیت الله کاشانی بارها به اصفهان سفر کرده بود (3). پس از گسترش و موفقیت این مدارس در پی درخواست علما جهت تأسیس مدارس اسلامی در اصفهان آیت الله، اسلامی، شیخ غلام رضا فیروزیان را نماینده خود در تشکیل مدارس معرفی کرد. (4) به این ترتیب این مدارس با همت ایشان، باقر نیلفروشان، تقی هسته ای و محمود میر محمد صادقی در مرداد 1326 ش، در اصفهان تأسیس شد. (5)

از سال 1329 ش، بر گسترش فعالیت ها افزوده شد. (6) هم چنین حاج آقا توسلی و آقای حسین گلپیدی نیز با این مدارس همکاری داشتند. (7) حجت الاسلام فیروزیان ارتباط نزدیک و ارادت خاصی به آیت الله خادمی از علمای مجاهد و مبارز در

ص: 165

1- همان، 20.

2- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1389، 48.

3- جمعی از مؤلفان، 1389، 68.

4- نیکبخت، 1390، 20.

5- حنیف، 1383، 371.

6- شیخی، 1383، 135.

7- صلواتی، 1385، 824.

حوزه ی علمیه ی اصفهان داشتند. (1) هم چنین فعالیت های شعبه ی جامعه ی تعلیمات اسلامی در شهر اصفهان از حمایت آیت الله سید حسن چهارسوقی برخوردار بود. (2) در حقیقت می توان گفت شعبه ی اصفهان با روحانیان طراز اول این شهر از جمله آیت الله سید حسن چهارسوقی و آیت الله خادمی، ارتباط داشت و در مسائل مختلف مالی و شور و مشورت می گرفت. هم چنین ایشان در کنار آیت الله خادمی حسین نوربخش، محمد نوربخش و... از جمله سهام داران اصلی شرکت سهامی فرهنگی اسلامی برای تأسیس مدارس دخترانه و پسرانه در شهر اصفهان بودند. (3) آقای فیروزیان قبل از تشکیل کلاس ها طی دیداری با آقای ضیاء علامه که در آن زمان انجمن تبلیغات دینی را اداره می کرد کوشید تا کمک و حمایت وی را به دست آورد. (4)

کلاس های مذهبی در حوزه علمیه درب کوشک و به وسیله ی یکی از طلاب که به نحوی تدریس آشنا بود زیر نظر آقای فیروزیان اداره می شد و در این کلاس ها علاوه بر قرآن اصول عقاید و احکام به صورت سؤال و جواب آموزش داده می شد. در ایام ماه مبارک رمضان ضمن گفتگو در خصوص اهمیت و لزوم دانستن مسائل مذهبی در مورد روزه و ارزش عبادات به دانش آموزان آموزش هایی داده می شد در این دوران دانش آموزان و محصلین آموزش دیده در جلسات عمومی حضور یافته و در جمع مردم مطالب آموزش دیده را به صورت سؤال و جواب بیان می کردند. (5)

در جریان یکی از این جلسات و در یکی از اولین روز های تأسیس مدرسه ی دینی، خانواده ی تاجر سرشناس محمودیه عنوان کردند که منزل چهار اتاق های در

ص: 166

1- نیکبخت، 1390، 21.

2- شیخی، 1383، 135.

3- شیخی، 1383، 135.

4- حنیف، 1383، 372.

5- نیکبخت، 1390، 93.

کوچه ی جهانبانی دروازه دولت را به صورت رایگان در اختیار هیئت مدیره ی این کلاس های مذهبی می گذارند (1).

به این ترتیب کار کلاس در محل جدید آغاز شد در آن کلاس ها علاوه بر قرآن و تفسیر تا حدودی به مسائل سیاسی روز توجه می شد. (2) پول خرید میز و نیمکت هم از طریق مردم تهیه شد. آقای رضا رضازاده مسئول جمع آوری کمک های مردمی بود (3) و مدرسه به نام دبستان جعفری شعبه ی جامعه ی تعلیمات اسلامی نام گذاری شد با این که این منزل چهار اتاق بیشتر نداشت و یکی از آن ها برای دفتر استفاده می شد (4). ولی به همت آقای عبدالوهاب طالقانی محمد باقر نیلفروشان و چند تن دیگر به اندازه ی گنجایش اتاق ها برای شش کلاس محصل پذیرفته شد و نسبت به مدارس دولتی از نظر پیشرفت درسی امتیازاتی کسب کرد (5).

در همین زمان میرزا محمد جعفر کازرونی از ثروتمندان، اصفهان، مغازه ای در پاساژ کازرونی واقع در پشت بازارچه ی نو در بازار رنگرز ها را به عنوان کتابخانه در اختیار این مدرسه قرار داد و یکی از معلمان اصفهانی به نام آقای توسلی با دریافت حقوق اندک مسئول اداره ی این کتابخانه شد (6).

کتاب های مورد نیاز جوانان مذهبی برای کرایه یا فروش در اختیار علاقه مندان قرار می گرفت. (7) چون مدرسه امتیاز نداشت آخر سال تحصیلی با اجازه ای که جامعه ی تعلیمات اسلامی مرکز از وزارت فرهنگ داشت، محصلین در امتحانات نهایی سایر مدارس رسمی شرکت کرده و همه موفق به گرفتن تصدیق ششم شدند.

ص: 167

1- همان، 1390، 95.

2- حنیف، 1383، 372.

3- همان، 372.

4- نیکبخت، 1390، 95.

5- همان 95.

6- حنیف، 1383، 372.

7- همان، 373.

موفقیت محصلان در امتحانات سخنرانی های مذهبی در مساجد در مناسبت هایی که روحانیان حاضر و ناظر بودند و هم چنین موفقیتی که حجت الاسلام فیروزیان در تغییر آیین یک کدخدای بهائی به دست آورد موجب شد که هیئت علمیه اعلامیه ای مبنی بر تأیید جامعه ی تعلیمات اسلامی و تشویق مردم در کمک به این مدارس صادر کند. (1) پس از انتشار این اعلامیه دعوتی در خصوص تشکیل هیئت مدیره برای اداره ی این مدارس به عمل آمد؛ زیرا همه ی شعبات تحت ریاست یک مدیر و هیئت مدیره ی مرکزی اداره می شد ولی هر یک از مدارس وابسته در تهران و شهرستان ها مدیریت و اعضای کادر خود را از میان افراد همان شعبه تعیین می کرد. (2) به این ترتیب در اصفهان، حضرت آیت الله خادمی و طیب از روحانیان، حاج آقا مولوی، مغازه ای و حاج میرزا علی اکبر کازرونی از بازاری ها آقای سعادتین معاون اداره ی ثبت املاک آقای محمد نور بخش کارمند دارایی و آقای دکتر نواب به همراه آقای فیروزیان و سرهنگ نوربخش به عضویت آن در آمده و به کار های اجرایی پرداختند. (3) بعد از مدتی بدون اطلاع آقای فیروزیان دانش آموزان مدرسه جعفریه جامعه تعلیمات اسلامی از جانب ناظم به یک مدرسه دولتی در نزدیکی این مدرسه منتقل شدند و تلاش آقای فیروزیان برای بازگرداندن تمام آن ها بی نتیجه ماند و تنها نیمی از دانش آموزان با کارنامه به مدرسه بازگشتند، تا آن که از نواحی مختلف اصفهان به هیئت مدیره تقاضای تأسیس مدرسه فرستاده شد بعد از مدرسه ی جعفریه دومین مدرسه را در محله ی چهار سوق شیرازی ها که دارای اتاق های کافی برای شش کلاس و دارای صحنی وسیع بود دایر کردند. ماهیانه نود تومان اجاره ی مکان می شد. از دیپلم حاج آقا مفید که از بازاری ها بود جهت کسب امتیاز برای مدرسه استفاده شد و به نام دبستان مفید

ص: 168

1- نیکبخت، 1390، 96.

2- روشن، نهاد، 1384، 67.

3- نیکبخت، 1390، 96.

شعبه ی جامعه ی تعلیمات اسلامی رسماً تابلو نصب شد (1).

پس از آن شعبه اصفهان جامعه تعلیمات اسلامی برای احداث مدارس دخترانه و پسرانه و پسرانه اقدام به تأسیس شرکت سهامی فرهنگ اسلامی کرد و با فروش سهامی، آن امر مدرسه سازی را عملی ساخت (2). از اعلامیه که از سوی جامعه ی تعلیمات اسلامی (شعبه ی اصفهان) در 1327/6/25 ش/ 1948 م، به چاپ رسیده است می توان به نحوی از فعالیت این مرکز آگاه شد در این اعلامیه شعبات مدارس مواد درسی و هم چنین نحوه و زمان فعالیت مدارس ذکر شده بود، در متن اعلامیه آمده است:

«مسلم است که بزرگترین عامل مؤثر برای تخریب جامعه بی دینی و بی عملی است و تنها راه جلوگیری از هر گونه فساد اخلاقی و اجتماعی همانا ترویج دین و توسعه ی علم خواهد بود. به همین منظور جامعه ی تعلیمات اسلامی در پنج سال قبل تحت نظر علماء و متدینین در تهران تأسیس شده و تاکنون چهل و چهار دارالتعلیم شبانه و چهارده روزانه (پسرانه دخترانه و کودکان) در تهران و شعباتی هم در اغلب شهرستان های ایران که هر کدام از آن شعبات هم دارای چندین کلاس می باشد افتتاح کرده است و اکنون هم در اصفهان تحت نظر هیئت جلیله ی علمیه تأسیس و تاکنون سه دارالتعلیم روزانه و یازده شبانه که در آن قرآن، اصول عقاید، فقه فارسی، عربی، تاریخ اسلام و اخلاق تدریس می شود افتتاح شده که به قرار ذیل

است

1 مرکز دروازه دولت کوچه ی جهانبانی ... روزانه، شبانه

2 ... بید آباد جنب مسجد طیب ... شبانه

3 ... خیابان هاتف جنب تکیه ی خواجو ... روزانه، شبانه

4 ... شاهپور خیابان صارمیه ... روزانه، شبانه

ص: 169

1- همان، 97.

2- شیخی، 1383، 136.

5... نجف آباد ... شبانه

6... دستجرد دروازه تهران ... روزانه، شبانه

7... قهفرخ ... شبانه

8... خیابان شاه چهار سوق شیرازی ها ... شبانه

9... نجف آباد ... شبانه

10... محله ی نو جنب بیمارستان احمدیه ... شبانه « (1) » .

در ادامه این اعلامیه نکاتی در خصوص چگونگی اداره این مدارس، چهار چوب و اهداف جامعه ی تعلیمات اسلامی و چگونگی تأمین نیاز های مالی مدارس آمده است:

«1- بودجه ی هر آموزشگاه از اهالی همان بخش تأمین و تحت نظر مرکز و معتمدین که اهل محل انتخاب کرده اند به مصرف می رسد؛

2- در هر سال درآمد و هزینه ی کلیه ی آموزشگاه ها را بیلان و چاپ کرده، مجاناً به کمک کنندگان داده می شود؛

3- درآمد و هزینه به طور معین و مرتب است که شکاک ترین اشخاص (پس از بازرسی) به حسن عمل جامعه مطمئن خواهند شد؛

4- جامعه ی تعلیمات اسلامی متعلق به کلیه ی مسلمین است و حق هر گونه سرکشی و بازرسی را داشته و چنان چه ایراد شرعی در هر یک از کار های جامعه به نظرشان رسید حق اعتراض داشته و فوراً به ایراد آن ها ترتیب اثر داده خواهد شد؛

5- جامعه ی تعلیمات اسلامی هیچ گونه جلسات سری و مخفی نداشته و در تمام ساعات روز و شب (که افتتاح است) مسلمین برای بازدید و سرکشی آزاد خواهند بود؛

6- منظور از تأسیس جامعه ی تعلیمات اسلامی جز ترویج حقایق اسلام و تعلیم و تربیت از روی موازین اسلامی چیز دیگری نیست چنان چه اشخاص غیر از این

ص: 170

1- شیخی، 1383، 136.

منظور چیز دیگری دیدند جداً حق اعتراض خواهند داشت؛

7. چنان چه اشخاص مغرضی در هر نقطه ای اعم از شهر یا ده به نام جامعه ی تعلیمات اسلامی صحبتی کرده یا عملی کرده که موجب هر گونه فساد شود به جامعه مربوط نخواهد بود؛

8. اشخاصی که مایلند کمکی به جامعه تعلیمات اسلامی نمایند قبض رسید تحت شماره ی معین آن ها داده خواهد شد و چنان چه اشخاص مایل به افتتاح آموزشگاه در هر نقطه ی شهر یا ده باشند آن ها کمک مقتضی داده خواهد شد؛

9. جامعه ی تعلیمات اسلامی در امور سیاسی نقیاً و اثباتاً هیچ گونه دخالتی نداشته و نخواهد داشت؛

10. آموزشگاه های دیگری هم در سده رنان و برزان و سایر دهات و نقاط شهر درخواست شده که با تأییدات خداوند متعال به تدریج افتتاح خواهد شد» (1).

10. به این ترتیب بر شمار مدارس افزوده شد و فعالیت آن ها گسترش یافت از سایر اقدامات جامعه در اصفهان تأسیس کتابخانه و قرائت خانه در خیابان چهارباغ و دار الصنایع بود. (2)

جامعه ی تعلیمات اسلامی در اطلاعیه ای در تاریخ 1327/6/25 ش / 1948 م، از تأسیس و افتتاح کتابخانه و قرائتخانه ی وابسته به جامعه در شهر اصفهان و از چگونگی عملکرد این جامعه خبر داد.

در متن اطلاعیه چنین آمده بود:

با تأییدات خداوند متعال

افتتاح کتابخانه و قرائتخانه

جامعه ی تعلیمات اسلامی

جامعه ی تعلیمات اسلامی که مرکز آن در تهران و مدت شش سال از تأسیس

ص: 171

1- شیخی، 1383، 136.

2- همان 136.

آن گذشته است تاکنون در اغلب شهرستان های ایران مدارس تاسیس کرده که همه جا در مورد توجه مردم واقع شده است هم چنان که اصفهان هم در مدت کمی با پشتیبانی هیئت محترم علمیه و کمک متدینین و ابر از حسن عمل توانسته است سی مدرسه در شهر و اطراف آن تشکیل دهد و چون تاسیس دارالایام و دارالصنایع و مدرسه ی کشاورزی و کتابخانه و قرائتخانه و نشر مطبوعات (که تمام آن غیر از دارالصنایع در تهران افتتاح شد) همه جزء اساس نامه و برنامه ی جامعه ی تعلیمات اسلامی در اصفهان بود و نیز در نظر دارد با تأییدات الهیه و کمک خیر خواهان تمام این مقاصد را عملی نماید. لذا اکنون مژده ی افتتاح کتابخانه و قرائتخانه ی آن را به عموم اهالی داده و از این به بعد عموم افراد مخصوصاً جوانان و دانشجویان فرهنگی می توانند ساعات بیکاری خود را به جای صرف در محل هایی که اتلاف وقت و مال می شود مجاناً در محل قرائتخانه از کتب علمی و جرائد و مجلات استفاده کنند».

هم چنین در این اطلاعیه از خیر خواهان و افراد فرهنگ دوست دعوت می شود در صورت تمایل کتبی را به کتابخانه هدیه و یا امانت دهند. آقای فیروزیان به عنوان مؤسس این مدارس در اصفهان در کنار فعالیت فرهنگی از مسائل سیاسی نیز غافل نبود و با شرکت در مبارزات به ویژه در جریان حمایت از آیت الله کاشانی بارها دستگیر شد و به زندان افتاد. (1) فعالیت غلام رضا فیروزیان به دلیل ارتباط نزدیک وی با آیت الله خادمی و شرکت در جلسات روحانیان که ایشان در رأس آن ها قرار داشت از دید ساواک پنهان نبود. (2) هم چنین این مدارس مکانی برای آموزش کسانی شد که در طی سالیان بعد، در به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی نقش مؤثری داشتند و از جمله مؤسسان و رهبران انقلابی اصفهان که در آن زمان با جامعه در ارتباط بودند می توان به ابوالحسن سپه آقای صلواتی دبیر اداره ی فرهنگ و آقای زهتاب و حاج

ص: 172

1- شیخی، 1383، 201.

2- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1389، 48.

آقا هسته ای معلم و فعال سیاسی و هم چنین آقای حسن حداد اشاره کرد. (1) سرهنگ سید حسین نور بخش در اصفهان به این مدرسه بسیار کمک کرد. (2)

برنامه های آموزشی در مدارس جامعه ی تعلیمات اسلامی در اصفهان:

در کنار کتب فنی و تخصص که آموزش آن در کلیه ی مدارس اجباری بود، قرآن، اصول عقاید و احکام به صورت سؤال و جواب به دانش آموزان و در مدارس ابتدایی آموزش اصول و فروع دین در قالب سؤال و جواب و از طریق شعر به کودکان آموزش داده می شد این اشعار که توسط شخص آقای فیروزیان سروده شده بود مورد استقبال قرار گرفت و حتی در قالب کتاب نیز به چاپ رسیده است (3).

هم چنین مطالبی را در خصوص توجه به امر نماز و معاد و آشنایی با ائمه ی اطهار در این اشعار به کودکان آموزش می دادند از شخصیت ها و چهره های شناخته شده ای نیز در تدوین کتب درسی بهره گرفته می شد. اشخاصی مانند محمد جواد باهنر و علی غفوری و حسینعلی گلشنی در تدوین کتب دینی مدارس فعال بودند (4). در این مدارس علاوه بر تدریس دروس کلاسیک، برنامه های مذهبی از جمله قرائت قرآن و نماز جماعت نیز برگزار می شد و تدریس تاریخ اسلام و تعلیمات اسلامی که صرفاً جنبه ی مذهبی داشت نیز در دستور کار بود (5). می توان گفت نخستین کتاب های دینی مدارس کشور به همت این شکل تدوین و انتشار یافت (6). آقای زمانی مدیر مرکز اصفهان شناسی و خانه ی ملل از دانش آموختگان مدرسه ی جعفری اصفهان واقع در خیابان مسجد سید در مقطع دبستان بوده

ص: 173

1- حنیف، 1383، 374.

2- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، 1371، 15.

3- طیب، بی تا، 4-12.

4- نیکبخت 1390، 99-100.

5- روشن نهاد 1384، 56.

6- مدیرشانه چی 1385، 42.

است. ایشان از برگزاری مراسم صبحگاه و توجه به ساعت کلاس درس انشا در این مدرسه یاد می کنند این مدارس در سطح شهر اصفهان از پشتیبانی روحانیت برخوردار بود و روحانیان به آن رفت و آمد می کردند. حکومت پهلوی برای نظارت بر مدارس غیر دولتی، دو اقدام پیاپی کرد. در 1352 ش، با بخشنامه ی منع حجاب دبیرستان های اسلامی دخترانه را محدود کرد و در پی آن، دولت نظارت و برنامه ریزی و مدیریت مدارس غیر دولتی را بر عهده گرفت و بدین ترتیب تلاش قشر های مذهبی جامعه برای اجرای برنامه های تربیتی اسلامی در این مدارس با مخالفت روبه رو شد در پی این اقدامات مدارس جامعه ی تعلیمات اسلامی مانند دیگر مدارس مذهبی با مشکلات متعددی روبه رو شدند و فقط تعدادی از دبیرستان های دخترانه ی جامعه توانستند به برنامه های آموزشی خود تا 1357 ش ادامه دهند. در 1353 ش دولت برای نظارت بر مدارس غیر دولتی، تمام دبستان ها و مدارس راهنمایی بخش خصوصی را دولتی اعلام کرد و جامعه ی تعلیمات اسلامی از میان مدارس تحت نظارت خود توانست معدودی از دبیرستان ها را حفظ کند. (1) از پیروزی انقلاب اسلامی 1357 ش جامعه ی تعلیمات اسلامی به دلیل دولتی شدن، مدارس تمام مدارس تحت نظارت خود را به آموزش و پرورش داد و بدین ترتیب چهارده سال از فعالیت بازماند تا این که در 1368 ش، در پی تصویب قانون مدارس غیر انتفاعی جامعه با اخذ مجوز به تأسیس مدارس اسلامی غیر انتفاعی پرداخت. دبستان سادات اصفهان واقع در خیابان کاوه یکی از مدارس زیر پوشش این جامعه است. (2) گروه ها در این دوره بیشتر فعالیت های خود را بر حوزه ی مسائل فرهنگی متمرکز کرده و چهره های فعال در این دوره افرادی هستند که در جریان به پیروزی رسیدن انقلاب نقش اساسی داشته و پس از آن نیز در

ص: 174

1- کریمی پور، 1380، 97.

2- حداد عادل، 1391، سایت مدارس جامعه ی تعلیمات اسلامی.

عرصه ی سیاسی کشور نقش های کلیدی را بر عهده گرفتند (1).

گروه های فکری - فرهنگی فعال در طی سال های 1355 - 1340 ش

1- انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان:

پس از آن که به مرور ایجاد تشکل های مذهبی دانشجویی در اصفهان فعال شد، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان نیز با تلاش منوچهر مقدادی و جمعی دیگر از دانشجویان مذهبی از سال 1336 ش در دانشگاه اصفهان آغاز به کار کرد. جلسات این انجمن معمولاً در منازل افراد تشکیل می شد از افراد فعال این انجمن می توان به مرتضی مقدادی، منوچهر مقدادی اشرفی روشنایی سلطان زاده و هاشمی و طباطبائی نام برد. (2) این انجمن از کمک فکری آیت الله خادمی، حاج آقا رحیم ارباب و آقای حاج سید علی نجف آبادی برخوردار بود. (3) البته این انجمن فاقد اساس نامه و مرام نامه ی مکتوب بود اما به دلیل گسترش فعالیت های آن گاهی جلسات در سالن دانشکده ی پزشکی و نیز و گاهی در محل دبیرخانه ی دانشگاه واقع در خیابان چهارباغ کنار مدرسه ی سلطانی تشکیل می داد. محور اصلی فعالیت آن ها مبارزه با رژیم و نشر فرهنگ اسلامی بود که با پخش اعلامیه و تشکیل جلسات و سخنرانی به این هدف جامه عمل می پوشاندند. در حقیقت این حرکت از سوی دانشجویان اصفهان دنباله ی فعالیت های انجمن اسلامی دانشگاه تهران بود (4).

منوچهر مقدادی سخنگوی انجمن محسوب می شد و آن ها در کنار برپایی جلسه های سخنرانی و چاپ جزوه به مناسبت اعیاد مذهبی مجالس متعدد نیز بر پا

ص: 175

- 1- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کشتی آرا، کیمیا، 1391، بررسی فعالیت های سیاسی گروه ها و احزاب در اصفهان از شهریور 1320 تا بهمن 1357 ش، صص 100-114.
- 2- حنیف، 1383، 336.
- 3- جعفریان، 1385، 103.
- 4- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، 1371، 16).

می کردند در این فعالیت ها یاران مبارز دیگری نیز بودند که خارج از عضویت با انجمن همکاری مستمری داشتند؛ از جمله فضل الله صلواتی و حسن علی زهتاب و تقی هسته ای (1). مهم ترین نماد حرکت جنبش دانشجویی در نخستین سال های نهضت اسلامی شرکت در مراسم اعتراض گونه ی عزاداری در عاشورای سال 40، 41، 42 بود (2).

2- گروه یالثارات الحسین:

تشکیل این گروه از حوالی عاشورای سال 1340 ش 1961 م، با همکاری جمعی از نمایندگان انجمن اسلامی دانشگاه اصفهان دانش آموزان پزشکان و عده ای دیگر در اصفهان انجام شد. هدف از تشکیل گروه یالثارات الحسین سیاسی کردن عزاداری ها بود از فعالان این گروه می توان به حسن حداد اشاره کرد آن ها برای دو سال پی در پی موفق به برگزاری هماهنگ مراسم عزاداری شدند (3).

از دیگر اعضای فعال این گروه حاج ضیاء الدین علامه، مهدی اقارب پرست و حاج حسین علامه را می توان نام برد. هم چنین سران بعضی از دسته های سیاسی و مذهبی کر و لال ها نیز با این گروه در برپایی مراسم همکاری داشتند این گروه از حمایت آیت الله خادمی و آیت الله اردکانی برخوردار بود (4).

3- انجمن اسلامی پزشکان اصفهان:

انجمن اسلامی پزشکان اصفهان متأثر از تهران در حوالی سال 1340 ش تشکیل شد و شماری از پزشکان شهر تشکیل دهنده ی آن بودند. (5) انجمن در ابتدا هیچ گونه فعالیت سیاسی نداشت و تنها برای طرح مباحث دینی و تطبیق اصول

ص: 176

1- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، 1371، 17.

2- حنیف، 1383، 335.

3- جعفریان، 1385، 103.

4- حنیف، 1383، 341-339.

5- جعفریان، 1385، 103.

دینی و پزشکی می‌کوشید. اما با شروع حرکت امام خمینی رنگ سیاسی گرفت. (1) این انجمن پشتمانه ای برای انجمن دانشجویان گردید. از آن جایی که تعداد زیادی دانش آموز در این جلسات شرکت می‌جستند رأی بر این شد که انجمن اسلامی دانش آموزان نیز تشکیل شود. بعد ها انجمن مزبور با انجمن دانشجویان ادغام شد (2). دکتر حسین واعظی از اعضای فعال این انجمن بود. وی در حالی که عضو انجمن اسلامی پزشکان اصفهان بود در حزب زحمت کشان اصفهان نیز فعالیت می‌کرد. (3)

4- کانون اسلامی دانش آموزان انجمن اسلامی دبیرستان ها:

کانون اسلامی دانش آموزان اصفهان در سال 1338 ش به سرپرستی دکتر سید جمال الدین موسوی، از هم درسان شهید بهشتی و با همکاری آقای اسماعیل خانیان و دکتر اسلامی (4) و با مساعدت اداره ی فرهنگ استان اصفهان تشکیل شد. هدف از تشکیل آن تربیت نیرو های مذهبی برای آینده بود. (5) آقای محمد پیشگاهی فرد از فعالین سیاسی در جریان پیروزی انقلاب اسلامی بوده که ورود ایشان به عرصه ی سیاست از طریق کانون دانش آموزان در سال 1339 ش، انجام گرفته است.

وی در خاطرات خود در خصوص فعالیت این کانون می گوید:

«دکتر اسلامی معمم بود و بعد ها دوستان نسبت به او انتقاداتی داشتند؛ چون خیلی بعد انقلابی نداشت در مورد ارتباط با ساواک نیز به وی مشکوک بودند. البته امکان داشت موضع گیری های او زیر فشار ساواک بوده باشد، به هر حال

ص: 177

1- حنیف، 1383، 359.

2- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران 1371، 17.

3- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج 3، 188.

4- میردار، 1385، 25.

5- حنیف، 1383، 361.

همین تردیدها موجب جدایی از ایشان شد. اداره جلسات و برقراری نماز جماعت در کانون بر عهده ی آقای سید جمال الدین موسوی بود. از دیگر اعضای کانون برادران کسایان به نام های ایرج و محمود بودند و با وجود این که پدرشان از ثروتمندان معروف اصفهان و صاحب کارخانه بود اما مذهبی و انقلابی بودند. سادات و مسعود اسماعیل خانیان نیز در جلسات کانون شرکت می کردند. آقای کوپایی و حجت الاسلام سالک که در آن زمان به تازگی طلبگی را آغاز کرده بود و گاهی اوقات عمامه می گذاشت و از اعضای کانون بودند» (1)

از دیگر اعضای که با کانون در ارتباط بودند می توان از آقایان صلواتی و غرضی که در آن زمان دانشجو بودند نام برد. جلسات کانون به مدت دو یا سه سال در دانشسرای مقدماتی اصفهان تشکیل می شد محور جلسات آقای سید جمال الدین موسوی بود با این که از شهید بهشتی برای هدایت و شرکت در کانون دعوت کردیم اما ایشان ضمن تأیید کارمان می گفتند: «فعالاً مصححت نیست من خیلی در دید باشم.» البته ایشان از طریق آقای موسوی با کانون در ارتباط بودند. در سال 1342 ش / 1963 م کانون توسط ساواک تعطیل شد. پس از تعطیلی کانون دوستان در دانش سرا با هم ارتباط داشتند و در محلی به نام دستجرد در یک باغ گرد می آمدند.

تشکیل جلسات انجمن:

«جلسات، هر ماه یک بار تا عصر به صورت اردو در آن باغ تشکیل می شد. نماز جماعت به امامت آقای سالک تنها روحانی، جمع برگزار می شد و بچه ها کم کم مقالات بسیار تند و انقلابی می خواندند در میان، مقالات، شریف واقفی بسیار شاخص بود با این که وی شخصیت آرامی داشت ولی وقتی کاری به عهده اش گذاشته می شد خیلی قوی و مؤثر عمل می کرد» (2) شریف واقفی در اوایل دهه ی

40

ص: 178

1- مختاری، 1385، 25.

2- همان، 27.

به ریاست انجمن اسلامی دبیرستان صائب در آمد (1).

5- سازمان جوانان اسلامی:

این سازمان از سال 1336 ش مشغول به فعالیت بود (2). اعضای آن را اکثراً دانش آموزان تشکیل می دادند این سازمان هفته ای یک بار در محل پاساژ سلطانی برای دانش آموزان جلسات سخنرانی برگزار می کرد مرحوم، اشنی در این انجمن سخنرانی داشتند. (3) کار این انجمن تشکیل جلسات مذهبی در اعیاد و سوگواری ها بود و با انتشار دو روزنامه به نام پیکار و آیین اسلام فعالیت های مذهبی خود را بسط می دادند. ضمن این که تماس هایی نیز با مرحوم نخشب برقرار کرده بود (4).

6- کانون علمی و تربیتی جهان اسلام:

این کانون از سال 1339 ش / 1960 م در اصفهان آغاز به کار کرد. عده ای از مؤمنین هم چون آقایان حاج محمد بصیری، شکرانی، حسین گلپیدی، حسین دادخواه، حاتم زاده، مهندس مصحف و مهندس سید حسین علوی کانون را در زیر نظر آیت الله سید ابوالحسن شمس آبادی در محل خیابان آمادگاه راه اندازی کردند.

حجت الاسلام علی اکبر اژه ای نیز فعالیت های اجتماعی و سیاسی خود را از سال 1344 ش در کانون علمی و تربیتی جهان اسلام شروع کرد. کانون علمی و تربیتی جهان اسلام یکی از کانون های فعال مذهبی اصفهان در دهه ی پیش از انقلاب بود که بیشتر در مسجد امام علی (علیه السلام) نزدیک مسجد جامع اصفهان فعالیت می کرد. از فعالیت های این کانون می توان به تشکیل جلسات سخنرانی چاپ کتب و جزوات اشاره کرد از جمله کتبی که توسط خود علی اکبر اژه ای

ص: 179

1- جعفریان، 1385، 104.

2- همان، 1385، 104.

3- صلواتی، 1385، 824.

4- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، 1371، 16.

نوشته و منتشر می شد (1). شخصیت های بزرگ مذهبی از تهران و قم هم چون استاد محمد تقی جعفری، آیت الله مکارم شیرازی، شهید دکتر محمد بهشتی، شهید مرتضی مطهری، محمد یزدی، سید علی اکبر پرورش و... در جلسات کانون سخنرانی می کردند سخنرانی ها به صورت جزوات تایپ شده در می آمد و میان حضار توزیع می شد.

بنا به گزارش ساواک دکتر بهشتی در 22 خرداد 1349 ش، پس از بازگشت از آلمان در کانون علمی و تربیتی جهان اسلام در اصفهان و با حضور جمعیتی بیش از هفت هزار نفر درباره ی دین مبین اسلام تشیع تسنن و فرقه ی بهائیت سخنرانی کرد هم چنین ایشان از کار هایی که در کشور آلمان انجام شده، از قبیل ساختن مسجد و دعوت از دانشجویان مقیم ایران به این مساجد و ارائه ی مطالبی از دین و نص صریح قرآن برای جوانان سخن گفت (2). آقایان منصور زاده و شیخ مهدی مظاهری نیز از دیگر همکاران کانون بودند از دیگر برنامه های کانون برگزاری کلاس های زبان انگلیسی و فرانسوی و فعالیت های ورزشی در کنار دروس دینی و اصول و عقاید بود هم چنین برای جوانان اردو های تفریحی و تربیتی برگزار می کردند.

مهندس عبدالعلی مصحف از فعالان کانون مهندسین تهران نیز که در جریان قیام پانزده خرداد 1342 ش، زندانی شده بود پس از مراجعت به اصفهان در سال 1345 ش، به اعضای مؤسس کانون علمی و تربیتی جهان اسلام پیوست از سازمان امنیت و اطلاعات اصفهان گزارشی در دست است که نشان می دهد حتی پس از بازگشت به اصفهان نیز فعالیت های مصحف از جانب شهربانی این شهر تحت کنترل بود در متن این گزارش به سخنرانی او به همراه علی اکبر پرورش در مجلس جشن ولادت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام جعفر صادق (علیه السلام) اشاره شده

ص: 180

1- جعفریان، 1385، 104.

2- سرابندی، 1387، 74.

است: «برابر اطلاع واصله روزهای جمعه و شنبه مورخ 5 و 36/12/6 به مناسبت ولادت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام جعفر صادق (علیه السلام) مجلس جشنی در مسجد حجت الاسلام روضاتی اصفهان برپا و دانشجویان و سایر طبقات در آن شرکت دارند. سخنران مجلس عبدالعلی مصحف و اکبر پرورش می باشند»⁽¹⁾.

این کانون به طور مرتب در طول سال های تأسیس و پس از آن جلسات مختلف برنامه های تابستانی و سخنرانی های مذهبی داشت فعالیت انجمن عمدتاً بر مباحث مربوط به مسائل مذهبی و تربیتی و تفسیر قرآن و قرائت قرآن، تعلیمات دینی و تعلیم و تربیت متمرکز بود ولی به مرور زمان آموزش زبان عربی، زبان انگلیسی و ریاضی نیز به آن افزوده شد به نظر می رسد این کانون از فعال ترین و منظم ترین کانون های فکری - مذهبی - علمی بود که می کوشید در مناسبت های مختلف با برگزاری سخنرانی و دعوت از افراد صاحب نظر و متخصص جوانان و عموم مردم را جذب کند مهندس عبدالله مصحف، ناصر مکارم شیرازی، مرتضی مطهری عبدالعلی، مصحف و حاج سید محمد علی روضاتی را از جمله بنیانگذاران آن معرفی کرده اند افراد مختلف هم چون محمدتقی جعفری، محمد یزدی، سید محمد حسین بهشتی، محمد علی گرامی، محمد محیط طباطبایی و دکتر علی شریعتمداری در جلسات درباره ی موضوعات مختلف سخنرانی می کردند. هم چنین این کانون جلسات هفتگی تفسیر قرآن در میدان احمد آباد را تشکیل داد و ارتباط زیادی با دانش آموزان دبیرستان ادب داشت به نظر می رسد که تا هنگامی که برادران مصحف به ویژه عبدالعلی مصحف نظارت و همکاری مداومی با این کانون داشتند جلسات رونق خاصی داشت و گاهی اوقات تعداد شرکت کنندگان در جلسات بالغ بر 500 نفر می شد.

این کانون دارای گروه بانوان نیز بود که زیر نظر بانو مجتهدی امین اداره می شد.

به واسطه ی حمایت و فعالیت او برنامه های مختلفی به ویژه در فصل تابستان برای

ص: 181

1- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1382، 348.

بانوان برگزار می شد. در این جلسات آموزش و تفسیر قرآن، مقاله خوانی، تعلیم و تربیت و فقه به حضار آموزش داده و اطلاعات مورد نیاز ارائه می شد این کانون در سال های بعد علی رغم فراز و نشیب های بسیار به کار خود ادامه داد. به گونه ای که در شهر های اطراف اصفهان نیز فعالیت می کرد به طور مثال گزارش هایی وجود دارد که نشان گر عزیمت برخی از افراد این کانون و بانوانی هم چون خانم اشرف مدنیان به شهر بروجن و برگزاری جلسه ی سخنرانی و تشویق بانوان به علم آموزی حتی در رشته هایی مثل پزشکی به واسطه ی نیاز آن روز در کنار مردان است فعالیت روز افزون و گسترش دامنه ی آن توسط این کانون باعث شد تا هیئت ها و جمعیت های مذهبی دیگر تحت الشعاع قرار گیرد.

البته برگزاری جلسات مذهبی و سخنرانی در اصفهان از قدیم الایام رایج بود. در این سال هیئتی به نام هیئت علمای اصفهان تشکیل شد که جلسات هفتگی بسیاری برگزار می کرد. هیئت علمای اصفهان دارای مهری بود که بر روی آن عبارت «هیئت اتحادیه علمای اصفهان» حک شده بود این هیئت با دعوت از وعاظ و خطبای مشهور هم چون روحانی بنام محمد تقی فلسفی و سید اشرف کاشانی به صورت ادواری در اصفهان و دعوت از علما و قاطبه ی مردم برای شرکت در این جلسات فعالیت می کرد. کانون عمده ی برگزاری این جلسات مسجد سید بود و گفته شده است که به کرات از حجت الاسلام فلسفی برای سخنرانی دعوت می شد. این سخنرانی ها با استقبال فراوانی روبه رو شده و جمعیت شرکت کننده در این جلسات در بسیاری از موارد بالغ بر ده هزار نفر ذکر شده است. به نظر می رسد علاوه بر دعوت از حجت الاسلام فلسفی و سید اشرف کاشانی به مرور زمان شیخ احمد کافی نیز مورد اقبال قرار گرفت. علاوه بر افراد فوق، افرادی هم چون شیخ مهدی فقیه ایمانی، شیخ غلام رضا فیروزیان، محمد تقی رنج بر معروف به رهبر نیز در این عرصه بودند. شیخ مهدی فقیه ایمانی تلاش زیادی برای تبلیغ اسلام و مبارزه با پیشرفت مسیحیت انجام می داد به ویژه آن که قسمتی از اصفهان (محله ی جلفا)

کانون حضور غیر مسلمانان و تردد مبلغین و گروه های مذهبی مسیحی بود علاوه بر آن انتشار کتاب شهید جاوید در اصفهان به صف بندی بین علما انجامید که بحث مستقلی درباره آن ارائه خواهد شد. مرکز فعالیت این افراد محدود به اصفهان نبود.

حاج اشرف کلشانی و محمد تقی فلسفی علاوه بر اصفهان، در همایون شهر و نجف آباد و دیگر نقاط نیز سخنرانی می کردند. حاج آقا رضا صهری، فرزند حاج آقا جمال صهری سده ای (همایون شهر) از جمله کسانی بود که در این فعالیت ها زبانزد عموم بود از جمله اقدامات این افراد مخالفت عمومی با تأسیس و ایجاد دبیرستان مختلط پسرانه و دخترانه بود. این حساسیت ها و مخالفت ها باعث شد تا روز به روز نیروهای امنیتی و نظامی نسبت به کنترل مجلس روضه خوانی اقدامات سخت گیرانه تری انجام دهند؛ زیرا از طریق این جلسات و بازاریان و اصناف وابسته به جناح، مذهبی، بازار، اعلامیه ها نامه ها و شب نامه هایی تهیه و تکثیر می شد به گونه ای که گفته شده است در یک مورد بیش از 250 رساله ی عملیه ی امام خمینی از طریق بازاریان و فعالین در بین مردم بخش شد و این روند به مرور زمان ادامه یافت. از این رو نیروهای انتظامی و امنیتی در ایام برگزاری مراسم مذهبی به ویژه محرم و صفر بسیج می شدند گزارش هایی برگزاری حدود 90 جلسه ی روضه خوانی به مدت 10 روز یا بیشتر در این ایام در اصفهان را تأیید می کند که نشان گر اقبال عمومی و احساس نیاز روز افزون از طرف مردم و فعالین سیاسی و مذهبی است که می کوشیدند جامعه را به صورت برنامه ریزی شده در برابر روند غربی کردن روز افزون از طرف دولت و حکومت حفظ کنند. (1)

از کانون علمی و تربیتی جهان اسلام به عنوان پایگاهی برای آشنایی نسل جوان با مفاهیم عالیه ی اسلام نیز نام برده شده این کانون فعالیت گسترده ای در زمینه ی آموزش عقیدتی و معارف اسلامی داشت و دانشجویان هم در این کانون شرکت

ص: 183

می کردند. استقبال از این کانون چنان بود که محل آن به محل بزرگتری در خیابان اذر منتقل شد و کلاس های زنان و مردان جدا شد کانون از شخصیت های مختلف حوزه هم چون آیت الله مطهری، علامه جعفری، آیت الله مکارم شیراز و آیت الله مفتاح برای سخنرانی دعوت می کرد در راستای همین حرکت های مذهبی مبارزه با مسیحیت رواج یافت. (1) این کانون در سال 1352 ش و به دنبال فشار های ساواک به ویژه ایجاد محدودیت برای آقای حسین گلپیدی ناظم کانون بسته شد (2).

7- کانون فرهنگیان (انجمن معلمان و مهندسان):

در حوالی سال 1340 ش / 1961 م و بعد از کشته شدن یکی از معلمان معترض در جریان تظاهرات فرهنگیان در میدان بهارستان تهران سلسله تظاهرات و اعتصابات از جانب معلمان اصفهان انجام شد و هر چند حکومت این حرکت ها را به جریان های توده ای نسبت داد و عده ای از معلمان را نیز با این بهانه دستگیر کرد اما حرکت ها هم چنان ادامه یافت و تشکیل انجمن معلمان و مهندسان در خلال حوادث این سال ها صورت گرفت (3).

هدف اصلی این انجمن ارشاد جوانان و تبلیغات اسلامی بود از افراد فعال در این انجمن می توان به رضا میر محمد صادقی، عبدالرسول موحدیان، جواد عبودیت، محمود کسائیان و ایرج کسائیان نام برد بودجه ی انجمن از وجوهات شرعی تأمین می شد و آیت الله خادمی از حامیان این کانون بود. این انجمن در سال های فعالیت خود بار ها به برپایی اعتصابات و تظاهرات اقدام کرد (4).

8- انجمن حجثیه:

زمینه ی شکل گیری انجمن ضد بهائیت و یا انجمن خیریه ی حجثیه ی مهدویه

ص: 184

1- مختاری اصفهانی، 1385، 78.

2- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1382، 192.

3- حنیف، 1383، 376-377.

4- همان، 1383، 377-379.

که به اختصار حجتیه خوانده می شد را در چند حوزه می توان بررسی کرد در دهه های 20 و 30 ش، بهائیت بر قوت فعالیت خود به گونه ای آشکار افزوده بود و به طور علنی در همه جا دست به تبلیغ می زد در مقابل تشکیلات با انسجام بهائیت شکل و یا سازمانی خاص از جانب روحانیت شیعه برای مقابله وجود نداشت (1). در اوایل دهه ی سی انجمن حجتیه با عنوان انجمن ضد بهائی شروع به فعالیت کرد. یک روحانی به نام شیخ محمود ذاکر زاده تولایی مشهور به شیخ محمود حلبی این انجمن را تشکیل داد. او یکی از قوی ترین مروجان مکتب معارف محسوب می شد. مکتبی که امروزه با عنوان مکتب تفکیک شناخته می شود (2). به دلیل زمینه ها و نیاز مذهبی که در این دوره احساس می شد کار او با استقبال بسیاری از جانب روحانیان مواجه شد و روز به روز گستردگی بیشتری یافت (3). سابقه ی آشنایی شیخ محمود حلبی با فرقه ی بهائیت به دوران طلبگی او باز می گشت آن هنگام به همراه طلبه ی دیگری به نام سید عباس علوی با تبلیغات بهائیت رویه رو شدند و تصمیم گرفتند تا با عقاید آنان آشنا شوند. حاصل این تصمیم، خطرناک انحراف عباس علوی و احساس خطر شدید حلبی بود.

از این رووی تصمیم گرفت تا با تحقیق و تفحص در افکار و رفتار این فرقه و یافتن تناقضات و پاسخ شبهات از انحراف دیگر برادران دینی خود جلوگیری کند. البته با گذشت زمان افراد دیگری نیز به او پیوستند که محمدتقی شریعتی و علی امیر پور از جمله ی آن ها بودند. فعالیت آنان به تأسیس هیئت و کانون هایی انجامید که بعد ها با اتحاد و برنامه ریزی، جمعیت مؤتلفین اسلامی نام گرفت. انجمن از سال 1332 ش فعالیت خود را بر تجهیز نیرو هایی توانا برای بحث و جدل با مبلغین بهائی بر مبنای کتاب های آن ها و هم چنین برگزاری مراسم های مذهبی، دعای ندبه

ص: 185

1- نوذری، 1380، 139-138.

2- آهنگری، ماهنامه، 1391، 49.

3- همان، 1391، 49.

و جشن های مفصل پانزدهم شعبان برای برانگیختن علاقه ی مؤمنان متمرکز کرد. با این که مؤسس انجمن آقای حلبی از روحانیان سیاسی ای بود که در جریان جنبش ملی نفت، سخنرانی بسیار آتشینی در تهییج مردم و در حمایت از آیت الله کاشانی ایراد کرد، اما بعد از کودتا، سیاست را رها کرد و حتی عدم مداخله ی سیاسی را شرط عضویت در انجمن قرار داد. (1)

فعالیت انجمن حجتیه در اصفهان:

این انجمن علاوه بر تهران در بسیاری از شهر های کشور به خصوص مشهد و اصفهان فعالیت داشت. (2) اصفهان یکی از پایگاه های اصلی فعالیت های مذهبی انجمن بود. هر چند از زمان دقیق و چگونگی شروع فعالیت انجمن در اصفهان به دلیل اختفای تشکیلات اطلاع دقیقی در دست نیست، با این حال انجمن در اصفهان توانسته بود نیرو های زبده ی شهر را جذب کرده و از این راه در آن شرایط خفقان راهی برای گسترش فرهنگ مذهبی بیابد (3). زیرا بهائیت در اصفهان سابقه ای طولانی داشت و زمینه آشنا با آن به دوران اقامت یک ساله ی میرزا علی محمد باب در نیمه ی دوم سال 1262 ق باز می گشت.

«در زمان پهلوی دوم مرکز بهائیت در اصفهان به نام خطیرت القدس در خیابان سید علیخان واقع بود و جلسات تبلیغی آنان در خطیرت برگزار می شد. پس از مبارزات آیت الله محمد تقی فلسفی با بهائیت در سال 1334 ش در تهران در اصفهان نیز از فعالیت آنان در خطیرت کاسته شد و به زندگی مخفی روی آوردند. ولی پس از نخست وزیری هویدا و نفوذ گسترده بهائیان در دولت اقدامات تبلیغی بهائیان در ایران و اصفهان گسترش یافت به همین مناسبت امام خمینی (ره) به ملت ایران و علمای اسلام هشدار دادند که استقلال مملکت و اقتصاد آن

ص: 186

1- حسینیان، 466، 1381.

2- مدیر شانه چی 1385، 34.

3- جعفریان 1385، 104.

در معرض سلطه ی صهیونیست و حزب بهایی قرار دارد و تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهود است. فعالیت بهائیان اصفهان در این دوره مجدداً با بازگشایی خطیرت القدس شروع شد و محفل آنان با حضور 40 تا 50 نفر از هواداران زن و مرد و دختر و پسر به صورت مشترک برگزار می گردید ولی با توجه به فعالیت گسترده ی انجمن حجتیه در اصفهان و افشاگری های اعضای آن علیه بهائیت، این گروه چندان موفقیتی به دست نیاوردند. با این وجود برخی از عناصر آنان در مدیریت مراکز علمی اصفهان پست هایی مهمی داشتند. از آن جمله فرهنگ جهانپور سرپرست دانشکده ی زبان های خارجی دانشگاه اصفهان اشاره کرد که

بهایی بود.»

هم چنین از آن جایی که درآمد حاصله از موقوفات بهائیان ایران به بیت العدل اعظم سرازیر می شد بهائیان سعی می کردند اماکن عمومی از قبیل مدارس، بیمارستان ها درمانگاه ها و مؤسسات تربیتی بیشتری بسازند تا هم از نظر حقوقی مشکلی برای ثبت املاک خود به اسم بهائیت نداشته باشند و هم از نظر مالی هم کیشان خود را یاری کنند به همین دلیل بهائیان اماکن زیادی را در نواحی مختلف کشور به زعم متبرکه تصرف کرده بودند؛ از جمله خانه ی امام جمعه ی اصفهان، در شهر اصفهان که محل سکونت اولیه علی محمد باب در اصفهان بود (1).

در اصفهان آقایان مهندس علوی، مهدی اقارب پرست، مهندس مصحف، حاج میرزا ابوالقاسم کوهپایه ای، حاج آقا تابش، طباطبایی، میر محمد صادقی، تدین، علی اکبر پرورش، زهتاب و ... از کسانی بودند که با انجمن حجتیه همکاری داشتند. هم چنین از روحانیان و علمای اصفهان که مورد اعتماد و علاقه ی انجمن حجتیه بوده و با آن ارتباطاتی داشتند می توان از آیت الله میر ابو الحسن موسوی شمس آبادی، حجت الاسلام فقیه ایمانی، حجت الاسلام حسن امامی و ... نام

ص: 187

برد. در ابتدای فعالیت این انجمن شرط نداشتن فعالیت سیاسی برای عضویت در انجمن مطرح بود و برای شرکت در جلسات از افراد تعهد گرفته می شد که هیچ گونه فعالیتی در این زمینه نداشته باشند. جلسات انجمن در سال های 1343 ش در روز های پنجشنبه و جمعه در منزل حاج آقا محمد بصیری و برخی دیگر از اعضای انجمن برگزار می شد. محمد پیشگاهی فرد از جمله افرادی بود که در جلسات این انجمن حضور داشته است. او در این خصوص در خاطرات خود می گوید:

«در برخی استان ها هم چون اصفهان تهران نیرو های مذهبی انقلابی در انجمن فعال بودند و از آن برای پوشش و مخفی کردن فعالیت سیاسی خود بهره می بردند به طوری که در شاخه ی اصفهان بیشتر اعضا، مقلد امام بودند و گاه در جلسه های آن بیان مسائل سیاسی و پخش اعلامیه های امام نیز می پرداختند. البته این نوع فعالیت ها گاه مورد اعتراض رؤسای انجمن قرار می گرفت. افرادی مانند مهندس حسین علوی و مهدی اقارب پرست با دخالت انجمن در امور سیاسی به شدت مخالف و خواهان اخراج افرادی از انجمن بودند که فعالیت سیاسی انجام می دادند؛ زیرا در سال 1346، ساواک انجمن را تحت فشار قرار داده بود؛ زیرا یک عده از افراد مخالف رژیم که دستگیر شده بودند از فعالان انجمن بودند. از این رو بنای انجمن بر گرفتن تعهد شرعی از اعضا مبنی بر نداشتن فعالیت سیاسی بود. برخی زیر بار این تعهد از پوشش انجمن برای فعالیت خود بهره می بردند. به طور کلی این فضا در شاخه ی اصفهان حاکم بود حاج آقا حسین امامی از نزدیکان آیت الله خادمی نیز که از مخالفان رژیم، بود اداره و برگزاری کلاس های عقیدتی انجمن را بر عهده داشت با این که تمام شاخه های انجمن را نمی توان غیر سیاسی دانست اما بیشتر اعتقاد بر این بود که انجمن حجتیه یک تشکل ضد امام است» (1). این مخالفت و ضدیت بعضی از اعضای انجمن به حدی بود که در کشتار مردم

ص: 188

در خرداد 1342 ش توسط رژیم حاکم امام را مسئول می دانستند به اعتقاد آن ها مبارزه و تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت امام زمان (عج) توجیه پذیر نبود. برای ما معلوم نیست که این اظهار نظر ها نشأت گرفته از تفکر آقای حلبی بود یا این که او برای حفظ تشکیلات خود چنین موضع گیری هایی می کرد. به هر حال منشأ هر چه بود، این نظر ها ضربه های مهلکی را به انجمن وارد کرد و به جرئت می توان گفت که اثرات آن بر پیکر های انجمن بود. (1) اما بعد ها از افرادی که فعالیت سیاسی داشتند نیز برای همکاری دعوت شد. (2) دریافت وجوهات یکی از منابع درآمد انجمن بود (3).

آقای پیشگاهی فرد در بخشی دیگر از خاطرات خود در خصوص شرکت در یکی از این جلسات می گوید که در یکی از جلسات این انجمن در شهر نجف آباد به همراه آقایان فضل الله صلواتی، خرازی، سلیمی، تیمسار معانی، روستا، سجادی و بزرگی حضور داشته است در این جلسه در خصوص بهائیت صحبت شده و از آن جایی که تمام دعوت شدگان از افراد سیاسی بودند درباره ی بعد فعالیت های سیاسی این فرقه و اهمیت مبارزه با آن تأکید بیشتری شده است. (4) در بخش دیگری از خاطرات ایشان در خصوص فعالیت انجمن در سال 1343 ش آمده است: «در سال 1343 فعالیت این انجمن بسیار زیاد شده بود به طوری که دانش آموزان مدارس را برای شرکت در مجامع و کلاس های خودشان دعوت و تشویق می کردند؛ زیرا در همان زمان بهائی ها در اصفهان بسیار فعال بودند و با حضور در مدارس نوجوانان و جوانان را برای ترویج مرام شان به بیت تبلیغ خودشان

ص: 189

1- همان، 1385، 66.

2- همان، 1385، 55.

3- آهنگری، ماهنامه، 1391، 52.

4- مختاری، 1385، 58.

از سویی، انجمن پوششی برای نیرو و هابی بود که امکان فعالیت سیاسی برای آن ها مقدور نبود در خصوص حمایت چهره های شاخص سیاسی از فعالیت انجمن آقای پیشگاهی فرد می گوید: «... حتی شهید مطهری به عنوان سخنران در بعضی از جلسات انجمن حضور می یافت که برخی افراد در این مورد بر ایشان خرده می گرفتند اما ایشان در پاسخ به این اشکال و خرده گیری ها استدلال می کردند که احساس می کنند انجمن حجتیه به عنوان یک تشکیلات در راه مبارزه با بهائیت موفق عمل کرده است و باید در زمینه ی استحکام اعتقاد اعضای آن کوشید.» (2)

آقای پرورش هم از اعضای انجمن بود درس های تفسیر نهج البلاغه ی او جایگاه مناسبی را برای وی در انجمن فراهم ساخت آقای پرورش مروج و مبلغ افکار آقایان مطهری و بهشتی بود و مهندس مصحف نیز در کلاس های انجمن درس تفسیر قرآن می گفت و مبلغ افکار علامه جعفری بود. آقای پرورش بعد ها بسیاری از جوانان عضو انجمن را جذب کرد و خود یک گروه جمعیتی به نام کانون احمدیه تشکیل داد (3). در اصفهان انجمن حجتیه علاوه بر اقدامات خاص خود در راه اندازی یا فعالیت کانون تربیتی جهان اسلام و سپس انجمن مددکاری امام زمان (عج) و سازمان آموزشی ابا بصیر نقش داشت.

«اعضای انجمن برای این که از جذب افراد فقیر و نابینانان به مسیحیان جلوگیری کنند، با همکاری عده ای از علمای شهر هم چون آیت الله سید ابوالحسن شمس آبادی، آل رسول و آیت الله خادمی سازمان آموزشی ابا بصیر را جهت تعلیم و تقویت نابینایان در سال 1348 ش و انجمن مددکاری امام زمان را در

ص: 190

1- همان، 64.

2- مختاری، 165.

3- همان، 167.

سال 1349 ش مطابق 1390 ق برای حمایت از ایتم و خانواده های بی سرپرست راه اندازی کردند.» فعالیت های این انجمن در ابتدا مورد تأیید امام خمینی (ره) قرار گرفت حتی سندی از تاریخ 1349/7/15 در دست است که نشان می دهد امام خمینی به انجمن اجازه ی استفاده از وجوهات شرعی را برای مبارزه با بهائیت در جواب نامه ای که گزارشی در خصوص عملکرد این انجمن در سرتاسر کشور برای امام ارسال داشتند صادر کرده اند در متن این نامه و جواب آن از سوی امام (ره) آمده است:

متن نامه

«حضرت آیت الله العظمی جناب آقای حاج آقا روح الله خمینی دام ظلله العالی

سلام علیکم. شاید خاطر مبارک مستحضر باشد که چند سالی است عده ای از افراد متدین و با ایمان تحت رهبری حضرت حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمود حلبی برای مبارزه ی اصولی با مرام ساختگی بهائیت جلسات منظمی تشکیل داده و در این جلسات مطالب آموزنده ای تدریس و افراد را با مقام شامخ حضرت ولی عصر ارواحنا و ارواح العالمین له الفدات - آشنا می سازند. اخیراً دامنه ی فعالیت این جلسات از تهران و اصفهان و مشهد و شیراز و مراکز مهم گذشته و حتی به دهات دور دست کشانیده شده و در اثر عنایات خاصه حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان صلوات الله و سلامه علیه - توانسته اند در این مدت حدود پانصد نفر از فرقه ی ضاله بهائیه را به صراط مستقیم توحید هدایت و به دیانت مقدسه ی اسلام مشرف کرده و عده ی کثیری از افراد متزلزل را که در خطر سقوط به دامان آن گروه قرار گرفته بودند از پرتگاه نجات دهند. اولاً نظر مبارک حضرت آیت الله درباره ی این عده و اقدام آنان چیست؟ ثانیاً همکاری با آن ها و تقویت آنان چه صورتی دارد؟ ثالثاً آیا می توان در صورت لزوم از وجوه شرعی در این راه مصرف کرد یا نه؟ استدعا آن که نظر مبارک را صریحاً امر به ابلاغ فرمایند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.» (1)

ص: 191

در فرض مذکور هم اقدامات آقایان مورد تقدیر و رضای خداوند متعال است و نیز همکاری و همراهی با آن ها مرضی ولی عصر عجل الله فرجه است و هم مجازند مؤمنین از وجوه شرعی از قبیل زکات و شرعیات به آن ها بدهند. در صورت لزوم مجازند ثلث سهم مبارک امام -علیه السلام- به آن ها کمک کنند؛ البته تحت نظارت اشخاص متعهد و اگر جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حلبی -دامت - برکاته می توانند تحت نظارت ایشان وجوه داده شود. از خداوند تعالی موفقیت آن ها را خواستار است.» (1)

اما با روشن شدن ماهیت اصلی فعالیت های انجمن و بهره برداری های رژیم شاه از فعالیت آن ها و همکاری برخی از اعضا با رژیم شاه راه آن ها از راه یاران امام جدا شد و امام در پاسخ به نامه ی آقای گرامی در سال 1350 ش که خواستار اعلام نظر امام در مورد وضع انجمن و مؤسس آن شده بود عدم تأیید خود را از انجمن اعلام داشتند ایشان هم چنین پس از اطلاع از این مسائل، اجازه ی صادره ی قبلی را لغو کردند و در پیامی معروف به «منشور روحانیت» نارضایتی خود را از نحوه ی عملکرد انجمن حجتیه بیان کردند (2). به رغم فعالیت های مخفیانه ی تشکیلات انجمن در اصفهان دارای سازمان های علنی و پوششی بود که از یک سو محفل مناسبی برای پوشش دادن به فعالیت انجمن بود و از سوی دیگر موجب نفوذ و گسترش اعتبار این انجمن به عنوان مؤسسه خیریه و عام المنفعه در بین توده ی مردم مسلمان می شد انجمن از این طریق اقدام به عضوگیری نیز می کرد. انجمن حجتیه زیر شاخه های فعال مالی نیز داشت که از آن جمله می توان نمونه های زیر را نام برد:

1- هاشمی تروجنی، 1386، 391.

2- همان، 1386، 392-393.

1- صندوق های قرض الحسنه

یکی از اصلی ترین محمل های فعالیت انجمن حجتیه، صندوق قرض الحسنه بود که در سال 1349 تأسیس شد هدف از تشکیل آن نفوذ در میان مردم متدین و زحمتکش جامعه بود. هر چند هیچ گاه رسماً وابستگی خود را به انجمن اعلام نکرد بازاریان و کسبه مسئولیت تأمین نیاز های مالی صندوق را بر عهده داشتند (1).

2- انجمن مددکاری امام زمان

این مؤسسه در سال 1349 ش به منظور حمایت از ایتام و خانواده های بدون سرپرست و محروم تأسیس شد و مورد استقبال قرار گرفت. مسئولان مؤسسه با تبلیغات و تکیه بر احادیث و روایات امام موفق به جذب نظر مردم و جلب حمایت های مالی آنان شدند. این انجمن هیچ گاه رسماً وابستگی خود را به انجمن حجتیه آشکار نکرد اما به محفل بسیار مناسب برای فعالیت های انجمن حجتیه مبدل شد. (2)

3- مؤسسه ی خیریه ی ابابصیر

کانون ابابصیر در آبان ماه سال 48 و در ساختمان وقفی هیئت قائمیه به وجود آمد و به عنوان واحد آموزشی، تربیتی با عنوان بنیاد خیریه و مددکاری به شکل شبانه روزی و با اجازه ی آموزش و پرورش مشغول به کار شد. افراد مختلف با سلیق گوناگون سیاسی در پیدایش این مرکز نقش داشتند از جمله آقای مهدی اقارب پرست او از رؤسای انجمن حجتیه در اصفهان مؤسسه ی خیریه ای به نام ابابصیر را برای نابینایان ایجاد کرد.

افراد این مؤسسه آموزش مذهبی نیز می دادند افراد وابسته به انجمن حجتیه هم یک انجمن مددکاری برای کمک به ایتام تأسیس کردند که توسط آیت الله خادمی حمایت می شد حاج آقا فخر کلباسی نیز هیئتی موازی انجمن حجتیه

ص: 193

1- شیخی، 1379، 158.

2- همان، 1379، 158.

پدید آورد که هیئت قائمیه نام داشت. این هیئت با برگزاری مراسم، خواندن ادعیه، جمعیت زیادی را جذب می کرد هم چنین مرحوم مقدم، تاجر رنگ و پدر خانم مرحوم دکتر غرضی، رئیس اسبق سازمان تأمین اجتماعی، جلسات با شکوهی در منزل خود برگزار می کرد و در تابستان ها آقای سید عبد الکریم هاشمی نژاد سخنرانی های انقلابی داشت به طوری که ساواک به دفعات در صدد تعطیلی این جلسات برآمد، اما اقدام جدی صورت نگرفت. (1) انجمن ضد مسیحیت به ریاست آقای فولادگر هیئت قائمیه و هیئت مهدویه در کنار انجمن ابابصیر با نظارت آیت الله خادمی از دیگر گروه های فعال در اصفهان بودند. (2) از دیگر اعضای این انجمن می توان افراد زیر را نام برد حاج آقا ابوالحسن شمس آبادی، سید حسن علوی، حاج احمد، بصیری، حاج شیخ مهدی مظاهری، حسین گلپیدی، عبدالعلی مصحف و علی اکبر پرورش (3).

4- بنیاد خیریه ی همدانیان

این بنیاد زیر نظر حمایت های مالی برادران همدانیان و کمک های آنان اداره می شد.

5- انجمن خیریه ی بانوان

بانوان نیز فعالیت مذهبی گسترده ای داشتند خانم مجتهده ی امین سرآمد این جریان بود. (4)

مرکز آموزشی احمدیه:

مجموعه ای که به موقوفه ی احمدیه در اصفهان معروف بود، در سوم شعبان 1344 ش افتتاح شد نام اصلی این تشکیلات که در این سال بنا شد، مؤسسه ی

ص: 194

1- مختاری، اصفهانی، رضا 1385، خاطرات محمد پیشگاهی فرد ص 78.

2- همان، ص 115.

3- مصاحبه آقای فضل الله صلواتی 1392.

4- مختاری، 1385، 79.

دینی و علمی چهارده معصوم اصفهان بود که اولین بنای آن به نام پیامبر اسلام و اولین معصوم احمدیه نامیده شد هیئت مؤسس این تشکیلات عبارت بودند از: سید جمال الدین صهری (مدیر عامل)، غلام رضا فیروزیان (منشی جلسات)، محمد رضا ناطق (سرپرست کتابخانه) و منوچهر منصور زاده (بازرس). اساسنامه ی تشکیلات دینی و علمی چهارده معصوم اصفهان (به عنوان تشکیلات آموزش مذهبی) در 10 ماده و 3 تبصره در 1344/10/7 به تصویب رسید و کار خود را آغاز کرد در این مرکز از سخنرانانی نظیر شهید مفتاح، استاد محمد تقی جعفری، استاد مطهری استاد علی اکبر پرورش دعوت به عمل می آمد و بسیاری از پرورش یافتگان این مرکز در جریان انقلاب اسلامی از سردمداران تظاهرات و اقدامات انقلابی بودند که بعضی نیز به خیل شهدا پیوستند که از آن جمله می توان به شهید ردانی پور جلال افشار و احمد حجازی اشاره کرد (1).

ساختمان احمدیه، در محل بازارچه ی بیدآباد زیر نظر آیت الله خادمی و تأیید امام خمینی (ره) ساخته شد. فعالیت های مرکز احمدیه شامل دو برنامه ی آموزشی و فرهنگی بود از جمله اقدامات این مرکز ساخت مراکز آموزشی و فعالیت های تبلیغی مانند سخنرانی های خطبای بزرگ شیعه برای خطبا و روحانیان مستعد بود. سخنرانانی هم چون موسی صدر شهید دکتر محمد بهشتی، محمد جواد مغینه نویسنده ی شیعه ی لبنانی آیت الله سید محمد طباطبایی صاحب المیزان آیت الله سید حسین خادمی و آیت الله سید حسن امامی برخی از روحانیان سرشناس اصفهان هم چون حاج شیخ مهدی مظاهری، ابوالحسن بدری و منصور زاده و شیخ رضا ناطق جزو مؤسسان احمدیه بودند.

آیت الله خادمی از جمله مدرسین این مرکز آموزشی بودند و درس اصول و عقاید می گفتند. هم چنین آیت الله حاج آقا حسن امامی راه های مناظره با گروه های منحرف را آموزش می دادند هم چنین این مرکز دارای کتابخانه ای بود که به

ص: 195

وسیله ی سید محمدعلی بهشتی و شهید نبوی نژاد اداره می شد. آقای پرورش از دیگر افراد فعال در این مرکز بود او برای جذب جوانان عضو انجمن حجّتیّه در مرکز آموزشی احمدیه فعالیت می کرد. (1) از دیگر فعالیت های این مرکز اعزام مبلغ به روستا بود.

مدرسه ی احمدیه با اجازه ی آموزش و پرورش فعالیت خود را آغاز کرده بود. جلسات تلاوت قرآن تفسیر قرآن و قرائت مقاله با موضوعات مختلف در این مدرسه رایج بود کمکم مسئولین دبیرستان هم چون آقای بدری کوشیدند با برگزاری جلسات سخنرانی و دعوت از افراد مختلف هم چون شهید بهشتی حاج آقا حسن امامی و علی شریعتمداری به جز دانش آموزان دانشجویان و سایر طبقات مختلف را جذب کنند این فعالیت باعث شد تا ساواک نسبت به فعالیت های این مجموعه حساس شود و برای مقابله با فعالیت آن راهکار های مختلفی را پیش گیرد. یکی از این راهکار ها جلوگیری از گسترش فعالیت دبیرستان و پراکنده کردن دبیران این مجموعه در نقاط دیگر بود هم چنین به نظر می رسد حسن استقبال عمومی از جلسات سخنرانی و فعالیت های آن باعث شد تا برخی روحانیان و گروه ها نسبت به آن موضع بگیرند. ساواک کوشید تا از طریق تشویق غیر مستقیم و غیر علنی این گونه افراد، آن ها را وادارد تا مردم را از شرکت و همکاری با دبیرستان احمدیه منع کنند و تا جایی پیش رفت که کوشید موضوع اخذ شهریه توسط دبیرستان احمدیه از دانش آموزان را وسیله ای برای زیر سؤال بردن افراد فعال در این دبیرستان کند. علاوه بر آن پیشنهاد شد که چون جلسات این مجموعه از مسیر دینی و ادبی خارج و به مرور زمان به مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشیده شده بود، علاوه بر کنترل دقیق آن ها را وادار به اخذ مجوز و دادن تعهد رسمی برای ادامه ی فعالیت کند. این مجموعه علی رغم مشکلات بسیار در سال های بعد هم چنان به فعالیت خود ادامه داد. (2)

ص: 196

1- مختاری اصفهانی، 1385، 167.

2- مصاحبه با فضل الله صلواتی 1392.

حجت الاسلام انواری از بنیانگذاران این هیئت بود. هیئت های مؤتلفه اولین گروه با خط مشی مخفی و مسلحانه پس از قیام 15 خرداد و از پیروان امام خمینی بودند پیدایش این جمعیت را می توان از مهر ماه سال 1341 ش دانست. زمانی که دولت اسدالله علم لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی را تصویب کرد. پیش از آن اعضای مؤتلفه از بازاریان، روحانیان و بعضاً دانشجویانی بودند که در هیئت های مذهبی به شکل گروه های پراکنده به فعالیت مذهبی می پرداختند. قبل از تشکیل این گروه ها فعالیت های چاپ و پخش اعلامیه های مراجع و علما و ترتیب تظاهرات و راهپیمایی ها و مجالس و سخنرانی ها را به صورت پراکنده انجام می دادند در تشکیل هیئت مؤتلفه آیت الله میلانی و امام خمینی نقش مؤثری داشتند. گروه اصفهانی های مقیم پایتخت از جمله گروه های فعال در این هیئت بودند (1). آن ها به صورت هیئت های مستقل با حضرت امام ارتباط داشتند. آن ها پس از پیوند با یکدیگر جمعیت مؤتلفه نامیده شدند (2). در اوایل سال 1342 ش، امام خمینی (ره) سه گروه از این افراد را که عبارت بودند از گروه مسجد شیخ علی (با چهره هایی چون حبیب اله عسگر اولادی، مهدی عراقی، علی درخشانی و محمد کچوئی) و گروه اصفهانی های مقیم مرکز را با یکدیگر پیوند تشکیلاتی داد و به پیشنهاد حاج مهدی عراقی نام هیئت های مؤتلفه اسلامی بر آن ها نهاده شد. البته گاه جمعیت مؤتلفه اسلامی نیز خوانده می شدند (3). جمعیت مؤتلفه ی اسلامی در عاشورای سال 1342 ش با ایجاد راهپیمایی های مختلف اعتراضات مردمی را علیه شاه شدت بخشید و پس از سخنرانی امام در بعد از ظهر عاشورای 1342 ش و دستگیری ایشان در دو روز بعد یعنی 15 خرداد 1342 ش، اولین گروهی بود که از دستگیری امام مطلع شدند.

ص: 197

1- جعفریان، 1385، 321.

2- صارمی شهاب، 1378، 59.

3- یوسفی اشکوری، 1376، 385.

پس از اطلاع از دستگیری امام با اطلاع رسانی اعضای جمعیت، مردم قیام 15 خرداد 1342 ش را به وجود آوردند پس از تبعید امام خمینی (ره) در 13 آبان 1342 ش جمعیت مؤتلفه تا حدودی به این نتیجه رسید که در کنار مبارزات سیاسی اقدام به تشکیل گروه مسلح در رویارویی با رژیم شاه را آغاز کنند (1).

مؤتلفه ی اسلامی، شورای روحانیت مرکب از شهید مرتضی مطهری شهید بهشتی و آیت الله انواری داشت که با همکاری کامل شهید باهنر و حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی بر آموزش و اعمال و رفتار و خط مشی آن نظارت داشتند و در جهت دهی به مبارزین نقش فعالی داشتند. از آن جمله شهید مرتضی مطهری در سال 1342 ش به دستور مستقیم حضرت امام با هیئت مؤتلفه همکاری نزدیکی داشت (2).

این هیئت در گروه های ده نفری سازماندهی می شدند که به ترتیب یک نفر از هر گروه در سطحی بالاتر عضویت داشتند اولین اقدام مسلحانه ی جمعیت، ترور منصور نخست وزیر عامل کاپیتولاسیون به امریکایی ها بود که در اول بهمن ماه 1343 ش در مقابل مجلس صورت گرفت که پس از آن اعضای مؤثر دستگیر و چهار نفر از آنان به اعدام محکوم شدند (3).

پایگاه اصلی نخستین جریان مبارزه مسلحانه در بین نیرو های مذهبی یعنی فداییان اسلام و هیئت های مؤتلفه بازار بود بازاریان علاوه بر این که به حمایت مالی از مبارزین می پرداختند بخش قابل توجهی از بودجه ی سازمان ها و جمعیت های مبارز را نیز تأمین می کردند و هم چنین خود به صورت صنفی متشکل و سیاسی وارد میدان مبارزه شده بودند (4). هیئت های مؤتلفه ی اسلامی در واقع ادامه دهندگان

ص: 198

1- شادلو، 1379، 158-157.

2- امجدی، 1384، 20.

3- امجدی، 1384، 20.

4- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1382، 189.

راه فداییان اسلام بودند هدف آن‌ها از مبارزه مسلحانه و ترور شخصیت‌های برجسته‌ی رژیم ناپودی مهره‌های اصلی و ایجاد رعب و وحشت در میان آن‌ها بود. هیئت‌های مؤتلفه معتقد به مشی چریکی نبودند و اقدامات مسلحانه‌ی آن‌ها به طور عمده در ترور شخصیت‌های اصلی رژیم خلاصه می‌شد. (1) مهدی بهادران رضائی فرد و عالی مهر از اعضای فعال این هیئت در اصفهان بودند (2).

فعالیت در اصفهان:

با این‌که هیئت‌های مؤتلفه در تهران تشکیل شدند، اما به دلیل آن‌که یکی از هیئت‌های تشکیل دهنده‌ی این تشکل اصفهانی‌های ساکن تهران بودند هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی با مبارزان اصفهانی تماس نزدیک و ارتباط گسترده‌ای داشتند. از مرتب‌ترین اصفهانی‌ها با هیئت مؤتلفه می‌توان مهدی بهادرانی، علاء‌الدین میر محمد صادقی، عزت‌الله خلیلی و حاج سید فندرسکی و هم‌چنین جعفری و صدرالدین شیرازی را نام برد (3).

شعبه‌ی فعال هیئت مؤتلفه در اصفهان به پخش اعلامیه‌هایی می‌پرداختند که به دلیل فقدان امکانات هیئت مؤتلفه در تهران امکان چاپش نبود. بنابراین در اصفهان چاپ و تکثیر می‌شد اعلامیه‌های هیئت‌های مؤتلفه توسط حسین صاحبانپور، عباس سفر آزادانی و تقی هسته‌ای و آقای گلیدی... توزیع می‌شد. البته این اعلامیه‌ها به نام این هیئت چاپ نمی‌شد چاپخانه‌های مهربان در خیابان طالقانی و فردوسی در خیابان عبدالرزاق این اعلامیه‌ها را تکثیر می‌کردند و در میان گروه‌های مختلف پخش می‌شد. (4) مرحوم دکتر بهشتی و حجت‌الاسلام سید احمد امامی و حجت‌الاسلام جعفری در جهت آشنایی مبارزین مذهبی با هم‌فعالیت‌زادان

ص: 199

1- امجدی، 1384، 21.

2- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، 1378، ج 3، 87-88.

3- حنیف، 1383، 391.

4- همان، 1383، 392.

می کردند که این آشنایی ها برنامه ریزی مفصلی را در مشهد و قم و اصفهان به دنبال داشت. (1) تبدیل شیوه ی غالب مبارزه ی عمومی و همه جانبه به مبارزه مسلحانه مؤتلفه را دچار رکود کرد (2). هر چند فعالیت های آن تا سال 1349 ش ادامه یافت، اما پس از آن عناصر اصلی این جمعیت با سازمان مجاهدین خلق همکاری کردند و دیگر به نام مؤتلفه اسلامی فعالیت چندانی انجام ندادند.

پس از تبعید امام خمینی در سال 1342 ش / 1963 م، شخصیت ها، جریانات و گروه های سیاسی متعددی با وجود فضای بسته ی سیاسی و پلیسی رژیم شاه، دست به فعالیت زدند می توان نوع فعالیت های این دوره را با توجه به ماهیت فعالیت این گروه ها و شیوه ی عملکرد آن ها به دو دسته ی مبارزات فرهنگی و مبارزات مسلحانه تقسیم کنیم؛ مبارزات فرهنگی هایی در قالب فرهنگی از طریق تأسیس کانون ها و مراکز آموزشی برای بالا بردن سطح آگاهی اجتماعی و سیاسی مردم بود.

این نوع فعالیت ها بیشتر از سوی چهره های شاخص فرهنگی همانند دبیران آموزش و پرورش و یا دانش آموختگان حوزه های علمیه، روحانیان و روشن فکران انجام می شد که این روش را به عنوان شیوه ی مبارزات خود با رژیم پهلوی در راه بازیابی آزادی سیاسی در کشور و ترسیم آینده ای متفاوت در پیش گرفته بودند. این موضوع علی رغم اختلاف نظر علما در قبال مباحث سیاسی بود. (3) مبارزات مسلحانه از سوی گروه هایی که دست یابی به اصلاحات سیاسی در رژیم پهلوی را از طریق مسالمت آمیز و مبارزات فرهنگی بی فایده می دانستند، آغاز شد. این گروه ها بیشتر در صدد بودند که با پیشه کردن مشی مسلحانه و ایجاد درگیری با عوامل وابسته به رژیم به ویژه ساواک به دستگاه حکومتی ضربه زده و تا براندازی

ص: 200

1- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، 1371، 13.

2- امجدی، 1384، 21.

3- میثمی، 1379، 20.

رژیم به اقدامات خود ادامه دهند. معمولاً در میان اعضای این گروه ها در ایدئولوژی

و طرق دستیابی به هدف اختلاف نظر به وجود می آمد. بنابراین پس از مدتی دچار انشعاب شده و گروه های کوچکی از دل گروه های بزرگ ایجاد می شد هر دو شیوه ی مبارزه در شهر اصفهان نیز مانند سایر شهر های کشور پس از تبعید امام خمینی از کشور از سوی چهره های شاخص مبارز سیاسی در این شهر پیگیری شد.

در خلال سال های مورد بحث گروه های مذهبی مختلفی در اصفهان فعال بودند که با توجه به شرایط پیش آمده دیگر امکان فعالیت هایی مانند چاپ و توزیع اعلامیه را نداشتند پس برپایی جلسه های سخنرانی و روضه خوانی یک تاکتیک مبارزاتی مفید در این برهه به شمار می رفت در این مجالس سعی بر این بود که از روحانیان انقلابی و پیروی اندیشه های امام برای سخنرانی دعوت کنند. برای مثال در 17 ربیع الاول 1343 ش، روز تولد پیامبر اکرم (ص) از آیت الله بهشتی برای سخنرانی در یک مدرسه دعوت شد که ایشان با شجاعت تمام در حضور مسئولان دولت و صاحب منصبان از مفسد صحبت کردند (1).

عده ای از دانشگاهیان و بازاریان هم برای خودشان در مدرسه ی چهارباغ اصفهان جلسه های روضه خوانی و عزاداری داشتند که این مراسم در تاسوعا و عاشورای سال 43 حالت راهپیمایی داشت و هم چنین این فعالیت ها در قالب تشکیل کانون ها و گروه های فرهنگی متبلور شد که در شهر اصفهان نیز بسیار فعال بودند و در مبارزه برای پیروزی انقلاب اسلامی نقشی کلیدی بر عهده داشتند.

کانون تعلیمات و تبلیغات اسلامی بانوان اصفهان:

این کانون در سال 1353 ش توسط حاجیه خانم ابطحی تأسیس شد. فخر السادات ابطحی متولد 1313 ش در اصفهان بود. او پس از طی تحصیلات خود با بانو مجتهده ی امین آشنا شد و به فراگیری علوم اسلامی نزد ایشان پرداخت

ص: 201

و سپس با حضور در کانون تربیتی جهان اسلام به آموزش خواهران پرداخت او از سال 1356 ش به علت مطرح کردن مسائل سیاسی در کنار احکام دین و تفسیر ممنوع المنبر شد کانون تبلیغات اسلامی بانوان اصفهان با نظارت بانو امین فعالیت می کرد. در این کانون ضمن برگزاری کلاس های فقه و اصول و ... برای خواهران کلاس هایی نیز برای عموم خواهران برگزار می شد سندی از سال 1336 ش در دست است که در آن از چگونگی فعالیت کانون در فصل تابستان صحبت شده در بخشی از سند آمده است:

«فخر السادات ابطحی فرزند سید محمد شناسنامه شماره ی 946 ، صادره از اصفهان متولد 1313، ساکن اصفهان، شغل: مسئول کانون تعلیمات و تبلیغات اسلامی بانوان در اصفهان

نام برده ی بالا اخیراً به اصفهان مراجعت کرده است. ضمناً به شهر بانی استان اصفهان و هم چنین خود مشار الیه ابلاغ گردید که ممنوع المنبر می باشد.

یاد شده مسئول و اداره کننده ی کانون تعلیمات و تبلیغات اسلامی بانوان در اصفهان است که همه ساله علاوه بر بانوان و دوشیزگان اصفهان تعدادی دختر نیز در فصل تابستان از خوزستان به اصفهان می آیند و با خرج کانون با تبلیغات اسلامی و آموزش دینی آشنا می گردند.» (1)

جامعه ی معلمان اصفهان:

این جامعه توسط علی اکبر پرورش به همراه عده ای از فرهنگیان شهر اصفهان تأسیس شد. علی اکبر پرورش متولد سال 1321 ش، در شهر اصفهان بود و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته ی ادبیات در دانشسرای عالی ادامه تحصیل داده بود. او قبل از انقلاب دبیر دبیرستان های اصفهان بود که با ایجاد ارتباط با افرادی هم چون شهید بهشتی نقش به سزایی در سازماندهی جوانان در شکل های فرهنگی و نظامی

ص: 202

داشت. (1) در جریان تحصن در منزل آیت الله خادمی آقای پرورش از گردانندگان اصلی این تحصن محسوب می شد که پس از اعلام حکومت نظامی در اصفهان به عنوان یکی از محرکین دستگیر و مدتی زندانی شد و پس از آزادی اش برای تأسیس جامعه اقدام کرد. او در سازماندهی اعتصابات و تظاهرات فرهنگیان استان نقش مهمی داشت (2). فعالیت علی اکبر پرورش به همراه حسن علی زهتاب و آقای شهرستانی به عنوان معلمان، مذهبی، فعال و مخالف، از جانب ساواک مورد توجه بود.

در سندی که در سال 1336 ش نوشته شده در خصوص عملکرد این افراد در قبال رژه در روز ششم بهمن گزارشاتی ارائه شده در بخشی از این سند آمده است بخشنامه ای از طرف آموزش و پرورش به هنرستان ها صادر گردیده مبنی بر این که کلیه ی معلمین در رژه ی ششم بهمن شرکت نمایند و حقوق و اضافه کار آن ها نیز پرداخت گردد. در هنرستان شماره ی 2 واقع در خیابان کاوه آقای زهتاب و اکثر معلمین بخشنامه را امضا نکردند. در هنرستان شاه عباس کبیر آقای پرورش و عده ی دیگر بخشنامه را امضا نکردند و در هنرستان فرخ رو پارسا آقای شهرستانی و آقای نیکبخت که مذهبی هستند امضا نمودند. (3). هم چنین در گزارش دیگری که توسط یکی از مأموران ساواک از فعالیت های آقایان بدری، پرورش و زهتاب تهیه شده آمده است:

«محرماً به عرض می رساند دو نفر از دبیران سابقه دار و متعصب مذهبی اصفهان به نام اکبر پرورش و [حسن علی] زهتاب مرتباً در منزل خادمی رفت و آمد و کلیه ی دانش آموزان مذهبی هنرستان ها و سایر دبیرستان هایی را که در آن تدریس می کنند به خانه ی خادمی می کشانند و برای آنان سخنرانی های تحریک آمیز کرده.

ص: 203

1- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1380، کتاب اول، 355.

2- همان، 1382، 237.

3- همان 1382، کتاب اول 237.

ضمناً دبیر دیگری به نام ابوالحسن بدری که معلم است و اخیراً از آموزش و پرورش بازنشسته شده او نیز در منزل خادمی حضور دارد و دانش آموزان سابق خود را تحریک می کند.» این اطلاعات نشان می دهد که فعالیت های این افراد توسط نیرو های امنیتی ساواک تحت کنترل بوده است (1).

کانون جهان اسلام:

در سال 1348 ش، کانونی به نام جهان اسلام تشکیل شد. افرادی مانند دکتر نواب، معاون وقت دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان و آقای خاتم زاده هم در افتتاح این کانون حضور داشتند. استاد محمد تقی جعفری اولین جلسه ی سخنرانی این کانون را افتتاح کردند. (2) اعضای این کانون ابتدا از افرادی چون مهندس مصحف، برای حضور در جلسات دعوت کردند، سپس آقایان بصیری علوی، دکتر فرزام، دکتر باقر کتابی و دکتر بدرالدین کتابی، هیئت علمی این کانون را تشکیل دادند. با فعالیت جهت تدریس قرآن و نهج البلاغه به زبان انگلیسی در حسینیه ارشاد تهران در اصفهان نیز باغی را در خیابان آمادگاه تحت عنوان کاخ جوانان ایجاد کردند و برای ورزش های فوتبال بسکتبال و ... سرمایه ای اختصاص دادند. در این مکان دکتر نفیسی و دکتر بلیغ سخنرانی هایی داشتند. سال 1348 ش و اوایل سال 1349 ش دکتر باقری کتابی در این کانون تربیتی علمی برای دانش آموزان و دانشجویان سخنرانی هایی ایراد می کردند (3).

انجمن بانوان مسلمان اصفهان:

این انجمن با انتشار اعلامیه های مختلف در اصفهان از آیت الله خمینی حمایت می کرد. پس از دستگیری امام (ره) توسط رژیم نیز این انجمن با انتشار اعلامیه هایی از عملکرد رژیم ابراز انزجار و از برپایی تظاهرات در حمایت از رژیم

ص: 204

1- همان 1378، ج 3، 165.

2- کتابی، 1372، 6.

3- ساسان پور، 1386، 343.

پهلوی ابراز ناخرسندی کردند اما از جزئیات فعالیت آن ها در شهر اصفهان اطلاع کاملی در دست نیست. (1)

دبیرستان ادب:

دبیرستان ادب مانند بعضی دیگر از دبیرستان های اصفهان، یک دبیرستان سیاسی به حساب می آمد دانش آموزان از اقشار متوسط و پایین جامعه در آن تحصیل می کردند معلمان مدرسه که گاهی گرایشات چپی داشتند، در لا به لای حرف ها و درس های خود در کلاس به نکاتی در خصوص نابرابری های اجتماعی اشاره می کردند که تأثیر زیادی بر دانش آموزان داشت مباحث روشنفکری در سال های دهه ی 40 و 50 بیشتر حول فلسفه ی اگزیستانسیالیسم و شعر نو بود. دانش آموزانی که گرایشات مذهبی داشتند یا عضو انجمن اسلامی مدرسه بودند غالباً در مواجهه با معلمان و دانش آموزانی که گرایشات چپی داشتند احساس ضعف می کردند و همین امر منجر می شد که به سمت مطالعه ی کتاب های چپی و منابعی که معلمان به آن ها توصیه می کردند سوق پیدا کنند. (2)

تقریحات بیشتر دانش آموزان رفتن به کتابخانه و مطالعه ی کتاب های روز و سیاسی مثلاً کتاب های ماکسیم گورکی از کتاب های توقیفی و خواندن شعر نو بود. در دبیرستان ادب گاهی تعداد دانش آموزان یک کلاس به 65 نفر می رسید بعد ها تعدادی از این دانش آموزان به مبارزات مسلحانه کشیده شدند و به زندان افتادند و یا در درگیری های مسلحانه کشته شدند. (3)

البته جریان سیاهکل به خصوص تأثیر زیادی روی دانش آموزان مدرسه گذاشت و بسیار تحریک شدند این جریان نشان داد که مبارزات مسلحانه یک جریان است و رهبرانی دارد. در حالی که تا قبل از آن همه فکر می کردند حزب توده

ص: 205

1- حنیف، 455، 1383.

2- همان، ص 2.

3- همان، ص 3.

سرمدار کلیه ی فعالیت ها و جریانات چپ است. (1) حاج آقا جدیدی نیز که مدتی در این مدرسه خدمت می کرده معتقد است دانش آموزان و معلمان این مدرسه نقش فعالی در مبارزات انقلابی داشته اند. (2)

گروه های نظامی فعال پس از قیام 15 خرداد

با تنگ شدن فضا پس از خرداد 1342 ش/1963 م، برخی از فعالان سیاسی به این نتیجه رسیدند که برای تحقق خواسته های سیاسی مورد نظرشان صرفاً استفاده از روش های مسالمت آمیز سیاسی مصالحه با حکومت و مبارزات فرهنگی کافی نیست و نمی توانند از این راه ها دولت را قانع کنند که خواسته های آن ها را پذیرد. این امر سبب شد گروه هایی به سوی اقدامات مسلحانه سوق یابند.

منشأ جنبش های چریکی در ایران به دهه ی پنجاه هجری شمسی باز می گردد. در بین سال های 1349 - 1356 ش چند سازمان چریکی در ایران ایجاد شد که عبارتند از سازمان چریک های فدایی خلق سازمان مجاهدین خلق با دو انشعاب مجاهدین اسلامی و مجاهدین مارکسیست گروه های کوچک اسلام گرای توحیدی صف، منصورون، امت واحده، موحدین فلاح، توحیدی بدر و فلق که به اقدامات مسلحانه و نظامی علیه رژیم شاه دست زدند و هدف خود را احیای اسلام عنوان کردند (3)

این گروه ها هم چون صف، منصورون و..... پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در تاریخ 58/1/7 ش، ضمن ائتلاف با یکدیگر «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» را پایه گذاردند که در سال 1365 ش، به کار خود خاتمه داد. آن ها همواره با امام (ره) در ارتباط بودند و از راهنمایی های ایشان بهره می بردند و پاسخ سؤالات خود را از ایشان می گرفتند در این فصل به سیر فعالیت آن ها قبل از به پیروزی رسیدن انقلاب

ص: 206

1- همان، ص 3.

2- مصاحبه با آقای جدیدی 1392.

3- ساسان پور، 1386، 13.

اسلامی در شهر اصفهان پرداخته می شود از میان گروه ها چریک های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق بزرگترین بودند.

سازمان مجاهدین خلق:

چگونگی شکل گیری سازمان مجاهدین خلق، ایران، به اوایل به دهه ی 40 بر می گردد. پس از شکست جبهه ی ملی دوم، تعدادی از اعضای نهضت آزادی مثل مهندس بازرگان، آیت الله طالقانی، دکتر سحابی و دکتر شیبانی بازداشت شدند. در این جریان افراد جوان نهضت که جناح رادیکال و پر تحرک گروه محسوب می شدند نیز دستگیر شدند. افراد برجسته ی آن عبارت بودند از: مهندس علی اصغر بدیع زادگان، محمد حنیف نژاد و سعید محسن بودند که محکومیت هایی بین یک تا دو سال گرفتند بازداشت این دانشجویان طی سال های 40-41 ش، فرصتی را فراهم کرد که این جوانان پرشور به فکر راه حل های جدیدی برای مبارزه باشند (1). قیام 15 خرداد 42 ش جو سیاسی جامعه و مشاهده ی خشونت، سبب سوق این جوانان به مشی مسلحانه شد حنیف نژاد سعید محسن و بدیع زادگان به عنوان بنیان گذاران سازمان مجاهدین خلق شناخته شده و شهرت یافتند و بعداً نیز عبدالرسول مشکین فام احمد رضایی و مسعود رجبی به عضویت کمیته ی مرکز در آمدند. (2) سازمان در سال 1344 تأسیس شد.

به دنبال بنیانگذاری سازمان و ایجاد هسته مرکزی در تهران، حنیف نژاد، سعید محسن و بدیع زادگان هفته ای دو بار به طور منظم جلساتی در تهران تشکیل دادند و با جذب افراد جدید هسته های کوچکی در شهر های مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و قزوین ایجاد کرد در جلسات هفتگی مسائل چهارگانه ی، ایدئولوژی، اقتصاد سیاسی و مسائل تشکیلاتی آموزش داده می شد. (3) سازمان

ص: 207

1- صلاحی، 1386، 415.

2- همان، 1386، 415.

3- ساسان پور، 1386، 14.

در صدد بود که از حمایت روحانیان برای انجام عملیات های خود بهره ببرد. اما آیت الله طالقانی پس از آگاهی از ماهیت، امور ایدئولوژی و رویه ی کار از حمایت سازمان دست برداشت. (1) به نظر می رسد قطع حمایت آیت الله طالقانی از ادامه ی فعالیت سازمان و قطع ارتباط با سایر روحانیان زمینه را برای اتفاقات بعدی که انحراف از ایدئولوژی اسلامی و گرایش به مارکسیسم بود، فراهم ساخت و باعث ایجاد انشعاب در سازمان و اتفاقات بعدی شد که به آن اشاره خواهد شد.

فعالیت های سازمان مجاهدین خلق:

سازمان در اولین جمع بندی خود از شرایط سیاسی جامعه و ارزیابی از عملکرد سازمان ها و احزاب آن روز به این نتیجه رسید که در شرایط آن روز جامعه بدون تشکیلات، قوی، منجسم منضبط، متمرکز و در عین حال مخفی نمی توان مبارزات را رهبری کرد. (2) از این رو سازمان از همان ابتدا روی مخفی بودن تشکیلات و رعایت اصول و ضوابط امنیتی شدیداً تکیه داشت و علاوه بر آن، معتقد بود که تا زمان شروع عملیات نظامی سازمان ساواک به هیچ وجه نباید از وجود سازمان اطلاع یابد چرا که هر گونه آگاهی و اطلاع از وجود چنین تشکیلاتی، موجب هوشیاری آن ها می شود و نقش تشکیلات به خطر می افتد. علاوه بر این سازمان خود را مقید به رعایت یک رشته اصول تشکیلاتی می دانست که در حفظ و استحکام

به تشکیلات نقش اساسی داشت. بدین ترتیب سازمان پس از دوره ای مطالعه ساختار تشکیلاتی دست زد و گروه هایی جهت تدوین ایدئولوژی مطالعات روستایی تشکیل خانه های تیمی و تدوین استراتژی سازماندهی کرد. (3) سازمان از همان ابتدا برای عضوگیری شرایطی را در نظر داشت که البته در طول زمان کامل تر شد. شرایط عضویت در سازمان عبارت بودند از: 1- اطمینان کامل 2- داشتن

ص: 208

1- جمعی از پژوهشگران، 641، 1388.

2- صلاحی، 1386، 55.

3- همان، 1386، 415.

ایدئولوژی اسلامی 3- دارا بودن خصلت مبارزاتی 4- عدم وابستگی به شغل، خانواده و... سازمان از سال 1349 پس از چند سال کار مطالعاتی در زمینه های سیاسی و ایدئولوژیکی وارد فاز نظامی شد سال 50 مورد هجوم ساواک قرار گرفت و تا سال 52 تعداد زیادی از اعضای آن دستگیر شده و به زندان افتادند یا اعدام شدند در حد فاصل سال های 1354-1350 ش، چهار چوب سازمان به هم ریخت. زیرا در حالی که سازمان در صدد تدارک یک عملیات در مراسم سال گرد جشن های 2500 ساله ی شاهنشاهی بود شناسایی شد و 69 نفر از فعالان آن دستگیر و عده ای به مرگ و زندان محکوم شدند و کادر اولیه در سال 1350 ش، از بین رفت (1). پس از ضربه ی شهریور 1350 ش، از اعضا با نام اعضای نهضت به اصطلاح آزادی نام برده شد تا پیش از آن سازمان فاقد نامی مشخص بود (2). به دلیل شرایط حاکم بر جامعه افراد وابسته به سازمان مجاهدین خلق در قالب سازمان هایی کوچک تر شروع به فعالیت کردند. سازمان خرداد خونین یکی از این سازمان ها بود که در شیراز، اصفهان، مشهد، قم و تهران امکانات انسانی و مالی نسبتاً خوبی دریافت می کرد که بخشی از آن را نیز به رابطین سازمان می دادند (3). در طول پاییز و زمستان 51 و فروردین 52 توسط خرداد خونین عملیاتی انجام شد که جز سه مورد آن ها بقیه به نام مجاهدین خلق اعلام گردید، مانند انفجاراتی در اصفهان (مثل خانه ی، جوان کیوسک نگهبانی استانداری، کیوسکی نزدیک ساواک، انجمن ایران و آمریکا، انجمن ایران و انگلیس) و سرقت سه بانک در اصفهان، پس از شناسایی گروه و دستگیری تعدادی از اعضا توسط ساواک در دوره ی اول موج دستگیری ها برخی از چهره های وابسته ی به گروه از جمله فاطمه آزاد (همسر حسن مقیمی از شاخه ی اصفهان) لو نرفت و دستگیر نشد. اما در موج

ص: 209

1- صلاحی، 1386، 419.

2- جمعی از پژوهشگران، 488، 1388.

3- کریمی، احمد رضا، 1384 شرح تاریخچه ی سازمان مجاهدین خلق ایران و مواضع آن انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ص 26.

دوم دستگیری‌ها افراد زیر در اصفهان شناسایی و دستگیر شدند:

1- احمد لسانی، از اصفهان (3 سال محوم شد و در سال 60 معدوم شد).

2- حسن، مقیمی از اصفهان (یک سال محکوم شد و بعداً با ساواک همکاری کرد).

3- جلال محمد زاده سبزواری، از اصفهان، (2 سال محکوم شد و بعداً زندگی سیاسی نداشت).

4- محمد شجاعی (2 سال محکوم شد). (1)

اما در بهار سال 1355 ش، بر اساس جذب نیرو و عضوگیری افراد و چند محفل مارکسیستی کوچک، سازمان توانست تا حدودی وضع را سر و سامان بخشیده و رهبری‌اش را نیز ترمیم و تکمیل کند و برای فعالیت‌هایش برنامه ریزی کرد. پس از این سال‌ها بود که گروه به جای اسلام‌گرایشاتی به سمت مارکسیسم یافت و این مسئله منجر به ایجاد شکاف در میان رهبران سازمان شد (2).

در حد فاصل سال‌های 1357 - 1354 ش، رهبری سازمان متشکل از 4 نفر شد و سازماندهی تشکیلات به شکل شاخه‌های مستقل و شامل 4 شاخه بود که مسئولیت شهرستان‌ها به فعالیت چهارمین شاخه‌ی سازمان مربوط بود. در این دوره سازمان عمدتاً در دو شهر مشهد و اصفهان دارای تشکیلات بود که هر دوی آن‌ها زیر نظر این شاخه اداره می‌شد (3). از فعالان این گروه در شهر اصفهان می‌توان مجید شریف واقفی را نام برد او در اواخر سال 1347 ش، به عضویت سازمان مجاهدین خلق درآمد و به تدریج تا سال 1350 ش در ردیف اولین چهره‌ها و کادرهای سازمان قرار گرفت که پس از بروز اختلافات درون سازمانی کشته شد (4).

ص: 210

1- همان، ص 29-31.

2- ساسان پور، 1386، 14.

3- صلاحی، 1386، 146.

4- ساسان پور، 1386، 65-66.

پس از انشعاب به دلیل درگیری و اختلافات سازمان چندین دسته و گروه های کوچکی چون منصورون، صف، موحدین، مهدویون، الفلاح، مقداد، ابوزر در شهرستان ها تشکیل شد که هر کدام به صورت جداگانه، شروع به فعالیت کردند. از جمله در شهر اصفهان گروه های زیر فعال بوده و دست به عملیات زدند.

لازم به ذکر است که این اختلافات دوران سازمانی به دلیل مخالفت شریف واقفی و صمدی لباف با تغییر ایدئولوژی سازمان از اسلام به مارکسیسم اتفاق افتاد و باعث شد عناصر اسلام گرایی هم چون شریف واقفی و صمدی لباف که عمدتاً در اصفهان فعال بودند تصفیه شود این اتفاق را می توان از عوارض جدایی سازمان از روحانیان مبارز آن زمان هم چون آیت الله طالقانی به حساب آورد. هم چنین انشعاب و تصفیه ی حساب درون سازمان باعث شد تا افرادی که مخالف خط مشی جدید سازمان بودند به سوی تشکیل گروه های نظامی دیگر روی آوردند که از جمله می توان به گروه هایی هم چون منصورون، صف و... اشاره کرد.

گروه منصورون:

گروه منصورون از فعال ترین گروه های سیاسی - نظامی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود و نقشی تعیین کننده در تشکیل و تداوم سازمان به ویژه در زمینه ی فعالیت های آن قبل از انقلاب اسلامی داشت محسن رضایی، محمد باقر ذوالقدر، حسین زیبایی نژاد (نجات)، مرتضی سرمست، علی شمخانی، علی جهان آرا، سید نورالدین شاه صفدری و... از اعضای اصلی گروه بودند (1).

این گروه از تلفیق شاخه های متعددی در استان خوزستان شکل گرفت و بعد ها دامنه ی فعالیت مبارزات انقلابی خود را به سایر نقاط کشور گسترش داد و فعالیت های مبارزاتی آن ها بیشتر جنبه ی سیاسی عقیدتی و چریکی داشت و به صورت مخفیانه فعالیت می کرد (2).

ص: 211

1- شیخی، الیاس، 1379، پایان نامه ی کارشناسی ارشد.

2- سعیدی، 1385، 23.

این سازمان دارای یک کادر مرکزی و تعدادی خانه ی تیمی بود سازمان در شهر های خوزستان اصفهان کاشان، قم، تهران، کرمان یزد، اراک و رفسنجان هسته های مبارزاتی تشکیل داد. «سازمان در سال 1355 ش عده ای از اعضای خود یعنی غلام حسین صفاتی حسن هرمزی مهدی، هنردار علی جهان آرا و برخی دیگر را برای فعالیت به اصفهان اعزام کرد آنان در اصفهان سه خانه ی تیمی ایجاد کردند؛ از جمله خانه ای در منطقه ی جوان پایین در خیابان کهنه‌ژ بود که اعضای آن توسط ساواک شناسایی شده و در درگیری کشته شدند.»

مجدداً در سال 1356 ش دو نفر برای اداره ی تشکیلات به اصفهان فرستاده شدند این دو تن از اعضای فعال این گروه به نام های سید نورالدین شاه صفدری و کریم رفیعی بودند که در اصفهان در مبارزه با رژیم کشته شدند (1). شاه صفدری در 14 آذر 56 ش در یک درگیری مسلحانه با مأموران پلیس کشته شد (2). کریم رفیعی نیز توسط نیرو های امنیتی در اصفهان دستگیر شد و در زندان درگذشت (3).

گروه توحیدی صف:

پیشینه ی تشکیل گروه توحیدی صف به سال های 56-1354 ش/1975 م، باز می گردد محمد بروجردی از پایه گذاران این گروه بود. گروه توحیدی صف تلاش داشت هر چه بیشتر با افکار و اندیشه های حضرت امام آشنا شود. این گروه فعالیت خود را با توزیع اعلامیه و نوار های سخنرانی حضرت امام آغاز کرد و در مدت زمانی کوتاه حیطه ی فعالیت خود را به شهرستان ها گسترش داد یکی از اصول و مبانی، گروه پذیرش مرجعیت امام خمینی (ره) تعیین شد. محمد بروجردی، حسین صادقی، مصطفی تحیری، اکبر براتی و... از اعضای اصلی گروه

ص: 212

1- همان، 1385، 25.

2- مجاهدین انقلاب اسلامی، 1359، 187.

3- همان، 1359، 192.

بودند و سلمان صفوی مسئول شاخه ی اصفهان بود (1). از اعضای شاخه ی اصفهان می توان به افراد زیر اشاره کرد: شهید محمد منتظری شهید محمد بروجردی و

فعالیت در اصفهان:

در خصوص عملکرد شاخه ی اصفهان گروه توحیدی صف می توان به طرح عملیاتی این گروه برای حمله به هوانیروز اصفهان اشاره کرد. شاخه ی اصفهان تحت هدایت و رهبری سلمان صفوی طرح حمله به هوانیروز اصفهان را مورد مطالعه قرار داده بود سلمان صفوی همراه با محمد منتظری و مهدی هاشمی به تهران آمدند تا با شهید بروجردی دیدار داشته باشند و برنامه ی اجرای عملیات را به قطعیت برسانند. آنان در عملیات نظامی تجربیات زیادی داشتند و قرار بود در این عملیات گروه توحیدی صف را همراهی کنند ولی این عملیات با نظر مخالف حضرت امام مواجه شد حضرت امام در این رابطه در پاسخ به نامه ی شهید بروجردی نوشته بودند: «هیچ کس حتی حق توهین لفظی به هیچ فرد نظامی را ندارد. پاسخ حضرت امام سبب اعتراض مهدی هاشمی شد و به همکاری گروه توحیدی صف و باندهای مهدی هاشمی خاتمه داد (2). برنامه ی دیگر گروه مبنی بر ایجاد ناامنی برای مستشاران آمریکایی سبب شد تا بتوانند از طریق کارکنان هوانیروز را به داخل هلیکوپتر مسئول جابه جایی آن ها منتقل کنند و 15 دقیقه بعد از پرواز هلی کوپتر بر فراز آسمان شهر اصفهان بمب منفجر شد و گروه در دومین اطلاعیه ی خود مسئولیت انفجار را به عهده گرفت (3). این گروه پس از پیروزی انقلاب اسلامی همراه با گروه منصورون، فلاح، بدر، موحدین و امت واحده و ... سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را تشکیل دادند.

گروه فلاح:

ص: 213

1- سعیدی، 1385، 43.

2- سعیدی، 47.

3- همان، 1385، 49.

مرتضی الویری و حسن منتظر قائم از افراد محوری گروه فلاح بودند که دوران زندان را در سال 1352 ش با هم گذرانده و هر دو سابقه ی همکاری و ارتباط با سازمان مجاهدین خلق را داشتند اما پس از تغییر مواضع سازمان مجاهدین خلق از آن ها فاصله گرفتند و در اوایل سال 1354 گروه فلاح را راه اندازی کردند. آن ها با سازماندهی منسجم در صدد مبارزه با رژیم شاه بودند و مرجعیت امام (رحمه الله) و رساله ی حضرت را سرلوحه کار خویش قرار داده بودند. علاوه بر مرتضی الویری و حسن منتظر قائم محمد صفوی، محسن شریعتمداری، مهندس کلانی معصومه خوش صولتان همسر الویری مهین الویری و... از اعضای فعال گروه بودند (1).

در اواخر سال 1353 ش، گروه فلاح از طریق شهید حسین جان زینلی با گروه مهدویون ارتباط برقرار کرد و پس از بحث و گفت و گو قرار شد که تحت پوشش آن گروه فعالیت کند که میسر نشد. (2) گروه مهدویون اصفهان انشعابی از مجاهدین بودند و به دلیل اختلافات ایدئولوژیکی، گروه فلاح نتوانست با آن ها همکاری کند (3). بحث های گروه فلاح و گروه مهدویون بیشتر بر حول مسائل عقیدتی بود. بنابراین تلاش هایی برای شناخت گروه مهدویون صورت گرفت و نقد هایی بر نوشته های ایدئولوژیکی و هم چنین سیاسی سازمان مجاهدین خلق وارد شد. بعضی از اعضای گروه مهدویون بعد از شهادت اعضای شان به گروه فلاح پیوستند. (4)

گروه مهدویون:

گروه مهدویون اصفهان به مسئولیت مهدی امیر شاه کرمی و همراهی جمعی

ص: 214

1- سعیدی، 1385، 55-56.

2- همان، 1385، 58.

3- جعفریان، 1385، 525.

4- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، 1360، 74.

از خانواده ی واعظی و جعفری در سال 1352 ش 1973 م ایجاد شد. (1) این گروه به نوعی اولین گروه انشعابی از مجاهدین خلق بود آن ها اعتقاد به آغاز مبارزه ی مسلحانه از روستا و سپس گسترش آن به شهر ها داشتند و مبارزه ی مسلحانه را برای دفاع از خود انتخاب کرده بودند؛ بنابر این خط مشی مبارزاتی آن با مجاهدین خلق تفاوت داشت. از دیگر اعضای این گروه می توان به صمدیه لباف و شریف واقفی اشاره کرد که در ارتباط این گروه با سازمان مجاهدین خلق نقش داشتند اما پس از مارکسیست شدن سازمان از آن جدا شدند. (2) پس از اندکی فعالیت، گروه به دام ساواک افتاده و بیشتر اعضای آن به شهادت رسیدند.

هم چنین این گروه از نظر عقیدتی تفاوت هایی با انجمن حجّیه داشت. از اصول تشکیلاتی گروه مهدویون می توان به این موارد اشاره کرد:

1. ایمان به خدا [به عنوان] حاکم مطلق؛

2. قرآن تبلور مطلق واقعیات است که بر پیغمبر وحی شده و ایمان به آن و به پیامبر قبل از آن؛

3. سازمان مهدویون اسلام را فقط در چهارچوب تشیع اثنی عشری قبول دارد؛

4. نفی مطلق استثمار؛

5. سازمان مهدویون امام دوازدهم (حضرت مهدی علیه السلام) را به عنوان تنها نماینده ی مستضعفین جهان می داند؛

6. اعتقاد به تکامل انسان در طول تاریخ و در انتها پیروزی مطلق حق بر باطل؛

7. تضاد حق و باطل قهر آمیز است؛

8. نفی صدور انقلاب از طریق نفی استقلال (3).

ص: 215

1- امجدی، 1384، 101.

2- جعفریان، 1385، 453.

3- امجدی، 1384، 97.

پس از تشکیل سازمان چهار شاخه در آن به وجود آمد شاخه ی تهران به رهبری محمد امیر شاه کرمی و حسینجان زینعلی و شاخه ی اصفهان به رهبری مهدی امیر شاه کرمی و محمد علی اکبریان ابراهیم جعفریان و مرتضی واعظی دهنوی نیز به تبریز رفتند و در رهبری شاخه ی تبریز قرار گرفتند. شاخه ای هم در مشهد تشکیل شد مهدی شجاع ربانی از اعضای گروه رابط بین شهرستان ها بود.

فعالیت در اصفهان:

گروه مهدویون از سال 1353 ش/ 1974 م فعالیت های خود را به طور مشخص در اصفهان آغاز کرد. در آغاز مبارزه تصمیم گرفته شد که ماشین های ساواک و نقاط شهر شناسایی شود مشی مسلحانه مورد تأیید قرار گرفت و خانه ای امن در کرد آباد اصفهان تهیه شد و نیز مغازه ای در اختیار گروه قرار داده شد تا ارتباط اعضا از طریق آن پوشش داده شود محمد علی اکبریان اولین فرد در گروه بود که مهدی طرز ساختن بمب را به وی آموزش داد. پس از آن تصمیم گرفته شد افراد مستعدی که در اصفهان فعالیت مذهبی داشتند شناسایی شوند و کم کم زمینه ی جذب و عضویت آنان به گروه فراهم شود یکی از افرادی که تصمیم گرفته شد به عضویت گروه در آید رضا مجلسی بود یکی دیگر از اعضای گروه مهدی شجاع ربانی بود که از سال های 48 - 49 در جلسات مسجد ستاری اصفهان شرکت می کرد او از طریق ابراهیم جعفریان با مهدی امیر شاه کرمی آشنا شد و با تشکیل سازمان در سال 52 به عضویت گروه درآمد و فعالیت و مبارزه ی خود را با رژیم آغاز کرد (1).

او در ابتدا مسئول هسته ی اصفهان بود در اصفهان حدود 30-40 نفری بودند که به صورت دسته های سه نفری یا چهار نفری سازماندهی می شدند شجاع ربانی قرار ها را کنترل می کرد تا کسی لو نرود و نیز مسئول تکثیر اعلامیه و جزوات گروه بود.

پیرآور از اعضای گروه در دوران اولیه ی فعالیتش در گروه، یکی از دانشجویان

ص: 216

مبارز دانشگاه اصفهان به نام زهرا زندی زاده را برای عضویت به گروه معرفی کرد و هم چنین خواهران شاه کرمی در گروه فعالیت می کردند. صدیقه امیر شاه کرمی و خواهرش فخر السادات هر دو از اعضای فعال گروه بودند. گفته می شود برای تأمین بودجه ی اعضای گروه کار می کردند اما در موردی احمد شاه کرمی در خاطرات خود می گوید که آقای پرورش به دلیل آگاهی از چگونگی عملکرد این گروه، از کمک مالی به این گروه خودداری کرده است (1).

مهدی شاه کرمی رهبر گروه در سال 1354 ش / 21 ژوئن 1975 م کشته شد و مدتی بعد هم برادرش محمد پس از ناکامی در یک عملیات دزدی خودکشی کرد. سایر اعضای سازمان مهدویون پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کار فرهنگی و مشی آگاهی بخشی مردم روی آوردند. بدین ترتیب اعضای سازمان مهدویون پس از 7 سال مبارزه ی بی امان علیه رژیم بعد از پیروزی انقلاب با تحویل سلاح های خود انحلال گروه را اعلام کردند و به تدریج در معرض متلاشی شدن و فروپاشی قرار گرفتند و اعضا به کار های ارگانی یا مورد علاقه ی خود پرداختند. (2)

سازمان چریک های فدایی خلق:

یکی از وقایع مهمی که در جریان مبارزات مسلحانه تأثیر بسیاری در افکار عمومی داشت واقعه ی سیاهکل بود آقای عباس جان قربان نیز در خاطرات خود عنوان می کند که این حادثه نه تنها نوجوانان و جوانانی را که جریانات سیاسی را دنبال می کردند تحت تأثیر قرار داد بلکه بر افکار افراد مسن و با تجربه نیز تأثیر گذاشت. (3)

پس از واقعه سیاهکل در فاصله ی سال های 1349 تا 1354 ش، چندین گروه مسلح مارکسیستی توسط رژیم پهلوی کشف شد و به تدریج این گروه های

ص: 217

1- همان، 1384، 110.

2- امجدی، 1384، 249.

3- همان، ص 8.

کوچک مختلف از جمله گروه سیاهکل نام عمومی فداییان خلق را به خود گرفتند. (1) این سازمان از دو گروه بیژن جزنی و مسعود احمد زاده به وجود آمد و در سال 1350 ش اعلام موجودیت کرد و خط مشی عملیات مسلحانه را پیشه کرد که البته با برخورد شدید رژیم پهلوی روبه رو شد (2).

از علل تشکیل سازمان مورد ذیل را ذکر کرده اند:

«1- از سرگرفتن دیکتاتوری نظامی که با کودتای 28 مرداد استقرار یافته و با سرکوب های آخر سال 41 و 42 شدت یافته بود؛

شکست فعالیت های مخفی جبهه ملی دوم و از بین رفتن امکانات قانونی و سرخوردگی از فعالیت های علنی و عمومی؛

شکست فعالیت های مخفی از سال 35 ش به بعد که بی اثر بودند، فعالیت های سیاسی گروهی را ثابت کرد؛

به میدان آمدن نسل تازه ای از مبارزان طی سال های 39 تا 41 ش که نیروی لازم را برای جریان های بعد فراهم کرد.»

چریک های فدایی خلق با انجام چند عملیات انفجاری و ترور توانسته بودند در میان نیرو های مستعد جوان به خصوص دانشجویان که بالقوه پشتیبان مبارزه ی مسلحانه محسوب می شدند وجهه و زمینه مساعدتری نسبت به سازمان مجاهدین خلق بیابند و در پروسه ی جذب نیرو موفق تر عمل کنند. (3) با این حال به دلیل آن که از آغاز رسماً خود را مارکسیست معرفی کرده بودند در میان توده ی مردم پایگاه قابل توجهی نیافتند. پس از مهم ترین عملیات چریکی در واقعه ی سیاهکل در 9 بهمن ماه 49 ش این گروه در نظر داشت در سال روز واقعه ی حمله به سیاهکل در برخی از شهر های کشور از جمله اصفهان، خراسان، فارس تهران گیلان

ص: 218

1- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1378 انقلاب اسلامی به روایت ساواک، ج 2، 503.

2- صارمی شهاب، 1378، 59.

3- جمعی از پژوهشگران، 1388، 640.

لرستان و... دست به عملیات بمب گذاری بزند که ساواک مانع آن شد. (1) در حد فاصل سال های 1354 و 1355 ش، ساواک توانست اکثریت نیرو های خارج از زندان آنان را در خانه های تیمی دستگیر کند و یا به قتل برساند. شدت ضربات بر این گروه به اندازه ای بود که در سال های 1355 و 1356 ش، بعضی از گروه های کمونیستی مبارزه مسلحانه را به مصلحت ندانسته و ترجیح داده بودند مبارزه ی سیاسی و تبلیغ ایدئولوژیک را در پیش گیرند و این تغییر روش را رسماً تبلیغ می کردند. اما گروه های اسلامی متعددی در این سال ها به وجود آمدند که بر خلاف سازمان مجاهدین خلق خود را از گرایش ها و انحرافات مارکسیستی دور نگه داشتند و با انجام عملیات مسلحانه به مبارزه ادامه دادند. (2) با بروز اختلافات و پی بردن شماری از اعضای این سازمان به اشتباه بودن عملیات مسلحانه در سال 1355 ش، سازمان دچار انشعاب شد و به دو گروه اکثریت و اقلیت تقسیم شدند که به دلیل اختلافات در اعتقادات این گروه ها نیز دچار انشعاب شد عده ای از اعضای این سازمان با مردود شناختن عملیات مسلحانه در صدد برآمدند با نفوذ در توده های کارگری مرام انقلابی خود را تبلیغ کنند با پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت گروه اقلیت پس از درگیری با نیرو های جمهوری اسلامی متلاشی شد (3).

7- گروه والعصر :

گروه های دیگری مانند والعصر نیز که در مشهد شکل گرفته بود با همکاری جوانان اصفهان به انجام عملیات در این شهر می پرداخت (4). بدین ترتیب، پس از کودتای 28 مرداد 1332 ش / 1953 م، فعالیت گروه ها در دو قالب مبارزات فرهنگی و مبارزات مسلحانه ادامه یافت و گروه های زیادی در شهر اصفهان به

ص: 219

1- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1380، 73.

2- همان، 1378، 503.

3- صلاحی، 1386، 411.

4- مهرعلیزاده، 1386، 117.

فعالیت پرداختند این گروه ها تا به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی در بهمن 1357 ش در شهر اصفهان فعالیت داشتند بعد از پشت سر گذاشتن دوره ی طولانی مبارزات سیاسی و فرهنگی با نزدیک شدن به روزهای پیروزی انقلاب مردم مسلمان و همیشه در صحنه ی اصفهان نیز دوش تا دوش مردم سایر شهر ها در تظاهرات شرکت می کردند.

اما پس از پیروزی انقلاب عملکرد گروه هایی مانند سازمان مجاهدین خلق و یا چریک های فدایی خلق وارد فاز مقابله با انقلاب شد و گروه هایی مانند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با مردم و انقلاب همراه شدند و به این ترتیب فصل جدیدی در شکل گیری احزاب و فعالیت انجمن ها و گروه های سیاسی مذهبی در کشور گشوده شد.

گروه هدفی ها و غائله ی شهید جاوید

گروه هدفی ها:

در بهار 1355 ش/ 1976 م در جریان جستجو برای یافتن قاتلان آیت الله سید ابوالحسن شمس آبادی یک گروه سیاسی مذهبی فعال در اصفهان به نام هدفی ها مظنون اصلی این قتل معرفی شدند اعضای اصلی این گروه از قهدریجان بودند. این گروه با عنوان الله اکبر و یا گروه شهید جاوید نیز معروف بودند. منظور از طرفداران شهید جاوید کسانی بودند که از محتوای کتاب شهید جاوید نوشته ی نعمت الله صالحی نجف آبادی جانبداری می کردند. (1)

بنیانگذار این گروه سید مهدی هاشمی از اهالی قهدریجان اصفهان بود. وی در سال 1323 ش در شهر اصفهان و در خانواده ای روحانی به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در مدرسه جلالی و بنا به اصرار پدرش راهی حوزه ی علمیه جده بزرگ شد پس از شش سال تحصیل در حوزه ی علمیه ی اصفهان به دعوت برادرش هادی که در قم سکونت داشت رهسپار این شهر

ص: 220

1- مرکز اسناد انقلاب اسلامی انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، 1382، ج 2، ص 102.

شد و تحصیلات خود را در مدرسه حجتیه پی گرفت. حضور او در قم، مقارن با آغاز نهضت روحانیت و اوج گیری آن در سال 1342 ش بود. نهضت 15 خرداد فضای سیاسی - اجتماعی ای را به وجود آورد که تأثیر ژرفی بر حوزه ی علمیه قم داشت. این حرکت موجب شد تا بخشی از نیرو های حوزه به ویژه طلبه های جوان به مسائل سیاسی ایران و جهان توجه بیشتری نشان دهند. (1) در این دوره مهدی هاشمی با روحیات خاص خود و به موازات فعالیت های جاری حوزه به بررسی نهضت ها و انقلاب های گذشته و حال جهان پرداخت و این مطالعات که با استفاده از منابع و مآخذ سیاسی، تاریخی اجتماعی و قطع ارتباط با منابع اسلامی همراه بود شخصیت فکری و سیاسی وی را شکل داد. او هم چنین به شدت از اندیشه های آقای غروی نیز تأثیر پذیرفت. (2) او در سال 1346 به اتهام تکثیر و پخش اعلامیه توسط ساواک دستگیر و پس از دادن تعهد از زندان آزاد شد، ولی در اواخر همین سال مجدداً دستگیر و برای خدمت سربازی به جهرم اعزام شد. در دوره ی سربازی، ساواک وی را از طریق سازمان ضد اطلاعات ارتش به همکاری دعوت کرد و از او تعهد گرفت و به این ترتیب وی از جهرم به مرکز منتقل شد و با سمت نویسندگی در دادرسی کل ژاندارمری مشغول به کار شد. هم چنین او در این دوره در سخنرانی ای که به عنوان نماینده ی سربازان در جشن فردوسی داشت، از شاه و انقلاب سفید تعریف و تمجید کرد پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مشخص شد که مهدی هاشمی پیش از انقلاب با ساواک همکاری داشته وی در جلسات محاکمه اش در خصوص رابطه و همکاری خود با ساواک اعتراف کرد که ابتدا

تعهد و همکاری با رژیم در حد جزئی و به منظور استخلاص از زندان بود، ولی به تدریج این انحراف گسترش پیدا کرد و شامل کار هایی از قبیل معرفی انقلابی ها و

ص: 221

1- اداره کل اطلاعات استان، اصفهان، 1377 مجموعه ی بن بست کتاب اول مهدی هاشمی ریشه های انحراف، صص 16-18.

2- همان، صص 74-75.

مبارزین به ساواک و داشتن جلسات متوالی با ساواک و دادن گزارش به آن‌ها و تشویق بعضی از جوانان در جهت عضویت در حزب رستاخیز و امثال آن بود. (1)

مهدی هاشمی پس از پایان سربازی با تأثیر پذیری از افکار گروه‌های مختلف، فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی خود را در قهدریجان اصفهان متمرکز کرد و در این شهر با استفاده از عوامل و عناصر خود موفق شد مراکز فرهنگی-اداری و پایگاه‌های مردمی آن منطقه را تحت نفوذ خود در آورد و حتی نیروهای انتظامی این منطقه را مرعوب کند. او در مسیر فعالیت‌های تبلیغی مخالفان خود را مورد ضرب و شتم قرار داده و از برخورد فیزیکی و اعمال خشونت اجتناب نمی‌کرد. در ادامه اقداماتش، دستور قتل یکی از علمای اصفهان به نام آیت‌الله شمس‌آبادی را داد. وی در جریان این قتل با اسدالله شفیع‌زاده و محمد اسماعیل ابراهیمی و جعفرزاده همکاری داشت. در اردیبهشت ماه 1355 و به دنبال چند فقره قتل مجدداً دستگیر و روانه زندان شد. در تحقیقات دادرسی، وی پس از محاکمه مجرم اصلی شناخته شده و به سه بار اعدام محکوم شد ولی به دلایلی این حکم در دیوان عالی کشور نقض شد و او در پی پیروزی انقلاب اسلامی از زندان آزاد شد (2). اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی او هم چنان به اقدامات خود ادامه داد و به این ترتیب با وجود مخالفت‌های آیت‌الله منتظری مجدداً زندانی و پس از اعتراف به جرم‌هایش محاکمه شد. در تاریخ 66/4/19 نخستین جلسه‌ی دادگاه ویژه‌ی روحانیت تشکیل شد. در بخشی از کیفرخواست مطرح شده به جرایم او در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز اشاره شده بود.

سازماندهی و رهبری گروه‌های متعدد ترور و آدم‌ربایی قبل و بعد از انقلاب از مهم‌ترین اتهامات او بود قبل از انقلاب قتل‌ها و جنایات مرموزی در منطقه‌ی قهدریجان و اصفهان و حوالی آن اتفاق افتاده و هر کدام به نحوی به مهدی هاشمی و گروهش منتسب بود.

ص: 222

1- محمدی ری‌شهری، 1369، ص 132.

2- اداره کل اطلاعات استان اصفهان 1377، صص 18-16.

ولیکن آن چه بر اساس محتویات پرونده بر اساس اعترافات صریح شخص وی و توسط گروه او صورت گرفت به شرح زیر بود:

قتل جهان سلطان آقانی؛ 2- قتل رمضان مهدی زاده؛ 3- قتل شیخ قنبر علی صفر زاده؛ 4- قتل سید ابوالحسن موسوی شمس آبادی در پیش از انقلاب؛ 5- قتل عباس قلی حشمت 6- قتل مهندس بحرینیان پس از انقلاب (1). او عنوان کرد که قتل پنج نفر اول به دستور شخص او بوده (2).

در جلسات محاکمه که در حد فاصل تاریخ های 20 الی 25 سال 1366 صورت گرفت، در مورد بند اول اتهامات او مبنی بر سازماندهی و رهبری گروه های ترور و آدم ربایی متهم شناخته شده و سرانجام با توجه به موارد مذکور که شامل اتهاماتی در پیش و پس انقلاب اسلامی و به دلیل تشکیل گروه های ترور و ایجاد جو رعب و وحشت در منطقه ی قهدریجان با انجام کار هایی از قبیل قتل، تیر اندازی تخریب مزارع و چاه های آب توسط اعضای گروه وی و به دلیل گمراه کردن تعداد قابل توجهی از جوانان منطقه بود و نیز با موارد زیر مجرم شناخته شد و به مجازات رسید (3):

1 - ملا-حظه ی روحیات و سوابق منافقانه ی وی قبل از پیروزی انقلاب که در عین همکاری گسترده با ساواک خود را از انقلابیان درجه اول واکرد می کرد؛

2- رفتار منافقانه ی وی در پرونده ی قتل مرحوم شمس آبادی و سایر چهره ها یکی دیگر از چهره های فعال این گروه محمد حسین جعفرزاده بود. او متولد سال 1332 ش در قهدریجان اصفهان بود و قبل از انقلاب در جلسات مهدی هاشمی فعالانه شرکت می کرد و در اختلافات محلی نقش ویژه ای داشت در تاریخ 55/1/18 به اتفاق هم دستانش اقدام به قتل آیت الله شمس آبادی کرد که پس

ص: 223

1- محمدی ری شهری، محمد 1369، خاطرات محمدی ری شهری 1366 - 1365، مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی تهران، ص 135-132.

2- همان، ص 132.

3- همان، ص 105.

از مدتی شناسایی و در تاریخ 55/2/23 دستگیر شد و پس از 25 جلسه‌ی دادگاه به اعدام محکوم شد ولی این حکم تا پیروزی انقلاب انجام نشد و پس از آن که زندانیان سیاسی به دست مردم از زندان آزاد شدند او نیز به اتفاق مهدی هاشمی از زندان خارج و مجدداً با وی فعالیت خود را شروع و وارد واحد نهضت‌ها شد. وی پس از انحلال واحد نهضت‌ها در کتابخانه‌ی سیاسی قم فعالیت کرد و پس از آن مهدی هاشمی دستگیر و به صورت غیر قانونی از کشور خارج و در هند پناهندگی گرفت. (1)

خانله‌ی شهید جاوید:

در کتاب شهید جاوید که در سال 1349 انتشار یافته بود، نویسنده درباره‌ی قیام امام حسین (علیه السلام) اظهار عقیده کرده و نوشته بود که امام در آغاز برای تشکیل حکومت و اصلاح جامعه قیام کرد و سپس با ملاحظه‌ی وضع کوفه از ادامه‌ی قیام منصرف شد و در صدد بازگشت به مکه برآمد اما عمال یزید از بازگشت امام جلوگیری کرده و وی را مجبور به جنگ کردند و در این مرحله بود که امام آماده‌ی شهادت شد. به عقیده‌ی نویسنده امام در آغاز حرکت خویش به تشکیل حکومت و حمایت مردم کوفه امیدوار بود (2)، اما اهل تحقیق از علمای شیعه اعتقاد دارند که امام قبل از حرکت به سوی کوفه از حوادث هولناک آینده با خبر بود ولی برای انجام تکلیف الهی به کربلا رفت پس از منتشر شدن مطالب این کتاب نظرات متفاوتی از سوی علما ابراز شد که برخی در رد آن و بعضی دیگر در تأیید آن اظهار نظر می‌کردند. و رفته رفته این تضاد و تضارب آراء به سطح منابر و محافل مختلف کشیده شد و در آن روزها به جای پرداختن به مسائل مبارزه با رژیم پهلوی این کتاب موضوع جامعه‌ی مذهبی شد ساواک با مشاهده‌ی این اختلاف که ابتدا از یک بحث کلامی فرا تر

ص: 224

1- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382، ج 2، انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، 85.

2- صالحی نجف آبادی 1362 توطئه‌ی شاه بر ضد امام خمینی (نیرنگ‌های سیاسی ساواک علیه حوزه‌های علمیه)، بی‌جا.

نمی رفت از فرصت به دست آمده بهره گرفت و برای شعله ور کردن شکاف در بین روحانیان وارد میدان شد و با تلاش گسترده ای موفق شد تا حدی جهت مبارزات روحانیان را هر چند موقت و مقطعی به سوی این موضع جلب کند. (1)

آقای پیشگاهی فر در خاطرات خود انتشار کتاب شهید جاوید تألیف شیخ نعمت الله صالحی نجف آبادی را به نوعی جدال تفکر در اصفهان می داند وی در این خصوص در خاطرات خود عنوان می کنند: «سید مهدی هاشمی از اهالی قهدریجان آغازگر حرکتی در منطقه ی لنجان و نجف آباد بود که این حرکت در مقابل جریان حاکم بر حوزه علمیه اصفهان و علمای شاخص آن هم چون آیت الله خادمی قرار داشت این جریان اعتقادات حساسیت برانگیزی از نظر جامعه ی شیعه داشت. مثلاً عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) به شکل مرسوم و معمول آن را نفی می کرد و با نصب پرچم سیاه در مراسم محرم مخالف بود. چرا که به اعتقاد آن ها پرچم سیاه علامت عزا و مصیبت است، در حالی که امام حسین بن علی (علیه السلام) پیروز یوم الطف بود به همین دلیل معتقد بودند باید پرچم قرمز نصب کرد.»

آقای صالحی نجف آبادی در این کتاب ادعا کرده بود که امام حسین (علیه السلام) به قصد برقراری حکومت قیام کرد و اگر برای خود چنین سرنوشتی را می پنداشت دست به چنین اقدامی نمی زد طرح این مطلب که اگر امام می دانست شکست می خورد به کربلا نمی رفت، انکار علم و معصومیت امام معصوم محسوب می شد و مخالفان این طرز تفکر آن را انحراف از اهداف قیام امام حسین (علیه السلام) و مصداق کفر و شرک تلقی می کردند... (2) شهید بهشتی از جمله اشخاصی بود که اعتقاد داشت ساواک در این مسئله نقش دارد و علمای اصفهان نباید در این خصوص و با این حرکات ایجاد حساسیت کنند.

در اصفهان علم مخالفت را آیت الله شمس آبادی و آیت الله خادمی حمل می کردند و خطبا و وعظی چون آقایان حسن امامی، مظاهی، فخر کلباسی،

ص: 225

1- مرکز اسناد انقلاب اسلامی انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک ج 2 ص 102.

2- مختاری اصفهانی، رضا 1385، خاطرات محمد پیشگاهی فرد صص 71-72.

منصور زاده و کمال فقیه ایمانی در مقابل این قضیه فعالیت فکری و در مناظر در رد و نقد آن سخن پردازی می کردند.

حتی حاج آقا حسن امامی ردیه ای بر این کتاب نوشت که حدود سیصد صفحه داشت. اما به خواست آقای بهشتی این کتاب را چاپ نکرد. طیف آقای غروی به جریان شهید جاوید نزدیک شد در حالی که پیش از آن با هم ارتباطی نداشتند.

در خارج از حوزه اصفهان هم آیت الله صافی داماد آیت الله گلپایگانی ردی های با عنوان «شهید آگاه» به رشته تحریر درآورد که شهید بهشتی آن را قوی ترین ردیه می دانست؛ چرا که ردیه ها اکثراً حالت اتهام داشتند و حاوی کلمات نامناسب بودند در سال های 50-51 که حرکت روشن فکرانه ی دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد آغاز شده بود وی از سلسله مباحث شهادت و پس از شهادت به نقد این تفکر پرداخت این نقد از آن جهت حائز اهمیت بود که شهید جاوید به عنوان یک تفکر و کتاب روشن فکری در مقابل اندیشه ی سنتی حوزه تلقی

می شد...» (1)

آقای پیشگاهی فرد معتقد است: «در غائله ی شهید جاوید دو تفکر در مقابل هم صف آرایی کردند؛ در یک سو تفکر آیات عظام خادمی و شمس آبادی و اکثر علمای قم قرار داشت و در سوی دیگر تفکر طرفدار نظریه ی صالحی نجف آبادی بود. شیخ قنبر علی را که با این جریان مخالفت داشت در قهدریجان پس از قتل آیت الله شمس آبادی کشتند.

... در واقع سید مهدی هاشمی یک عده جوان را دور خویش گرد آورده و یک گروه شبه نظامی تشکیل داده و هدف را نابودی روحانیان سنتی قرار داده بود. عکس العمل مردم اصفهان در مقابل این جنایت قابل توجه بود به محض پخش خبر قتل آیت الله شمس آبادی مردم از اطراف و اکناف در تشیع جنازه ی وی شرکت کردند.» (2)

ص: 226

1- همان، ص 73-74.

2- همان، ص 76.

از اعضای مرتبط با این گروه می توان این افراد را نام برد مهدی هاشمی اسدالله شفیع زاده محمد حسین جعفرزاده، محمد اسماعیل ابراهیمی و محمود ایمانیان (1).

ص: 227

1- مهرعلیزاده، 1386، 96.

فصل چهارم: زندگینامه ی رجال و شخصیت های فعال در شهر اصفهان از شهریور 1320-1356 ش

اشاره

ص: 229

علی رغم انتشار اطلاعات و مطالب مختلف درباره ی زندگی چهره های مطرح در اصفهان در طول سال های پس از کودتا تا پیروزی انقلاب اسلامی که به نحوی در جریان شکل گیری و سازماندهی حرکت های مردمی و هدایت آن ها نقش داشته اند به نظر می رسد برای کامل شدن اطلاعات موجود ارائه ی زندگینامه ی برخی از مهم ترین این چهره ها لازم است. در این قسمت افراد مختلف، روحانیان، بازاریان مبارزین و چهره های سرشناسی که در سال های پس از شهریور 20 به ویژه 1342 ش تا انقلاب اسلامی به نحوی درگیر مبارزات مردمی و فعالیت علیه حکومت پهلوی بوده اند با رعایت اختصار و در حد امکان درج شده است. برخی از این چهره ها میانه رو حتی مخالف حرکت های خشن و تند و برخی از چهره های مبارزی هستند که در طول سال های قبل از انقلاب علاوه بر فعالیت ضد حکومت پهلوی، زندان شکنجه و عواقب آن را نیز متحمل شدند. و البته به میزان تلاش و نقش ایفا شده ی آن ها در جریانات قبل از انقلاب مطالب بیشتری ارائه شده است. برای پیشگیری از دخالت دیدگاه ها موافقت ها و مخالفت ها به ویژه در سال های پس از انقلاب، شرح زندگینامه ها تا قبل از انقلاب مدنظر قرار گرفته است. لازم به ذکر است که قطعاً اسامی تعداد زیادی از قلم افتاده است که ضمن پوزش از آن ها و خانواده های شان در چاپ بعدی با تذکرات و راهنمایی دوستان و علاقمندان اضافه خواهد شد. در این جا در حد اختصار به شرح زندگی برخی از این افراد می پردازیم. یکی از این چهره های معروف حاج رحیم ارباب است که شهرت زیادی در بین مردم اصفهان و اصحاب حوزه علمیه و روحانیت داشته گفته شده است این روحانی مشهور علی رغم موقعیتی که در نزد مردم و بازاریان داشت از دخالت

در مسائل سیاسی و دعوت مردم جهت مبارزه و رویارویی با حکومت پهلوی اکراه داشت. در این جا زندگینامه ی مختصری از او ارائه می شود:

الف) چهره های مبارز روحانی

حاج آقا رحیم ارباب

فقیه زاهد، ادیب کامل، حکیم عارف، جامع دانش های نقلی و عقلی و عالم ربانی، در روز دوشنبه دوازدهم جمادی الثانی سال 1297 ق، در چرمهین از قرای تابع لنجان علیای اصفهان دیده به جهان گشود.

خانواده و تحصیلات:

رحیم فرزند علی پناه چهار محالی اصفهانی (ارباب حاج آقا)، فرزند عبدالله (ارباب آقا)، فرزند حاج پناه، فرزند ملا عبدالله شیرازی (معاصر زندیه) بوده است. نیاکان و بیشتر اقوام و خویشان رحیم افرادی با سواد و برخوردار از فضل و ادب بهره مند از تاریخ و شعر بوده اند رحیم در سن هفت سالگی به همراه پدر و مادرش راهی اصفهان شده است. (1) او بنا بر رسم بزرگ زادگان قدیم، از کودکی در مکتب خانوادگی نزد معلم خصوصی، مرحوم ملا محمد حسن همامی، دانش های مقدماتی را فراگرفت. پس از تکمیل تحصیلات در محضر اساتید و فقهای نامی، موفق به دریافت اجازه ی روایت از برخی از اساتید خود از جمله حضرات آیات، سید محمد باقر در چه ای و جهانگیر خان قشقایی نائل گردید. برخی از علما و دانشمندان معاصر نیز مفتخر به دریافت اجازه ی روایت از آیت الله ارباب شدند، که از جمله آن ها می توان به فقیه و مرجع نامی، آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی و رجال نامدار معاصر، حاج آقا سید محمد علی روضاتی اشاره کرد. (2)

دیدگاه های سیاسی و فعالیت های اجتماعی آیت الله ارباب:

ص: 232

1- دانشنامه ی تخت فولاد، ج 1، ص 148.

2- همان، ج 1، ص 149.

مرحوم ارباب هر چند اهل شهرت و ادعا نبود و کمتر در امور اجتماعی و سیاسی دخالت می کرد اما به هنگام احساس مسئولیت، سخن را به سکوت ترجیح می داد (1). وی نسبت به مسائل روز جهان اسلام حساس بود و در صورت لزوم به صدور فتوا نیز مبادرت می کرد برخی از آرای فقهی او نیز بر لزوم جنبه های سیاسی و اجتماعی اسلام دلالت داشت. (2)

شهید آیت الله بهشتی:

شهید آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی در دوم آبان ماه سال 1307. ش در خانواده ای روحانی و متدین در محله ی لبنان اصفهان متولد شد. «پدرش از روحانیون اصفهان و امام جماعت مسجد لبنان بود و به کار های مذهبی مردم می پرداخت و برای تبلیغ و رسیدگی به مسائل شرعی به روستا های اطراف اصفهان می رفت و به فعالیت دینی سخنرانی و بیان احکام مشغول بود و نماز جماعت را اقامه می کرد و مشکلات آنان را بر طرف می ساخت. (3)» مادر شهید بهشتی نیز دختر آیت الله حاج میر محمد صادق خاتون آبادی از روحانیان مشهور در اصفهان بود که نقش بزرگی در تربیت بسیاری از علمای بزرگ شیعه داشت.

«آیت الله حاج میر محمد صادق خاتون آبادی از مراجع بزرگوار و محققان صاحب نام و از شاگردان دو عالم عالی مقام و گران قدر شیعی، آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم طباطبایی بود. بسیاری از علما و بزرگان از جمله حضرت امام خمینی (رحمه الله) در حوزه ی درسش حاضر شده و از محضر مبارکش بهره مند شده اند. ایشان پس از سال های سال از نجف به ایران آمد و به زادگاه خویش اصفهان رفت و در آن جا مرجعیت عامه یافت و همزمان به تدریس و تربیت اندیشمندان اسلامی

ص: 233

1- دانشنامه ی تخت فولاد، ج 1، ص 153.

2- همان، ج 1، ص 153.

3- علیزاده علی (1374)؛ شهید بهشتی عقل ملکوتی، تهران مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ص 29.

نیز می پرداخت. (1) «شهید بهشتی تحصیلات خود را از چهار سالگی و در اصفهان آغاز کرد. در سال دوم دبیرستان به علت علاقه به علوم دینی به حوزه ی علمیه ی اصفهان رفت و دروس علمی را تا اواخر سطوح عالیه در حوزه ی علمیه ی این شهر خواند پس از اخذ دیپلم در سال 1325 ش وارد حوزه ی علمیه ی قم شد و از محضر اساتیدی هم چون امام خمینی، آیت الله بروجردی، آیت الله سید محمد تقی خوانساری، آیت الله حجت کوه کمری، آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، شهید مطهری و آیت الله محقق داماد بهره برد.

پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه قم فعالیت های فرهنگی خود را در سال 1330 ش، با تدریس در دبیرستان های قم آغاز کرد و همزمان با این کار تحصیلات خود را در رشته الهیات و معارف اسلامی در دانشگاه تهران ادامه داد و در سال 1338 ش دوره ی دکترا را در این رشته به پایان رسانید و فعالیت های سیاسی و فرهنگی خود را نیز در این سال ها آغاز کرد گر چه به واسطه ی انجام فعالیت های سیاسی موفق به دفاع از پایان نامه اش در آن تاریخ نشد، اما در بهمن ماه 1353 ش، از رساله ی دکترای خویش با عنوان مسائل ما بعد الطبیعه در قرآن دفاع کرد و موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته ی فلسفه شد.

«سال 1329 و 1330 که شهید بهشتی در تهران بود مقارن بود با اوج مبارزات سیاسی اجتماعی نهضت ملی نفت و او نیز به عنوان یک جوان معمم مشتاق در تظاهرات و اجتماعات و میتینگ ها شرکت می کرد. جریان 30 تیر 1331 که ایشان برای تعطیلات تابستان در اصفهان به سر می برد در اعتصابات 26 تا 30 تیر شرکت فعال داشت و نخستین سخنران اعتصابیون در ساختمان تلگرافخانه ی اصفهان بود. (2)» با وقوع کودتای 28 مرداد 1332 ش و سنگین تر شدن جو امنیتی

ص: 234

1- موحد ابطحی سید حجت (1365)؛ آشنایی با حوزه های علمیه ی شیعه در طول تاریخ جلد اول، اصفهان انتشارات حوزه علمیه اصفهان، ص 210.

2- سرابندی، محمد رضا (1387)؛ زندگی و مبارزات آیت الله بهشتی به روایت اسناد تهران انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص 65.

کشور توسط ساواک فعالیت های سیاسی وی کم شد و به واسطه ی این افزایش فشار ها توسط ساواک مجبور شد از قم به تهران عزیمت کند. در سال 1343 ش در تهیه ی برنامه ی جدید تعلیمات دینی مدارس شرکت کرد و یک سال بعد در سال 1344 ش به دعوت چند تن از علما برای انجام تبلیغات اسلامی به آلمان مسافرت کرد و چندین سال در این کشور اقامت کرد و به فعالیت های فرهنگی و مذهبی پرداخت.

«پس از مدتی از طرف آیت الله میلانی و آیت الله حائری و آیت الله خوانساری از ایشان دعوت شد که به آلمان برود و در آن جا هدایت و ارشاد مسلمانان به ویژه دانشجویان را بر عهده گیرد در مسجدی که آیت الله بروجردی برای مسلمانان بود، مشغول فعالیت های مذهبی و فرهنگی شد و با تشکیل اتحادیه ی انجمن های اسلامی دانشجویان فارسی زبان و مرکز اسلامی هامبورگ پایگاهی مهم در جهت جذب اندیشه ها و هدایت آنان به وجود آورد. (1)» از جمله نمایندگان آیت الله بروجردی در هامبورگ به همراه شهید بهشتی می توان از آقای محقق و مهندس کاشفی نیز نام برد. (2)»

پنج سال بعد به ایران بازگشت و علاوه بر فعالیت های دینی و تبلیغاتی در تهران با کمک چند تن از روحانیان ساختار کتاب های دینی مدارس را تغییر داد تا از این طریق در افکار دانش آموزان تحول ایجاد کند «شهید بهشتی در سال 1349 به تهران بازگشت و جلسات تفسیر قرآن ایجاد کرد در همین رابطه با همکاری شهید دکتر باهنر و دیگران در آموزش و پرورش مشغول تهیه ی کتاب تعلیمات دینی مدارس شدند. (3)» با آغاز مبارزات علیه حکومت پهلوی و در آستانه ی پیروزی انقلاب اسلامی وی همراه با جمعی از روحانیان به صحنه ی مبارزات وارد شد و

ص: 235

1- علیزاده، علی شهید بهشتی عقل ملکوتی ص 60 و 62.

2- کاشفی خوانساری، 1385، 37-36.

3- بنیاد شهید انقلاب اسلامی (1361)؛ او به تنهایی یک امت بود، تهران واحد فرهنگی بنیاد شهید ص 45.

نقش مهمی را در این مبارزات ایفا کرد. «در آذر ماه 1357، ضمن تلاش گسترده ای جهت ایجاد روحانیت مبارز تهران به اتفاق شهیدان مطهری و دکتر مفتاح و آیات عظام مهدوی کنی و امامی کاشانی کوشید و جمعی دیگر از علمای مبارز در سراسر ایران به عنوان یک هسته ی اساسی از آن حمایت کرده و به آن پیوستند. (1)». او در برگزاری راهپیمایی های عظیم چهارم شوال و تاسوعا و عاشورای 57 نقش مؤثر داشت. (2) «سخنرانی های پرشور شهید مخصوصاً در روز 16 شهریور در مسجد صاحب الزمان (عج) تحریک فراوانی به مردم داد. هنگامی که امام (ره) در پاریس بودند برای تبادل نظر با امام (ره) به آن جا رفت و سپس به فرمان امام (ره) به عضویت شورای انقلاب اسلامی ایران برگزیده شد. (3)» شهید بهشتی در کنار چهره های دیگری هم چون شهید مرتضی مطهری آیت الله انواری شهید باهنر و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی بر اعمال و خط مشی هیئت مؤتلفه نظارت داشت و در جهت دهی به مبارزین نقش فعالی را ایفا می کرد (4).

سید جلال الدین طاهری:

سید جلال الدین طاهری در سال 1305 ش در محله ی حسین آباد اصفهان در خانواده ای متدین و روحانی متولد شد. تحصیلات خود را در دبستان حسین آبان و دبیرستان سعدی گذارید و در سال 1323 ش موفق به اخذ دیپلم علمی از این دبیرستان شد مدتی نیز در مدرسه فرانسوی ها در اصفهان به فراگیری زبان فرانسه پرداخت و به تشویق خانواده اش برای تحصیل به حوزه ی علمیه ی اصفهان وارد شد و از محضر اساتیدی چون آیت الله حاج سید محمد جواد موسوی غروی

ص: 236

1- علیزاده، علی شهید بهشتی عقل ملکوتی، ص 75.

2- شعبانی، امام علی (1386)؛ تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله بهشتی تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص 10.

3- میزبانی مهناز؛ (1381)، شیفته ی، خدمت، تهران انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص 144.

4- امجدی، 1384، 20.

و آیت الله روضاتی از علمای بزرگ اصفهان بهره برد و در سال 1325 ش با دختر آیت الله روضاتی ازدواج کرد.

در سال 1325 برای ادامه ی تحصیلات حوزوی خود به حوزه ی علمیه ی قم رفت و از محضر درس اساتیدی هم چون آیات عظام حجت کوه کمره ای، حاج سید محمد تقی خوانساری، حاج آقا حسین بروجردی، محقق داماد و امام خمینی بهره مند شد.

وی همراه با آیت الله منتظری شهید بهشتی و شهید مطهری در جلسات درس حکمت و عرفان امام خمینی شرکت می کرد و تا زمانی که امام خمینی در ایران بودند در این جلسات حضور داشت این مسئله موجب نزدیکی و پیوند وی با امام خمینی شد با آغاز نهضت امام خمینی در سال 1342 او نیز به هواداری از این نهضت پرداخت اما در سال 1343 پس از بازداشت و تبعید امام خمینی از ایران قم را ترک کرد و به اصفهان بازگشت و در این شهر به تبلیغ و تدریس مشغول شد و در منابر و سخنرانی در اماکن مختلف اصفهان به دفاع از عملکرد امام خمینی پرداخت و با جمعی دیگر از روحانیان این شهر اعلامیه هایی را در دفاع از امام خمینی و محکومیت کشتار 15 خرداد صادر کرد و در سخنرانی هایش حوادث پیش آمده در کشور های اسلامی را تشریح و تجزیه و تحلیل می کرد. به علت همین اقدامات دائماً از سوی ساواک تهدید و بازجویی می شد (1).

وی علاوه بر فعالیت های سیاسی از تدریس علوم دینی و حوزوی نیز غافل نبود و شاگردان زیادی را تربیت کرد که از جمله ی آن ها می توان به شیخ عباس علی روحانی و شیخ عبدالله نوری اشاره کرد. از جمله تألیفات وی نیز می توان از مجموعه کتاب المحاضرات در اصول فقه در (3 جلد) نام برد که تقریرات درس آیت الله العظمی محقق داماد است و استنباط های خود ایشان در اصول و دو جلد کتاب الطهاره در فقه نام برد.

ص: 237

در آستانه مبارزات پیروزی انقلاب اسلامی در اواخر سال 1356، آیت الله طاهری مبارزات مردم اصفهان را سازماندهی می کرد. ساواک نیز وی را ممنوع المنبر کرد. اما او از این فرمان حکومت سرپیچی کرد و با حضور در مسجد حسین آباد و سخنرانی در میان نمازگزاران این مسجد اقدامات رژیم شاه را در کشتار و سرکوب مردم شهر های مختلف کشور را محکوم کرد.

ساواک نیز که وجود وی را در اصفهان برای حکومت خطرناک می دانست در فروردین 1357 ایشان را به مهاباد تبعید کرد اما مردم اصفهان و طرفداران آیت الله طاهری به این اقدام ساواک اعتراض کردند و با انجام راهپیمایی های گسترده در اصفهان خواستار آزادی ایشان شدند تا آن جا که ساواک مجبور شد پس از سه ماه فرمان آزادی و بازگشت وی به اصفهان را صادر کند. وی پس از آزادی و بازگشت به اصفهان مورد استقبال گرم و پرشور مردم این شهر قرار گرفت. با اوج گیری مبارزات مردم علیه حکومت پهلوی در تابستان 57 ساواک بیش از گذشته آیت الله طاهری را تحت نظر قرار داد و فشار های امنیتی را بروی افزایش داد تا جایی که در روز 10 مرداد 1357 با حمله ی وحشیانه ی نیرو های امنیتی به منزلش او را دستگیر و از اصفهان به تهران منتقل کردند.

این مسئله موجب بروز اعتراضاتی توسط مردم به حکومت شد و نیرو های امنیتی با اسلحه و گاز اشک آور به مردم معترض حمله کردند. این حمله منجر به زخمی شدن عده ی زیادی از حاضران و کشته شدن شخصی به نام محمد علی ذاکر حسین آبادی شد که این فرد اولین شهید مبارزات مردم اصفهان است.

با وجود سرکوب مردم اعتراضات به دستگیری آیت الله طاهری ادامه یافت و در گوشه و کنار اصفهان مردم با انجام راهپیمایی های گسترده و رفتن به طرف منزل وی در حسین آباد و تحصن در آن جا خواستار آزادی آیت الله طاهری شدند.

سرانجام پس از 31 روز آیت الله طاهری آزاد شد و تحت تدابیر امنیتی به اصفهان بازگشت و با وجود پنهان کردن خبر آزادی او مردم اصفهان از آن مطلع شده

و به سوی منزل ایشان رفته و آیت الله طاهری نیز برای آن ها سخنرانی کرد و با وجود تهدید های فراوان ساواک در صحنه مبارزات فعالانه شرکت کرد.

وی در تمام راهپیمایی ها و تحصن های صورت گرفته علیه حکومت پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی در 22 بهمن 1357 حضور مستمر و فعال داشت و با انقلابی ها همراهی کرد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سوم آبان 1358 به فرمان امام خمینی به عنوان نماینده ولی فقیه و امام جمعه ی اصفهان انتخاب شد و تا سال 81 امامت جمعه ی اصفهان را بر عهده داشت. آیت الله طاهری در خرداد 1392 در سن 87 سالگی در اصفهان دار فانی را وداع گفت (1).

علی جنتی علی جنتی فرزند آیت الله احمد جنتی در سال 1328 در شهر اصفهان به دنیا آمد چند سال پس از تولد، او خانواده اش به قم مهاجرت کردند. بنابراین بیشترین دوره ی تحصیلی اش را در این شهر گذراند و همزمان با خواندن دروس طلبگی دیپلم گرفت. (2) سال اول دبیرستان را در مدرسه ی دین و دانش واقع در خیابان بهروز قم گذراند که پایه گذار آن شهید بهشتی بود. مرحوم شهید مفتاح از معلمین این مدرسه بود. (3) احتمالاً هدف از تأسیس مدرسه این بود که زمینه ی رشد تربیت اسلامی برای بچه هایی که به سطح دبیرستان می رسند فراهم شود. جنتی باقی دوران تحصیل خود را در مدرسه حکمت گذراند. در سال 43 همزمان با تحصیلات دبیرستانی دروس حوزوی را نیز شروع کرد و وارد مدرسه ی حقانی شد. در طول تحصیلات حوزوی کلاس چهارم، پنجم و ششم دبیرستان را در سه تابستان پی در پی گذراند و تابستان ها همراه پدرش به اصفهان می آمد.

ص: 239

-
- 1- برگرفته از: وبلاگ www.salavati-f.blogfa.com نوشته ی دکتر فضل الله صلواتی.
 - 2- فخرزاده، سعید، 1381، خاطرات علی جنتی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص 19.
 - 3- همان، ص 21.

پدر علی جنتی در سال های 37-38 از شاگردان حضرت امام (ره) بود و زمینه ی آشنایی با حضرت امام از همان هنگام برای او فراهم شد و پس از سال 41 و شروع سخنرانی های ایشان در جلسات حضور داشت. سال 43 تا 50 مملوء از تحرکاتی است که در واقع روحانیت پیشتاز آن بوده و در رأس آن ها یاران و شاگردان امام و فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم قرار داشتند علمای شهرستان ها نیز با این نهضت همراهی داشتند برای نمونه در مشهد در رده ی اول مبارزه ی آقای میلانی و آقای قمی و در رده ی دوم جناب آیت الله و مرحوم هاشمی نژاد و آقای محامی قرار داشتند. در شیراز برادران حائری صدر الدین و محی الدین هر دو در زمینه ی آگاه کردن مردم و آشنا کردن آن ها با نهضت نوحاسته ی اسلامی فعال بودند. علی جنتی با آیت الله سعیدی نیز ارتباط نزدیکی داشت جنتی در قم با سه چهار هسته ی تشکیلاتی کوچک در ارتباط بود و هر دو هفته یک بار در قزوین برای هسته ای که ایجاد شده بود صحبت و مطالبی را که آموخته بود به دیگران منتقل می کرد البته تلاش بسیاری می کرد که هسته ها را به گونه ای سازماندهی کند که اگر هسته ای ضربه خورد به بخش های دیگر سرایت نکند. (1) با شروع مبارزات مسلحانه، جنتی با جمعی از دوستانش وارد فعالیت های مسلحانه شدند بر همین اساس به اتفاق آقایان محمد عراقی، محمد حسین طارمی، مصطفی پاینده، علی عرفا و برادرش، هسته ای را به منظور مبارزه مسلحانه تشکیل دادند. (2)

از طریق بعضی از دوستانش با مرحوم شهید حاج تقی حاج طرخانی آشنا شد که از عناصر بسیار فداکار بود و مدتی برای فعالیت و مخفی شدن از وی کمک گرفت. اما با توجه به شرایط پیش آمده و دستگیری دوستان و محکوم شدن شان به زندان های طولانی مدت و نداشتن جای امن برای اقامت پس از مشورت با

ص: 240

1- فخرزاده، 1381، ص 74.

2- همان، ص 85.

دوستانش از جمله آقای هاشمی رفسنجانی زمینه خروج او از کشور و حضور در فلسطین برای وی فراهم شد. در دمشق بر اساس هماهنگی های قبلی با شهید منتظری ملاقات کرد.

پس از گذراندن دوره به لبنان رفت و فعالیت های خود را در راه کمک به افرادی که از کشور خارج می شدند، متمرکز کرد. (1) به این ترتیب دوستان دیگری را از ایران خارج کردند و برای آن ها اسم مستعار و جای آموزش فراهم می کردند تا به راحتی بتوانند در کشور های مختلف تردد کنند از جمله کسانی که در این حرکت بسیار با او همراه بودند این افراد هستند: 1- دکتر هادی 2- سراج الدین موسوی 3- علیرضا آلاپوش 4- احمد موحدی 5- محسن شجاعی 6- سلمان صفوی 7- محمد طارمی 8- حبیب الهی و شهید مهدی باکری جنتی در اواخر سال 54 با آقای جلال الدین فارسی آشنا شد. (2)

او بسیاری از اخبار داخل کشور و اخبار مربوط به امام و سخنرانی های ایشان را به صورت خلاصه و گزارش گونه به روزنامه ها یا مجله های لبنان می داد؛ برای نمونه می توان نشریه ی الشراع را نام برد که آقای حسن صبرا، سردبیر آن بود و آن ها از طریق سید صادق موسوی با آن در ارتباط بودند. آقای جنتی در لبنان موفق ملاقات شهید اندرزگو شد. هم چنین با آقای رحیم صفوی نیز دیداری داشت. او فعالیت های خود را تا ورود امام به وطن ادامه داد و پس از چهار سال به ایران بازگشت.

احمد سالک:

احمد سالک از اهالی اصفهان و فرزند یکی از علمای این شهر بود. مدتی در شهر اصفهان اقامت داشت. پس از شروع فعالیت سرانجام در سفر تبلیغاتی مبارزاتی خود به شیراز در سال 1354 ش به همراه یکی از انقلابی های آن زمان

ص: 241

1- همان، صص 100-122.

2- همان، ص 134.

در شهر آباءه دستگیر و زندانی شد. (1) به این ترتیب فعالیت های انقلابی خود را ادامه داد. وی با آیت الله دکتر بهشتی به طور مستقیم در تماس بود و در میتینگ های بسیاری از علمای اصفهان از جمله مرحوم آیت الله زند کرمانی و مرحوم آیت الله محقق و آیت الله خادمی حضور داشت.

تکیه گاه بسیاری از مبارزان در اصفهان آیت الله خادمی و سایر روحانیان بودند. (2) سالک پس از آن که در قم مشغول درس و بحث و تحصیل شد، با آقایان مهدی کوهی، حسین اخلاقی، جمشیدی و محمد حجازی در قالب گروه های سه نفری فعالیت سیاسی را پیگیری کرد. اما هنگامی که متوجه شد بدون تشکیلات کارها انجام نمی شود، یک گروه پنج نفره تشکیل داد که این گروه تقریباً سرری بود. صندوقی را برای تأمین هزینه ها ایجاد کرده و مسائل را با یکدیگر هماهنگ می کردند. اعضای این گروه پنج نفره عبارت بودند از آقایان میرزایی، غلام حسین کرباسچی، سید جعفر موسوی و هم چنین آقای صلواتی محل تشکیل جلسات در منزل خود آقای سالک بود. (3) آقای سالک فعالیت های خود را قالب سفر های تبلیغاتی به روستا های اطراف اقلید شیراز در ماه مبارک سال 54 به همراه آقای هاشمی دنبال می کرد و به منبر می رفت. هنگامی که در اقلید بود با آیت الله مظاهری که در این شهر منبر داشت در ارتباط بود. (4)

پس حضور در تهران فعالیت های خود را در دو مسجد الهادی که آن را به نام مسجد مرحوم شهید آله غفاری می خوانند و دیگری مسجد جامع نارمک ادامه داد سالک با شهید غفاری رابطه ی نزدیکی داشت مؤسس جلساتی که در مسجد الهادی برگزار می شد محمد کاشانی، یکی از افرادی بود که از اصفهان در دانشگاه

ص: 242

-
- 1- سیفی، محمد مهدی 1385، خاطرات حجت الاسلام شیخ احمد سالک چاپخانه ی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص 14.
 - 2- همان، ص 37.
 - 3- سیفی، ص 53.
 - 4- همان، صص 83-84.

تهران قبول شده بود وقتی ساواک متوجه این مطلب شد محمد کاشانی را دستگیر کرد. (1) در ادامه فعالیت آقای سالک با اعضای جامعه مدرسین قم از جمله آیت الله یزدی و مرحوم شهید ربانی شیرازی و... در ارتباط بود و پس از آزادی از زندان از طرف آن ها برای انجام سفر تبلیغاتی به گرگان رفت (2) و فعالیت های خود را تا به امروز ادامه داد.

آیت الله خادمی:

آیت الله حاج سید حسین خادمی اصفهانی، فرزند سید ابو جعفر فرزند آقا سید صدر الدین عاملی که نسبت خانوادگی وی به امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می رسد، از علما و فقهای بنام و رئیس حوزه ی علمیه اصفهان بود. ایشان در روز جمعه سوم شعبان 1319 ق / 1280 ش متولد شد و پس از آموزش دوره ی ابتدایی به تحصیل علوم حوزه روی آورد و پس از فرا گرفتن مقدمات و دروس خارج عازم نجف شد. «عطش سیر ناپذیر آیت الله خادمی در اعتلای مراتب کمال معنوی و کسب علم و دانش از اساتید بزرگی که در حوزه ی نجف به تدریس و تعلیم طلاب مشغول بودند، ایشان را به سوی نجف سوق داد و نقطه ی عطفی را در زندگی وی نهاد. (3)»

«هم دوره ای های آیت الله خادمی در دوره ی تحصیل در نجف اشرف آقایان آیت الله خویی، آیت الله طیب اصفهانی، علامه محمد حسین طباطبایی و آیت الله میلانی بوده و با آن ها رابطه ی خوبی داشت به شکلی که در سال های قیام و مبارزه ایشان را حمایت و همراهی کردند. (4)» دغدغه ی تعطیل شدن حوزه ی علمیه ی بزرگ و کهن اصفهان توسط رضا خان و تلاش نظام ستم شاهی در زدودن دین و آثار

ص: 243

1- همان، ص 87.

2- همان، ص 160.

3- مرکز بررسی اسناد تاریخی (1380) خادم شریعت یاران امام به روایت اسناد ساواک (کتاب 19) شرح مبارزات حضرت آیت الله سید حسین، خادمی، تهران انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص 18.

4- مهرعلیزاده مهدی (1387) تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت الله خادمی تهران انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص 28.

دینی در این شهر مذهبی وی را بر آن داشت تا به اصفهان بازگردد و اندوخته های علمی و معنوی خود را در اختیار اشخاصی قرار دهد که از هر سو در تهاجم التقاط و ابتدال بودند دعوت علمای اصفهان از ایشان برای بازگشت به اصفهان بی تأثیر نبود، ایشان در مدرسه ی صدر به درس و بحث پرداخت و حوزه ی علمیه اصفهان را مجدداً احیا و تحکیم بخشید. (1)

حکومت پهلوی با دین زدایی و دین ستیزی و با بستن درب حوزه ها و گشودن مراکز فساد مؤمنین را در موضع انفعالی قرار داده بود ایشان در این برهه در مقابل اقدامات رضا خان قد بر افراشت و به تغییر لباس و متحد الشکل کردن لباس مردان کشف حجاب بانوان و جلوگیری از برگزاری مراسم عزاداری حضرت سید الشهداء (علیه السلام) اعتراض کرد. این اعتراضات باعث شد تا حکومت رضاخانی تضییقاتی را علیه ایشان تدارک ببیند. «مدتی منزل او را تحت نظر قرار دادند به طوری که خروج وی از خانه ممکن نبود و در آن ایام که روحانیون فقط با شرایط و قوانین رضاخانی می توانستند از لباس روحانیت استفاده کنند. با وجود همراه داشتن اجازه ی اجتهاد از سوی علمای نجف با ملبس شدن او به لباس روحانیت مخالفت کردند. (2)»

2- در دوره ی پهلوی دوم از آن جا که اندیشه ی سیاسی آیت الله خادمی از فقه و دیانت برخاسته بود، دخالت در امور اجتماعی و سیاسی مردم را وظیفه ی خود تلقی می کرد و بدان عمل می کرد و به همین جهت مبارزه با هجوم گسترده ی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی رژیم پهلوی را سرلوحه کار خود قرار داد و با فعال کردن «هیئت علمیه ی اصفهان» زمینه های مبارزه را فراهم آورد و با جلسات مستمر این هیئت در منزل خود یا سایر علما هماهنگی مناسب را در بین آنان به وجود آورد و جبهه ای گسترده با حضور تمامی علمای اصفهان در برابر نظام

ص: 244

1- مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات خادم شریعت شرح مبارزات حضرت آیت الله سید حسین خادمی، ص 19.

2- همان، ص 23.

طاغوت ایجاد و همه را وارد این صحنه کرد. «مسائل مهم را به بحث و بررسی گذاشته، موضع واحدی می گرفتند و با اعلامیه نامه تلگراف و... مراتب را به رأی عموم مردم اعلام می کردند. (1)» «رشد تدریجی جایگاه علمی و مقبولیت عامه ی آیت الله خادمی ایجاد شده و رعایت احتیاط در صرف وجوه شرعیه موجب گردید که وکالت تام آیت الله بروجردی را در اصفهان به عهده بگیرد و در همان حال در سال های بعد نیز رابطه ی گرم و صمیمانه ای با امام خمینی و نهضت مردمی ایشان داشته باشد. (2)»

آیت الله خادمی بر اساس تکالیف دینی و شرعی علمای اسلام در حرکت های قبل از نهضت اسلامی هم حضور داشت از آن جمله نهضت ملی کردن صنعت نفت و ارتباط ایشان با آیت الله کاشانی بود پس از کودتای 28 مرداد 1332 با آن که فضای خفقان بر جامعه حاکم بود آیت الله خادمی با فداییان اسلام ارتباط برقرار کرد و در جهت اهداف آنان گام های مثبتی برداشت. نواب صفوی و یاران در سفری که به اصفهان داشتند به دیدار آیت الله خادمی رفتند و با او گفت و گو کردند. نخستین سند دولتی که در سازمان اطلاعات و امنیت کشور درباره ی آیت الله خادمی در شعبه ی تازه تأسیس ساواک اصفهان موجود است، تاریخ 23 مرداد ماه 1338 را داراست. موضوع این سند شامل اعتراض صریح ایشان علیه اقدامات و اعمال غیر اخلاقی و دین ستیزانه مسئولیت امور فرهنگی - سیاسی اصفهان می باشد.

از این زمان به بعد دائماً در گزارش های ساواک مطالبی دال بر اعتراض ها و مخالفت های وی نسبت به کار کرد عمال رژیم پهلوی در اصفهان و در سطح کشور وجود دارد. «این روال بر حیات سیاسی آیت الله خادمی تا آغاز نهضت امام خمینی

ص: 245

1- مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات خادم شریعت شرح مبارزات حضرت آیت الله سید حسین خادمی، ص 24.

2- مهرعلیزاده مهدی تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت الله خادمی، ص 30.

با عنایت به تلاش درخور توجه و انکار ناپذیر آیت الله خادمی به نهضت امام خمینی و نقش ویژه ی ایشان در قیام، انطباق مواضع سیاسی و اجرایی ایشان با اقدامات امام خمینی، حاکی از وحدت نسبی در دیدگاه ها و امور نظری نهضت می باشد بر اساس محتوای اسناد به جای مانده از ساواک، آیت الله خادمی برای تحقق اهداف خاصی وارد عرصه ی مجاهدت و اصلاحات سیاسی - اجتماعی اوایل دهه ی 1340 شد. از جمله مهم ترین آن ها مساعد کردن زمینه ی اجرای دستورات و احکام دینی بود (اسناد ساواک سند مورخ 1343/4/25) و در اطلاعیه ای که یک روز پس از شروع قیام پانزده خرداد منتشر کرد هدف را دفاع از حریم اسلام و مسلمین و استقرار حکومت دینی دانست. (سند های مورخ 1342/3/12 و 1343/5/2) غیر از اهداف اساسی، فوق اسناد موجود، اهداف فرعی سیاسی اجتماعی و اجرای قانون اساسی به ویژه اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه که ضرورت نظارت فقها و قوانین اسلام بر قوه ی مقننه را تأکید می کرد نشان می دهد. (سند مورخ 1342/5/31)

هم چنین اسناد دولتی حاکی از آن است که ایشان از بدو نهضت با بیت امام خمینی در قم مرتبط و مورد تأیید ایشان و در مراحل نخست نهضت نمایندگی امام را در اصفهان و اجازه ی اخذ وجوهات را از طرف ایشان داشته است. (سند مورخ 1343/2/16) (2)»

از جمله موضوعات مهم که در مورد تلاش های آیت الله خادمی قابل بررسی، است شناخت همراهان و هم فکران ایشان در اصفهان در خلال رخداد های نهضت امام خمینی در طول سال های 1341 تا 1343 می باشد روحانیان سرشناس و فعالی که در طول نهضت با مقاصد و خواسته های آیت الله خادمی

ص: 246

1- مهرعلیزاده، ص 31.

2- همان، ص 34 و 35 و 36.

همراه بوده و نام و امضای ایشان ذیل اعلامیه ها و نامه های مشترک قید شده است، شامل این افراد هستند: محمد باقر زند کرمانی، ارباب، ابوالحسن موسوی شمس آبادی، اردکانی، عبدالحسین طیب، حسین علی منتظری، سید شفتی، مجد الدین نجفی، مرتضی دهکردی، محمد احمد آبادی، ابطحی ها، مهدی مظاهری، ادیب، روضاتی، حسن عطایی و عبدالجواد کلباسی و گروه فراوانی از روحانیان فعال به فراخور اوضاع زمان طبیعی بود که اجرای منویات نهضت، رهبری و سیاست گذاری آن در منطقه ی حساس اصفهان در میان جمع گسترده روحانیان امکان پذیر نباشد لذا تشکیل «هیئت علمیه اصفهان» ضرورت پیدا کرد. اسامی اعضای این تشکل 9 نفره شامل آقایان حسین خادمی، ابوالحسن شمس آبادی، سید علی ابطحی، محمد روضاتی باقر رجایی، جمال الدین سده ی، عبدالحسین طیب، مهدی نجفی و ابو الفضل نجفی بود. «غیر از روحانیون چهره های برجسته ی بازاری و تجار بزرگی چون کوپایی، رجالی ها، افضل، انصاری حداد، کازرونی ها و برهانی ها در کوران حوادث اصفهان در کنار آیات قرار داشته اند در این میان نقش دانشگاهیان و اساتید و دانشجویان دانشگاه های اصفهان و شیراز و تهران در تحقق آرمان های نهضت امام خمینی در خور توجه است. افرادی چون محمد غرضی و مسعود اسماعیل خانیان و شریعتمداری. (1)»

علی رغم وجود یاران و هم فکران متعدد آیت الله خادمی هیچ گاه در احزاب سیاسی عضویت نداشت (سند مورخ 1342/5/10) و خود را محدود به آن ها نکرد. به آن دسته از احزاب که نزدیکی بیشتری با آرمان ها و اهداف نهضت داشتند کمک مالی می کرد و در مواقع ضروری از همکاری با آن ها دریغ نمی کرد. «همکاری آیت الله خادمی با نهضت آزادی و کمک به انجمن اسلامی دانش آموزان اصفهان مساعدت با تشکیل انجمن بانوان، مسلمان شایان توجه است (سند مورخ 1343/3/25 و 1343/10/5) (2)» «با آغاز نهضت حضرت امام (ره) در سال 1341

ص: 247

1- مهرعلیزاده ص 36 و 37 و 38.

2- همان، ص 38.

به مخالفت با انجمن های ایالتی و ولایتی و شروع قیام در سال 1342 و همزمان شدن آن با ایام عزاداری سالار شهیدان، آیت الله خادمی، این مراسم را مبدل به یک راهپیمایی با شکوه در جهت حمایت از قیام حضرت امام (ره) کرد و هر گونه اقدام محرک امام را حمایت و تأیید می کرد و با صدور اعلامیه مدارس علمیه ی اصفهان، بازار، نماز های جماعت را به عنوان اعتراض تعطیل می کرد. (1)

اهالی اصفهان نیز مانند مردم سایر شهر های ایران وارد صحنه های مخالفت با رژیم شاه شدند از آن پس این شهر به سرعت به یکی از مهم ترین کانون های نهضت اسلامی تبدیل شد. آیت الله خادمی مقارن آغاز قیام امام خمینی در سال 1341 یکی از چند شخصیت علمی و سیاسی شناخته شده ی حوزه ی علمیه ی اصفهان بود و با اتکا به سرمایه و بنیه ی فقهی جایگاه علمی و موقعیت سیاسی مورد قبول عمومی به عرصه ی قیام و مبارزه ی امام خمینی و مردم ایران با رژیم پهلوی و دولت آمریکا به عنوان مصادیق استبداد داخلی و استعمار خارجی پا گذاشت؛ زیرا از نظر ایشان آن ها مانع توسعه ی همه جانبه ی ایرانیان و سد راه اجرای احکام و ارزش های الهی در میان امت اسلامی بودند مهم ترین محور تلاش های آیت الله خادمی را باید حضور فعال وی در نهضت امام خمینی و سعی در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی دانست تا جایی که به دلیل گستردگی این محور محتوای بیشتر اسناد ساواک به انعکاس و تحلیل آن اختصاص دارند. «مبارزه با اصلاحات ارضی و انقلاب سفید شاه حفظ آمادگی عمومی جهت برگزاری مراسم محرم 42 که نقطه ی اوج نهضت امام خمینی بود و برگزاری راهپیمایی بزرگ 22 خرداد ماه 42 اصفهان در جریان قیام 15 خرداد ملت ایران از جمله اقدامات آیت الله خادمی و سایر هم فکرانش در حمایت از نهضت امام خمینی در سخت ترین و خونین ترین مراحل آن بوده است. (2)»

ص: 248

1- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات خادم شریعت شرح مبارزات حضرت آیت الله خادمی، 25.

2- مهرعلیزاده، مهدی (1386)، تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در، اصفهان، اصفهان، انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، اصفهان مرکز اصفهان شناسی و خانه ی ملل، ص 28 و 29.

در واقع روحانیان اصفهان اولین قشر اجتماعی شهر بودند که نسبت به تصویب نامه ی انجمن های ایالتی و ولایتی واکنش نشان دادند. «آیت الله خادمی مخالفت آشکار خود را با تصویب نامه ای که از نظر وی در جهت تضعیف موقعیت دین در جامعه بود اعلام کرد و با پیگیری و مساعدت ایشان اطلاعیه هایی که به امضای سی نفر از علمای بزرگ اصفهان با تلاش مرحوم آیت الله سید محمد احمدی رسیده بود منتشر گردید. ساواک نیز در گزارش خود مورخ (41/8/15) از صدور این اطلاعیه و توزیع آن در میان مردم سخن گفته است. (1)» طی اعلامیه ای که به امضای برخی روحانیان و بزرگان اصفهان رسید آیت الله خادمی با اصل برگزاری فراندوم و اصول انقلاب سفید مخالفت کرده و مردم را علیه آن را خواند؛ به همین دلیل استقبال عمومی از فراندوم در سراسر کشور به ویژه در اصفهان بی رونق و فرمایشی بود بازار اصفهان نیز با هماهنگی آیت الله خادمی دست به اعتصاب زد اعتصاب بازار گسترده بود و هماهنگی آن ها را با روحانیان شهر و نهضت امام خمینی نشان می داد. «اقدام مهم دیگری که در مخالفت با فراندوم و انقلاب سفید شاه در اصفهان صورت گرفت و آیت الله خادمی محور شکل دهی و اجرای آن بود اعلان تحریم اعتراض آمیز برگزاری نماز جماعت در تمامی مساجد شهر اصفهان بود که معمولاً این اقدام به منظور آگاهی مردم از شکل گیری حوادثی بزرگ علیه کیان اسلام انجام شد. (2)»

اقدامات و اصرار آیت الله خادمی در برگزاری مراسم نخستین سالگرد در گذشت آیت الله کاشانی در 7 اسفند 1341، صرف نظر از تجلیل از مجتهدی که عمری را به فعالیت های دین و سیاسی علیه استعمار و استبداد گذرانده، به علت فاصله ی اندک با درگیری های مردم و دولت در جریان فراندوم، نوعی به مبارزه طلبیدن رژیم پهلوی در اصفهان بود دولت که نمی توانست علیه مجتهدان و

ص: 249

1- مهر علیزاده، مهدی تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت الله خادمی ص 59.

2- همان، ص 65 و 66.

روحانیان طراز اول اصفهان اقدامی بکنند به اقدام دیگری دست زد؛ سخت گیری شدید با استفاده از قانون نظام وظیفه ی طلاب و دستگیری و اعزام دسته جمعی ایشان به سربازخانه ها در اصفهان آغاز شد.

اصفهان در آغاز نهضت و نقش آیت الله خادمی:

شروع سال 1342 با حادثه ی دردناک حمله ی مأمورین سازمان یافته ی رژیم به جلسه ی عزاداری شهادت امام جعفر صادق (علیه السلام) که در مدرسه ی فیضیه ی قم و مدرسه طالبیه ی تبریز برگزار می شد توأم بود انتشار خبر آن به ویژه در اصفهان موجب واکنش مردم روحانیان و اقشار مسلمان مردم شد. در اولین قدم مجتهدان شهر به رهبری آیت الله خادمی خواستار اعتصاب و تعطیل اعتراض آمیز برگزاری نمازهای جماعت در مساجد شهر شدند و این تعطیلی در روز ششم فروردین ماه به صورت سراسری در اصفهان به اجرا در آمد و اسناد دولتی حکایت از آن دارد که این اعتصاب موفقیت آمیز تا روز 12 فروردین ماه ادامه داشته است و در پی آن بازاریان اصفهان که با روحانیان به ویژه آیت الله خادمی ارتباطی همیشگی داشتند، از اعتصابی که ایشان اعلام کردند پیروی کرده و بازار اصفهان یکپارچه برای چندین روز تعطیل شد (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی شب 95 - 133 و 19-133). در مرحله ی بعد آیت الله خادمی پس از تعمیم مبارزه به مردم و بازار و حوزه های علمیه اصفهان موقعیت رژیم را در خارج از اصفهان نیز به مخاطره انداخته و گستره ی مبارزه را تا حوزه علمیه نجف اشرف نیز افزایش داد و بر آن بود تا مرجع تقلید شاخص نجف آیت الله خویی را نیز به صف مخالفین رژیم بکشاند. در مرحله ی بعد آیت الله خادمی شهید بهشتی آیت الله جنتی و حدود 70 نفر از علما و مجتهدان اصفهان، طی نامه ای به امام خمینی حادثه ی فیضیه و استمرار اقدامات دین ستیزانه ی رژیم علیه نهاد مرجعیت را محکوم کردند. تا آن زمان چنین اجماع گسترده ی روحانیون و حوزه ی اصفهان برای مقابله ی اعتراض آمیز با حادثه ای صورت نگرفته بود و این حکایت از مدیریت منطقی و پیگیری آیت الله

خادمی در ایجاد چنین اجماع بی سابقه ای علیه محمد رضا شاه در اصفهان بود. (1) «غافل گیر شدن مکرر ساواک در رخداد های نهضت در اصفهان از سرعت عمل و فعالیت تشکیلاتی انقلابی ها و رهبری جنبش در اصفهان حکایت دارد. آیت الله خادمی در رأس حوزه ی علمیه و روحانیان اصفهان از ابتدای مرجعیت و نهضت امام خمینی، ضمن تأیید و ترویج ایشان عامل پیوند مردم، حوزه ی علمیه و بازار اصفهان و اقشار مختلف فعال در عرصه ی اصلاحات اجتماعی با امام خمینی بود. سخنرانی امام خمینی در عصر عاشورای 13 خرداد 1342 ماهیت دین ستیز رژیم را به اطلاع افکار عمومی رسانید. امام خمینی اعتراض ها را از سطح دولت به شاه ارتقا داد و دولت اسرائیل را عامل همه ی فساد های موجود دانست. 2 روز پس از این سخنرانی در روز 12 محرم و 15 خرداد، امام خمینی دستگیر و در پی آن اعتراضاتی در سراسر کشور آغاز شد و گروه زیادی از مردم به شهادت رسیدند حوادث این مرحله از نهضت امام خمینی در شهر اصفهان، پس از تهران و قم گسترده تر از همه جا بود و طبق روال حول محور روحانیان حوزه ی علمیه به رهبری آیت الله حسین خادمی شکل گرفت.» «صدور اطلاعیه ای در حمایت از نهضت امام خمینی و محکومیت دستگیری ایشان به امضای علمای طراز اول درخواست تعطیلی بازار به دستور آیت الله خادمی از طریق سران متعهد بازار اصفهان و تعطیلی دروس حوزه علمیه اصفهان و تعطیلی نماز جماعات در مساجد شهر در اعتراض به دستگیری شبانه ی امام خمینی و محبوس کردن ایشان بود.» (2) «صراحت محتوایی اطلاعیه آیت الله خادمی در سطح کشور بی سابقه بود و از منظر تشویق مردم به مبارزه ی دائمی و دشمن اسلام دانستن حاکمیت و رژیم پهلوی و در خطر دانستن کیان اسلام انطباق قابل ملاحظه ای با محتوا و روش مبارزاتی امام خمینی داشت اقدامات آیت الله خادمی محدود به صدور اطلاعیه

ص: 251

1- مهرعلیزاده، مهدی تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت الله خادمی، ص 69 و 70.

2- همان، تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت الله خادمی، ص 76.

نشد، بلکه عملاً به عرصه‌ی درگیری با رژیم وارد شد. «ایشان از طلاب عضو جلسه‌ی نیمه مخفی «هسته مرکزی» درخواست تشکیل جلسه فوری کرد تا به راه‌های کمک به انقلابیون قم و تهران و ساماندهی اعتراض‌ها و اعتصاب‌های عمومی اصفهان پردازند. (1)» گزارش مورخ 22 تیر 1342 ساواک حکایت از آن دارد که آیت‌الله خادمی در روز 20 تیر ماه از اصفهان به تهران رفته تا از امام خمینی حمایت کند و برای رهایی او از زندان رژیم هم پای دیگران تلاش کند.

در روز دوم مرداد ماه آیت‌الله خادمی و گروهی از روحانیان سرشناس کشور طی اطلاعیه‌ی مفصلی به شرح جایگاه و مقام علمی و دینی امام خمینی پرداخته و اقدامات رژیم علیه ایشان را محکوم کردند محتوای این اطلاعیه را می‌توان یکی از قله‌های تکوین اندیشه‌ی سیاسی شیعه دانست؛ «زیرا به آشکارترین وجه امکان توأم بودن دیانت و سیاست را در فضایی که بیش از یک قرن روشنفکرهای غرب‌گرا در تفکیک این دو از یکدیگر سامان داده بودند مطرح می‌کردند. (2)»

اندکی پس از فروکش کردن اعتراض‌ها پس از قیام 15 خرداد، رژیم موضوع انتخابات بیست و یکمین دوره‌ی مجلس شورای ملی را مطرح کرد و در پی تشکیل فرمایشی آن بود انتخابات با مخالفت جدی روحانیان مواجه شد و از مردم خواستند با عدم حضور خود آن را تحریم کنند.

«گزارش‌های موجود در اسناد منطقه‌ای دولتی در اصفهان نیز آیت‌الله خادمی را عامل اصلی تهیه و توزیع اطلاعیه‌ای می‌داند که با عنوان مسلمانان غیور انجام انتخابات و نتایج آن را محکوم کرد و پس از گشایش مجلس مذکور از مردم اصفهان خواست در مخالفت با آن مجلس، بازار و مغازه‌های خود را بسته و دست به اعتصاب عمومی بزنند. (3)»

ص: 252

1- همان، ص 78.

2- مهرعلیزاده مهدی تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت‌الله خادمی، ص 83.

3- همان، تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان، ص 30.

گزارش عوامل امنیتی و انتظامی اصفهان در نیمه ی دوم سال 1342 حاکی از آن است که تقریباً اصفهان به مرکزی برای تهیه و توزیع اطلاعات در سراسر کشور علیه رژیم و حمایت از نهضت امام خمینی تبدیل شده بود. «فعال ترین گروه، گروهی بود که آیت الله حسین خادمی آن ها را سازمان داده بود. این گروه در مدرسه ی صدر بازار به صورت مخفیانه اقدام به نشر اعلانات می کردند تأمین مالی نیاز های این قبیل گروه های مخفی به عهده ی بازاری های مرتبط با آیت الله خادمی بود. (1)»

«پس از آزادی امام (ره) از زندان در پانزدهم فروردین 43 به منظور مطرح شدن محبوبیت امام راحل در قلوب مردم و ایجاد وحدت در میان انقلابیون و مبارزان و تمامی اقشار مردم و گسترانیدن سطح روابط مردم اصفهان با امام خمینی چندین مجلس جشن برگزار کردند و خودشان به همراه عده ای از مردم اصفهان و اعزام گروه های مردمی به قم برای دیدار با امام عازم قم شدند و امام طی سخنانی در جمع حاضر از مردم اصفهان تشکر و آیت الله خادمی را به عنوان نماینده ی خود به مردم معرفی کردند و از مردم اصفهان خواستند که از آیت الله خادمی قدردانی کنند. (2)» «شیوه ی رفتار کج دار و مریز آیت الله خادمی با رژیم موجب گردید در مهم ترین عرصه های مبارزه و جهاد مصدر خدمات مهمی به اسلام و انقلاب اسلامی باشد و از طرفی هیچ گونه سند و بهانه ی قابل اعتنایی به دست آن سازمان برای مانع تراشی در راه و روند انقلاب نمی داد. (3)» اقدامات آیت الله خادمی در خصوص حمایت از حضرت امام (رحمه الله) موجب خشم مضاعف ساواک شد. «ساواک در ابتدا تصمیم گرفت ایشان را دستگیر و به تهران اعزام کند ولی از ترس واکنش های مردمی و به منظور جلوگیری از اغتشاش و درگیری در اصفهان به ملاقات رؤسای شهربانی و ساواک در تاریخ 43/2/7 با ایشان بسنده کردند به رغم تذکرات شدیدالحن آنان

ص: 253

-
- 1- همان، تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت الله خادمی، ص 93.
 - 2- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات خادم، شریعت شرح مبارزات حضرت آیت الله خادمی ص 25.
 - 3- مهرعلیزاده مهدی تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت الله خادمی، ص 99.

و مراقبت بسیارشان هیچ گاه از فعالیت های خود دست بر نداشت و حتی در منابر و محافل علناً حضرت امام (رحمه الله) را دعا می کرد. (1)

یکی از مهم ترین تلاش های آیت الله خادمی و روحانیت اصفهان در چند ماهه ی بین آزادی امام تا تبعید، ایشان برگزاری راهپیمایی اعتراض آمیز در اصفهان به مناسبت اولین سالگرد قیام 15 خرداد و کشتار مردم مسلمان در شهر های مختلف بوده است. «اهمیت این اقدام روحانیون اصفهان، آن گاه روشن تر می شود که بدانیم که در کمتر شهری اقدام مشابه آن صورت گرفته است و اصفهان از معدود شهر هایی بود که توانست علی رغم کنترل های شدید دولت تحرک سیاسی قابل توجهی از خود نشان بدهد. (2)» حمله ی گسترده ی پلیس و حجم بالای فشار رژیم پهلوی به مردم و روحانیون اصفهان برای مهار امواج انقلاب اسلامی در سال 1343، آرام آرام موجب شد تا جامعه به سکوت و انفعالی ناخواسته سوق داده شود؛ چرا که این سخت گیری ها باعث می شد تا به تدریج ریزش هایی از رأس و سپس در بدنه ی برخی انقلابیون پدید آید و از میزان پایداری بکاهد. از این زمان به بعد اعتراض ها و جنبش های سیاسی اجتماعی عمومی در اصفهان کمتر حالت راهپیمایی و تظاهرات خیابانی گسترده داشت و بیشتر از طریق سازماندهی اعتراض و افشاگری علیه رژیم از طریق گویندگان مذهبی و برگزاری مجالس دینی- سیاسی محدود و صدور اطلاعیه های سیاسی پنهانی صورت می گرفت. از این پس آیت الله خادمی در کنار فعالیت های سیاسی به تلاش های فرهنگی پرداختند تألیف و چاپ کتاب های «رهبر سعادت» و «پرتوی از جمال انسانی» و حساسیت ساواک درباره ی انتشار آن ها از جمله فعالیت های این برهه ی انقلابیون در اصفهان بود. (3)

ص: 254

-
- 1- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات خادم شریعت شرح مبارزات حضرت آیت الله خادمی، 26.
 - 2- مهرعلیزاده مهدی تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان، ص 31.
 - 3- همان، تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت الله خادمی، ص 102 و 103.

پس از حادثه ی کاپیتولاسیون 1343 و اعتراض امام خمینی به آن و تبعید ایشان به ترکیه نخستین واکنش از سوی حوزه علمیه اصفهان به رهبری آیت الله خادمی نشان داده شد. با انتشار خبر روحانیان طی تصمیمی سراسری اعتصاب عمومی اعلام کردند و دستور دادند در مساجد نماز جماعت برگزار نشود و دروس مدارس علمیه ی اصفهان نیز به حالت تعطیل کامل در آمد. به دنبال این اقدام بازار اصفهان نیز به زودی تعطیل شد روحانیان اصفهان از مردم درخواست کردند تا در مسجد سید تجمع اعتراض آمیز داشته باشند و این خواسته از طریق انتشار اطلاعیه به آگاهی مردم رسید. «در گزارش های شهربانی و ساواک اصفهان از برخورد خشونت بار با تجمع مردم در مسجد سید یاد شده است (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی سند ش: ب 18 - 1199) (1)»

«پس از تبعید امام (ره) به ترکیه ارتباط آیت الله خادمی با حضرت امام قطع نشد و همواره با فرستادن افراد آگاه و مورد اعتماد به همراه نامه های سری به خدمت، ایشان امام (ره) را در جریان مسائل اصفهان قرار می داد و برای این که مکاتباتش از نظر ساواک پنهان نباشد به دستور مقدم مدیر کل اداره ی سوم نامه های ایشان تحت کنترل قرار می گرفت. (2)» آیت الله خادمی بعد از تبعید امام و ناکامی تلاش ها برای بازگرداندن ایشان از تبعید رابطه ی گرم و صمیمانه ی خود را با آیت الله میلانی گسترش داد آیت الله میلانی پس از تبعید امام تلاش می کرد فضای اعتراض به رژیم را زنده نگه دارد. در روز 22 اسفند 1343 طی تلگرافی به آیت الله خادمی اعلام کرد که امسال به واسطه ی نبودن امام خمینی عید نداریم و عید روحانیت را پس از لغو تبعید امام اعلام کرد. «رژیم پهلوی تلاش فراوانی به کار گرفت تا هماهنگی روحانیون کشور علیه رژیم و حمایت از امام خمینی را

ص: 255

1- همان ص 106 و 107.

2- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات خادم شریعت شرح مبارزات حضرت آیت الله سید حسین خادمی، ص 26.

انکار کند لذا به آقای خادمی اتهام نشر اکاذیب زده تا افکار عمومی را به انحراف بکشاند (1)»

«در سال 1344 با آن که ساواک مدرک قابل اعتنایی از ایشان نداشت ولی از فعالیت های آشکار و پنهان ایشان به ستوه آمده بود، لذا به منظور دستیابی به منبع اصلی پخش اعلامیه به ساواک احضار و منزل شان مورد بازرسی قرار گرفت و ایشان را به اتهام نشر اکاذیب به دادگاه فراخواند و در یک محاکمه ی فرمایشی آیت الله خادمی به 2 ماه حبس قابل خریداری محکوم و پس از پرداخت مبلغ تعیین شده مشمول منع پیگرد گردید. (2)»

اسناد ساواک در اوایل سال 1344 آیت الله خادمی را یک روحانی افراطی مخالف رژیم در اصفهان معرفی می کند و او را عامل تهیه و توزیع اطلاعیه های انقلابی علیه رژیم در منزل شخصی خود به نفع امام خمینی می داند. «امام خمینی در اواخر سال 1344 طی نام های خطاب به آیت الله خادمی اعمال مدیریت قوی ایشان بر حوزه ی علمیه را ستود ارسال چنین نامه ای از سوی امام خمینی و تأیید مراتب علمی و تقوای سیاسی و مؤثر بودن ایشان در مدیریت حوزه های علمیه و امور سیاسی منطقه ای اصفهان، حکایت از منزلت ایشان نزد امام خمینی در آن ایام دارد. (3)»

در اواسط اردیبهشت 1344 با صراحت خواستار لغو تبعید امام و بازگشت ایشان به کشور شد تغییر محل تبعید امام از ترکیه به عراق و ورود ایشان به نجف اشرف پیروزی بزرگی برای نهضت محسوب می شد «آیت الله خادمی بارها از سفر به حجاز و عراق برای انجام حج و زیارت عتبات صرفاً به خاطر نگرانی

ص: 256

1- مهرعلیزاده، مهدی تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان، ص 32.

2- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات خادم شریعت شرح مبارزات حضرت آیت الله سید حسین خادمی، ص 26.

3- مهرعلیزاده مهدی تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت الله خادمی، ص 115.

ساواک از ملاقات ایشان با حضرت امام (رحمه الله) محروم شدند. (1)»

نحوه ی برخورد ساواک با آیت الله خادمی ماهیت های متفاوتی داشت:

«الف) تلاش ساواک در زمینه ی اعمال روابط اداری و کاری توأم با سازش و ملایمت با آیت الله خادمی با هدف جلب اعتماد و فریب برخی افراد برای رسوخ روحانیان به منظور کسب اطلاعات هر چه بیشتر فعالیت های سیاسی ایشان و هم فکراش و جلوگیری از اقدامات سیاسی وی یا هدایت کردن آن ها در جهت مورد نظر خود، که البته با وجود تذکرات ظاهراً دل سوزانه و کنترل نامحسوس ارتباط های آیت الله خادمی موفق به مهار اقدامات اصلاحی و انقلابی ایشان نگردیدند.

ب) شیوه ی دیگر رژیم به کارگیری حربه ی ترور شخصیت علمی و سیاسی آیت الله خادمی بوده است. این بخش از اقدامات ساواک با هدف کوچک و کم اثر نمایاندن تلاش های سیاسی ایشان و مبارزه ی مستقیم با نفوذ و پایگاه قوی و محکم وی در روابط با مردم صورت گرفت مثلاً این که ایشان را به دلیل دخالت در مسائل سیاسی، روحانی نما معرفی کرده و یا فعالیت های سیاسی ایشان را «شیطنت» دانسته است.

ج) رایج ترین شیوه ی رفتار ساواک برخورد علنی با ایشان بوده است. ساواک که از طریق اتخاذ روش ملایم و ممانعت نتوانست به هدف خود برسد، به اتخاذ شیوه ی خشونت و تهدید و ارعاب و محاکمه و تبعید یاران ایشان و دستور صریح به دستگیری آیت الله خادمی توسل جست. (2)»

آیت الله حسینعلی منتظری:

آیت الله حسینعلی منتظری در سال 1301 ش در شهر نجف آباد در خانواده ای کشاورز به دنیا آمد از سن 7-6 سالگی آموختن مقدمات عربی و سایر مسائل

ص: 257

1- همان تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان، ص 32.

2- مهر علیزاده مهدی تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت الله خادمی، ص 42 و 43.

اسلامی را نزد پدرش آغاز کرد و در همان هنگام به فراگیری درس فارسی در تنها مدرسه ی ملی نجف آباد به مدیریت مرحوم حجت الاسلام ملا حسینعلی مسجدی معروف به مدیر پرداخت البته در آن مدرسه چند ماهی بیشتر نماند و تا 11 سالگی نزد پدر و چند نفر دیگر خواندن صرف و نحو عربی را ادامه داد.

در آن موقع به تشویق و ترغیب آقای حاج شیخ احمد ریاضی به قم رفت و در آن جا بعضی کتب مقدماتی را خواند. پس از ترک قم به نجف آباد بازگشت. در سن 15 سالگی به حوزه ی علمیه اصفهان وارد شد و به دلیل استعدادی که داشت به زودی در ردیف بهترین شاگردان حوزه علمیه اصفهان قرار گرفت گفته شده بسیاری از کتب فقهی و فلسفی را بدون دیدن استاد خوانده و خود استاد آن دروس شده است در ادامه جهت رشد فکری و بارور کردن اندیشه ی خود به مرکز علمی و دانشگاه بزرگ شیعه حوزه ی علمیه ی قم رخت سفر بست تا بتواند در پیشگاه اساتیدی بزرگ از استعداد خود در کمال مطلوب جهت فراگیری و گسترش باور ها و ره آورد های اسلام و شناخت و شناساندن بنیانگزاران و رهروان اسلام استفاده کند.

در بدو ورودش به قم با اندیشمند فرزانه استاد شهید مرتضی مطهری آشنا شد و این دو در کنار یکدیگر برای سازندگی خود و جامعه جهاد بزرگ را آغاز کرده و فعالیت های علمی خود را روز به روز گسترش دادند این آشنایی ارزشمند موجد 11-12 سال مصاحبت و مباحثه پر برکت و سال های متمادی، دوستی و همراهی در گسترش فرهنگ اسلامی و ایجاد انقلاب اسلام گردید منتظری و مطهری در درس های ، رسائل مکاسب کفایه ی اساتید بزرگ آن زمان هم چون مرحوم آیت الله سید محمد داماد و به خصوص امام خمینی شرکت می کردند. او در قم از شاگردان پر کار مرحوم آیت الله العظمی حاج سید حسین طباطبایی بروجردی بود. پس از فوت مرحوم حاج شیخ ابراهیم ریاضی در نجف آباد، مرحوم آیت الله بروجردی منتظری را برای راهنمایی مردم نجف آباد انتخاب کرد.

آیت الله بروجردی به شاگردان و طلبه های جوانش پیرامون استفاده از دانش و آگاهی های فقهی آیت الله منتظری سفارش های زیادی کرده و به آنان توصیه کرد که او را از دست ندهند؛ چرا که آینده ی علمی و اجتماعی آیت الله منتظری را روشن و امیدوار کننده برای اسلام و مسلمین می دید.

وی غیر از استفاده ی علمی از محضر آیت الله بروجردی یکی از شاگردان نمونه ی امام خمینی بود آیت الله منتظری در هر زمانی و هر مکانی، امام خمینی را شجاعانه و صادقانه در مقام رهبری امت و جایگاه مرجعیت عامه به ملت ایران و شیعیان جهان معرفی می کرد در نماز جمعه های سال های 52-50 نجف آباد مردم را به پیروی و شناخت و دنباله روی آن «زعیم بزرگ» و آن «عالم مجاهد» فرا خواند.

دعوت نامه هایی خطاب به گروه ها و افراد مختلف آیت الله منتظری برای پیروی از امام خمینی در زمانی که حکومت وقت جهت مخدوش کردن و کم اهمیت دادن به شخصیت والای امام خمینی و بیرون راندن معظم له از میدان مبارزه و فعالیت و انصراف مردم از متابعت ایشان فعالیت گسترده ای را آغاز کرده بود، منتشر گردید. از زمانی که امام خمینی مبارزه علیه رژیم ستم شاهی را آغاز کردند آیت الله منتظری همواره همراه و در پشت سر ایشان حرکت می کرد و در جریان قیام 15 خرداد 42 همه جا فریاد خویش را به طرفداری از این تجسم اسلام راستین و دستاورد پاک تشیع بلند می کرد امام خمینی در زمان تبعید خود آیت الله منتظری را به عنوان یکی از نمایندگان خویش در ایران منصوب کردند. آیت الله منتظری در آغاز اوج گیری مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی در نیمه ی دوم سال 1341 شمسی با کوشش و جدیت تمام همراه امام خمینی وارد مبارزه شد و با نهایت ایمان و علاقه به رهبر انقلاب و امید به پیروزی مردم را جهت تداوم بخشیدن به مبارزاتشان رهکرد بود. آن گاه که امام خمینی در زندان به سر می بردند، عده ای از علمای شهر های مختلف ایران به نمایندگی از همشهریان خود به تهران

مهاجرت کرده که در تهران اعتراض ملت ایران نسبت به دستگیری پیشوای عظیم الشان شدت ببخشند. آیت الله منتظری به نمایندگی از مردم نجف آباد به تهران مهاجرت کرد.

از این رو دستگیر و مدتی در زندان به سر برد. در سال 43 مخفیانه عازم عراق شد و برای بررسی اوضاع ایران و برنامه های انقلاب اسلامی ایران در پیشگاه رهبر انقلاب امام خمینی به نجف اشرف رفت پس از بازگشت به وطن این ارتباط برای رژیم خوشایند ننمود پس وی را دستگیر و به زندان قزل قلعه ی تهران منتقل کردند و او را به مدت 5 ماه در این زندان مورد آزار و اذیت قرار دادند و چون دلیلی بر محکومیت وی نیافتند او را از زندان آزاد کردند.

مدتی از آزادی آیت الله منتظری نگذشته بود که او را به مسجد سلیمان تبعید کردند. به عبارتی ایشان جزء اولین تبعید شدگان حوزه ی علمیه ی قم پس از تبعید امام خمینی از ایران بود در مسجد سلیمان سخت زیر نظر سازمان امنیت و عاملان انتظامی آن شهر روز گذراند و افراد زیادی که از شهر های اطراف به دیدن او، آمدند مورد تعقیب و تهدید ساواک قرار گرفتند.

پس از پایان دوره ی تبعید و بازگشت به قم به بعضی از علماء و مقامات روحانی تهران، اصفهان و نجف آباد اجازه ی ملاقات با ایشان داده شد.

از جمله اتهامات آیت الله منتظری تشکیل سازمان یا گروهی مخالف رژیم پهلوی بود که به همراه عده ای از علمای دیگر انجام گرفته است؛ زیرا مدارک ساواک حاکی از یک سازمان تشکیلاتی بود از این رو ساواک وی را به اقامت در نجف آباد مجبور کرد.

مردم نجف آباد از طریق نماز های جمعه ی برگزار شده در همین سال ها، با ولایت فقیه با حکومت اسلامی با گستردگی و شعاع وسیع امر به معروف و نهی از منکر با فساد دستگاه جبار پهلوی با مضرات برگزاری جشن های ننگین 2500 ساله با شیوه های مبارزه علیه طاغوت با سرنوشت و سرگذشت مسلمانان جهان

و جنبش های رهایی، بخش به ویژه ملت فلسطین و چگونگی عملکرد آمریکا و صهیونیسم در دولت ها و حکومت ها و بازار های ممالک اسلامی، به خصوص در ایران آشنا شدند.

در اقدامی دیگر دولت تلاش کرد نماز جمعه ای در مسجد بازار نجف آباد به امامت سیدی از وابستگان آیت الله منتظری برپا کند و با ارسال کارت های دعوت برای فرهنگیان کارمندان ادارات و کسان دیگر آن ها را به اقامه ی نماز جمعه در مسجد بازار فراخواندند. اما کوشش ساواک و اوقاف با شکست مواجه شد و مردم برای اقامه ی نماز جمعه به امامت آیت الله منتظری در مسجد جامع جمع شدند. پس از مدتی کتاب شهید جاوید پیرامون قیام شکوهمند امام حسین (علیه السلام) مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی به قلم حجت الاسلام حاج شیخ نعمت الله صالحی نجف آبادی منتشر شد مخالفان این کتاب ادعا داشتند شهید جاوید مسئله ی علم امام حسین (علیه السلام) را منکر شده بدین ترتیب بحث و جدل های بی ارزش و تفرقه اندازی آغاز شد که در اثر آن روحانیان حوزه علمیه به دو گروه طرفدار شهید جاوید و مخالف شهید جاوید تبدیل شدند و رژیم از این تفرقه برای پیشبرد اهداف نامقدس خود استفاده کرد عوامل ساواک به طور ناشناسی اعلامیه هایی در سطح شهر نجف آباد منتشر می کردند که آیت الله منتظری را حامی و معرف بی دینان و زندیقان و وهابیان معرفی کنند توطئه ی بد نام کردن آیت الله منتظری از طریق کوبیدن شهید جاوید ادامه یافت تا در جریان قتل مرموز آیت الله ابوالحسن شمس آبادی اصفهانی به اوج خود رسید و آن را به تبلیغات وسیعی که علیه جوانان مبارزان منطقه آغاز شده بود متصل کردند برنامه ای که به عنوان «هدفی ها» مشهور شد و وسیله ی خوبی برای رژیم به جهت اختلاف افکنی بین مسلمانان و نابودی روشن فکران مسلمان گردید. پس از پیروزی انقلاب مدارکی از ساواک به دست آمد که نشان می دهد در جریان شهید جاوید ساواک چگونه نقش بازی می کرده است.

در گرما گرم تابستان 1352 شمسی ایشان به قم رفت و از آن جا به طبرس تبعید

شد و در اواسط تابستان 1353 با تبعید مجدد ایشان به شهرستان خلخال فرستاده شدند. در خلخال تحت نظارت و مراقبت شدید نیروهای امنیتی قرار داشت؛ به طوری که مقابل منزل مسکونی وی اتاقی در طبقه ی بالا به زور از طرف شهربانی اجاره کرده و در اختیار یک زن مأمور قرار داده بودند که امور جاری و رفت و آمدهای محل سکونت آیت الله را کنترل کرده و گزارش دهد در پی تصمیم جدید، در زمستان سال 1353 ش، او را از خلخال به کردستان شهر سقز تبعید کرد. آیت الله منتظری در شهر سقز آخرین دوران تبعیدی خویش را گذراند در تیر ماه 1354 شمسی در سقز دستگیر و روانه ی زندان شد.

در زندان کراراً به او می گفتند که به شرط پرداختن صرف به درس و بحث آزدش می کنند اما او نپذیرفت و صادقانه با بدنی ضعیف و کسالت روحی در زندان استقامت و ایستادگی کرد علت رفتن از سقز به زندان این بود که در سال 1354 علما و طلاب علوم دینی در مدرسه فیضیه ی قم تظاهراتی برپا کردند و مأموران عده ی زیادی از علما و طلاب را به زندان انداختند. در این موقع مرحوم منتظری در سقز در تبعید به سر می برد و ماجرا از طریق روزنامه ها پی می گرفت. مأموران دست نوشته ای پیدا کردند که در آن آمده بود، آیت الله منتظری به خانواده ی علمای تبعیدی و زندانی کمک مالی می دهد بر مبنای همین یادداشت ایشان از تبعیدگاه به زندان منتقل و شکنجه شد تا این که با پیروزی انقلاب اسلامی اوضاع تغییر کرد که بحث جداگانه ای را می طلبد. (1)

آیت الله سید محمد رضا خراسانی:

آیت الله سید محمد رضا خراسانی از علمای بزرگ اصفهان در 25 ذی الحجه سال 1311 ق در خانواده ای روحانی و متدین دیده به جهان گشود از دوران کودکی زیر نظر پدرش که از روحانیان سرشناس بود و تعدادی دیگر از اساتید حوزه ی

ص: 262

1- رجوع شود به ایزدی، محمد، 1359، گذری بر زندگی و اندیشه های فقیه عالی قدر آیت الله منتظری انتشارات نهضت زنان مسلمان.

«نام برخی از اساتید او از سطوح گرفته تا خارج، اعم از علوم عقلی و نقلی عبارت اند از: حاج آقا رحیم ارباب، شیخ علی مدرس یزدی، حاج سید مرتضی خراسانی، سید احمد اصفهانی مدرس، ملا حسینعلی صدیقین، سید محمد باقر درچه ای، سید محمد مهدی درچه ای، سید ابوالقاسم دهکردی، میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی و.... (1)» با جدیتی که وی در کسب علوم دینی از خود نشان داد موفق شد در سنین جوانی در حالی که فقط سی و چند سال داشت به مقام اجتهاد برسد و از سوی اساتیدش و برخی از مراجع و علمای قم و نجف این مسئله تأیید شد.

«نام هشت تن از مشایخ اجازه اجتهاد وی عبارت اند از: حاج شیخ عبدالکریم گزی در تاریخ 1333 ق، حاج شیخ محمد حسین فشارکی در تاریخ 1335 ق و هم چنین در تاریخ 1347 ق، آقا سید محمد باقر درچه ای در تاریخ 1342 ق، میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی در قبل از 1348 ق، آقا ضیاء الدین عراقی در تاریخ 1347 ق، آقا سید ابو الحسن اصفهانی قبل از 1365 ق، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بعد از تاریخ 1347 و آقا سید محمد رضا رضوی خوانساری در تاریخ 1339 ق. (2)» آیت الله خراسانی با تدریس در حوزه علمی اصفهان علاوه بر نقش بزرگی که در تربیت بسیاری از علمای شیعه داشت به رونق و گسترش حوزه علمی این شهر کمک شایان کرد و از این طریق در برابر حکومت پهلوی اول که همواره سعی در تضعیف روحانیان و حوزه های علمی داشت ایستادگی کرد.

«یکی از نقشه های مرموزانه حکومت پهلوی اول که اقدام به برداشتن

ص: 263

-
- 1- جابر، انصاری میرزا حسن خان (1378)؛ تاریخ، اصفهان، اصفهان انتشارات جمشید مظاهری، ص 341.
 - 2- منتظر القائم، اصغر، (1391)، دانشنامه ی تخت فولاد، اصفهان، ج 2، انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان ص 17.

عمامه ها و خلع لباس روحانیت کرده و علما و طلاب را در فشار و اختناق قرار داده بود این بود که مدرسه صدر اصفهان را که از مراکز مهم علمی جهان تشیع به شمار می رفت ویران کند هر چند حاج می رسید علی نجف آبادی همتی مردانه کرد و در اسرع وقت خبر را به حاج سید ابوالحسن اصفهانی رساند و از این اقدام هولناک جلوگیری به عمل آمد اما فشار و زور در دوره های مختلف ادامه داشت و هر روز طلاب و ساکنان مدرسه ی صدر را تهدید و مجبور به تخلیه ی آن می کردند. آیت الله خراسانی که خود از تبت شدگان این مرکز علمی بود و علاقه ی وافری به حفظ آن داشت هیچ گاه مدرسه را رها نکرد و به مأمورانی که قصد خارج کردن طلاب از مدرسه را داشتند فرموده بود «تا زمانی که جسد مرا به زور از مدرسه بیرون نیندازند مدرسه را رها نخواهم کرد». هم چنین دو تن از مدرسان مدرسه صدرا همراه با نامه هایی از خود و دیگر شخصیت های برجسته ی شهر به تهران فرستاد و سرانجام نامه ای به دست خراسانی رسید مبنی بر این که فعلاً برای تخریب مدرسه ی صدر تصمیمی گرفته نشده است. (1)» آیت الله خراسانی در راستای توسعه و رونق بخشیدن به حوزه ی علمیه اصفهان از کلیه ی علما و دانشمندان اصفهانی دعوت به تدریس در حوزه علمیه اصفهان کرد.

«علاوه بر این که خود به تدریس خارج اصول فقه در مدرسه چهارباغ همت گمارد از اساتید نامداری مانند سید علی اصغر مدرس برزانی در تدریس کفایه، شیخ احمد فیاض در تدریس فقه، حاج میرزا علی آقا شیرازی در تدریس اخلاق و نهج البلاغه، میرزا حیدر علی خان برومند در تدریس کفایه، شیخ محمود مفید در تدریس اسفار و برخی از علمای دیگر برای تدریس دروس مختلف دعوت به عمل آورد. (2)» از دیگر اقدامات وی جهت ارتقای حوزه های علمیه اصفهان مرمت

ص: 264

-
- 1- موحد ابطحی سید حجت (1365)؛ آشنایی با حوزه های علمیه ی شیعه در طول تاریخ جلد اول و دوم، اصفهان انتشارات حوزه علمیه ی ، اصفهان، ص 316.
 - 2- منتظر القائم، اصغر؛ دانشنامه ی تخت فولاد اصفهان، ص 172.

مدارس و حوزه های علمیه ی این شهر بود که از قدمت بالایی برخوردار بودند.

«آیت الله خراسانی مدرسه صدر بازار را از معرض خطر اشغال و تخریب یا سوء استفاده از چنگال حکومت وقت نجات داد هم چنین مدرسه چهارباغ که پیشتر به مدرسه ی سلطانی و اکنون به مدرسه امام صادق معروف است را که تحت نظر باستان شناسی و اداره اوقاف در آمده و خالی از طلاب علوم دینی شده بود از طریق مذاکره با دولت و تدبیر عالمانه به تصرف و مدیریت خود در آورد و اقدام به اسکان طلاب فاضل در آن جا کرد و از محل موقوفات مدرسه شهریه ی آن ها را می پرداخت. تعمیر اساسی و احیای مدرسه ی عربان واقع در محله ی حسن آباد از دیگر اقدامات شایسته ی ایشان بود. (1)»

آیت الله خراسانی هم چنین تألیفات زیادی در زمینه های فقه، اصول، کلام و رجال از خود به یادگار گذاشت این آثار عبارت اند: «1- تقریرات فقه اساتید خود، 2- تقریرات اصول اساتید خود 3- رساله ی فقهی در مسائل قصه و اتمام نماز 4- رساله ی فقهی در شکوک نماز 5- حاشیه بر فرائد شیخ انصاری 6- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری 7- رساله ی کلامی پیرامون اصول اعتقادات 8- متمم یا حوشی بر تذکره القبور آخوند گزی (2)». آیت الله خراسانی سرانجام در 26 تیرماه 1356 ش برابر با 29 رجب 1397 ق در اثر سکته ی قلبی در سن 86 سالگی دارفانی را وداع گفت و در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

حجت الاسلام حاج شیخ غلامرضا فیروزیان:

یکی از روحانیان و وعاظ مذهبی فعال در عرصه ی انقلاب اسلامی حجت الاسلام حاج غلامرضا فیروزیان داماد آیت الله شیخ عباس علی اسلامی مؤسس مدارس اسلامی می باشد که بیش از شصت سال در عرصه های مختلف سیاسی فرهنگی و مذهبی فعالیت داشته و از طرف آیت الله بروجردی و آیت الله

ص: 265

1- جابری، انصاری، میرزا حسن خان تاریخ، اصفهان، ص 221.

2- منتظر القائم، اصغر دانشنامه ی تخت فولاد اصفهان 174.

کاشانی به مأموریت هایی اعزام شده است.

حجت الاسلام حاج شیخ غلامرضا فیروزیان در سال 1298 ه.ش در خانواده ای متوسط و مذهبی در جنوب تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در تهران سپری کرد پدرش در شکل گیری شخصیت مذهبی وی و برادرانش نقش مهمی داشت. بعد از شهریور 1320 و تبعید رضاشاه از ایران در مدرسه مشیر السلطنه ی تهران نزد آیت الله شیخ ابوجعفر کرمانی به تحصیل علوم دینی پرداخت همزمان در جلسات مذهبی ای که در محل سکونت خود تشکیل می داد شرکت می کرد و این جلسات مذهبی زمینه ی آشنایی ایشان با آیت الله اسلامی گردید و به دامادی وی انجامید.

مدتی در قم نیز به تحصیل پرداخت لیکن با توجه به فعالیت های پدر خانم خود و علاقه ای که به منبر داشت به وعظ و خطابه روی آورد ضمن آن که در فعالیت های فرهنگی مذهبی تلاش های ذی قیمتی انجام داد. آشنایی با شهید نواب صفوی و خاطراتش از وی حکایت از تأثیر شگرف شهید نواب صفوی بر ایشان دارد پس از شهادت نواب صفوی فعالیت عمده ی فیروزیان در جامعه ی تبلیغات اسلامی اصفهان متمرکز گردید ضمن این که در این دوره در شهر انزلی و نقاط دیگر باقیات صالحاتی از خود بر جای گذاشته است. کتاب راهنمای سعادت تألیف آیت الله خادمی، وی را از سبزواری به اصفهان کشاند. ارتباط نزدیک و ارادت به آیت الله خادمی بخش مهم حیات سیاسی و اجتماعی فیروزیان را در بر می گیرد. آیت الله خادمی از علمای مجاهد و مبارز ایران اسلامی و از دوستان قدیمی حضرت امام و سکان دار حوزه ی علمیه ی کهن سال اصفهان، رهبر و پیشگام جریان اصیل اسلامی در اصفهان بود و بر همین اساس بخش عمده ای از فعالیت های فیروزیان در ارتباط با مبارزات ایشان است فیروزیان در جلسات هفتگی و غیر هفتگی علما و وعاظ که در منزل آیت الله خادمی برگزار می شد حضور دائمی داشت.

ص: 266

در اصفهان در پی درخواست علما جهت تأسیس مدارس اسلامی در، اصفهان، آیت الله اسلامی، داماد خویش فیروزیان را نماینده ی خود در تشکیل مدارس اسلامی در اصفهان معرفی کرد و از این پس فعالیت های فرهنگی وی گسترش یافت بعد از مدتی به دستور آیت الله بروجردی راهی کرمان شد. در کرمان علاوه بر دایر کردن روزنامه ی پیام حق مبارزات دامنه داری علیه فرقه های منحرف و خوانین ظالم آن سامان شروع کرد، ضمن این که در فعالیت های سیاسی و انتخابات مجلس شورای ملی هم حضور مؤثری داشت. در همین ایام به واسطه ی مخالفت هایی که با خوانین می کرد به بندرعباس تبعید شد. سفر به جزیره ی قشم و آشنایی با وضعیت نابسامان شیعیان آن منطقه موجب تداوم رفت و آمد و فعالیت های اجتماعی و مذهبی ایشان در قشم شد (1).

در آستانه ی نخست وزیری دکتر مصدق در سال 1330 از طرف آیت الله کاشانی مأموریت مهمی جهت تنویر افکار مردم کردستان یافت. انگلیسی ها برای جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت تحریکاتی در مناطق مرزی ایران به ویژه در کردستان به راه انداخته بودند که با دور اندیشی آیت الله کاشانی و سخنرانی های فیروزیان ناکام ماند در همان سال وی مأموریت های دیگری از طرف آیت الله کاشانی به آذربایجان و خوزستان هم داشت در سی ام تیر 1331 (به اتهام تحریک اهالی به بستن بازار و مغازه ها و تظاهرات علیه نخست وزیر وقت (قوام) و اهانت به مأمورین کلانتری) در اصفهان دستگیر و به دستور استاندار از اصفهان تبعید شد. در سال 1332 بعد از کودتای 28 مرداد به همراه آیت الله اسلامی تحت پیگرد قرار گرفت و فرماندار نظامی تهران دستور دستگیری ایشان را به شهربانی کل

ص: 267

1- نیکبخت، رحیم 1390 خاطرات و اسناد حجت الاسلام حاج شیخ غلامرضا فیروزیان مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران، ص 20.

کشور صادر کرد (1). با شروع نهضت اسلامی به رهبری مراجع و در رأس آن‌ها امام خمینی (ره)، حجت الاسلام فیروزیان به طرفداری از نهضت اسلامی فعالیت‌های چشمگیری کرد که از دید ساواک مخفی نماند. بر همین اساس طبق اسناد بر جای مانده از ساواک رفت و آمد به منزل فیروزیان تحت مراقبت قرار داشته است. علما و وعاظ اصفهان در پی کشتار مردم تهران در 15 خرداد و دستگیری امام (ره) و آیات محلاتی و حتمی جلساتی ترتیب داده و اعلامیه‌ای منتشر کردند که نام فیروزیان هم در میان ایشان است. بر اساس همین فعالیت‌ها بود که در 1343/3/19 به اتهام تشویق مردم علیه امنیت داخلی و تعطیل کردن بازار و اظهارات خلاف مصالح عالی‌یه ی مملکت دستگیر و پس از مدتی آزاد و سپس مدتی ممنوع المنبر شد.

شهریانی از اداره کل فرهنگ اصفهان وضعیت حقوقی و سوابق خدمتی وی و چند نفر دیگر را استعلام کرد که در جایی از برگ تعرفه و بیوگرافی ایشان آمده:

«نام برده شخصی است عوام فریب و برای به دست آوردن عنوان تلاش فراوان می‌کند و چون از طرفداران جدی آقای خمینی می‌باشد، در سال گذشته یکی از محرکین مردم به تعطیل بازار و دکاکین بوده است که در مجالس روضه خوانی روی منبر، اظهارات خلاف مصالح کشور کرد و مردم را بر علیه امنیت داخلی تحریک و تشویق می‌کرد که اظهارات او در دو نوبت در تاریخ‌های 1342/2/31 و 1342/3/1 [منعکس و] پرونده بر علیه او تشکیل و ضمن معرفی خود نام برده به ساواک اصفهان تحویل شده است.»

با دستگیری و تبعید امام خمینی از ایران دوره‌ی جدیدی از فعالیت‌های مبارزاتی با رویکرد فرهنگی آغاز شد که در اصفهان حجت الاسلام فیروزیان به عنوان بازوی پر توان آیت الله خادمی فعالیت بسیاری داشت تا جایی که در سال 1346 نام وی توسط ساواک جزء روحانیان ممنوع المنبر اعلام شده است.

ص: 268

در مبارزاتی که برای جلوگیری از تأسیس مدارس مختلط جلوگیری از تولید فیلم های مبتذل در مسجد شاه اصفهان، مقابله با طرح مسائل خلاف شرعی جلوگیری از تدریس مسائل جنسی در مدارس و جلوگیری از اجرای تئاتر در ماه مبارک رمضان در اصفهان (که بین سال های 1346 تا 1355 انجام گرفت) فعالیت گسترده ای کرد نامه هایی که به مراجع و علما نگاشته و به امضای هیئت علمیه ی اصفهان ارسال می شد به خط و انشای فیروزیان بود. او خود این نامه ها را به نزد علما و مراجع در شهرستان ها می برد و جواب می گرفت و بعد به صورت اعلامیه هایی منتشر می کرد (1). او تا پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت های دامنه دار خود را ادامه داد.

حجت الاسلام قربانعلی دری نجف آبادی:

حجت الاسلام قربان علی دری نجف آبادی در آبان 1324 در شهرستان نجف آباد در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه ی مرحوم ریاضی این شهر به پایان رسانید و در 14 سالگی به واسطه ی علاقه و اشتیاق به علوم دینی به حوزه ی علمیه ی این شهر رفت و از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی، حاج شیخ غلام حسین منصور، حاج سید محمود مدرس بهره برد. دو سال بعد به حوزه ی علمیه ی قم رفت و تحصیلات خود را زیر نظر اساتید این حوزه از جمله آیت الله حاج شیخ غلام رضا صلواتی، حاج شیخ حسین شب زنده دار ابراهیم امینی آیت الله سید علی بهبهانی، علامه طباطبایی، شهید مطهری و... ادامه داد.

وی پس از رحلت مرحوم آیت الله سید عبد الهادی شیرازی جزء اولین پیروان و مقلدان امام خمینی شد و جهت ترویج و تبلیغ افکار وی مانند دیگر پیروان ایشان در صحنه ی حوزه و جامعه حضوری فعال داشته و به علت فعالیت های سیاسی

ص: 269

1- نیکبخت، رحیم، 1390 خاطرات و اسناد حجت الاسلام حاج شیخ غلام رضا فیروزیان مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران.

و افشاگری علیه حکومت پهلوی چندین بار توسط شهربانی احضار شد و تحت تعقیب قرار گرفت. دری نجف آبادی هم چنین از سال 1342 ش، در ایام ماه محرم و ماه مبارک رمضان و نیز دیگر ایام تبلیغی با سفر به نقاط مختلف کشور به سخنرانی و تبلیغ دین می پرداخت و در ارشاد و هدایت و تبلیغ و ترویج شریعت و مبارزه علیه رژیم طاغوت و بیان افکار امام خمینی فعالیت می کرد. در دوران مبارزه برای سرنگونی حکومت پهلوی و ایام پیروزی انقلاب اسلامی با سفر به شهر های مختلف کشور و انجام سخنرانی عموم مردم را به مبارزه برای نابودی حکومت پهلوی و تشکیل حکومت اسلامی دعوت کرد سخنرانی های وی در میان مبارزان بسیار مؤثر واقع می شد (1). او فعالیت های پرشور خود را در راه مبارزات مردمی تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داد.

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد احمدی:

شناخت زندگانی عالمانی که رسالت خود را نه صرفاً در کسب دانش و مباحث فقهی، کلامی و اصولی می دانستند بلکه در کنار این همه توجه و نگاهی هم به تحولات اجتماعی و سیاسی داشته و در کنار مردم در دفاع از کیان اسلام و مردم مسلمان و مقابله و قیام علیه بدعت ها و ظلم ها به پا می خواستند و مصداق این حدیث نبوی بودند که «چون بدعت ها در امت من پدید آمد، بر عالم است که علم خود را آشکار کند پس هر که چنین نکند لعنت خدا بر او باد.»

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد احمدی فروشانی یکی از مصداق این گونه عالمان هستند بزرگ مردی که عمر پربار خود را صرف مبارزه با رژیم ستم شاهی کرد و در دشوار ترین شرایط به آگاه سازی نسل جوان پرداخت و ضمن مبارزه و مجاهده با رژیم و تحمل زندان ها و تبعید به تلاش های علمی خود تا بالاترین سطح در حوزه ادامه داد.

ص: 270

1- رجوع شود به کتاب زندگی و خاطرات حجت الاسلام دری نجف آبادی به کوشش مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سید محمد احمدی فرزند سید مصطفی در سال 1313 ش، در خانواده ای روحانی از سلسله سادات موسوی در سده (خمینی شهر) دیده به جهان گشود. دوران رشد و بالندگی ایشان با اوج گیری حکومت دیکتاتوری رضاخان همراه بود. سید محمد احمدی دوران تحصیل ابتدایی را در خمینی شهر گذارند و سپس در سال 1325 ش در 12 سالگی وارد حوزه علمیه اصفهان شد همزمان با تحصیلات حوزوی آشنایی با علوم جدید و تحصیلات دانشگاهی را نیز مدنظر قرار داد و در سال 1336 ش موفق به دریافت دیپلم مدرسی از دانشکده ی معقول و منقول دانشگاه تهران گردید از تألیفات ایشان می توان به تقریرات درس خارج فقه و اصول شرح نهج البلاغه رساله ای به زبان عربی در باب اهمیت نماز جمعه و وظایف ائمه جمعه و منظومه ای در صرف اشاره کرد مجموعه ای ادبی نیز به خط آن مرحوم بر جای مانده است که سروده ی خود را نیز در زمینه های اخلاقی و مواعظ در قالب دوبیتی و غزل لا به لای آن آورده است بسیاری از مراجع بزرگ مانند آیات عظام شاهرودی خویی شیرازی امام خمینی و نیز اکثر مراجع فعلی با تحلیل از مقام علمی و دینی حجت الاسلام و المسلمین، احمدی به ایشان در تصدی امور حسیبه اجازه ی کتبی رسمی داده بودند.

فعالیت های سیاسی

حجت الاسلام و المسلمین احمدی از هجده سالگی عملاً پا به عرصه ی مبارزات سیاسی نهاد. در جریان قیام سی تیر 1331 با رهبری آیت الله کاشانی به سقوط دولت احمد قوام و روی کار آمدن مجدد دکتر مصدق انجامید. روحانیان و مردم به مدت سه روز در اعتراض به کشتار مردم و حکومت نظامی در تلگراف خانه ی اصفهان متحصن می شوند که ایشان هم در این تحصن شرکت فعال داشته است. در این جریان وقتی عمال شاه مأمور می شوند متحصنین را به هر ترتیبی شده متفرق کنند، یکی از آنان با سرنیزه سینه ی مرحوم احمدی را نشانه می گیرد و به ایشان حمله می کند و عبای شان را تکه تکه می کند. مرحوم آیت الله

سید محمد رضا خراسانی وقتی این ماجرا را می شنوند از مقاومت و بی باکی این طلبه جوان تجلیل کرده و هدیه ای برای ایشان می فرستند بدینسان مرحوم احمدی در دوره ی مبارزات ملی شدن صنعت نفت و پس از آن در صحنه بود به دنبال تصویب قانون انجمن های ایالتی و ولایتی در مهر ماه 1341 تلگراف اعتراضیه ای خطاب به آیت الله بهبهانی ارسال کرد: «شخصی به نام احمدی در اصفهان تلگرافی مشتمل بر 130 امضا به عنوان آیت الله بهبهانی به اداره ی پست و تلگراف اصفهان تسلیم و از مشارالیه تقاضا کرده که از پیشگاه اعلی حضرت همایون شاهنشاه استدعا شود چون ورود نسوان در انجمن ها مخالف دین مبین اسلام است حذف شود، گفته می شود منظور نام برده انجمن های ایالتی و ولایتی بوده است.»

پس از ارسال نامه ی امام به شهرستان ها مبنی بر اعلام عزای عمومی در عید نوروز سال 43 و صدور اعلامیه ی معروف «شاه دوستی یعنی غارت گری» از سوی ایشان در واکنش به حادثه ی هجوم به مدرسه فیضیه حجت الاسلام و المسلمین احمدی اعلامیه ها را تهیه و به علت نبودن امکانات تکثیر، اقدام به رونویسی از روی اعلامیه ها می کرد و خود شخصاً در سطح شهر پخش می کرد. او در جریان این فعالیت دستگیری شد. پاسگاه همایونشهر اظهار نظر کرده: «اعلامیه هایی که به خط دستی در مسجد فروشان به دست آمده با خط این طلبه ها مطابقت دارد که در این مورد از نام برده بازجویی شده و او صریحاً اعتراف کرده که آن را با خط خود نوشته. ضمناً این شخص عامل اصلی ارتباط با مراجع است که این گونه اعلامیه ها را انتشار می دهند و خودش هم اعلامیه ها را با خط خود می نویسد و انتشار می دهد.»

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد احمدی پس از این دست گیری به اتهام پخش اعلامیه ی تحریک مردم علیه امنیت داخلی کشور بازداشت شد و سرانجام با فشار مردم و علما قرار آزادی به قید التزام به پرداخت مبلغ بیست هزار ریال و شرط

عدم خروج از حوزه ی قضایی اصفهان گذاشته و در تاریخ 42/2/10 از زندان آزاد شد. پس از آزادی دست از فعالیت نکشیده و در دوم مجلس جشنی که از طرف علما و روحانیان اصفهان به مناسبت آزادی حضرت امام خمینی (ره) ترتیب یافته بود، سخنرانی کرد در مهر ماه سال 1342 پس از سخنرانی در مجلس روضه ی یکی از اقارب خود در اصفهان به اتهام توهین به مقام شامخ سلطنت و دولت و دعوت مردم به اطاعت از اوامر امام خمینی به زندان افتاد پس از این دستگیری توسط مأموران ساواک شدیداً شکنجه شد پس از یک هفته بازداشت به علت وضعیت وخیم آقای احمدی و با دخالت مرحوم آیت الله حاج آقا رحیم ارباب از زندان آزاد شد در تاریخ 43/8/5 ساواک اصفهان نام حجت الاسلام احمدی را به همراه 11 نفر از دیگر روحانیان مخالف رژیم که به وسیله ی ساواک و مأمورین انتظامی استان اصفهان دستگیر شده اند به ساواک مرکز ارسال کرد. در سال 1343 (43/12/26) جمعی از علما و طلاب اصفهانی در اعتراض به ادامه ی تبعید امام خمینی (ره) نامه ی صریحی به نخست وزیر وقت ارسال کردند که حجت الاسلام و المسلمین احمدی از جمله امضا کنندگان آن است (متن این اعتراض نامه در اسناد موجود است). مجدداً در تاریخ 44/3/27 اعلامیه ای در اعتراض به اعدام محمد بخارایی، مرتضی نیک نژاد، صفار هرنندی، صادق امانی با امضای وعاظ و مبلغین اسلامی اصفهان که حجت الاسلام و المسلمین احمدی نیز جزء این تشکل روحانی بود منتشر شد.

با شناختی که حضرت امام (ره) از حجت الاسلام و المسلمین احمدی داشتند، در تاریخ 1345/2/24 وکالت در امور حسبه را به ایشان صادر کردند. حجت الاسلام و المسلمین احمدی در سال 1346 ش، پس از تشرف به نجف اشرف عزیمت کرده و با امام خمینی قدس سره ملاقات هایی انجام دادند و در تاریخ 1346/4/6 مجدداً به اتهام پخش اعلامیه به ساواک احضار و بازجویی شدند. پس از جریان 15 خرداد 1342 با سفر های تبلیغی در ماه محرم، صفر و

رمضان به شهر های مختلف کشور می رفت و با طرح مسائل جدید، اذهان مردم را نسبت به حکومت جائر زمان، روشنی می بخشید.

سخنان او گاهی چنان برای حکومت وقت توهین آمیز و آتشین بود که در تاریخ 48/9/15 با ارسال گزارشات به ساواک دستوری به این قرار داده شد: «دستور فرمایید با توجه به مفاد گزارش خبر شماره ی 20/16829 ه 3 - 48/9/5 نسبت به شناسایی و احضار وی اقدام و تذکرات لازم به مشارالیه داده و نتیجه را به این اداره ی کل اعلام نمایید.» با ادامه ی این سخنرانی ها و عدم توجه حجت الاسلام احمدی به مأمورین ساواک، ساواک مرکز پس از اطلاع از این سخنرانی ها مجدداً چنین دستور می دهد: «قبل از عزیمت به وسیله ی ساواک تهران احضار و شدیداً به وی تذکر داده شود در صورت ادامه تحت تعقیب قرار خواهد گرفت و پرونده اش تکمیل و مراتب به ساواک اصفهان اعلام شود.»

پس از ارتحال مرحوم آیت الله العظمی حکیم در سال 1349 زمینه برای مطلع کردن مرجعیت امام خمینی (ره) مساعد شد در این زمان بردن نام خمینی از نظر دستگاه دولتی جرم نابخشودنی به حساب می آمد و به خاطر اختناق زیاد در هیچ جایی کسی جرأت نداشت نامی از امام خمینی (ره) به عنوان مرجع تقلید ببرد. از طرف، بازاریان طلاب و علمای بزرگ شهر از جمله آیت الله خراسانی مجلسی در مدرسه ی صدر بازار برگزار شد.

آقای احمدی به عنوان سخنران در این مجلس دعوت شد. ایشان در میان جمعیت بسیار بازاری ها و طلبه ها یک منبر تاریخی و فوق العاده رفتند و پس از تجلیل از شخصیت آیت الله حکیم با صدای غرا و ابهتی خاص از آیت الله خمینی نام بردند و ایشان را به عنوان مرجع تقلید معرفی کردند که این موضوع برای همه ی حاضران غیر مترقبه بود. سال ها بود کسی رسماً و در منابر نامی از آقای خمینی نبرده بود همه از شجاعت و شهامت این سید بهت زده شدند. مأموران شهربانی برگزاری این جلسه را گزارش دادند و حجت الاسلام و المسلمین احمدی به دنبال

این سخنرانی، بازداشت و تحت بازجویی قرار گرفت و سپس به زندان انفرادی افتاد و ممنوع الملاقات شد (1).

حجت الاسلام والمسلمین احمدی در مشی مبارزات خود علیه رژیم پهلوی نه تنها ذره ای از اهداف عالی خود پا پس نمی گذاشت بلکه با درایت و زیرکی خاص خود سعی بر آن داشت تا از دست آنان خلاصی یابد و به فعالیت هایش ادامه دهد. از این رو در بازجویی ها با فراست از اتهامات وارده شانه خالی کرد. پس از آن که به دادگاه نظامی معرفی شد به حداکثر مجازات یعنی سه ماه حبس تأدیبی محکوم شد ایشان در ادامه همراه با آیت الله طاهری در مسجد حسین آباد اصفهان نماز جمعه را اقامه می کرد و با ایراد خطبه های انقلابی فعالیت های انقلابی ها را جهت می داد. به گونه ای که پس از مدتی ساواک مانع اقامه ی نماز جمعه شد.

حجت الاسلام احمدی در سال 1353 در شهرستان بروجن سخنرانی کرد و در آن با اشاره به حضرت امام (ره) اعلام داشت که: «یکی از روحانیون بزرگ همیشه از قرآن صحبت می کرد ولی متأسفانه در مملکت ما از قرآن خبری نیست این روحانی بزرگ می گفت که برای کسی که قرآن را حاکم بداند، زندان ریاضت است و تبعید سیاحت است و اعلام زیر بار ننگ نرفتن و در راه حق و دین کشته شدن افتخار است. این روحانی دست از تبلیغ بر نمی دارد و حتی از آن جا از وضع نابسامان ایران می نویسد و کتاب ها و رساله ها منتشر می کند و مردم را به پیروی از قرآن هدایت می کند...»

ثابتی مدیر کل اداره ی سوم پس از دریافت گزارش این سخنرانی چنین دستور داد: «سریعاً نسبت به شناسایی و بازداشت و بازرسی از محل سکونت فرد مورد نظر اقدام و نتیجه اعلام {شود}». حجت الاسلام احمدی دستگیر و پس از 19

ص: 275

1- انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات [تدوین شورای نویسندگان مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات]، 1384 کتاب سی و پنجم یاران امام به روایت اسناد ساواک، حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمد احمدی.

روز از زندان شهربانی اصفهان آزاد شد. در همین دوران زندان بود که علی رغم جو موجود و شرایط غیر قابل تحمل فضای حاکم در بند 4 زندان شهربانی، با خواندن نهج البلاغه برای زندانیان اوقات زندان را بر خود و سایر زندانیان گوارا کرد و حتی با حضور زندانیان بند های دیگر نماز عید فطر را هم اقامه و جشن مفصلی برگزار کردند که این مراسم باعث شد ایشان را به سلول انفرادی منتقل کنند. در آن جا پس از نارسایی قلبی، به بهداری زندان منتقل شد در سال 1354 از طرف ساواک مرکز، شصت و یک نفر از انقلابی های سراسر کشور ممنوع الخروج اعلام شدند که یکی از آن ها حجت الاسلام و المسلمین احمدی بود. این ممنوعیت خروج از کشور تا سقوط رژیم استمرار داشت.

گزارشگران ساواک سخنانی های حجت الاسلام احمدی را که در سال های بعد هم چنان ادامه داشت، تحریک آمیز و بر خلاف مصالح کشور دانستند و مقام عالی امنیتی به ساواک اصفهان دستور دادند که: «با تشکیل کمیسیون امنیت اجتماعی، سید احمد فروشانی فرزند مصطفی که عامل تحریک و اخلال گری بود به یکی از مناطق سنی نشین تبعید و نتیجه اعلام.»

با توجه به وضعیت پیش آمده حجت الاسلام و المسلمین احمدی مدت 2 سال را در سقز به تبعید سپری کرد ایشان پس از آن که به علت فشار مردم انقلابی بر رژیم از زندان آزاد شد، در تاریخ 57/8/12 به اصفهان رفت و مورد استقبال باشکوه مردم اصفهان قرار گرفت.

از خدمات ایشان در خمینی شهر می توان به موارد زیر اشاره کرد تأسیس اداره ی ارشاد ایجاد کتابخانه ی بزرگ الغدیر راه اندازی مدرسه ی ابتدایی شهید باهنر انجام پروژه ی بسیار مهم احداث و راه اندازی جاده ی کمربندی خمینی شهر، فراهم کردن همه ی مقدمات لازم برای بهره برداری از بیمارستان شهید اشرفی خمینی، شهر کمک مؤثر در راه اندازی مؤسسه ی تحقیقاتی - بهداشتی - درمانی حضرت رسول (ص)، ساخت و تکمیل مصلاهی بزرگ نماز جمعه، گاز رسانی به

حجت الاسلام علی اصغر مرتضوی فر:

حجت الاسلام علی اصغر مرتضوی فر معروف به علی اصغر جعفری اصفهانی به سال 1312 ش در خانواده‌ای مذهبی در زرین شهر اصفهان دیده به جهان گشود پدرش مرحوم محمدعلی و مادرش ربابه سلطان بود. پدرش مردی مبارز بود و مبارزاتی را علیه فعالیت کمونیست‌ها در اصفهان به ویژه در منطقه‌ی زرین شهر داشت و از پیوستن خانواده‌ی خود و مردم آن منطقه به حزب توده ممانعت می‌کرد. (2) علی اصغر جعفری، اصفهانی مبارزات سیاسی خود را در ابتدای دهه‌ی 1340 آغاز کرد او در جریان غائله‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی به صحنه‌ی سیاسی وارد شد حجره‌اش در اصفهان مخفیگاه کتاب‌ها و اعلامیه‌های ممنوعه بود که به همکاری اشخاصی مانند غلام علی یوسف زاده، شیخ علی کفعمی، شیخ تقی کفعمی و... به، تکثیر نصب و پخش آن همت گماشتند منزل وی در اصفهان نیز مخفیگاه متهمین به قتل منصور بود. (3) حجت الاسلام جعفری اصفهانی در خاطرات خود در خصوص قیام 15 خرداد 1342 ش در اصفهان می‌گوید: «... از اقدامات مهم ما در اصفهان برگزاری مراسم به مناسبت‌های مختلف برای آگاهی دادن به مردم بود. هیئت‌های مختلفی داشتیم که با هم مرتبط بودند و با همکاری روحانیان و بازاریان در مقابل اقدامات رژیم، عکس‌العمل نشان می‌دادیم قبل از 15 خرداد به خاطر حادثه‌ی فیضیه با دسته‌جات مذهبی اصفهان به قم آمدیم در مدرسه فیضیه سخنرانی‌هایی داشتیم و قطعنامه‌ای توسط علی اصغر مروارید خوانده شد نهضت پانزده خرداد به دنبال

ص: 277

-
- 1- انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات [تدوین شورای نویسندگان مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات]، 1384 کتاب سی و پنجم یاران امام به روایت اسناد ساواک، حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمد احمدی.
 - 2- عباسی، ابراهیم، 1386، خاطرات حجت الاسلام جعفری، اصفهان، ص 16.
 - 3- همان، ص 17.

بازداشت امام صورت گرفت. حکومت در صدد بود پرونده ای برای امام تشکیل دهد. ترس ما این بود که ایشان را از بین ببرند لذا برای این که رژیم بدانند امام تنها نیست و تمام مردم و مراجع از او حمایت می کنند و حرف های ایشان و انقلاب او را قبول دارند، قرار شد که علمای اصفهان به رهبری حاج رحیم ارباب به تهران بیایند. ایشان از شاخص ترین علمای آن روز اصفهان بود... (1) در نهایت او به همراه سایرین به تهران نیامد، ما با سایر علما به تهران آمدیم و به منزل آقای قدیری در امیریه رفتیم. آیت الله خادمی هم همراه ما بود. وی که بعداً که به اصفهان بازگشت، به حمایت کامل از امام، برخاست به امام شهریه می داد و مدرسه و مسجد وی پایگاه بسط و گسترش اندیشه های امام بود.» (2) از دیگر فعالیت های او در اصفهان که بیشتر مربوط به سال های 1344 ش، بود برگزاری جلسات سخنرانی بود. گروه آن ها به مساجد متعدد سر می زد و با امام جماعت آن ها ارتباط برقرار می کرد. یکی از این مساجد مسجد دروازه دولت اصفهان بود. (3) حجت الاسلام جعفری اصفهانی از جمله اشخاصی بود که در شهر اصفهان با هیئت های مؤتلفه همکاری داشت. وی در بخشی از خاطرات خود می گوید: «... هیئت مؤتلفه عکس اعلامیه و نوار های امام را برای ما می فرستادند. در اصفهان و تهران با آن ها همکاری داشتیم. از جمله آن ها حاج مهدی بهادران اهل لنجان اصفهان بود که فردی پرشور و علاقه مند به امام بود حاج حسین عالی مهر که از هم دستان مرحوم بخارایی و حاج حسین رضایی از شاخه ی نظامی هیئت های مؤتلفه نیز بودند و از افراد دیگر آقای رضایی و متین مقدس بودند. در بازار آقای مقدس، دربندی، حاج مرتضی، اسدالله و حاج علی تجریشی، آقای میری و برادرش حاج آقا رضا اسدالله بادامچیان و پدرش حاج سعید امانی بودند. حاج حسین بافندگی نیز که تولیدی داشت، از جمله افراد مرتبط

ص: 278

1- عباسی ابراهیم، 1386 خاطرات حجت الاسلام جعفری اصفهانی، ص 39.

2- همان، صص 40-42.

3- همان، ص 50.

با ما بود.» (1) حجت الاسلام جعفری اصفهانی فعالیت های خود را تا به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی ادامه داد.

آیت الله سید ابوالحسن آل رسول:

معروف به شمس آباد در سال 1286 ش در اصفهان متولد شد و پس از فراگیری مقدمات علوم اسلامی در اصفهان نزد اساتیدی نظیر مرحوم ابوالقاسم زفره ای، سید علی نجف آبادی، و احمد حسین آبادی به حوزه ی نجف اشرف رفت و از محضر درس خارج مراجع بزرگی هم چون مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا سید ضیاء الدین حسین گلپایگانی، سید عبدالهادی شیرازی و سید محسن حکیم استفاده کرد و پس از 12 سال برای تدریس و ارشاد مردم به اصفهان بازگشت. آیت الله شمس آبادی از روحانیانی بود که در سال 42 وفاداری خود را به نهضت حضرت امام (ره) اعلام کرده بود. وی در تأسیس و گسترش انجمن مددکاری امام زمان (عج) و به ویژه کمک به ایتم، سازمان ابابصیر (ویژه نابینایان) حسینه اصفهانی ها در مشهد و کربلا نقش به سزایی داشت. آیت الله شمس آبادی یک روز پس از بازگشت از سفر حج به هنگام صبح مورخ 55/1/18 در راه رفتن به مسجد جهت برگزاری نماز جماعت توسط باند جنایتکار مهدی هاشمی ربوده و به طرز فجیعی به قتل رسید و جسدش را در اطراف اصفهان پیدا شد پس از کشف جسد با تشیع با شکوه مردم در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد. (2)

حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی رهبر:

محمدتقی رهبر از روحانیان فعال و مبارز در جریان 15 خرداد 1342 و پیروزی انقلاب اسلامی در سال 57 در اصفهان است. وی در سال 1314 ه.ش در لنجان اصفهان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی به حوزه ی علمیه ی

ص: 279

1- عباسی، ابراهیم، 1386، ص 59.

2- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383، ج 2-83، 2.

زرین شهر رفت و در آن جا تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد. مدتی بعد برای تکمیل تحصیلات و معلومات خود در سال 1334 ش به حوزه ی علمیه ی قم رفت و در محضر اساتیدی چون آیات عظام علامه طباطبایی، بروجردی، گلپایگانی، مشکینی و امام خمینی تحصیل و دانش اندوزی را ادامه داد.

در سال 1344 ش، پس از ده سال اقامت و تحصیل در قم به اصفهان بازگشت و ضمن انجام وعظ و خطابه به تدریس در حوزه ی علمیه ی اصفهان پرداخت. وی هم چنان در کسب علم کوشا بود و نزد اساتیدی چون آیت الله خادمی و آیت الله خراسانی از روحانیان بزرگ اصفهان به تحصیل و علم اندوزی ادامه داد. در جریان وقایع 15 خرداد 1342 ه. ش به علت حمایت از نهضت اسلامی و انتقاد از حکومت پهلوی و عملکرد این دولت و زندانی شدن امام خمینی در منابر چندین بار توسط ساواک احضار بازجویی و شکنجه شد.

وی حتی با وجود تبعید امام خمینی از ایران و کم رنگ شدن مبارزات مردم با حکومت پهلوی از مبارزه با رژیم طاغوت غافل نبود و در منابر و خطابه های خود از حکومت پهلوی انتقاد می کرد به همین دلیل در سال 1352 ش، ممنوع المنبر شد و این وضعیت تا سال 57 ادامه داشت. در اوایل سال 57 با اوج گیری مبارزات علیه حکومت پهلوی او نیز هم چنان با سخنرانی در محافل عمومی شهر اصفهان به انتقاد از حکومت پرداخت. به همین دلیل در 57/2/26 توسط ساواک دستگیر شد. اما در 57/5/8 از زندان آزاد شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی در 22 بهمن 57 هم چنان در حوزه ی علمیه به تدریس مشغول بود و در حوزه ی تحقیق نیز بسیار فعال بود. حاصل مطالعات و تحقیقات وی تألیف کتب متعددی در حوزه ی علوم دینی، قرآن و اخلاق بود. از جمله کتاب های وی عبارت اند از: ارمغان خانقاه، اخلاق و

تربیت اسلامی، پژوهشی در تبلیغ ابعاد سیاسی اجتماعی نهج البلاغه، سیاست و مدیریت از دیدگاه علی ابن ابی طالب و ... (1)

ص: 280

1- ر.ک انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک شرح مبارزات مردم اصفهان کتاب دوم.

حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن رحیمیان در سال 1327 ش، در خانواده ای روحانی و متدین در منطقه ی دستگرد واقع در جنوب غربی اصفهان متولد شد. پدرش شیخ یدالله رحیمیان از روحانیان و مدرسین مشهور حوزه ی علمیه اصفهان بود تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان کمال الدین دستگرد گذراند و در سال 1339 زمانی که فقط 12 سال داشت برای تحصیل در حوزه ی علمیه به اصفهان آمد و در حوزه علمیه ی این شهر مشغول به تحصیل شد.

دو سال بعد در سال 1341 سال پس از خواندن دروس مقدماتی برای تکمیل تحصیلات خود عازم قم شد و در کلاس های درس اساتید بزرگ آن زمان حضور یافت. از جمله اساتید او می توان به حضرت آیت الله فشارکی، شیخ محسن دوز دوزانی، شیخ مصطفی اعتمادی، شیخ غلامرضا صلواتی و امام خمینی اشاره کرد. او از همان زمان به یکی از نزدیک ترین یاران امام خمینی مبدل شد. در جریان نهضت امام خمینی نیز یکی از چهره های اصلی محسوب می شد و در صحنه ی مبارزات حضوری فعال و مستمر داشت و با برخی از چهره های شاخص و یاران نزدیک امام خمینی از جمله شهید مطهری و آیت الله هاشمی رفسنجانی روابط بسیار حسنه و نزدیکی داشت.

«کتابت متن اعلامیه ها و طومارها و دیوار نویسی فیضیه و چاپ و تکثیر عکس ها و کارت تبریک با تصویر امام و ساختن کلیشه از عکس امام از جمله فعالیت های ایشان در تاریخ نهضت است در این راه بعد از چندین بار دستگیری در قم و تهران و اصفهان در سال 1345 مخفیانه به نجف اشرف مهاجرت و به محضر امام خمینی (ره) پیوست و به تکمیل تحصیلات حوزوی پرداخت و خارج فقه و اصول را از محضر حضرت امام خمینی (ره) و آیت الله خویی و سید محمد باقر صدر بهره گرفت.»⁽¹⁾ وی در عراق علاوه بر تکمیل تحصیلات حوزوی

ص: 281

1- رحیمیان محمد حسن؛ 1382، حدیث، رویش، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص 14.

فعالیت های مبارزاتی خود با حکومت پهلوی را ادامه داد و در این کشور نیز به تبلیغ آراء و اندیشه های امام خمینی پرداخت و با سفر به کشور های اسلامی از جمله سوریه، لبنان، کویت، امارات پیام امام خمینی و انقلاب اسلامی را در کشور های اسلامی انتشار داد.

(ب) چهره های مبارز سیاسی - فرهنگی

فریدون مختاریان:

او در سال 1317 ش در شهر اصفهان متولد شد جد بزرگش استاد بزرگ بنا معمار بود دوران کودکی را در کودکستانی که به مدیریت خانم دولت آبادی، خواهر حسام الدین دولت و سپس کودکستانی که توسط آقای اسلامی تأسیس شده بود گذراند. (1) در دوره ی نوجوانی وارد شاخه جوانان حزب توده شد و در چهارباغ اصفهان روزنامه ی جوانان دموکرات را می فروخت و حتی چندین بار توسط حسین مشایخی که یکی از اعضای فعال حزب پان ایرانیست در اصفهان و از طرفداران محسن پزشک پور و در شمار لمپن ها و چاقوکش های شهر بود و طرفداران حزب توده را با چاقو می زد مورد اصابت چاقو قرار گرفت دوره ی دبستان را در مدرسه فردوسی پشت ابو السحاقیه در محله ی مجلس و دوران دبیرستان را در مدرسه ی کازرونی گذراند و در آن جا با معلم های توده ای مثل اکبر گرجیان و دکتر ماکویی همکاری داشت و اعلامیه های سازمان جوانان را برای آن ها در مدرسه پخش می کرد در واقع مدرسه ی کازرونی کانون فعالیت او بود. بعد از دبیرستان کازرونی یک سالی را در دبیرستان هاتف درس خواند و در سال 34 به مدرسه ی ادب رفت، آشنایی با رشته ی تاریخ در این دبیرستان برای او فراهم شد و بدین ترتیب در اصفهان فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد و در سال 36 در رشته ی تاریخ و جغرافی وارد دانشسرا شد.

ص: 282

1- رسولی، پور مرتضی بی تا.

بعد از فارغ التحصیلی در نجف آباد مشغول تدریس شد. (1) از سال 42 تا 56 در کلیه ی نقاط اصفهان تدریس می کرد تا این که در سال 56 به عنوان بازرس کل شروع به کار کرد. اما به دلیل سوابق سیاسی از ادامه ی تحصیل در انگلستان محروم شد. او در سال 50 در حالی که مدعی است هیچ ارتباطی با فدائیان نداشته به اتهام همکاری با این گروه و ترور های آن ها دستگیر شد البته دو نفر از دانش آموزان او از مجاهدین اعدامی بودند که شاید در خصوص وی صحبت هایی کرده بودند. او همراه با دو تن از دوستانش گلشیری و موسوی (معلم، نویسنده و مترجم) کانون مستقل فرهنگیان را تأسیس کردند. اگر چه کانون زیر نفوذ فدائیان بود توده ای ها نیز در آن فعالیت داشتند از سوی دیگر نیز با گلشیری و چند نفر دیگر در میدان مجسمه (انقلاب فعلی) دفتر فرهنگی باز کردند و در آن جا با متین دفتری شکرالله پاک نژاد و خسرو شاکری ارتباط داشتند (2).

در ادامه ی فعالیت هایش با اعضای گروه حزب توده موسوم به 90 نفر آشنا شد و با آنان رفت و آمد داشت. (3) اما تا پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت خاصی نکرد.

حسین گلیدی:

از چهره های فعال فرهنگی در اصفهان آقای حسین گلیدی مؤسس مدرسه ی ناشنویان اصفهان است. وی در سال 1307 ش، در محله ی بیدآباد اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را نیز در اصفهان و از همین محله آغاز کرد.

«خواندن و نوشتن را در مکتب خانه ی آشیخ عزیز الله سپاهانی در بیدآباد و ملا احمد در مسجد آمیرزا محمد باقر طی کرد اما با ادامه تحصیل وی در مدارس جدید مخالفت شد. لذا حرفه ی خیاطی را پیش گرفت گواهی نامه ی ابتدایی خود را با مطالعه ی شخصی در دوره ی سربازی و در آموزشگاه شبانه دریافت کرد. در

ص: 283

1- رسولی، مرتضی، مصاحبه با فریدون مختاریان، ص 7.

2- همان، ص 29-30.

3- همان، ص 8.

سال 1330 ش در دبستان ملی جعفری در محله ی بید آباد اصفهان به عنوان آموزگار فعالیت می. کرد ضمناً در آموزشگاه شبانه ی فروغ با راهنمایی و زیر نظر جلال برجیس تحصیلات خود را تا دیپلم پنج علمی ادامه داد. « (1)

در سال 1333 ش به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و کار خود را در منطقه ی فرادنبه از توابع شهرستان بروجن در استان چهار محال و بختیاری آغاز کرد. همزمان با کار در آموزش و پرورش به تحصیل در رشته ی زبان و ادبیات عرب در دانشگاه اصفهان پرداخت و در سال 1349 ش موفق به اخذ مدرک لیسانس در این رشته شد.

اندیشه ی تأسیس مدرسه ی ناشنوایان در همان سال اول تدریس در منطقه ی فرادنبه با مشاهده ی یکی از دانش آموزانش در ذهن او ایجاد گردید و موفق شد در سال 1335 ه.ش با اخذ مجوز از آموزش و پرورش (وزارت فرهنگ وقت) مدرسه ای را برای آموزش ناشنوایان ایجاد کند. وی پس از جبار باغچه بان دومین نفر بود که مؤسسه ای را برای آموزش ناشنوایان در ایران تشکیل داد.

در سال اول تدریس خود یک دانش آموز منزوی و گوشه گیر که در زنگ تفریح خود را از سایر دانش آموزان جدا ساخته بود توجه او را به خود جلب کرد این معلم کنجکاو و حساس و وارسته متوجه می شود که این دانش آموز از نظر شنوایی مشکل دارد. همین مسئله ی به ظاهر ساده موجب می شود که گلبدی مؤسسه ی فوق العاده مهم، ارزشمند و تأثیر گذار کر و لال ها را پایه گذاری کند و تکمیل اطلاعات و ارائه ی تجربیات خود به خارج از کشور اعزام شود تا با مؤثر ترین روش ها در آموزش کر و لال ها آشنا شود و راه را برای پیشرفت و ترقی دانش آموزان کر و لال باز کند و آنان را به درجات علمی و عملی و فنی ارتقا بخشد. « (2)

حسین گلبدی علاوه بر تأسیس مدرسه ی ناشنوایان در تأسیس چندین

ص: 284

1- دهکردی، عباس، 1392، جلوه های فرزانیگی ص 67.

2- همان، صص 67 و 68.

مرکز فرهنگی و تربیتی و امور خیریه نیز دست داشت که از جمله ی آن ها می توان به مؤسسه ی خیریه ی ایتام (انجمن مددکاری امام زمان (عج) کانون علمی و تربیتی جهان اسلام، مؤسسه فرهنگی آموزشی ابابصیر مخصوص آموزش نابینایان انجمن حمایت از زندانیان اصفهان، گروه عیادت کنندگان از بیماران در بیمارستان ها در روز های جمعه و شرکت در بنیاد فرهنگی امام محمد باقر (علیه السلام) اشاره کرد. شایان ذکر است وی در جریان ملی شدن صنعت نفت و مبارزات صورت گرفته در این خصوص نقش مهمی داشت و تا آخر با آیت الله کاشانی همراه بود.

«کلیدی، علاوه بر فعالیت های اجتماعی و عام المنفعه از امور سیاسی نیز غافل نماند و از هوادارن آیت الله کاشانی و ملی شدن نفت بود که حاصل آن کتاب 400 صفحه ای پیام ها و مصاحبه های آیت الله کاشانی است که پس از بازنشستگی در سال 1380 به چاپ رسانید.» (1)

این کتاب شامل پیام ها مصاحبه ها نامه ها و بیانات آیت الله کاشانی از سال 1328 تا موقع وفات وی در سال 1340 می باشد. وی در راستای مبارزه با حکومت پهلوی فعالیت های فرهنگی زیادی در این زمینه انجام داد و با جمعی از هم فکرائش اقدام به تأسیس کانون علمی و تربیتی جهان اسلام در اصفهان کرد و با وجود مخالفت های موجود این کانون را با همکاری عده ای از جمله شادروان مهندس عبدالعلی مصحف، شادروان محمد بصیری، حاج شیخ محمد باقر صدیقین، حاج سید مهدی شکرانی و ... در اواسط ضلع شمالی خیابان آمادگاه حد فاصل خیابان چهار باغ و فلکه ی فلسطین تأسیس کرد.

دو گروه مخالف با تأسیس این کانون عبارت بودند از: «اول دستگاه های اطلاعاتی دولتی مخصوصاً ساواک که دشمن آگاهی و بیداری جوانان در گرایش به اسلام پویا، زنده و حرکت آفرین بود و قدم به قدم حرکت های کانون و رفتار هیئت مؤسس را زیر نظر داشتند دوم متعصبین که به عنوان مذهب با هر گونه نوآوری

ص: 285

1- همان.

و سنت شکنی در روش های موجود آن روز در دعوت های اسلامی مخالفت می کردند. « (1)

با وجود این مخالفت ها کانون جهان اسلام فعالیت خود را در راستای اجرای برنامه های فرهنگی و تربیتی و منطبق با اصول اسلامی آغاز کرد و موفق شد جوانان زیادی را به سوی خود جذب کند. شایان ذکر است شخصیت های برجسته ی مذهبی از جمله بانو مجتهده ی امین، شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید مفتاح، شهید باهنر، علامه محمد تقی جعفری، آیت الله زند کرمانی، و تعداد زیادی از چهره های مطرح علمی و مذهبی در سراسر کشور با این کانون همکاری داشتند.

علی اکبر پرورش:

استاد علی اکبر پرورش در اول تیر 1321 در خانواده ای مذهبی و متوسط در محله ی چهار سوق شیرازی های اصفهان به دنیا آمد وی دوره ی ابتدایی را در دبستان مفید و تحصیلات دوره ی متوسطه را در دبیرستان های صائب علیه کازرونی گذراند. او سپس در رشته ی ادبیات فارسی در دانشگاه اصفهان دوره ی لیسانس را طی کرد و پس از تحصیل دوره ی کارآموزی دبیری در دانشسرای عالی تهران از سال 45 به صورت تمام وقت در آموزش و پرورش مشغول به کار شد. استاد پرورش از دوره ی نوجوانی و تحت تأثیر روحانیت محله ی پدری و پس از کسب مطالب اولیه ی دینی به فعالیت در مجامع دینی پرداخت. شهید آیت الله بهشتی که اهل همان محله بود و در قم به تدریس و تحصیل اشتغال داشت در مسافرت های خود به اصفهان با جوانان محله ارتباط برقرار می کرد و بدین گونه ارتباط نزدیک استاد پرورش با شهید آیت الله بهشتی آغاز شد آن روابط تا شهادت ایشان در هفتم تیر سال 60 ادامه یافت.

در سال پایانی تحصیلات دبیرستانی پس از فوت آیت الله العظمی بروجردی (ره) در فروردین سال 40 همراه با استاد مرحوم حجت الاسلام والمسلمین

ص: 286

1- همان، ص 89.

مصطفی بهشتی نژاد در یک سفر شش روزه به قم حضور در یک صحنه ی بزرگ اجتماعی و مذهبی را تجربه کرد. ایشان در آغاز سال 43 و پس از آزادی حضرت امام خمینی (ره) و همزمان با سفر آیت الله خادمی و علما و مردم اصفهان و همراه ایشان در به قم دیدار معظم له رفت. اولین بازداشت استاد پرورش در سال بعد بود که با تلفن آیت الله خادمی وی آزاد شد دوران خدمت وظیفه ی عمومی استاد پرورش از 245/11/26 لغایت 47/5/26 در ژاندارمری فارس و در شهر های اصفهان و نیریز با سخنرانی های پرشور و مذهبی ستوان دوم وظیفه سید علی اکبر پرورش با استقبال فراوان مردم و حمایت روحانیون انقلابی آن منطقه مواجه شد. استاد پس از مدتی از هر سخنرانی منع شد. استاد پرورش پس از خاتمه ی وظیفه ی عمومی یک سال در آموزش و پرورش شهرضا به تدریس مشغول شده و سپس در دبیرستان هراتی و پس از آن در دبیرستان احمدیه ی اصفهان شاغل بود. دبیرستان احمدیه وابسته به مؤسسه ی دینی چهارده معصوم بود که زیر نظر آیت الله خادمی و با تأیید آیت الله خمینی (قدس سره الشریف) تأسیس شده بود. استاد پرورش بسیاری از فعالیت های آموزشی فرهنگی و انقلابی خود را تا سال 57 در همین مدرسه انجام داد استاد پرورش در تمام این سال ها تلاش می کرد از محضر همه ی چهره های علمی و فرهنگی و سیاسی بهره مند شود؛ علامه محمد تقی جعفری علامه محمد حسین طباطبایی علامه مرتضی مطهری و آیت الله بهشتی از جمله این افراد بودند در اصفهان نیز ایشان همراه با استاد محمد فولادگر از محضر آیت الله سید عبدالحسین طیب استفاده می کردند در طول سال های 47 تا 57 بدون آن که خود را در چهارچوب یک گروه محدود کند از ظرفیت های همه ی مؤسسات فرهنگی برای هدایت جوانان استفاده می کرد. کانون علمی و تربیتی جهان اسلام انجمن مددکاری امام زمان (عج)، مؤسسه ی ابابصیر، دبیرستان احمدیه و مسجد حاج رسولیان و... استاد پرورش در موضع گیری های سیاسی خود تبعیت از ولی فقیه و نایب امام زمان (عج) و حضرت امام خمینی (ره) را

وظیفه‌ی همیشگی خود می‌دانست وقتی که رئیس انجمن حجّتیّه با بهانه‌ی این که من مجتهد هستم عملاً با امام خمینی مخالفت کرد ایشان طی مشاجره‌ای در جلسه و درگیری لفظی ارتباط با انجمن حجّتیّه را به کلی قطع کرد استاد پرورش گسترش اندیشه ناب اسلامی را اصلی‌ترین وظیفه‌ی خود می‌دانست و با سخنرانی‌های فراوان و تفسیر قرآن و بیان تاریخ اسلام، جوانان میهن اسلامی را به خصوص در شهرهای استان‌های اصفهان و چهارمحال بختیاری با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا ساخت. اکثریت فعالان نهضت اسلامی در اصفهان این تلاش‌ها را مهم‌ترین فعالیت‌ها در اصفهان برای گسترش انقلاب اسلامی در سال‌های 56 و 57 می‌دانند. (1)

رضا جدیدی:

رضا جدیدی فرزند ابراهیم متولد 1317 در الیگودرز، در سن 5 تا 6 سالگی در مکتب خانه روخوانی قرآن را آموخت. در 1324، هفت ساله در کلاس اول ابتدایی ثبت نام شد دوران ابتدایی و متوسطه را در الیگودرز به پایان رسانده و در سال 1337 به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در سال 1344 در کنکور سراسری شرکت کرد و در دوره‌ی مدیریت دانشسرای عالی در دانشکده ادبیات تهران قبول شد سال اول دانشگاه تحت تأثیر افکار استادش شادروان جلال آل احمد قرار گرفت و با سخنرانی علیه رژیم پهلوی گرفتار ساواک شد و یک ترم دانشگاه را در زندان به سر برد بعد از زندان به اصفهان منتقل شد و در سال 1349 از دانشگاه اصفهان موفق به اخذ لیسانس تاریخ شد در اصفهان آموزگاری دبستان‌های شیخ بهایی و تبریزی و بعد معاونت دبیرستان ادب را بر عهده داشت. او با شرکت در راهپیمایی‌های مردم اصفهان علیه رژیم استبداد پهلوی نقشی فعال داشت و

ص: 288

1- مرکز خدمات رسان‌های دیدبان ستاد نکوداشت استاد سید اگر پرورش مجله‌ی درباره‌ی علی اکبر پرورش، بی تا، صص 44-3.

هم چنین از اعضای فعال جامعه ی معلمان اصفهان بود. (1) و مبارزات خود را به ویژه در راه آگاه ساختن دانش آموزان تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داد.

محمد علی الشریف:

محمد علی الشریف در سال 1309 ش در خانواده ای روحانی و متدین در اصفهان متولد شد بسیاری از اعضای خانواده وی از روحانیان سرشناس و مطرح بودند که از شاخص ترین آن ها می توان به آیت الله شاه آبادی، دایی وی اشاره کرد پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال 1332 ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و تدریس درس تعلیمات دینی در مدارس را به صورت جدی دنبال کرد و سعی داشت با آموزش صحیح این درس به دانش آموزان مبانی اعتقادی و افکار آن ها را اصلاح کند. در سال 1333 ش وارد دانشکده ی حقوق دانشگاه تهران شد و به تحصیل در رشته حقوق پرداخت و در سال 1337 موفق به اخذ مدرک لیسانس در این رشته شد در همان سال اداره ای تحت عنوان رفاه معلمان تشکیل

شد که 48 نفر عضو داشت. وی یکی از چهار عضو منتخب از اصفهان بود. (2)

پرورش یافتن وی در یک خانواده، مذهبی زندگی در اصفهان که در آن زمان محیطی صنعتی و تولیدی داشت جریان ملی شدن صنعت نفت و نزدیکی او به آیت الله کاشانی وی را بر آن داشت تا برای شروع فعالیت های سیاسی با حکومت به گروهی مورد تأیید و نزدیک به آیت الله کاشانی وارد شود. مجمع مسلمانان مجاهد و حزب زحمت کشان دو گروهی بودند که این ویژگی ها را دارا بودند. حمایت قاطعانه ی آیت الله کاشانی از دکتر مظفر بقایی رهبر حزب زحمت کشان و آشنایی با شعارها و اهداف این حزب موجب شد که وی با چند تن از دوستان و هم دوره ای های نزدیکش از جمله دکتر میر عمادی به عضویت حزب زحمت کشان

ص: 289

1- برگرفته از مصاحبه با آقای رضا جدیدی در دفتر کارشان ستاد اقامه نماز در تاریخ 92/6/9.

2- برگرفته از مصاحبه ی محمد علی الشریف با آقای مرتضی رسولی پور در سال 1379.

با وجود تبعید دکتر بقایی پس از کودتای 28 مرداد 1332 به سیستان و بلوچستان ارتباط وی و سایر اعضای حزب زحمت کشان با دکتر بقایی حفظ شد و در فاصله ی سال های 1332 تا 1342 فعالیت جدی وی و هم فکرائش در راستای ابطال انتخابات مجالسی بود که در دوران نخست وزیری دکتر اقبال و مهندس شریف امامی صورت گرفت. تلاش جدی آن ها در نشان دادن تخلفات ایجاد شده در انتخابات مجلس بیستم بود. فعالیت های وی در سال 1340 وارد مرحله ی جدیدی شد.

وی که پس از رحلت آیت الله بروجردی و آیت الله عبدالهادی حائری شیرازی، امام خمینی را به عنوان مرجع تقلید خود انتخاب کرد، در سال 1342 با آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی نیز از قیام اسلامی حمایت کرد و به صحنه ی مبارزه با حکومت پهلوی وارد شد و با دوستان و هم فکرائش جلساتی مخفیانه برای مبارزه با حکومت تشکیل داد در جریان اعتراضات شکل گرفته در پی قیام 15 خرداد و ادامه اعتراضات شهر اصفهان نیز وارد مبارزات شد. گروه آن ها نیز که در راستای مبارزات فعالیت می کرد توسط ساواک شناسایی شد و چند نفر از اعضای شاخص آن از جمله دکتر میر عمادی دکتر واعظی مهندس رضا قنبری دستگیر شدند. وی در این مرحله از جمله کسانی بود که همراه با دکتر بقایی از علمای قم درخواست کرد تا مرجع تقلید بودن امام خمینی در همه ی محافل به صورت رسمی اعلام شود تا حکومت پهلوی نتواند آسیبی به ایشان برساند. وی تا پیروزی انقلاب اسلامی نیز با دیگر روحانیان از جمله آیت الله منتظری و آیت الله هاشمی رفسنجانی در ارتباط بود. (1) او تا پیروزی انقلاب اسلامی به فعالیت های خود ادامه داد.

ص: 290

1- برگرفته از مصاحبه ی محمد علی الشریف با آقای مرتضی رسولی پور در سال 1379 و مصاحبه ی حضوری با وی در دفتر کارش در تاریخ 92/6/18.

یکی از فرهنگیان پیشگام در جریان قیام 15 خرداد و پیروزی انقلاب اسلامی در اصفهان دکتر فضل الله صلواتی است. وی در سال 1317 ش، در خانواده ای متدین و روحانی در اصفهان متولد شد. پدرش آیت الله حاج شیخ حیدر علی صلواتی از روحانیان صاحب نام در اصفهان بود وی در سال 1339 ش، پس از به پایان رساندن دانشسرای مقدماتی در اصفهان به استخدام آموزش و پرورش درآمد و فعالیت خود را با معلمی در یکی از روستا های شهرستان مبارکه آغاز کرد. در سال 1342 ش به همایونشهر (خمینی شهر) منتقل شد و همزمان با کار در آموزش و پرورش تحصیلات خود را در رشته ی زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان ادامه داد و موفق به اخذ لیسانس در این رشته گردید و در سال 1349 موفق شد در رشته ی زبان و ادبیات عرب در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شود. در دوران تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد برخی از واحد های دوره ی دکترا را نیز گذراند اما به علت شروع مبارزات سیاسی با حکومت پهلوی به زندان های طولانی مدت محکوم شد و نتوانست این دوره را به اتمام برساند.

دکتر صلواتی در دوران دانشجویی به واسطه ی مرحوم عبدالعلی مصحف، داماد مرحوم علامه جعفری که در اصفهان کانون علمی و تربیتی جهان اسلام را راه اندازی کرده بود با علامه جعفری آشنا شد و در سال 1348 با دختر کوچک تر ایشان ازدواج کرد وی به علت فعالیت های مبارزاتی با حکومت پهلوی مدتی نیز از کار در آموزش و پرورش تعلیق شد و پس از آزادی از زندان مجبور به ترک اصفهان گردید و مدتی در کاشمر و یزد به عنوان حسابدار کارگاه های شن شویی و ساختمان به کار پرداخت البته در این دوران از تحصیل و معاشرت با علما غافل نبود و در یزد در محضر روحانیانی چون حاج سید جواد مدرسی و حاج شیخ علی محمد انوری تفتی و... تحصیل در حوزه را ادامه داد و به علت دوستی و نزدیکی با دیگر روحانیان یزد و جوانان فعال و مبارز یزدی هم چون حجت الاسلام راشد

یزدی، شرفی، دعایی، حاج شیخ محمد علی صدوقی و آقایان دکتر سید رضا پاک نژاد، دکتر رمضان خانی، دکتر حاج زرگر باشی، آقایان شعشعی، دستمال چی، ظریف و... فعالیت مذهبی و تبلیغاتی مانند برگزاری کلاس های تفسیر قرآن و نهج البلاغه و تبلیغات مذهبی در یزد و دیگر شهرستان های این استان از جمله میبد و اردکان و... را گسترش داد و به فعالیت های خود تا به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی ادامه داد (1).

محمد منتظری:

شهید محمد منتظری فرزند آیت الله حسینعلی منتظری در سال 1323 ش، در نجف آباد اصفهان در خانواده ای روحانی و متدین به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در نجف آباد و قم گذراند پس از آن در سال 1337 ش به تشویق پدر به حوزه ی علمیه قم رفت و به تحصیل علوم دینی و حوزوی مشغول شد. بیشتر درس های حوزوی سطح و تا اندازه ای هم خارج فقه را نزد پدرش فرا گرفت. از استادان او در حوزه علمیه ی قم می توان از آیات سید محمد محقق داماد، حسینعلی منتظری، علی مشکینی احمد جنتی و امام خمینی (رحمه الله) یاد کرد». (2)

با آغاز نهضت امام خمینی (رحمه الله) در سال 1342 وی که از مقلدان امام خمینی بود همراه با پدر و دیگر هم فکرائش به صف مبارزین پیوست و به تبلیغ اندیشه ها و بیانات امام خمینی پرداخت. از جمله کار هایی که در این راستا توسط او صورت گرفت می توان به این موارد اشاره کرد: «1 - امضا گرفتن از فضلا و اساتید حوزه ی علمیه 2 - مسافرت به شهرستان ها برای رساندن و پخش اعلامیه و یا گرفتن امضا از علمای بلاد برای اعلامیه ها و پیام های مهم و نیز برای رد و بدل کردن اخبار و اطلاعات و ایجاد ارتباط بین علمای شهرستان های مختلف. 3- ایجاد تیم هایی از

ص: 292

1- برای اطلاع بیشتر رجوع شود که به وبلاگ www.salavati-f.blogfa.com نوشته ی دکتر فضل الله صلواتی.

2- ایزدی، مصطفی، 1361، یادنامه ی شهید محمد منتظری، قم، انتشارات و تبلیغات فرهنگ انقلاب اسلامی، ص 284.

افراد متدین در قم و شهرستان‌ها به عنوان جلسات مذهبی و...» (1) پس از تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون توسط دولت حسن علی منصور وی که از مخالفین این لایحه بود و به هواداری از سخنرانی امام خمینی در اعتراض به این لایحه برخاسته بود، توسط ساواک دستگیر شد و مدت 7 ماه را در زندان گذراند اما پس از آزادی از کارهای مبارزاتی غافل نشد و در جریان مبارزات با حکومت پهلوی بارها دستگیر و زندانی شد ساواک نیز همواره وی را زیر نظر داشت و در بسیاری موارد از رفت و آمد های او به خارج کشور جلوگیری می کرد.

«در سال 1349 قصد داشت به سفر مکه برود و ضمن زیارت حج با عده ای از برادران کشور های اسلامی و روحانیون مبارز نجف ملاقات و مذاکره کند در این رابطه همه ی مقدمات فراهم شد اما در لحظات پایانی خروج از ایران ساواک از رفتن وی جلوگیری کرد.» (2)

در سال 1352 ش، به عراق رفت و فعالیت های مبارزاتی خود را در آن جا دنبال کرد و در نجف در جلسات درس امام خمینی حضور می یافت و با گروهی از مبارزان ایرانی طرفدار امام خمینی گروهی را به نام روحانیان مبارز خارج از کشور تشکیل داد. در سال 1354 ش هم به لبنان رفت و در آن جا هم مانند عراق فعالیت های مبارزاتی خود را در قالب کار های فرهنگی و آموزش نظامی به چریک های مبارز ادامه داد خود وی نیز با سازمان فلسطینی الفتح همکاری مستقیم داشت و زیر نظر آن ها آموزش های نظامی و اصول جنگ های چریکی را دیده بود. او پس از مدتی از لبنان عازم اروپا شد و از آن جا سخنان آیت الله خمینی را با کمک انجمن اسلامی لندن در میان انجمن های اسلامی اروپا و آمریکا منتشر می کرد. زمانی که آیت الله خمینی به فرانسه رفت او هم به آن جا رفت و مبارزات خود با حکومت پهلوی را در

ص: 293

1- صادقی اردستانی، احمد، 1361، زندگی نامه ی حجت الاسلام شهید محمد منتظری، قم، دفتر نشر محمد ص 34.

2- همان، ص 41.

نکته ی مهم درباره ی این اشخاص آن است که میزان فعالیت و پیگیری آن ها در مبارزه یکسان نبوده و مسیر برخی از آن ها در سال های قبل و بعد از انقلاب، به دلایلی که جای بحث آن در این پژوهش نبود سمت و سویی متفاوت یافت. انتخاب این افراد قطع نظر از وابستگی های سیاسی فکری و صف بندی های به وجود آمده پس از انقلاب بوده است؛ صف بندی ها و جهت گیری هایی که در سال های قبل از انقلاب به دلایل مختلف مطرح نبود یا رنگ بسیار کم تری داشت و هدف مشترک افراد آن ها را از طیف ها و سلائیق گوناگون در کنار هم قرار داده بود. در پایان لازم به ذکر است که به طور قطع بسیاری از چهره ها و افراد هستند که جای نامشان در فهرست افراد ذکر شده خالی است. شاید کسانی باشند که سهم زیادی در مبارزات عمومی مردم اصفهان در برابر حکومت پهلوی داشته اند ولی به دلیل کمبود وقت و مطلب امکان بحث درباره ی آن ها و فعالیت شان فراهم نشد. در این جا لازم است ضمن طلب صبر و بردباری دعوت شود تا با مراجعه به این جانب یا حوزه ی هنری ما را در تکمیل اطلاعات مورد نیاز یاری رسانند.

موضوع: جدول فهرستی از جراید وابسته به سازمان ها و انجمن های مذهبی در اصفهان

۲۹۶ رود زاینده

موضوع جدول: فهرستی از جراید وابسته به سازمان ها و انجمن های مذهبی در اصفهان:

نام نشریه	نام مدیر	گرایش	تاریخ انتشار	نوع نشریه	محل انتشار
اسلام در شرق	ناصر دقانی	دینی / انتقادی	۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹ ش	هفته نامه	اصفهان
ندای دین	سید ضیاءالدین علامه	دینی	۱۳۲۰ تا ۱۳۵۱ ش	هفته نامه	اصفهان
هدف اسلام	-----	دینی	۱۳۲۰ تا ۱۳۵۱ ش	هفته نامه	اصفهان
پیک عدالت	حسین عبداللہی خوروش	دینی	۱۳۲۹ ش	هفته نامه	اصفهان

حسینیان، روح الله، ۱۳۸۵، بازخوانی نهضت ملی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران،
ص ۴۵۲-۴۵۵

و

معصومی زاده، رضوان، ۱۳۹۰، مروری بر تاریخ مطبوعات اصفهان، ناشر سازمان فرهنگی
تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان، ص ۲۳۵

حسینیان، روح الله 1385، بازخوانی نهضت ملی، ایران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

ص 452-455 و معصومی زاده، رضوان، 1390 مروری بر تاریخ مطبوعات، اصفهان، ناشر سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری
اصفهان، اصفهان، ص 235

- سند 1- درخواست هیئت علمیه در خصوص مبارزه با منکرات... 296
- برگرفته از کتاب چالش مذهب و مدرنیسم، ص 690... 296
- سند 2- تقاضای مساعدت مالی جامعه ی تعلیمات اسلامی از دولت مصدق... 297
- برگرفته از کتاب اسنادی از انجمن ها و مجامع مذهبی، ص 154... 297
- سند 3- سفر های شیخ عباس علی اسلامی... 298
- برگرفته از کتاب حجت الاسلام حاج شیخ عباس علی اسلامی به روایت اسناد ساواک، ص 239... 298
- سند 4- افتتاح کتابخانه و قرائتخانه جامعه ی تعلیمات اسلامی... 299
- برگرفته از کتاب اصفهان قلب سیاسی ایران معاصر... 299
- سند 5- مبارزات سیاسی فیروزیان... 300
- برگرفته از کتاب اسنادی از انجمن ها و جوامع مذهبی، ص 145... 300
- سند 6- تأسیس شعبه ی حزب پان ایرانیست در اصفهان... 301
- حزب پان ایرانیست به روایت اسناد ساواک، ص 288... 301
- سند 7- سازمان تبلیغات اسلامی بانوان... 302
- برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ص 289... 302
- سند 8- جامعه ی معلمین اصفهان... 303
- برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ص 237... 303
- سند 9- پیش گیری از تظاهرات 15 خرداد... 304
- برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان... 304
- سند 10 نامه ی آیت الله العظمی گلپایگانی به علماء اصفهان... 305
- برگرفته از کتاب یادواره نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان... 305

سند 11- نامه ی آیت الله العظمی میلانی در قدرانی از مردم مبارز اصفهان... 306

برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان... 306

سند 12- نامه ی آیت الله گلپایگانی درباره جنایات رژیم در اصفهان... 307

برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان... 307

سند 13- نامه ی آیت الله شیرازی به آیت الله خادمی درباره ی حوادث خونین در اصفهان و نجف آباد برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت

اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان... 308

ص: 297

سند 14- فروش نوار های امام خمینی در اصفهان ... 309

برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان ... 309

سند 15- تظاهرات در اصفهان ... 310

برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان ... 310

سند 16- فعالیت سید ابوالحسن بدری ... 311

برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان ... 311

سند 17- اطلاعیه 15 خرداد ... 312

برگرفته از کتاب یادواره نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان ... 313

سند 18 - اطلاعیه ی خطاب به مردم اصفهان در خصوص وقایع 15 خرداد ... 313

برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان ... 313

سند 19 - نظر خواهی از آیت الله کرمانی ... 314

برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان ... 314

سند 20- اطلاعیه زندانی امام خمینی ... 315

برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان ... 315

سند 21 - اعلامیه به مناسبت آزادی امام خمینی ... 316

تصاویر:

برگرفته از کتاب یادواره نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان ... 316

کنگره حزب زحمت کشان در اصفهان (1341) آبادیان، حسین، 1386، زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی تهران ... 317

برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (شرح مبارزات مردم اصفهان) ... 318

آیت الله سید حسین خادمی مرکز بررسی اسناد تاریخی، 1389 یاران امام به روایت اسناد ساواک (کتاب نوزدهم) ... 319

حضرت آیت الله سید حسین خادمی (خادم شریعت) مرکز بررسی اسناد تاریخی تهران آخرین عکس مرحوم آیت الله شمس آبادی

320...

ص: 298

[درخواست هیأت علمیه در خصوص مبارزه با منکرات و مفساد]

هیأت علمیه اصفهان شماره 1/9، تاریخ 1324/6/12

مقام رفیع منیع جناب آقای نخست وزیر دام اقباله

با تقدیم احترامات فائقه و ادعیه لازمه، راجع به جلوگیری از فحشاء و منکرات و منع از بیع مسکرات که برحسب درخواست عمومی مسلمین به وسیله مجلس شورای ملی داعیان از هیات دولت تقاضای بذل مساعدت در این دو امر خطیر که مخالف با قانون اساسی و مذهبی است و متضمن یک دنیا مضار و مفساد و مایه هرج و مرج و بی نظمی، است نمودیم و مورد توجه گردید و بالنتیجه جناب آقای استاندار استان (10) ارای ... الاعظم اقدامات لازم فرموده و با یک درجه موجبات آسایش اهالی فراهم گردید.

ولی نظر به این که دستور رسمی کتباً یا تلگرافاً برای استان تا به حال نرسیده و پاره ای از مغرضین و خائنین هم مخالفت می نمایند لذا از عالم اسلامیت و دینداری و خداپرستی جناب آقای نخست وزیر تمنا داریم که به هر نحو مقتضی است دستور کتبی رسمی برای آقای استاندار مرحمت فرمایند تا جداً در جلوگیری از فحشاء و منکرات و منع از بیع مسکرات ادامه دهند. موجبات تشکر عموم اهالی و خصوص داعیان در این حس مساعدت با اساس دین مقدس اسلام فراهم گردد.

[امضاء] الحاج میرزا علی واعظ، حاج میرزا محمد حسینی جعفری، حسینی الموسوی خادمی محمد اسمعیل النجفی، عبدالله حسینی صادقی، سید حسن صادقی، ابوالقاسم عاملی، ابو الفضل نجفی، شیخ مهدی نجفی .

سند 1-درخواست هیئت علمیه در خصوص مبارزه با منکرات برگرفته از کتاب چالش مذهب و مدرنیسم، ص 690

[سند شماره ۲]

[درخواست هیأت علمیه در خصوص مبارزه با منکرات و مفاسد]

هیأت علمیه اصفهان، شماره ۱/۹، تاریخ ۱۳۲۴/۶/۱۲

مقام رفیع منبع جناب آقای نخست‌وزیر دام اقباله

با تقدیم احترامات فائمه و ادعیه لازمه، راجع به جلوگیری از فحشاء و منکرات و منع از بیع مسکرات که برحسب درخواست عمومی مسلمین به وسیله مجلس شورای ملی داعیان از هیأت دولت تقاضای بذل مساعدت در این دو امر خطیر که مخالف با قانون اساسی و مذهبی است و متضمن یک دنیا مضار و مفاسد و مایه هرج و مرج و بی‌نظمی است، نمودیم و مورد توجه گردید و بالتبلیغه جناب آقای استاندار استان (۱۰) ارأوی ... الاعظم اقدامات لازم فرموده و با یک درجه موجبات آسایش اهالی فراهم گردید.

ولی نظر به اینکه دستور رسمی کتباً یا تلگرافاً برای استان تا به حال نرسیده و پاره‌ای از مغرضین و خائنین هم مخالفت می‌نمایند لذا از عالم اسلامیت و دین‌داری و خداپرستی جناب آقای نخست‌وزیر تمنا داریم که به هر نحو مقتضی است دستور کتبی رسمی برای آقای استاندار مرحمت فرمایند تا جداً در جلوگیری از فحشاء و منکرات و منع از بیع مسکرات ادامه دهند.

موجبات تشکر عموم اهالی و خصوص داعیان در این حس مساعدت با اساس دین مقدس اسلام فراهم گردد.

[امضاء] الحاج میرزا علی واعظ، حاج میرزا محمد حسینی جعفری، حسینی الموسوی خادمی، محمد اسمعیل النجفی، عبدالله حسینی صادقی، سیدحسن صادقی، ابوالقاسم عاملی، ابوالفضل نجفی، شیخ مهدی نجفی.^۲

سند ۱- درخواست هیئت علمیه در خصوص مبارزه با منکرات

برگرفته از کتاب چالش مذهب و مدرنیسم، ص ۶۹۰

نامه جامعه تعلیمات اسلامی به نخست وزیر (محمد مصدق) مبنی بر ضرورت مساعدت دولت به تقاضای آن جامعه

[تاریخ: 13/5/32] [13]

نمره: 287

پیوست: دو برگ

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر محبوب و ملی ایران

محترماً خاطر شریف را به مراتب زیر متوجه می‌دارد: جامعه تعلیمات اسلامی در خرداد ماه سال 1322 در تهران تشکیل شده و بدواً یک آموزشگاه شبانه برای تعلیم و تربیت بزرگسالان بی سواد و با سواد تأسیس نمود که بیسوادان خواندن و نوشتن و با سوادان علوم دینی را فرا می‌گرفته و در اثر حسن عمل و آلوده نشدن به سیاست‌های روزمره و بی‌طرفی کامل در طی مدت متجاوز از 10 سال 139 کودکستان و دبستان و دبیرستان روزانه پسرانه و دخترانه و آموزشگاه شبانه در تهران و شهرستان‌های اصفهان، کرمان، کرمان شاهان همدان قم قزوین، کاشان، محلات بهبهان، آذر شهر میانه دماوند سنقر کلیائی مشهد [و] بروجرد تأسیس نموده و فعلاً بیش از 25 هزار دانش آموز دارد و به واسطه حسن عمل مورد توجه و علاقه شدید مردم هر محل واقع شده است بودجه سنگین این تأسیسات که در سال از پانزده میلیون ریال تجاوز می‌نماید تمام از طرف خیرخواهان و متدینین هر محل پرداخت می‌شود که انحصاراً به وسیله هیأت مدیره محلی به مصرف همان شعبه می‌رسد و هر یک از شعب در پایان هر سال صورت حساب درآمد و هزینه خود را چاپ کرده و در معرض اطلاع عامه می‌گذارند و چون در ملل راقیه مانند آمریکا و غیره مؤسسات فرهنگی به وسیله مردم هر محلی اداره می‌شود لذا جامعه تعلیمات اسلامی هم امور داخلی مربوط به هر شعبه را تحت نظر معتمدین هر محل

قرار داده است.

با آن که وزارت فرهنگ در سال 1325 پیشنهادی کرد که حاضر است مانند سایر مدارس ولی به شعب این جامعه اعانه ماهانه و کمک‌های دیگر نماید، جامعه از قبول آن خوددار

سند 2- تقاضای مساعدت مالی جامعه تعلیمات اسلامی از دولت مصدق برگرفته از کتاب اسنادی از انجمن‌ها و مجامع مذهبی، ص

سند شماره ۵۳

نامه جامعه تعلیمات اسلامی به نخست وزیر (محمد مصدق) مبنی بر ضرورت
مساعادت دولت به تقاضاهای آن جامعه

نمره: ۲۸۷

[تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۱۸]

پیوست: دو برگ

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر محبوب و ملی ایران

محترماً خاطر شریف را به مراتب زیر متوجه می‌دارد: جامعه تعلیمات اسلامی در خرداد ماه سال ۱۳۲۲ در تهران تشکیل شده و بدو یک آموزشگاه شبانه برای تعلیم و تربیت بزرگسالان بی‌سواد و باسواد تأسیس نمود که بی‌سوادان خواندن و نوشتن و باسوادان علوم دینی را فرا می‌گرفته و در اثر حسن عمل و آلوده نشدن به سیاست‌های روزمره و بیطرفی کامل در طی مدت متجاوز از ۱۰ سال ۱۳۹ کودکستان و دبستان و دبیرستان روزانه پسرانه و دخترانه و آموزشگاه شبانه در تهران و شهرستان‌های اصفهان، کرمان، کرمانشاهان، همدان، قم، قزوین، کاشان، محلات، بهبهان، آذرشهر، میانه، دماوند، سنقرکلیانی، مشهد [و] بروجرد تأسیس نموده و فعلاً بیش از ۲۵ هزار دانش‌آموز دارد و به واسطه حسن عمل مورد توجه و علاقه شدید مردم هر محل واقع شده است. بودجه سنگین این تأسیسات که در سال از پانزده میلیون ریال تجاوز می‌نماید، تمام از طرف خیرخواهان و متدینین هر محل پرداخت می‌شود که انحصاراً به وسیله هیأت مدیره محلی به مصرف همان شعبه می‌رسد و هر یک از شعب در پایان هر سال صورت حساب درآمد و هزینه خود را چاپ کرده و در معرض اطلاع عامه می‌گذارند و چون در ملل راقیه مانند آمریکا و غیره مؤسسات فرهنگی به وسیله مردم هر محلی اداره می‌شود، لذا جامعه تعلیمات اسلامی هم امور داخلی مربوط به هر شعبه را تحت نظر معتمدین هر محل قرار داده است.

با آن‌که وزارت فرهنگ در سال ۱۳۲۵ پیشنهادی کرد که حاضر است مانند سایر مدارس

لی به شعب این جامعه اعانه ماهانه و کمک‌های دیگر نماید، جامعه از قبول آن خودداری

سند ۲- تقاضای مساعادت مالی جامعه‌ی تعلیمات اسلامی از دولت مصدق

برگرفته از کتاب اسنادی از انجمن‌ها و مجامع مذهبی، ص ۱۵۴

فرستنده : ساواک جنوب شرق تاریخ : 45/9/19

گیرنده : ریاست ساواک تهران - 20 ه 3 شماره : 20/1922 و

موضوع : شیخ عباس علی اسلامی سبزواری فرزند حسین

چون نامبرده بالا سرپرست جامعه تعلیمات اسلامی می باشد و در این مورد به توانسته آن طوری که باید و شاید در تهران موفقیتی به دست آورد از این جهت رای دریافت کمک از روحانیون به منظور تقویت جامعه مزبور اغلب مسافرت هایی به شهرستان ها از جمله مشهد - آبادان - گیرنده ریاست ساواک تهران شهر کرد - قم - اصفهان نموده و خواهد نمود که اطلاعیه های واصله از ساواک های شهرستان های مذکور می باشد اینک چنان چه نباید نامبرده از تهران خارج شود می بایست چگونگی صراحتاً به این ساواک اعلام گردد تا در مورد عدم خروجش از تهران اقدامات مقتضی معمول شود. ضمناً در مورد مسافرت وی به قم این گونه مسافرت ها عادی است و روحانیون و محسین و وعاظ اکثراً جهت تهران خارج شود می بایست زیارت و یا وعد به شهرستان ها بخصوص اماکن متبرکه مسافرت می نمایند فقط فعالیت مضره است که می بایست مورد توجه قرار گیرد .

نامبرده بالا که چندی قبل به شهرستان قم رفته بود پس از مراجعت به تهران به دعوت چند نفر از روحانیون و افراد متفرق شهرستان آبادریان مهم و امامان شهرستان مسافرت کرد و در حال حاضر نیز در آبادان بسر می برد.

رئیس ساواک جنوب شرق تهران - افضلی

یستنده : ساواک جنوب شرق

یرنده : ریاست ساواک تهران - ۳۵۲۰

تاریخ: ۴۵/۹/۱۹ عه

شماره: ۲۰/۱۹۲۲ و نظ

موضوع: شیخ عباسعلی اسلامی سبزواری فرزند حسین

چون نامبرده بالا سرپرست جامعه تعلیمات اسلامی می باشد و در این مورد توانسته آن طوری که باید و شاید در تهران موقیتی به دست آورد از این جهت رای دریافت کمک از روحانیون به منظور تقویت جامعه مزبور اغلب



مسافرتهایی به شهرستانها از جمله مشهد - آبادان - شهر کرد - قم - اصفهان نموده و خواهد نمود که اطلاعاتی واصله از ساواکهای شهرستانهای مورد نظر مؤید حضور نامبرده در شهرستانهای مذکور می باشد اینک چنانچه نباید نامبرده از تهران خارج شود می بایست چگونگی صراحتاً به این ساواک اعلام گردد تا در تهران اقدامات مقتضی معمول شود. ضمناً در مورد

مسافرت وی به قم این گونه مسافرتها عادی است و روحانیون و معممین و وعاظ اکثراً جهت زیارت و یا وعظ به شهرستانها به خصوص اماکن متبرکه مسافرت می نمایند فقط فعالیت مضره آنان است که می بایست مورد توجه قرار گیرد. نامبرده بالا که چندی قبل به شهرستان قم رفته بود پس از مراجعت به تهران به دعوت چند نفر از روحانیون و افراد متفرقه شهرستان آبادان جهت وعظ به آن شهرستان مسافرت کرد و در حال حاضر نیز در آبادان به سر می برد. رئیس ساواک جنوب شرق تهران - افضل

سند ۳- سفرهای شیخ عباسعلی اسلامی

برگرفته از کتاب حجت الاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۳۹

سند 3- سفرهای شیخ عباس علی اسلامی

برگرفته از کتاب حجت الاسلام حاج شیخ عباس علی اسلامی به روایت اسناد ساواک، ص 239

با تأییدات خداوند متعال

افتتاح کتابخانه و قرائتخانه

جامعه تعلیمات اسلامی

جامعه تعلیمات اسلامی که مرکز آن تهران و مدت شش سال از تأسیس آن گذشته است تاکنون در اغلب شهرستان های ایران مدرسی تأسیس نموده که همه جا مورد توجه مردم واقع شده است هم چنان که اصفهان هم در مدت کمی با پشتیبانی هیئت محترم علمیه و کمک متدینین و ابراز حسن عمل توانسته است سراسر مدرسه در شهر و اطراف آن تشکیل دهد. و چون تأسیس دارالایتام و دارالصنایع و مدرسه کشاورزی و کتابخانه و قرائتخانه و نشر مطبوعات (که تمام آن غیر از دارالصنایع در تهران افتتاح شد) همه جزء اساسنامه و برنامه جامعه تعلیمات اسلامی است در اصفهان نیز در نظر دارد با تأییدات الهیه و کمک خیر خواهان تمام این مقاصد اصلی نماید لذا اکنون، ود. افتتاح کتابخانه و قرائتخانه آن را بسوم اهالی داده و از این افراد مخصوصاً جوانان و دانشجویان فرهنگی میتوانند ساعات بیکاری خود را بجای صرف در محل هائی که اتلاف وقت و مال می شود میجان در محل قرائتخانه از کتب علمی و جرائد و مجلات استفاده نمایند.

از خیر خواهان و افراد فرهنگ دوست که طرفدار این گونه خدمات اجتماعی هستند نیز تقاضا می شود کتبی را برسم هدیه یا امانت بمحل قرائتخانه بسپارند و قبض رسید دریافت دارند بدیهی است از این راه بفرهنگ اجتماع خدمتی که درخور ستایش است انجام داده اند قرائتخانه جامعه تعلیمات اسلامی نشانی چهار باغ پاساژ کازرونی

شماره فرهنگ 131

سند 4- افتتاح کتابخانه و قرائتخانه ی جامعه ی تعلیمات اسلامی برگرفته از کتاب اصفهان قلب سیاسی ایران معاصر

اعلامیه جامعه تعلیمات اسلامی

بیتائیدات خداوند متعال

افتتاح کتابخانه و قرائتخانه



جامعه تعلیمات اسلامی



جامعه تعلیمات اسلامی که مرکز آن تهران و مدت شش سال از تأسیس آن گذشته است تاکنون در اغلب شهرستانهای ایران مدارس تأسیس نموده که همه جا مورد توجه مردم واقع شده است همچنانکه اصفهان هم در مدت کمی با پیشینهی هشت معزم علمی و کمک متدینین و ابراز حسن عمل توانسته است سی مدرسه در شهر و اطراف آن تشکیل دهد. و چون تأسیس دارالایتم و دارالصنائع و مدرسه کشتا و رزی و کتابخانه و قرائتخانه و نشر مطبوعات (که تمام آن غیر از دارالصنائع در تهران افتتاح شد) همه چیز استقامت و برنامه جامعه تعلیمات اسلامی است در اصفهان نزدیک نظر دارد بتائیدات الهیه و کمک خیرخواهان تمام این مقاصد راهلی نماید لذا اکنون و در افتتاح کتابخانه و قرائتخانه انرا بسوم اهالی داده و از این بعد عموم افراد مخصوصاً جوانان و دانشجویان نرهنگی میتوانند ساعات نیکاری خود را بجای صرف در مصلحتی که اطلاق وقت و مال میشود معائناً در محل قرائتخانه از کتب علمی و جرائد و مجلات استفاده نمایند. از خیر خواهان و افراد فرهنگ دوست که طرفدار اینگونه خدمات اجتماعی هستند نیز تقاضا میشود کتبی را بر رسم هدیه یا امانت به محل قرائتخانه بیاورند و قبض رسید دریافت دارند بدینوسیله است از اینراه بفرهنگ اجتماع خدمتی که درخور ستایش است انجام داده اند

قرائتخانه جامعه تعلیمات اسلامی نشانی چهار باغ پامنار کازرونی

شماره فرهنگ ۹۴۱

سند ۴- افتتاح کتابخانه و قرائتخانهی جامعهی تعلیمات اسلامی

برگرفته از کتاب اصفهان قلب سیاسی ایران معاصر

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری استان دهم

رونوشت نامه شماره 350، مورخه: 18/6/27 [13]

محرمانه

جناب آقای وزیر کشور

عطف به شماره 49916 مورخ 1327/6/11 با اعاده نامه هیأت مدیره تعلیمات اسلامی و ضمیمه آن به استحضار خاطر عالی می رساند که آقایان حاج شیخ عباس علی اسلامی و شیخ غلامرضا فیروزیان می خواستند از منبر برای مخالفت با دولت و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی استفاده نمایند و چون اظهارات آن ها جنبه اغوا و تحریک داشت از عملیات آن ها جلوگیری به عمل آمده است و در تقاضای اخیر هم که به مناسبت تصویب عوارض شهرداری در اصفهان به وقوع پیوسته است و در دوروزی که برای تسریع امر جمع آوری مازاد چهار محال رفته و تشنجاتی در این شهر ایجاد نموده شیخ غلامرضا فیروزیان دست داشته است.

استاندار استان دهم

رونوشت مطابق با اصل است. [امضا ناخوانا]

سند 5-مبارزات سیاسی فیروزیان

برگرفته از کتاب اسنادی از انجمن ها و جوامع مذهبی، ص 145

سند شماره ۴۹/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری استان دهم

رونوشت نامه، شماره: ۳۵۰، مورخه: ۱۳/۲۷/۶۸

محرمانه

جناب آقای وزیر کشور

عطف به شماره ۴۹۹۱۶ مورخ ۱۳۲۷/۶/۱۱ با اعاده نامه هیأت مدیره تعلیمات اسلامی و ضمیمه آن به استحضار خاطر عالی می‌رساند که آقایان حاج شیخ عباسعلی اسلامی و شیخ غلامرضا فیروزیان می‌خواستند از منبر برای مخالفت با دولت و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی استفاده نمایند و چون اظهارات آن‌ها جنبه اشوا و تحریک داشت از عملیات آن‌ها جلوگیری به عمل آمده است و در تقاضای اخیر هم که به مناسبت تصویب عوارض شهرداری در اصفهان به وقوع پیوسته است و در دو روزی که برای تسریع امر جمع‌آوری مازاد چهارمعال رفته و تشنجاتی در این شهر ایجاد نموده، شیخ غلامرضا فیروزیان دست داشته است.

استاندار استان دهم

رونوشت مطابق با اصل است. [امضا: ناخوانا]

سند ۵-مبارزات سیاسی فیروزیان

برگرفته از کتاب اسنادی از انجمن‌ها و جوامع مذهبی، ص ۱۴۵

ساعت 14/00 روز 50/3/20 منوچهر یزدی مسئول تشکیلات حزب پان ایرانیست یزد با اتومبیل به اصفهان عزیمت و ساعت 1000 روز 50/3/21 در تالار خاک و خون شهرستان اصفهان با آقای دکتر طالع و مسئول تالار مزبور در اصفهان و نیز مسئول تشکیلات حزب مزبور در شهر کرد ملاقات می نماید موضوعات عنوان شده بین آنان پیرامون فعالیت مجدد حزب و فعالیت در انتخابات مجلسین بوده است آقای یزدی در این جلسه اظهار می دارد شهربانی و ساواک یزد به من اجازه نصب تابلو حزب را نمی دهند. آقای دکتر طالع به وی می گوید شما تابلو را نصب نمایید ببینید چه عکس العملی از ناحیه سازمان های مزبور صورت می گیرد آقای یزدی اظهار می دارد اگر من چنین کاری انجام دهم و دستگاه های مورد نظر تابلو حزب را پایین بیاورند دیگر حتی یک نفر از اهالی یزد با توجه به خصوصیات ذاتی شان حاضر نخواهند شد به حزب پان ایرانیست. بگروند بنابراین انجام این عمل به مصلحت نمی باشد آقای دکتر طالع اظهار می دارد پس شما روز یکشنبه 50/3/23 تلفنی با من تماس بگیرید تا من راه حلی دیگر به شما توصیه نمایم. در این هنگام مسئول تشکیلات شهر کرد اظهار می دارد من با رئیس شهربانی شهرکرد تماس گرفتم [و] نامبرده به من اجازه نصب تابلو حزب را داد پس از آن مقرر گردید که مسئولان تشکیلات یزد اصفهان و شهرکرد لااقل ماهی یک بار و هر بار در یکی از شهرستان های مزبور به گرد هم جمع شوند و پیرامون مسائل جاری و موضوعات حزبی به بحث و تبادل نظر پردازند و روی این اصل اولین جلسه آنان در تاریخ 50/4/12 در یزد تشکیل خواهد شد پس از آن راجع به تابلو حزب در اصفهان بحث گردیده و قرار می شود روز 50/3/23 تابلو حزب مزبور در اصفهان نصب شود.

سند 6- تأسیس شعبه ی حزب پان ایرانیست در اصفهان

حزب پان ایرانیست به روایت اسناد ساواک، ص 288

ساعت ۱۴/۰۰ روز ۵۰/۳/۲۰ منوچهر یزدی مسئول تشکیلات حزب پان ایرانیست یزد با اتومبیل به اصفهان عزیمت و ساعت ۱۰/۰۰ روز ۵۰/۳/۲۱ در تالار خاک و خون شهرستان اصفهان با آقای دکتر طالع و مسئول تالار مزبور در اصفهان و نیز مسئول تشکیلات حزب مزبور در شهرکرد ملاقات می نماید. موضوعات عنوان شده بین آنان پیرامون فعالیت مجدد حزب و فعالیت در انتخابات مجلسین بوده است. آقای یزدی در این جلسه اظهار می دارد شهربانی و ساواک یزد به من اجازه نصب تابلو حزب را نمی دهند. آقای دکتر طالع به وی می گوید شما تابلو را نصب نمایید ببینید چه عکس العملی از ناحیه سازمان های مزبور صورت می گیرد. آقای یزدی اظهار می دارد اگر من چنین کاری انجام دهم و دستگاه های مورد نظر تابلو حزب را پایین بیاورند دیگر حتی یک نفر از اهالی یزد با توجه به خصوصیات ذاتیشان حاضر نخواهند شد به حزب پان ایرانیست بگردند. بنابراین انجام این عمل به مصلحت نمی باشد. آقای دکتر طالع اظهار می دارد پس شما روز یکشنبه ۵۰/۳/۲۳ تلفنی با من تماس بگیرید تا من راه حلی دیگر به شما توصیه نمایم. در این هنگام مسئول تشکیلات شهرکرد اظهار می دارد من با رئیس شهربانی شهرکرد تماس گرفتم [و] نامبرده به من اجازه نصب تابلو حزب را داد. پس از آن مقرر گردید که مسئولان تشکیلات یزد، اصفهان و شهرکرد لااقل ماهی یک بار و هر بار در یکی از شهرستان های مزبور به گرد هم جمع شوند و پیرامون مسائل جاری و موضوعات حزبی به بحث و تبادل نظر بپردازند و روی این اصل اولین جلسه آنان در تاریخ ۵۰/۴/۱۲ در یزد تشکیل خواهد شد. پس از آن راجع به تابلو حزب در اصفهان بحث گردیده و قرار می شود روز ۵۰/۳/۲۳ تابلو حزب مزبور در اصفهان نصب شود.^{۹۹}

سند ۶- تأسیس شعبه‌ی حزب پان ایرانیست در اصفهان

حزب پان ایرانیست به روایت اسناد ساواک، ص ۲۸۸

مدیریت کل اداره سوم / 312 تاریخ : 36/11/27

سازمان اطلاعات و امنیت اصفهان شماره : 10/11221 ه 1

وضوع : [فخرالسادات ابطحی فرزند سید محمد شناسنامه شماره 946 صادره اصفهان متولد 1313 ساکن اصفهان شغل مسئول کانون تعلیمات و تبلیغات اسلامی بانوان در اصفهان بازگشت به : 312/8148 - 36/11/16

1- نامبرده بالا اخیراً به اصفهان مراجعت نموده است ضمناً به شهربانی استان سفهان و هم چنین خود مشاری ها ابلاغ گردید که ممنوع المنبر می باشد

2- یاد شده مسئول و اداره کننده کانون تعلیمات تبلیغات اسلامی بانوان در است که همه ساله

علاوه بر بانوان و دوشیزگان اصفهان تعدادی دختر نیز در تابستان از خوزستان به اصفهان می آید و با خرج کانون با تبلیغات اسلامی و آموزش دینی آشنا می گردند.

خواهشمند است دستور فرمائید در این مورد نیز نظریه اعلام فرمایند.

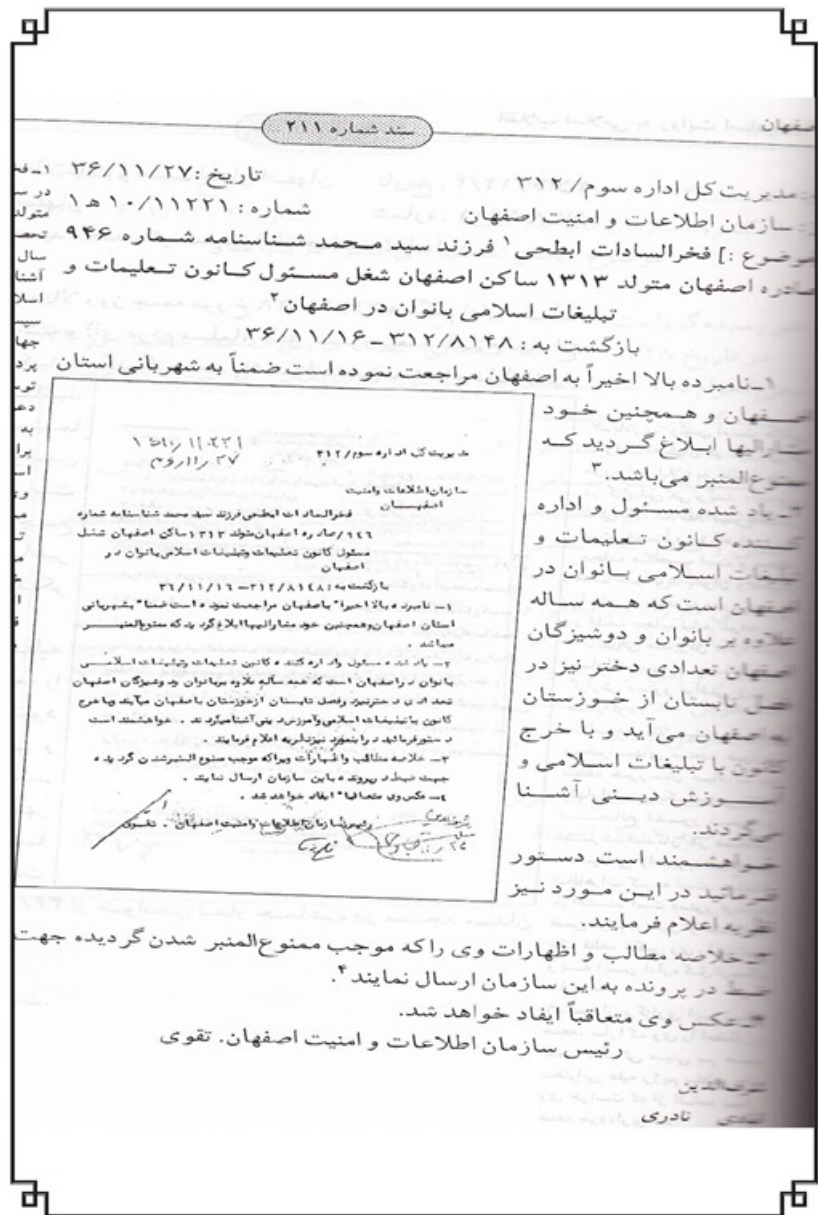
3- خلاصه مطالب و اظهارات و براهه موجب منع النبر شدن گردیده جهت ضبط در پرونده به این سازمان ارسال نمایند.

4- عکس وی متعاقباً ایفاد خواهد شد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت اصفهان. تقوی

شریف الدین

نادری



سند ۷- سازمان تبلیغات اسلامی بانوان
برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۸۹

سند 7- سازمان تبلیغات اسلامی بانوان

برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ص 289

تاریخ: 36/11/13

شماره: 10/10841 ه

موضوع: معلمین مذهبی

بخشنامه ای از طرف وزارت آموزش و پرورش به هنرستان ها صادر گردیده این که کلیه معلمین در رژه ششم بهمن شرکت نمایند و حقوق و اضافه کار آن ها نیز پرداخت گردد. در هنرستان شماره 2 واقع در خیابان کاوه آقای زهتاب و معلمین بخشنامه را امضاء نکردند. در هنرستان شاه عباس کبیر آقای پرورش وعده دیگر بخش نامه را امضاء نکردند و هنرستان فرخ رو پارسا های شهرستانی و آقای نیک بخت که مذهبی هستند امضاء نمودند.

نظریه شنبه: آقای زهتاب و پرورش و شهرستانی از معلمین مذهبی افراطی هستند و هر چند روز یک بار در و هنرستان مربوط به سخنرانی هائی مذهبی می نمایند و تحت عنوان یزید و معاویه از اوضاع و احوال سکتی انتقاد می نمایند.

به خصوص آقای پرورش که علتا از خمینی طرفداری می نماید و شمشیر و انقلاب را دو جزء اصلی اسلام می داند و می گوید معنویت و عرفان اول و شمشیر انقلاب دوم می باشد. سه نفر ده محصلین را به طور کلی سازندگی می کنند و معلمین نیز تحت تأثیر آن ها در جشن ششم بهمن شرکت نخواهند کرد.

نظریه یکشنبه: حسنعلی زهتاب و اکبر پرورش از مذهبی های افراطی و دارای سابقه می باشند و کنترل اعمال و رفتار آن ها لازم به نظر می رسد.

نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تأیید است.

تاریخ: ۳۶/۱۱/۱۳
شماره: ۱۰/۱۰۸۴۱ هـ
۳۱۶ =
۵۱۰ =

موضوع: معلمین مذهبی

بخشنامه‌ای از طرف وزارت آموزش و پرورش به هنرستانها صادر گردیده
ستی بر اینکه کلیه معلمین در رژه ششم بهمن شرکت نمایند و حقوق و اضافه کار
آنها نیز پرداخت گردد. در هنرستان شماره ۲ واقع در خیابان کاوه آقای زهتاب و

معلمین بخشنامه را امضاء نکردند. در هنرستان شاه عباس کبیر آقای
پرورش و عده دیگر
بخشنامه را امضاء نکردند و
در هنرستان فرخ‌رو پارسا
آقای شهرستانی و آقای
یکتخت که مذهبی هستند
امضاء نمودند.



نظریه شنبه: آقای
زهتاب^۲ و پرورش و
شهرستانی از معلمین مذهبی
افراطی هستند و هرچند روز
یکبار در هنرستان مربوط
سخنرانی‌هایی مذهبی
می‌نمایند و تحت عنوان یزید
و معاویه از اوضاع و احوال
سلطنتی انتقاد می‌نمایند.
به خصوص آقای پرورش که

علتاً از خمینی طرفداری می‌نماید و شمشیر و انقلاب را دو جزء اصلی اسلام
می‌داند و می‌گوید معنویت و عرفان اول و شمشیر انقلاب، دوم می‌باشد. سه نفر
نامبرده محصلین را به طور کلی سازندگی می‌کنند و معلمین نیز تحت تأثیر آنها
در جشن ششم بهمن شرکت نخواهند کرد.
نظریه یکشنبه: حسنعلی زهتاب و اکبر پرورش از مذهبی‌های افراطی و دارای
سابقه می‌باشند و کنترل اعمال و رفتار آنها لازم به نظر می‌رسد.
نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تأیید است.

سند ۸-جامعه‌ی معلمین اصفهان
برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۳۷

چون 15 خرداد نزدیک و همان طوری که در تلگراف شماره 10/6076 ه 37/2/21 باستحضار رسیده ممکن است متعصبین مذهبی و سایر منحرفین در مساجد و یا سایر محل ها تحت پوشش نماز یا شنیدن وعظ جمع شده و در آن جا مورد تحریک چند واعظ یا سخنران قرار گرفته و هنگام خارجی شدن از محل مانند اغلب تظاهرات و اقدامات خلافی که در اصفهان یا سایر مناطق بهمین وضع صورت گرفته شروع به تظاهرات و زد و خورد با پلیس بنمایند و در واقع از این محل ها بصورت ستاد تصمیم گیری استفاده نمایند در صورتی که اطلاعات واصله

نشان دهد که مسجد یا محل دیگر می خواهد باین منظور مورد سوء استفاده قرار گیرد از ورود اشخاص بآن محل و مسجد جلوگیری بعمل آید و قبل از اجتماع و تهییج و تصمیم گیری هر کس مراجعه نمود متفرق گردد.

10/7301 ه تقوی

37/3/3

نخست وزیر

چون ۱۵ خرداد نزدیک و همانطوریکه در تلگراف شماره ۱۰/۶۰۷۶ هـ
۳۷/۲/۲۱ باستحضار رسیده ممکن است متعصبین مذهبی و سایر منحرفین در
مساجد و یا سایر محله‌ها تحت پوشش نماز یا شنیدن وعظ جمع شده و در آنجا
سورد تحریک چند واعظ یا سخنران قرار گرفته و هنگام خارجی شدن از محل
مانند اغلب تظاهرات و اقدامات خلافی که در اصفهان یا سایر مناطق بهمین وضع
صورت گرفته شروع به تظاهرات و زد و خورد با پلیس بنمایند و در واقع از این
محله بصورت ستاد تصمیم‌گیری استفاده نمایند. در صورتیکه اطلاعات واصله

تشان دهد که مسجد یا محل
دیگر می‌خواهد باین منظور
مورد سوءاستفاده قرار گیرد
از ورود اشخاص بآن محل
و مسجد جلوگیری بعمل
آید و قبل از اجتماع و تهییج
و تصمیم‌گیری هر کس
مراجعه نمود متفرق گردد.

۱۵۱۰/۷۳۰۱ تقوی
۳۷/۲/۳

شماره: ۲۱۱-۱
تاریخ: ۱۵ خرداد ۱۳۲۹
موضوع: ...

وزیر

شماره: ۱۰/۶۰۷۶ هـ - ۳۷/۲/۲۱
چون ۱۵ خرداد نزدیک و همانطوریکه در تلگراف شماره ۱۰/۶۰۷۶ هـ -
۳۷/۲/۲۱ باستحضار رسیده ممکن است متعصبین مذهبی و سایر
منحرفین در مساجد و یا سایر محله‌ها تحت پوشش نماز یا شنیدن وعظ جمع
شده و در آنجا سورد تحریک چند واعظ یا سخنران قرار گرفته و هنگام
خارج شدن از محل مانند اغلب تظاهرات و اقدامات خلافی که در اصفهان
یا سایر مناطق بهمین وضع صورت گرفته شروع بخدا هرات و زد و خورد با
پلیس بنمایند و در واقع از این محله بصورت ستاد تصمیم‌گیری استفاده
نمایند. در صورتیکه اطلاعات واصله نشان دهد که مسجد یا محل
دیگر می‌خواهد باین منظور مورد سوءاستفاده قرار گیرد از ورود اشخاص بآن
محل و مسجد جلوگیری بعمل آید و قبل از اجتماع و تهییج تصمیم‌گیری
هر کس مراجعه نمود متفرق گردد.

۱۵۱۰/۷۳۰۱ تقوی
۳۷/۲/۳

سند ۹- پیگشیری از تظاهرات ۱۵ خرداد

برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان،

سند ۹- پیگشیری از تظاهرات ۱۵ خرداد

برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرات علماء اعلام و حجج اسلام و جامعه روحانیت اصفهان دامت برکاتهم :

فاجعه مولمه شهادت حضرت حجة الاسلام و المسلمین سید العلماء العامین آقای حاج سید ابوالحسن شمس آبادی قدس سرّه و حشره الله مع اجداده الطاهرین صلوات الله علیهم الجمعین موجب تأثر و تأسف شدید حقیر گردید و به همین مناسبت روز شنبه و یک شنبه حوزه مقدسه علمیه قم تعطیل است آن عالم جلیل از علماء مبارز و مجاهد و از خدمت گذاران صدیق و صمیمی شریعت مقدسه بود و قد ختم الله تعالی له بالشهادة و السعادة و فاز بالفوز العظیم هنیئاً له ما اعطاه الله تعالی من الاجر و الثواب و علو الدرجات این مصیبت را به حضرت بقیة الله فی الارضین ارواح العالمین له الفداء و در ثانی به حضرات علماء اعلام و جامعه روحانیت و خاندان مکرم آن فقید سعید و عموم مؤمنین و طبقات محترم اصفهان تسلیت عرض می نمایم احساسات بی شائبه و تعظیم و تجلیل و حق شناسی مسلمانان غیور اصفهان در مراسم تشییع جنازه و مجالس ترحیم سزاوار تقدیر و تشکر است خداوند متعال همه را دریاری دین مبین و تعظیم شعائر اسلامی ثابت و موفق بدارد و مسببین این فاجعه و دشمنان اسلام و روحانیت را بزودی رسوا و نابود فرماید.

تاریخ نهم ربیع الثانی 96

محمد رضا الموسوی الگلپایگانی

سند 10- نامه ی آیت الله العظمی گلپایگانی به علماء اصفهان

برگرفته از کتاب یادواره نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان

۱۳۵۵/۰۱/۲۰

نامه آیت الله العظمی گلپایگانی به علماء اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرات علماء اعلام و حجج اسلام و جامعه روحانیت اصفهان دامت

برکاتهم:

فاجعه مولمه شهادت حضرت حجة الاسلام و المسلمین سید العلماء العامین آقای حاج سید ابوالحسن شمس آبادی قدس سره و حشره الله مع اجداده الطاهرين صلوات الله عليهم الجمعين موجب تأثر و تأسف شديد حقير گرديد و به همين مناسبت روز شنبه و يك شنبه حوزه مقدسه علميه قم تعطيل است آن عالم جليل از علماء مبارز و مجاهد و از خدمتگذاران صديق و صميمی شريعت مقدسه بود وقد ختم الله تعالى له بالشهادة و السعادة و فاز بالفوز العظيم هنيئاً له ما اعطاه الله تعالى من الاجر و الثواب و علو الدرجات اين مصيبت را به حضرت بقیة الله فی الارضين ارواح العالمين له الفداء و درثانی به حضرات علماء اعلام و جامعه روحانیت و خاندان مكرم آن فقيد سعيد و عموم مؤمنين و طبقات محترم اصفهان تسليت عرض می نمايم احساسات بی شائبه و تعظيم و تجليل و حق شناسی مسلمانان غيور اصفهان در مراسم تشييع جنازه و مجالس ترحيم سزاوار تقدير و تشكر است خداوند متعال همه را در ياری دين مبين و تعظيم شعائر اسلامي ثابت و موفق بدارد و مسبببين اين فاجعه و دشمنان اسلام و روحانیت را بزودی رسوا و نابود فرماید.

تاریخ نهم ربیع الثانی ۹۶

محمد رضا الموسوی گلپایگانی

سند ۱۰- نامه ی آیت الله العظمی گلپایگانی به علماء اصفهان

برگرفته از کتاب یادواره نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان

نامه آیت الله العظمی میلانی در قدردانی از مردم مبارز اصفهان

بسمه تعالی مجده

بسیار خوشنودم که در اصفهان احساسات مذهبی و تقویت روح ایمانی جلوه گر است و شهادت دینی دارند که در مواقع بسیار اقدامات کاملی نمودند و لهذا دعاها درباره اهالی اصفهان می نمایم و بس تمجید و تقدیر و ثنا می گویم و البته مساعی و همت و جدیت شان مورد توجهات کریمانه حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء خواهد بود.

و البته ... این احساسات و این روشنائی و کمال روحی مردم را بایستی نگهبانی نمود و نگذارد خمودی و خاموشی روی دهد و الیه سبحانه و تعالی التوکل والسلام علیکم و علی جمیع الاصدقاء العظماء والمحترمین.

محمد هادی الحسینی المیلانی

سند 11 - نامه ی آیت الله العظمی میلانی در قدردانی از مردم مبارز اصفهان

برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان

نامه آیت الله العظمی میلانی در قدردانی از مردم مبارز اصفهان

بسمه تعالی مجده

بسیار خوشنودم که در اصفهان احساسات مذهبی و تقویت روح ایمانی جلوه گر است و شهامت دینی دارند که در مواقع بسیار... اقدامات کاملی نمودند و لهذا دعاها در باره اهالی اصفهان می نمایم و بس تمجید و تقدیر و ثناء می گویم و البته مساعی و همت و جدیتشان مورد توجهات کریمانه حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء خواهد بود. و البته... این احساسات و این روشنائی و کمال روحی مردم را بایستی نگاهیانی نمود و نگذارد خمودی و خاموشی روی دهد و الیه سبحانه و تعالی التوکل والسلام علیکم و علی جمیع الاصدقاء العظماء والمحترمین.

محمد هادی الحسنی میلانی

سند ۱۱- نامه‌ی آیت الله العظمی میلانی در قدردانی از مردم مبارز اصفهان
برگرفته از کتاب یادواره‌ی نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره‌ی انقلاب اسلامی در اصفهان

نامه آیت الله العظمی گلپایگانی درباره جنایات رژیم در اصفهان و دیگر شهر های کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آقای آقا حسین خادمی دامت برکاته بعرض محترم می رساند.

مرقوم شریف مبنی بر شرح حوادث خونین اصفهان واصل. سبحان الله ما أشد لزوم هؤلاء الاستبداد و الاستعباد و ظلم العباد شئت الله شملهم واخذهم أخذ عزیز مقتدر مظالم حکومت استبداد و تجاوز آن به نوامیس و مقدسات و قتل نفوس محترمه و نهب اموال در اغلب نقاط و شهر های مملکت ملت را به ستوه آورده است مأمورین مردم را تیرباران نموده و به خاک و خون کشانده و مساجد را به آتش می کشند و ناجوان مردانه و مزدورانه افراد ساده لوح و بی اطلاع را اجیر و مأموران خود را با لباس عادی به غارت و تاراج اموال و آتش زدن مغازه ها و خانه های مردم می گمارند تا به گمان خود مردم آزادی خواه و بازرگانان و پیشه وران و دانشگاہیان و دانشجویان و فرهنگیان و طبقات دیگر را مرعوب نمایند.

اخطار ها و تذکرات دادگاه های مأموران انتظامی از ژاندارمری و پلیس حتی به شهر ها اعتناء نمی کنند و دستورات جنایت کارانه مقامات بالا را که سرکوب کردن ملت بهر وضع و شکل باشد اجراء می نمایند اما آن چه مسلم است اینست که بیاری و خواست خداوند متعال دیگر این عملیات خائنانه و حشیانه در این مملکت مؤثر نخواهد بود و عمر استبداد سپری شده و رشد و شعور اسلامی و اتحاد و همکاری مردم بر تمام این نقشه ها خط بطلان کشیده است این

سند 12- نامه ی آیت الله گلپایگانی درباره ی جنایات رژیم در اصفهان

برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان

تاریخ: ۱۳۵۷/۸/۹

نامه آیت الله العظمی گلپایگانی درباره جنایات رژیم در اصفهان و دیگر شهرهای کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمين آقا حسين خادمي دامت برکاته

عرض محترم ميرساند.

مرقوم شريف منبى بر شرح حوادث خونين اصفهان واصل. سبحان الله ما اشد لزوم هؤلاء الاستبداد والاستعباد وظلم العباد شئت الله شملهم واخذهم اخذ عزيز مقتدر. مظلوم حكومت استبداد و تجاوز آن به نواميس و مقدسات و قتل نفوس محترمه و نهب اموال در اغلب نقاط و شهرهاى مملكت ملت را به ستوه آورده است مأمورين مردم را تيرباران نموده و به خاك و خون كشانده و مساجد را به آتش مى كشند و ناجوانمردانه و مزدورانه افراد ساده لوح و بى اطلاع را اجير و مأموران خود را با لباس عادي به غارت و تاراج اموال و آتش زدن مغازه ها و خانه هاى مردم ميگمارند تا به گمان خود مردم آزادي خواه و بازرگانان و پيشه وران و دانشگويان و دانشجويان و فرهنگيان و طبقات ديگر را مرعوب نمايند.

مأموران انتظامي از ژاندارمرى و پليس حتى به اختطافها و تذكرات دادگاههاى شهرها اعتناء نمى كنند و دستورات جنايتكارانه مقامات بالا را كه سرکوب كردن ملت بهر وضع و شكل باشد اجراء مينمايند. اما آنچه مسلم است اينست كه بيارى و خواست خداوند متعال ديگر اين عمليات خائنانه و حشيانه در اين مملكت مؤثر نخواهد بود و عمر استبداد سپرى شده و رشد و شعور اسلامى و اتحاد و همكارى مردم بر تمام اين نقشه ها خط بطلان كشيده است اين

سند ۱۲- نامه‌ی آیت‌الله گلپایگانی درباره‌ی جنایات رژیم در اصفهان

برگرفته از کتاب یادواره‌ی نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره‌ی انقلاب اسلامی در اصفهان

نامه آیت الله العظمی شیرازی به آیت الله خادمی درباره حوادث خونین در اصفهان و نجف

آباد

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم جناب مستطاب حجّة الاسلام آیت الله خادمی دامت برکاته

السلام علیکم: رجاء واثق آن که لایزال در ظل عنایات خاصه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه جهت انجام وظائف خطیر اسلامی آن هم در شدیدترین و حسّاس ترین شرائط مؤید و مستدام باشید حوادث خونین و صحنه های ناهنجار اخیر اصفهان و نجف آباد خاطر مسلمانان و حوزه های علمیه و حقیر را شدیداً متکد و قلوب همگی را جریحه دار نموده است و بر نگرانی های حقیر نسبت به وضع کنونی کشور افزوده است، این جانب مکرر تذکر داده ام که هیئت حاکمه و نظام خائن نمی تواند با بوجود آوردن این صحنه های خونین و کشتار های دست جمعی و براه انداختن حمام های خون در نقاط مختلف کشور و تطبیق و فشارها و محدودیت ها در جوانب مختلف سدی را در مقابل اراده قاطع جامعه روحانیت و عزم راسخ ملت مسلمان ایران ایجاد نماید بلکه این حوادث موجب استقامت بیشتر همگان می گردد و آنان را به پیروزی نزدیکتر می نماید از خداوند متعال مسئلت می نمایم که به برکت وجود حضرت بقیه الله الاعظم حجّة ابن الحسن العسکری (عج) ایادی و ریشه های ظلم و ستمگری را قطع نماید و هر چه را که خیر و صلاح جوامع اسلامی است بآنان عنایت فرماید، البته حوادث مؤلمه مشهد مقدس و تحصن آقایان علماء اعلام را در بیمارستان مستحضرید امید آن که بخیر بگذرد مأمول است سلام و تحیت و مراتب تسلیت و تأثر حقیر را بعموم آقایان علماء

سند 13- نامه ی آیت الله شیرازی به آیت الله خادمی درباره ی حوادث خونین در اصفهان و نجف آباد برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان

تاریخ: ۱۳۵۷/۱۰/۱

نامه آیت الله العظمی شیرازی به آیت الله خادمی درباره حوادث خونین در اصفهان و نجف آباد

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم جناب مستطاب حجة الاسلام آیت الله خادمی دامت برکاته

السلام علیکم: رجاء واثق آنکه لایزال در ظلّ عنایات خاصه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه جهت انجام وظائف خطیر اسلامی آن هم در شدیدترین و حساسترین شرائط مؤید و مستدام باشید حوادث خونین و صحنه های ناهنجار اخیر اصفهان و نجف آباد خاطر عموم مسلمانان و حوزه های علمیه و حقیر را شدیداً متکذّ و قلوب همگی را جریحه دار نموده است و بر نگرانیهای حقیر نسبت به وضع کنونی کشور افزوده است، اینجانب مکرراً تذکر داده ام که هیئت حاکمه و نظام خائن نمی تواند با وجود آوردن این صحنه های خونین و کشتارهای دستجمعی و براه انداختن حتماًهای خون در نقاط مختلف کشور و تطبیق و فشارها و محدودیتها در جوانب مختلف سدی را در مقابل اراده قاطع جامعه روحانیت و عزم راسخ ملت مسلمان ایران ایجاد نماید، بلکه این حوادث موجب استقامت بیشتر همگان می گردد و آنان را به پیروزی نزدیکتر می نماید، از خداوند متعال مسئلت می نمایم که به برکت وجود حضرت بقیة الله الاعظم حجة ابن الحسن العسکری (عج) ایادی وریشه های ظلم و ستمگری را قطع نماید و هر چه را که خیر و صلاح جوامع اسلامی است بآنان عنایت فرماید، البته حوادث مؤلمه مشهد مقدس و تحصن آقایان علماء اعلام را در بیمارستان مستحضرید امید آنکه بخیر بگذرد، مأمول است سلام و تحیت و مراتب تسلیت و تأثر حقیر را بعموم آقایان علماء

سند ۱۳- نامه ای آیت الله شیرازی به آیت الله خادمی درباره ی حوادث خونین در اصفهان و نجف آباد برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان

به: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت تاریخ: 37/3/28

از: اداره کل سوم 312 شماره: 312/3574

درباره: نوار فروشی نوربخش

به قرار اطلاع صاحب نوار فروشی فوق الذکر که در چهار سوق اول خیابان شاه واقع است به طور مخفیانه مبادرت به فروش نوار های خمینی می نماید خواهشمند است دستور فرمائید پیرامون صحت و سقم موضوع تحقیق و نتیجه را به این اداره کل اعلام فرمایند.

مدیر کل اداره سوم ثابتی از طرف

امنیت داخلی تحقیق و نتیجه گزارش شود.

ممکن است منابع مورد اعتماد برای خرید نوار مراجعه نمایند تا صحت و سقم موضوع معلوم شود

4/3 [تقوی]

بخش 1 مذاکره شود 4/3

[نادری]

به: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت
از: اداره کل سوم ۳۱۲
تاریخ: ۳۷/۳/۲۸
شماره: ۳۱۲/۳۵۷۴
درباره: نوارفروشی نوربخش^۱

به قرار اطلاع صاحب نوارفروشی فوق الذکر که در چهار سوق اول خیابان شاه واقع است به طور مخفیانه مبادرت به فروش نوارهای خمینی می نماید. خواهشمند است دستور فرمائید پیرامون صحت و سقم موضوع تحقیق و نتیجه را به این اداره کل اعلام فرمائید.

مدیر کل اداره سوم، ثابتی
از طرف

به ریاست سازمان اطلاعات و امنیت
اصفهان ۱۰
از: اداره کل سوم ۳۱۲
موضوع: نوارفروشی نوربخش
تاریخ: ۳۷/۳/۲۸
پوسته: ۳۱۲/۳۵۷۴

درباره: نوارفروشی نوربخش

بقرار اطلاع صاحب نوارفروشی فوق الذکر که در چهار سوق اول خیابان شاه واقع است بطور مخفیانه مبادرت به فروش نوارهای خمینی می نماید. خواهشمند است دستور فرمائید پیرامون صحت و سقم موضوع تحقیق و نتیجه را با این اداره کل اعلام نمایند.

مدیر کل اداره سوم، ثابتی

اینک دایم محسن دستگیر در بینه
مبنی بر باطل بودن اعتقاد بر قرینه نوارها
و سقم بر صحت و سقم موضوع

۴/۳
محسن مذاکره
۳۷/۳/۲۸

امنیت داخلی تحقیق و نتیجه
گزارش شود.
ممکن است منابع مورد اعتماد
برای خرید نوار مراجعه نمایند تا
صحت و سقم موضوع معلوم شود
۴/۳ [تقوی]
بخش ۱ مذاکره شود ۳/۴/
[نادری]

سند ۱۴- فروش نوارهای امام خمینی در اصفهان

برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان،

سند ۱۴- فروش نوارهای امام خمینی در اصفهان

برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان،

به : 312 تاریخ : 37/4/10

از : 10 ه شماره : 10/8397 ه 1

ساعت 2000 روز 37/4/8 عده ای در خیابان صارمیه اصفهان با حمل پلاکارد های مضره شروع به تظاهرات نموده که بلافاصله به وسیله مأمورین شهربانی متفرق و دو نفر به اسامی عباس یادگاری و حسن قمی همراه با تعدادی اعلامیه مضره دستگیر و مورد بازجویی به وسیله شهربانی قرار گرفته اند.

عباس یادگاری سابقه مضره بازداشت قبلی دارد و در بازجویی مقدماتی خود را حسن برزانی شغل آلومینیوم کار معرفی نموده و حسن قمی دانشجوی دانشگاه اصفهان بوده که موضوع از طریق شهربانی تحت پی گرد می باشد.

ضمناً دو نفر مذکور منسوب یکدیگر هستند.

هوشمند

رونوشت برابر اصل است. اصل در پرونده کلاسه 5439 عباس یادگاری است. نادری

به: ۳۱۲

از: ۱۰ هـ

تاریخ: ۳۷/۴/۱۰

شماره: ۱۰/۸۳۹۷ هـ

ساعت ۲۰۰۰ روز ۳۷/۴/۸ عده‌ای در خیابان صارمیه اصفهان با حمل پلاکاردهای مضره شروع به تظاهرات نموده که بلافاصله به وسیله مأمورین شهربانی متفرق و دو نفر به اسامی عباس یادگاری^۱ و حسن قمی^۲ همراه با تعدادی اعلامیه مضره دستگیر و مورد بازجویی به وسیله شهربانی قرار گرفته‌اند.

عباس یادگاری سابقه مضره بازداشت قبلی دارد و در بازجویی مقدماتی خود را حسن برزانی شغل آلومینیوم کار معرفی نموده و حسن قمی دانشجوی دانشگاه اصفهان بوده که موضوع از طریق شهربانی تحت پی‌گرد می‌باشد
ضمناً دو نفر مذکور منسوب یکدیگر هستند.
هوشمند

۳۱۲

شماره: ۱۰ هـ

تاریخ: ۳۷/۴/۱۰

ماده: ۱۰ هـ

۲۰۰۰ روز ۳۷/۴/۸ عده‌ای در خیابان صارمیه اصفهان با حمل پلاکاردهای مضره شروع به تظاهرات نموده که بلافاصله به وسیله مأمورین شهربانی متفرق و دو نفر به اسامی عباس یادگاری^۱ و حسن قمی^۲ همراه با تعدادی اعلامیه مضره دستگیر و مورد بازجویی به وسیله شهربانی قرار گرفته‌اند.

عباس یادگاری سابقه مضره بازداشت قبلی دارد و در بازجویی مقدماتی خود را حسن برزانی شغل آلومینیوم کار معرفی نموده و حسن قمی دانشجوی دانشگاه اصفهان بوده که موضوع از طریق شهربانی تحت پی‌گرد می‌باشد
ضمناً دو نفر مذکور منسوب یکدیگر هستند.
هوشمند

رونوشت برابر اصل است. اصل در پرونده کلاسه ۵۴۳۹ عباس یادگاری است. نادری

۵۲-۱۱۵

مدیرت: عباس یادگاری

۱۰/۸۳۹۷ هـ

۳۷/۴/۱۰

۵۴۳۹

سند ۱۵- تظاهرات در اصفهان
برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، اصفهان

سند ۱۵- تظاهرات در اصفهان

برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان

محترماً معروض می دارد نامبرده بالا که از عوامل خمینی و روحانیون افراطی است قبلاً رئیس دبیرستان احمدیه اصفهان بوده که چون ضمن بررسی های لازم مشخص گردید به علت عدم توجه تدریجاً دانش آموزان به انحراف فکری و فعالیت مضره ضد امنیتی کشیده می شوند با اقدامات لازم نسبت به تعویض وی اقدام گردید و بعداً نیز خود را بازنشسته نموده است.

یاد شده که با روحانیون افراطی از جمله آقای سید حسین خادمی و سایرین مرتبط است به سرپرستی کتابخانه احمدیه گمارده شده که کماکان بتواند با دانش آموزان و افراد افراطی مرتبط باشد ضمناً ماهیانه مبلغ بیست هزار ریال از محل موقوفه احمدیه مقرر در یافت

می دارد چون تماس و ارتباط دائم این گونه اشخاص با نسل جوان نتیجه ای غیر از منحرف ساختن آن ها ندارد لذا نامه پیوست تهیه شده که در صورت تصویب امضا فرمایند.

نادری

موضوع: سید ابوالحسن بدری

محترماً معروض می‌دارد نامبرده بالا که از عوامل خمینی و روحانیون افراطی است قبلاً رئیس دبیرستان احمدیه اصفهان بوده که چون ضمن بررسیهای لازم مشخص گردید به علت عدم توجه، تدریجاً دانش آموزان به انحراف فکری و فعالیت مضره ضد امنیتی کشیده می‌شوند با اقدامات لازم نسبت به تعویض وی اقدام گردید و بعداً نیز خود را بازنشسته نموده است.

یاد شده که با روحانیون افراطی از جمله آقای سید حسین خادمی و سایرین مرتبط است به سرپرستی کتابخانه احمدیه گمارده شده که کماکان بتواند با دانش آموزان و افراد افراطی مرتبط باشد ضمناً ماهیانه مبلغ بیست هزار ریال از محل موقوفه احمدیه مقرر در ریافت می‌دارد. چون تماس و ارتباط دائم این گونه اشخاص با نسل جوان نتیجه‌ای غیر از منحرف ساختن آنها ندارد لذا نامه

سازمان
موضوع: سید ابوالحسن بدری
ترتیب سرپرستار نامبرده که از عوامل خمینی و روحانیون افراطی است قبلاً رئیس دبیرستان احمدیه اصفهان بوده که چون ضمن بررسیهای لازم مشخص گردید به علت عدم توجه، تدریجاً دانش آموزان به انحراف فکری و فعالیت مضره ضد امنیتی کشیده می‌شوند با اقدامات لازم نسبت به تعویض وی اقدام گردید و بعداً نیز خود را بازنشسته نموده است.
یاد شده در باره معین از اهل از حد در سرپرستار نامبرده
مرتبط است به سرپرستی که نامبرده احمدیه که در کتابخانه
دارد در تاریخ ۳۷/۳/۲۲ با مدیر کل اوقاف مذاکره و در جریان وضعیت بدری قرار
گرفتند. نادری

پیوست تهیه شده که در صورت تصویب امضا فرمایند.
نادری

در اجرای اوامر در تاریخ ۳۷/۳/۲۲ با مدیر کل اوقاف مذاکره و در جریان وضعیت بدری قرار گرفتند. نادری

سند ۱۶- فعالیت سید ابوالحسن بدری
برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان

در اجرای اوامر در تاریخ 37/3/22 با مدیر کل اوقاف مذاکره و در جریان وضعیت بدری قرار گرفتند. نادری

سند 16- فعالیت سید ابوالحسن بدری

برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان

پانزده خرداد جهت سرکوبی نهضت

از نطق تاریخی امام در عصر عاشورای 42 در فیضیه معظم له را در آن شب دستگیر نمودند، فردا حرکت شدید است اسلامی برای اعتراض باین عمل در تهران، وقم و چند شهر دیگر منجر به شهادت عزیزان بسیاری شد درصدد قصد جان امام و رهبر بر آمدند که علماء بزرگ شهرستان ها برای جلوگیری از این عمل به تهران رفتند، از اصفهان ایه الله خادمی بودند

عین اسناد آن زمان خود گویا می باشند

تهران

محضر مبارك حضرت حجة الاسلام و المسلمین آیت الله عاقای حاج آقا حسین خادمی دامت برکاته

پس از عرض سلام و ابراز مراتب ارادت اکنون که جناب عالی باتفاق سایر حج اسلام و علما اعلام دامت برکاته- برای حمایت احکام دین مقدس اسلام و اعلاء کلمه حق و محو شار ظلم و ستم بتهران ریف فرما شده اید فرصت را مغتنم رده مراتب پشتیبانی و حمایت بی دریغ خود را از ان پیشوایان خود اعلام می داریم.

ضمنا متذکر می شوی که بحدی درفش دی در فشار هستیم که نمی توانیم ازادانه همین نامه را که از ساده ترین حقوق قانونی افراد است آشکارا امضاء نماییم

مردم اصفهان

1342/5/8

سند - 17 اطلاعیه 15 خرداد

برگرفته از کتاب یادواره نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان

پانزده خرداد و جهت سرکوبی نهضت

بعد از نطق تاریخی امام در عصر عاشوراى ۲۲ در فیضیه معظم له را در آنشب
تغییر نمودند ، فردا حرکت شدید امت اسلامی برای اعتراض باین عمل در
تهران ، و قم و چند شهر دیگر منجر به شهادت عزیزان بسیاری شد .
حدوداً ۱۰ درصد تصد جان امام و رهبر برآمدند که علماء بزرگ شهرستانها
برای جلوگیری از این عمل به تهران رفتند ، از اصفهان آیت الله خاومى بودند

عبر اسناد آن زمان ، خود گویا میباشند

مسممم (تهران) مسممم

حضرت مبارك حضرت حقا لا سلام والمسلمين آيت الله قاي حاج اقا حسين خادمي
دامت برکات

بر عرض سلام و ابراز مراتب ازان تا کنون که ، جنابعالی باتفاق سایر
حجج اسلام و علماء اعلام دامت برکات هم برای حمایت احکام
دین مقدس اسلام و اعلاء کلمه حق و محو انار ظلم و ستم پتهران
تشریف فرما شده اید فرصت را مغتنم شمردم مراتب پشتمیانگی
و حمایت بیدریغ خود را ازان پیشوایان خود اعلام میدارم .

ضمناً متذکر میشوم که بحدی در رفتار هستیم که نمیتوانیم
از دانه همین نامه را که ساده ترین حقوق قانونی
افراد است اشک را ارضا

نمائیم

مردم اصفهان

۱۳۴۲/۵/۸

سند ۱۷-اطلاعیه ۱۵ خرداد

برگرفته از کتاب یادواره نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره‌ی انقلاب اسلامی در اصفهان

افشاگری مردم اصفهان از وقایع پانزده خرداد 42، عین سند:

ملت ایران بیدار باشید

طلاب مقتول بیگناه را از در و دیوار و زیلوهای مدرسه فیضیه قسم پاک کرده اند باز الخائن می خواهند صحنه خونین مدرسه فیضیه را در مدرسه حجتیه تجدید کنند بلی ارباب عمال یهود و بهائی ها بسر نوشت شوم خود رسید اما شاه و دستیاران او هنوز سیرت نگرفته اند و هر روز برای خفه کردن مردم مسلمان ایران و کوبیدن آزادی ها و آثار اسلامی نغمه تازه شومی ساز می کنند.

این که چندیست بیکی از جاسوسان شناخته شده خود در قم با چند نفر پلیس مخفی دستور در مرکز روحانیت ایران یعنی حوزه علمیه قم مزاحم طلاب و مسلمین علوم دینی شوند.

مقدار قناعت نکرده و با استفاده از مأمورین رسمی و مسلح برای ایجاد تشنج و بوجود آوردن

دیگری چون مدرسه فیضیه کوشش می کنند و بدین منظور یک ساعت و نیم بعد از ظهر روز چهارشنبه 9 آذر ماه جاری عده ئی پلیس با تفاق دو افسر و عده ایی چاقوکش بمدرسه حجتیه ریخته ارباب و تهدید دانشجویان علوم دینی درب های مدرسه را محکم می بندند و به نه نفر از طلاب می کنند فوراً حجره های خود را تخلیه کرده و به 17 تن دیگر اخطار می کنند که به دادگستری شهرستان معرفی کنند.

دانشجویان علوم دینی تصمیم گرفتند در کنار خیابان چادر بزندان و باین وسیله بدنیا ثابت کنند که هیئت ایران برای رضای خاطر اربابان خود علم و دین و روحانیت را قابل احترام نمی داند و کوچک ترین برای اصول انسانی و آزادی فردی و اجتماعی قائل نمی باشد.

گویا این ها هنوز در خوابند و از حوادثی که در دنیا می گذرد بی خبرند و از خشم و غضب خداوند و توانا کبه نزد او کوچک است غافل و بی اطلاع هستند. 1342/9/8 مردم اصفهان

سند 18 - اطلاعیه ی خطاب به مردم اصفهان در خصوص وقایع 15 خرداد

برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان

اشفای مردم اصفهان از فایع پانزده خرداد ۴۲، عین سند :

ملت ایران بیدار باشید .

طلاب مقتول بیگناها را از در و دیوار و زیلوه‌های مدرسه، فیضیه قم پاک کرده اند باز
حاکم حاکم می‌خواهند صحنه خونین مدرسه فیضیه را در مدرسه حقیقه تجدید کنند بلی
کسی ارباب مال بهبود و سهاکیها بسر نوشت شوم خود رسد اما شاه و دستیاران او هنوز
سیرت نگرفته اند و هر ریز برای خفه کردن مردم مسلمان ایران و کوبیدن آزاد بها
سوآثار اسلامیه تازه شومی ساز میکنند .
آنکه چند هست بگی از جاسوسان شناخته شده خود در قم با چند نفر پلیس مخفی دستور
در مرکز روحانیت ایران یعنی حوزه علمیه قم مزاحم طلاب و مسلمین علوم دینی شوند .
مخفی مذاققت نکرده و با استفاده از مأمورین رسمی و مسلح برای ایجاد تشنج و بوجود آوردن
دیگری چون مدرسه فیضیه کوشش میکنند و بدین منظور یکساعت ونیم بعد از ظهر روز
پانزده آذر ماه جاری عده‌ای پلیس با تفیق دو افسر و عده‌ای چاقوکش بمدرسه حقیقه ریخته
باز ارباب و تهدید دانشجویان علوم دینی در بهای مدرسه را محکم می‌بندند و به نفر از طلاب
مدرسه " فوراً " حمزه های خود را تخلیه کرده و به ۱۷ تن دیگر اخطار میکنند که به دادگستری
ایستاد معرفی کنند .
دانشجویان علوم دینی تصمیم گرفتند در کنار خیابان جادر بزنند و با بین وسیله بدینا ثابت کنند که هیئت
حاکم ایران برای رضای خاطر اربابان خود علم و دین و روحانیت را قابل احترام نمیداند و کوچکترین
تشی برای اصول انسانی و آزادی فردی و اجتماعی قائل نمیشود .
کجا اینها هنوز در خوابند و از حوادثی که در دنیا میگذرد بیخبرند و از خشم و غضب خداوند
سار و توانا که نزد او کوچک است غافل می‌اطلاع هستند . ۱۳۴۲/۹/۸ مردم اصفهان

۷

سند ۱۸- اطلاعیه‌ی خطاب به مردم اصفهان در خصوص وقایع ۱۵ خرداد
برگرفته از کتاب یادواره‌ی نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره‌ی انقلاب اسلامی در اصفهان

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت حجة الاسلام والمسلمین آیت ... فی الارضین آقای زند کرمانی دامت برکاته العالیه محترماً معروض می دارد در این بحران که بوسیله دست های مرموز دشمنان اسلام ایجاد اختلاف بین دولت و مقام شامخ روحانیت گردیده حتی گاهی راجع بمرجع عالی قدر شیعه حضرت آیت ... العظمی آقای خمینی مد ظله العالی مذاکراتی شنیده می شود متمنی است برای روشن شدن اذهان مردم مسلمان این شهرستان نظریه خود را نسبت بمعظم له بیان فرمائید باعث مزید امتنان و دعا گوئی است.

مسلمانان اصفهان

بسمه تعالی

متأسفانه این اختلاف خانمان سوز که در اثر اغفال اولیاء امور نسبت بنظریات و تذکرات مشفقانه مراجع معظم پیش آمده است قلب هر مسلمان وطن خواه را جریحه دار نموده و امید است با تجدید نظر دولت در روش این چند ماهه اخیر و توجه به نظریات و پیشنهادات مشروع جامعه روحانیت این بحران هر چه زودتر خاتمه و همگی از عواقب وخیم این وضع محفوظ مانده و وحدت کلمه که لازمه توحید است برقرار گردد.

و اما شایستگی زعامت و مرجعیت حضرت آیه العظمی آقای خمینی مد ظله العالی مسلم و مورد قبول علمای اعلام و آیات ... العظام و این حقیر می باشد و سوابق علمی معظم له از زمان مؤسس والامقام حوزه مقدسه قم مرحوم مبرور آیه ... العظمی آقای حائری طاب مضجعه الشریف بر دانشمندان و آشنایان به حوزه مقدسه قم معلوم و تکفل معظم له مدیریت علمی حوزه علمیه قم را بر همه کس روشن و تردیدی نیست و السلام علی من اتبع الهدی

القاصر الفانی محمد باقر زند کرمانی

سند 19- نظر خواهی از آیت الله کرمانی

برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان

نظرخواهی از آیت الله کرمانی

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت حجة الاسلام والمسلمین آیت ا... فی الارضین آقای زند کرمانی
دامت برکاته العالیه محترماً معروض میدارد در این بحران که بوسیله دستهای مردود
دشمنان اسلام ایجاد اختلاف بین دولت و مقام شامخ روحانیت گردیده حتی گاهی راجع
بمرجع عالیقدر شیوه حضرت آیت... العظمی آقای خمینی مدظله العالی مذاکرانی شنیده
میشود مضمونی است برای روشن شدن اذعان مردم مسلمان این شهرستان نظریه خود را نسبت
بمعظم له بیان فرمائید باعث مزید امتنان و دعاگویی است

مسلمانان اصفهان

بسمه تعالی

متأسفانه این اختلاف خانمانسوز که در اثر اغفال اولیاء امور نسبت بنظریات و
تذکرات مشفقانه مراجع معظم پیش آمده است قلب هر مسلمان و وطنخواه را جریحه داز
نموده و امید است با تجدید نظر دولت در روش این چند ماهه اخیر و توجه به نظریات و
پیشنهادات مشروع جامعه روحانیت این بحران هر چه زودتر خاتمه و همگی از عواقب
وخیم این وضع محفوظ مانده و وحدت کلمه که لازمه توحید است برقرار گردد .

و اما شایستگی زعامت و مرجعیت حضرت آیت... العظمی آقای خمینی مدظله العالی مسلم
و مورد قبول علمای اعلام و آیات... العظام و این حقیر میباشد و سوابق عامی معظم له از
زمان مؤسس و الامتاق حوزه مقدسه قم مرحوم میرور آیت... العظمی آقای حائری طاب
مضجعه الشریف برداشتمندان و آشنایان به حوزه مقدسه قم معلوم و تکفل معظم له مدیریه
علمی حوزه علمیه قبرا بر همه کس روشن و تردیدی نیست والسلام علی من اتبع الهدی

القاصر الفانی محمد باقر زند کرمانی

سند ۱۹- نظرخواهی از آیت الله کرمانی

برگرفته از کتاب یادواره‌ی نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره‌ی انقلاب اسلامی در اصفهان

اثر استاد همگانی

وحدت و یگانگی است این گونه کارساز شد

دولت طاغوت با زور و ظلم و خشونت که نشان داد در مقابل افکار عمومی قرار گرفت

زندانی شدن امام و سایر شخصیت ها چهره ستمگری دستگاه را بیشتر نمایان ساخت.

اجتماع علما در تهران و اقدامات عمومی رژیم را مجبور کرد تا امام و دیگران را آزاد سازند

همین جریانات باز سر فصل نوینی در انقلاب اسلامی بوجود آورد.

بسمه تعالی

نظر بوصول مژده مسرت بخش آزادی مرجع و مجاهد عظیم الشان اسلام

حضرت آیت ا... العظمی آقای خمینی

و سایر علماء اعلام مد ظلهم از طرف روحانیون و محصلین علوم دینی اصفهان مجلس جشنی در مدرسه صدر بازار روز یکشنبه 14 ربیع الاول از ساعت 4 بعد از ظهر تا منعقد است بدیهی است کلیه طبقات محترم بالاخص علمای اعلام در این جشن مذهبی شرکت فرموده و قلب مبارک ولی عصر ارواحنا له الفداء را مسرور خواهند نمود.

روحانیون و محصلین اصفهان

اثرات و همگانی وحدت و یکپارگی امت اینگونه کار ساز شد

دولت طاغوت با زور و ظلم و خشونت که نشان داد در مقابل افکار عمومی سرانگیزت
زندانی شدن امام و سایر شخصیتها چهسره ستمگری دستگاه را بیشتر نمایان ساخت.
اجتماع علمای در تهران و اقدامات عمومی رژیم را مجبور کرد تا امام و دیگران را آزاد
همین جریانها تا باز سرفصل نوینی در انقلاب اسلامی بوجود آورد.

بسمه تعالی

نظر بوصول مرزده مسرت بخش آزادی مرجع عالی
و مجاهد عظیم الشان اسلام

حضرت آیت... العظمی آقای خمینی

و سایر علمای اعلام مد ظلهم از طرف روحانیون و محققین
علوم دینی اصفهان مجلس جشنی در مدرسه صدر بزرگ
روز یکشنبه ۱۴ ربیع الاول از ساعت ۴ بعد از ظهر تا
منعقد است بدیهی است کلیه طبقات محترم بالاخص علمای
اعلام در این جشن مذهبی شرکت فرموده و قلب مبارک
ولی عصر ارواحنا له الفداء را مسرور خواهند نمود.



امام بعد از بازگشت از زندان

روحانیون و محققین اصفهان

بلی در چشم انداز این رهبر متیوان تحول بزرگی را مشاهده نمود.

سند ۲۰-اطلاعیه زندانی امام خمینی

برگرفته از کتاب یادواره‌ی نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره‌ی انقلاب اسلامی در اصفهان

امام بعد از بازگشت از زندان

بلی در چشم انداز این رهبر می توان تحول بزرگی را مشاهده نمود.

سند 20-اطلاعیه زندانی امام خمینی

برگرفته از کتاب یادواره ی نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان

ص: 320

بمناسبت استخلاص یگانه پرچم دار عالم تشیع

حضرت آیه... خمینی

متع... مسلمین بطول بقائه

جهان شده ز وجود سه بت شکن آگاه *** کزین سه در سه زمان جلوه کرد وجه اله

یکی ظهور به بابل نمود و بت بشکست *** که نام او به جهان خوانده شد خلیل اله

بروم کسی که جهان پاک کرد از بت ها *** فراز دوش نبی بد علی ولی الله

بروم کسی که قیامش بدین زمان افتاد *** ز نسل موسی جعفر خمینی روح الله

بزرگوار خدا یا نمای تائیدش *** که همتش شکنند پشت هر عدو اله

عیسی بن جعفر علیه السلام فرمود :

مردی از اهل قم دعوت می کند و می خواند مردم را بحق مردمی اطراف وی جمع می شوند که مانند پاره های آهن اند باد های تند حوادث زندگی آن ها را از راه حق و صواب منحرف نخواهد کرد و از واجک ملول و ناراحت نخواهند شد و از چیزی ترس ندارند و نمی ترسند و بخدا توکل می کنند به عاقبت خوش برای پرهیزکاران است

نسل حدیث در صفحه 446 جلد دوم کتاب سفینه البحار تقدیمی از مردم اصفهان

سند 21- اعلامیه به مناسبت آزادی امام خمینی

برگرفته از کتاب یادواره نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره ی انقلاب اسلامی در اصفهان

بمناسبت استخلاص یگانه پرچمدار عالم تشیع

حضرت آیه ا... خمینی

متع... مسلمین بطول بقائه

جان شده ز وجود سه بت شکن آگاه
کزین سه در سه زمان جلوه کرد وجه اله
کی ظهور به بابل نمود و بت بشکست
که نام او به جهان خوانده شد خلیل اله
هم کسیکه جهان پاک کرد از بتها
فرا ز دوش نبی بد علی ولی اله
هم کسیکه قیامت بدین زمان افتاد
ز نسل موسی جعفر خمینی روح اله
یگوار خدا یا نمای تائیدش
که همتش شکنند پشت هر عدو اله

پیغمبر جعفر علیه السلام فرمود :

بسی از اهل قم دعوت میکند و میخواند مردم را بحق مردمی اطراف وی جمع میشوند که مانند
بسی آه ناند بادهای تند حوادث زندگی آنها را از راه حق و صواب منحرف نخواهد کرد
بسی ملول و ناراحت نخواهند شد و از چیزی ترس ندارند و نمیترسند و بخدا توکل میکنند
بسی خوش برای پرهیز کاران است

تقدیمی از مردم اصفهان

سر حدیث در صفحه ۴۴۶ جلد دوم کتاب سفینه البحار

سند ۲۱- اعلامیه به مناسبت آزادی امام خمینی

برگرفته از کتاب یادواره نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷ چهره‌ی انقلاب اسلامی در اصفهان

تصاویر:



کنگره حزب زحمتکشان در اصفهان (۱۳۴۱) پشت تریبون بقایی در حال سخنرانی

کنگره‌ی حزب زحمتکشان در اصفهان (۱۳۴۱) ابادیان، حسین، ۱۳۸۶، زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران

کنگره ی حزب زحمت کشان در اصفهان (1341) آبادیان، حسین، 1386، زندگینامه سیاسی دکتر مظفر، بقایی مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی تهران

ص: 322



برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (شرح مبارزات مردم اصفهان)

حجت الاسلام ابوالحسن بدری

شهید اکبر بابا قربانی

عباس علی برهانی

میرزا آقا برهانی

استاد علی اکبر پرورش

شهید عباس تابنده

حجت الاسلام حسن توکلی

جعفر توکلی

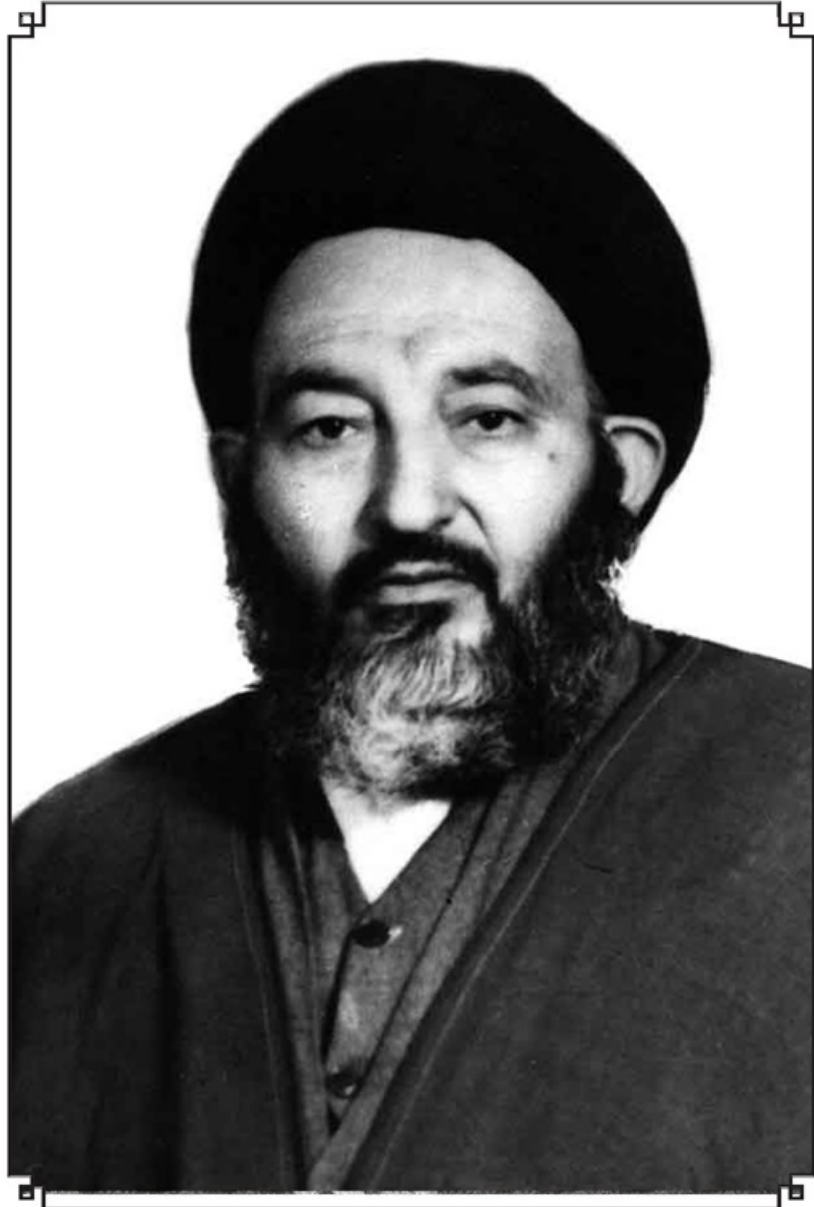
برگرفته از کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (شرح مبارزات مردم اصفهان)

ص: 323



آیت‌الله، سید حسین خادمی مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۹، یاران امام به روایت
اسناد ساواک (کتاب نوزدهم)

آیت‌الله سید حسین خادمی مرکز بررسی اسناد تاریخی ۱۳۸۹ یاران امام به روایت اسناد ساواک (کتاب نوزدهم)



مرحوم آیت الله شمس آبادی

مرحوم آیت الله شمس آبادی

ص: 325

اسناد منتشر نشده:

لوح فشرده ی اسناد منتشر نشده موزه و کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی، مجلس چهاردهم، (1321 لغایت 1324 ش)، فاقد شماره، تهران

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی

اسناد منتشر شده:

طیرانی، بهروز، (1376)، اسناد و احزاب سیاسی ایران (1320-1330)، ج 1، سازمان اسناد ملی ایران، تهران، (1376) اسناد و احزاب سیاسی ایران (1320-1330)، ج 2، سازمان اسناد ملی ایران، تهران

مرکز اسناد ریاست جمهوری، (1381)، اسنادی از انجمن ها و مجامع مذهبی در دوره ی پهلوی، مرکز اسناد ریاست جمهوری تهران
مرکز بررسی اسناد تاریخی، (1379)، چاپ در ایران (رضا روستا) کتاب پنجم به روایت اسناد ساواک، ناشر مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات تهران

، (1382)، چاپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج 1، ناشر مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات تهران

، (1382)، چاپ در ایران به روایت اسناد ساواک کادر های حزب توده، ج 2، ناشر مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات تهران

، (1389)، یاران امام به روایت اسناد ساواک (کتاب نوزدهم) حضرت آیت الله سید حسین خادمی (خادم شریعت مرکز بررسی اسناد تاریخی تهران

، 1383، حجت الاسلام حاج شیخ عباس علی اسلامی به روایت اسناد ساواک، ناشر مرکز بررسی اسناد

1378، انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، جلد چهارم مرکز بررسی اسناد تاریخی تهران

1378، انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، جلد ششم مرکز بررسی اسناد تاریخی، تهران

1387، قیام 15 خرداد به روایت اسناد بازتاب ها استان ها و خارج از کشور، جلد هفتم، مرکز بررسی اسناد تاریخی، تهران

1382، انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، شرح مبارزات مردم استان اصفهان کتاب اول از 1356/8/1 تا 1357/1/15، مرکز بررسی اسناد تاریخی تهران

1383، انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان اصفهان، کتاب سوم 57/5/1 تا 57/6/31 شرح مبارزات مردم استان اصفهان مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات تهران

1387، جبهه ی ملی روایت اسناد ساواک مرکز بررسی اسناد تاریخی تهران

مقدم، کاظم، (1390)، گزیده ی تاریخ معاصر ایران 1320 ه . ش تا 1357 با تأکید بر سال (1343)، سرنوشت منصور، سرنوشت مؤتلفه به روایت اسناد ساواک و شهربانی، ج 2، مؤسسه ی چاپ و نشر عروج، تهران

سرابندی، محمد رضا، 1387، زندگی و مبارزات آیت الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی به روایت اسناد انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران

کتاب:

اسلامی، عباس علی، 1355، دو از یاد رفته، ج 2، انتشارات روزبه بی جا

امینی، علیرضا، 1389، نگاهی به تاریخ ایران از عهد باستان تا انقراض سلسله ی پهلوی انتشارات صدای، معاصر تهران

آبراهامیان، یرواند، 1387، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه ی کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه چی، نشر مرکز، تهران

آبادیان، حسین، 1386، زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی، مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی، تهران

آبادیان، حسین، 1383، دو دهه ی واپسین حکومت پهلوی، مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی، تهران

آوری، پیترو، 1371، تاریخ معاصر ایران از تأسیس سلسله ی پهلوی تا کودتای 28 مرداد 1332، ترجمه ی محمد رفیعی

آیت، حسن، 1363، درس هایی از تاریخ سیاسی ایران، حزب جمهوری اسلامی، تهران

احمدی، روحانی، حسین، 1384، سازمان مجاهدین خلق ایران انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

احمد، حاجیکلانی، حمید، 1389، جریان شناسی چپ در ایران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، تهران

اخوان، کاظمی، بهرام، 1388، علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران

اسکندری، ایرج، 1372، خاطرات ایرج اسکندری، مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی، تهران

از غندی، علی، رضا، 1379، ناکارآمدی نخبگان سیاسی بین دو انقلاب، نشر قومس، تهران

از غندی، علی، رضا، 1382 تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (1320-1357)، سمت، تهران

افراسیابی بهرام، 1367، ایران و تاریخ نشر علم، تهران

الگار، حامد 1360، چهار سخنرانی از پرفسور حامد الگار: انقلاب اسلامی در ایران، ترجمه ی مرتضی اسعدی حسن چیدری، انتشارات قلم بی جا

الموتی، ضیاء الدین، 1370، فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی اجتماعی ایران شرکت انتشارات چاپ، پخش تهران

امجدی، جلیل، 1384، تاریخ شفاهی سازمان مهدویون، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

امیر، خسروی، بابک، 1375، نگاهی نظر از درون به نقش حزب توده ایران (نقدی بر خاطرات نورالدین کیانوری)، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه تهران

ایزدی، محمد، 1359، گذری بر زندگی و اندیشه های فقیه عالی قدر آیت الله منتظری، انتشارات نهضت زنان مسلمان

ایمانیه مجتبی، بی تا، تاریخ فرهنگ اصفهان مراکز تعلیم (از صدر اسلام تاکنون)، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان

باقری، علی (1387)، خاطرات 10 خرداد دفتر، هشتم انتشارات حوزه ی هنری دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران

بختیاری، شهلا، 1385، حزب پان ایرانیست به روایت اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران

اداره ی کل اطلاعات استان اصفهان، 1377، مجموعه ی بن بست کتاب، اول، مهدی هاشمی ریشه های انحراف

بیات، کاوه، مجید تفرشی، 1370، خاطرات دوران سپری شده (خاطرات و اسناد یوسف افتخاری) مهر ایران تهران بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، 1371، گزارشی از حماسه ی 15 خرداد سال 42 در اصفهان به روایت خاطرات به همراه بحث (سیری در سوابق خاطره نویسی در ایران)، بنیاد تاریخ، شعبه ی اصفهان

تألیف شورای پژوهشگران بنیاد تاریخ انقلاب، علی اکبر حجاری طاهری، 1378، احزاب سیاسی در ایران، ویژه نامه ی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران قم

تفرشی، مجید محمود طاهر احمدی، 1371، گزارش های محرمانه ی شهربانی (26-1324)، ج 1 چاپ شقایق تهران

صادقی اردستانی، احمد، 1361، زندگی نامه ی حجت الاسلام شهید محمد منتظری، قم، دفتر نشر محمد طیب پور، سید محمود، 1382، اصول و فروع دین منظوم (به سبک کودکان)، بنیاد بعثت

جابر انصاری، میرزا حسن خان (1378)؛ تاریخ، اصفهان، اصفهان، انتشارات جمشید مظاهری

جاسبی، عبدالله، 1389، احزاب سیاسی (2) احزاب سیاسی و نظام های حزبی برگرفته از کتاب تشکل فراگیر به کوشش رضا پریزاد، ناشر دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، تهران

جامی، ن، 1362، گذشته چراغ راه آینده است، انتشارات ققنوس بی جا

جزنی، بیژن، 1357، تاریخ سی ساله ایران، ج 1، انتشارات رحمن، تهران

جعفریان، رسول، 1385، جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران سال های 1320-1357، مؤسسه ی فرهنگی دانش و اندیشه معاصر و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

جمعی از مؤلفان، 1389، حزب در ایران، دانشنامه ی جهان اسلام تهران

جمعی از پژوهشگران، 1388، سازمان مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام (1384-1344)، ج 1، مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی تهران

حسینیان، روح الله، 1381، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران 1340-1320، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

حسینیان، روح الله، 1385، بازخوانی نهضت ملی، ایران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

حنیف محمد، 1383، اصفهان در انقلاب، مؤسسه ی چاپ و نشر عروج (طرح و نظارت مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)) معاونت پژوهشی تهران

حجازی، مسعود، 1375، رویداد ها و داوری 1339-1329 (خاطرات مسعود حجازی)، انتشارات نیلوفر، چاپ اول تهران

دلانو، کریستین، (1371)، ساواک، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، انتشارات طرح نو، تهران

دهکردی، عباس، 1392، جلوه های فرزادنگی، انتشارات آیین فرزادنگی، اصفهان

ذبیح سپهر، 1378 تاریخ جنبش کمونیستی در ایران مؤسسه ی انتشارات عطائی، تهران

راست گو علی اکبر، 1384، مجاهدین خلق در آینه ی تاریخ مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران

رزمجو، علی اکبر حزب پان ایرانیست، مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران

روحانی، حمید، 1360، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، انتشارات قلم وابسته به جامعه ی مدرسین قم، تهران

روشن، نهاد ناهید، 1384، مدارس اسلامی در دوره ی پهلوی دوم مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران

روضاتی، سید احمد، 1388، معین الاسلام و فرهنگ معاصر ایران، کانون پژوهش، اصفهان

رحیمیان، محمد حسن، 1382، حدیث رویش انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران

رجبی، محمد حسن (1381)، نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، 1359 تاریخچه ی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ج 1، تهران

-----، 1360، تاریخچه ی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ج 2، تهران

ساسان، پور شهرزاد، 1386، عبور از سازمان (مجید شریف واقفی به روایت اسناد) مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران

سعیدی، خسرو، 1367، اللهیار صالح، شنیده و نوشته، ج 1، زندگینامه، نشر طلایه، تهران

سعیدی، مهدی، 1385، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از تأسیس تا انحلال (1365-1385 ه. ش)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

تهران

سیف پور فاطمی، نصر الله، 1379، گزند روزگار، خاطراتی از تحولات فارس در آستانه ی جنگ جهانی دوم، انتشارات شیراز، بی جا

شادلو، عباس، 1379، احزاب سیاسی و جناح های سیاسی امروز، نشر گستره، تهران

شاهدی مظفر، 1389، حزب پان ایرانیست (1338-1330 ه. ش)، مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی، تهران

شاهدی، مظفر، 1386، ساواک سازمان اطلاعات و امنیت کشور (1357-1335)، انتشارات مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های

سیاسی تهران

شجیعی زهرا، 1372، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران

شیخی، الیاس، 1383، اصفهان قلب سیاسی ایران معاصر، انتشارات دادیار با همکاری انتشارات فرهنگ مردم اصفهان

شهسواری، ثریا، 1387، اسناد فعالیت بهائیان در دوره ی محمد رضا شاه، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران

شکرزاده، حسن (1386)، مبارزات امام خمینی به روایت اسناد از آغاز نهضت تا تبعید به ترکیه، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

صارمی، شهاب، اصغر، 1378، احزاب دولتی و نقش آن ها در تاریخ معاصر ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

صفوی، امان الله، 1383، تاریخ آموزش و پرورش ایران از ایران باستان تا 1380 ش با تأکید بر دوره ی معاصر همراه با معرفی کلیه ی وزرای علوم، معارف فرهنگ و آموزش و پرورش، رشد، تهران

صدیق، عیسی، 1356، دوره ی مختصر تاریخ فرهنگ ایران، به سرمایه ی شرکت سهامی طبع کتاب (خاص)، تهران

صلاحی، سهراب، 1386، پژوهشی در تحولات سیاسی معاصر ایران، ایران و انقلاب اسلامی، مؤسسه ی چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، تهران

صلواتی، فضل الله، 1385، مجموعه ی مقالات کنگره ی جهانی بزرگداشت اصفهان ویژه ی اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام، انتشارات اطلاعات، تهران

صالحی، نجف آبادی، 1362، توطئه شاه بر ضد امام خمینی (نیرنگ های سیاسی ساواک علیه حوزه های علمیه)، بی جا

طبری، احسان، 1373، کژراه، خاطراتی از تاریخ حزب توده انتشارات امیر کبیر، تهران

عباسی، ابراهیم، 1386، خاطرات حجت الاسلام جعفری اصفهانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نوبت چاپ اول، تابستان

عاقلی، باقر، 1372، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج 1، نشر گفتار، تهران

عاقلی، باقر، 1380، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، نشر گفتار با همکاری نشر علم تهران

عباسی ابراهیم، 1386، خاطرات حجت الاسلام جعفری اصفهانی، تهران

علم، محمد رضا، 1387، سهم فرهنگ سیاسی ایران در ناپایداری احزاب، انتشارات نیک فرجام، تهران

عقیقی بخایشی، بی تا، یکصد سال مبارزه ی روحانیت مترقی، از میرزای شیرازی تا امام خمینی، ج 2، نشر نوید

عظیمی، فخرالدین، 1372، بحران دموکراسی در ایران 1320-1332، ترجمه ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نودری، نشر البرز تهران

علیان نژاد، میرزا باقر، 1389، روز شمار انقلاب اسلامی، جلد یازدهم انتشارات سوره ی مهر (وابسته به حوزه ی هنری) دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران

علی زاده، علی، (1374)؛ شهید بهشتی عقل ملکوتی، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی

عیوضی، محمد رحیم، 1380، طبقات اجتماعی و رژیم شاه، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران فرمانداری نظامی شهرستان تهران 1336، سیر کمونیزم در ایران از شهریور 1320 تا فروردین 1336، سازمان چاپ و انتشارات کیهان

قاسمی، طهمورث (1381)، نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

کتابی، باقر، 1372، خاطرات دکتر باقر کتابی، بنیاد تاریخ اصفهان، اصفهان

کرونین، استفانی، 1383، رضا شاه و شکل گیری ایران نوین (دولت و جامعه در زمان رضاشاه)، ترجمه ی مرتضی ثابت فر، جامی، تهران

کریمی پور، حمید 1380، جامعه ی تعلیمات اسلامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران

کمبریج، (همبلی، گاوین، امین سایکل، حامد الگار)، 1371، سلسه ی پهلوی و نیرو های مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ج 7، ترجمه عباس منخبر طرح نو، تهران

کوئن، بروس، 1385، درآمدی به جامعه ی شناسی، ترجمه محسن ثلاثی توتیا، تهران

کوهستانی نژاد، مسعود، 1379، مجموعه ای از اسناد و بیانیه ها 1332-1323، نشر و پژوهش شیرازه، تهران

---، 1385، چالش و مذهب و مدرنیسم در ایران نیمه ی اول قرن بیستم: کتاب دوم، اتحادیه ها جمعیت ها و انجمن های، مذهبی، سیاسی، نشر نی، تهران

کیانوری، نورالدین، 1371، خاطرات، مؤسسه ی تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه تهران

کی مرام، منوچهر، 1374، رفقای بالا، شب آویز، بی جا

کی استوان، حسین، 1329، سیاست موازنه ی منفی در مجلس چهاردهم، ج 2، مدیر روزنامه ی مظفر، انتشارات روزنامه ی ظفر، تهران

گروه نویسندگان، 1375، سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی، ج 1، مؤسسه ی مطالعات و

گروه تدوین خاطرات و تاریخ شفاهی، 1382، انقلاب اسلامی به روایت خاطره، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

لاجوردی، حبیب، 1369، اتحادیه ی کارگری و خودکامگی در ایران، نشر نو، تهران

لاچینی، کامبیز، 1387، ازوانان تاوین، پژوهشی در خاطرات عزت الله باقری و نگاهی دیگر به تفکر چپ در گفتگویی با عزت الله باقری، ج 1، نشر حنا، تهران

مختاری، اصفهانی، رضا، 1385، خاطرات محمد پیشگاهی فرد مصاحبه کننده مرتضی میردار، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

مدنی، جلال الدین 1370، تاریخ معاصر ایران جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم

مدیر شانه چی، محسن، 1375، احزاب سیاسی ایران با مطالعه ی موردی نیروی سوم و جامعه ی سوسیالیست ها، مؤسسه ی خدمات فرهنگی رسا، تهران

مدیر شانه چی، محسن، 1385، فرهنگ احزاب و جمعیت های سیاسی ایران، نشر نگاه معاصر، تهران

مدیر شانه چی، محسن 1388، پنجاه سال فراز و فرود حزب توده ی ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول

معمدی، اسفندیار، 1386، اصفهان، مدارس نوین و مفاخر آن سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان

مقصودی، مجتبی، 1380، تحولات سیاسی اجتماعی ایران 1320-1357، انتشارات روزنه، تهران

منتصری، هوشنگ، 1379، در آن سوی فراموشی، یادى از دکتر (رضا رادمنش) دبیر کل اسبق حزب توده، نشر پژوهش شیراز، بی جا

منصوری، جواد (1373)، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

مختاری اصفهانی، رضا، 1390، درد و درد (خاطرات سید رضا میر محمد صادقی)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

مهدی نیا، جعفر، 1369، زندگی سیاسی سید ضیاء الدین طباطبائی، انتشارات پانوس، تهران

مهدوی، سید مصلح الدین، 1387، اعلام اصفهان، (ب- ذ)، ج 2، تصحیح؛ تحقیق و اضافات غلام رضا نصراللهی، ناشر سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

- مهرعلیزاده، مهدی، 1386، تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان، سازمان فرهنگی، تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان
- مهر علیزاده، مهدی (1387)، تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیت الله خادمی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، 1369، خاطرات سیاسی 1365-66، محمد ری شهری، چاپ دوم، تیر ماه تهران
- محمدی ری شهری، محمد، 1386، سنجه، انصاف، (بررسی برهه‌ای حساس از تاریخ نظام جمهوری اسلامی ایران)، دارالحدیث
- محمدی ری شهری، محمد، 1369، خاطرات محمدی ری شهری 1366-1365، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران
- موحد ابطحی، سید حجت (1365)؛ آشنایی با حوزه‌های علمیه‌ی شیعه در طول تاریخ، جلد اول، اصفهان، انتشارات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان
- نظری، حیدر، 1384، خاطرات و مبارزات حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران
- نجمی، ناصر، 1373، بازیگران سیاسی عصر رضا شاهی و محمد رضاشاهی، انتشارات انیشتن، تهران
- نوذری، عزت الله، 1380، تاریخ احزاب سیاسی در ایران از مجلس دوم مشروطیت تا مجلس ششم انقلاب اسلامی، انتشارات نوید، شیراز
- نوریخس، سید حسن، 1366 یادواره‌ی نهضت اسلامی تا 22 بهمن 57 چهره‌ی انقلاب اسلامی در اصفهان، ج 2 از تحصن تا محرم 57 و ج 3، چگونه پیروز شدیم، تهران
- نیکبخت، رحیم، 1390، خاطرات و اسناد فیروزیان حجت الاسلام حاج شیخ غلام رضا فیروزیان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران
- ویلم، فلور، 1371، اتحادیه‌ی کارگری و قانون کار در ایران (1900-1941)، ترجمه‌ی ابوالقاسم لری، انتشارات طوس، تهران
- هاشمی تروجنی، سید محمد، 1386، احزاب و گروه‌های سیاسی از دیگاه امام خمینی (س) بیان آثار موضوعی (دفتر سی و دوم)، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر عروج، تهران
- هاشمی نجف آبادی، سید رضا، 1369، ریشه‌های انقلاب اسلامی از 1207 تا 1357 به ضمیمه‌ی اسناد منتشر نشده،

یاری سیاوش، 1384، حزب ایران به روایت اسناد ساواک، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران

یوسفیه، ولی الله، 1351، احزاب سیاسی، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران

یوسفی اشکوری، حسن، 1376 در تکاپوی آزادی، ج 1، انتشارات قلم، تهران

مقالات:

اکبری آهنگر، رضا، 1391، انجمن حجّتیہ پشت سنگر تقیہ، خط دو ماهنامه علمی، فرهنگی خانه ی طلاب جوان شماره ی 5 از شماره ی 49 تا 55

ابطحی، سید علیرضا، مقاله ی 15 خرداد، در دست انتشار

تیموری، سپیده، 1382، جنبش کارگری در ایران فرازها و فرودها، مجله ی گزارش شماره ی 146، 15-16

طاہر احمدی، محمود، 1382، مصدق و کارگران حزب توده مجله ی گنجینه اسناد، شماره ی 49 و 50، از ص 56 تا 65

کتابی، احمد، 1377، نابسامانی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی اصفهان در سال های 24 - 1320، مجله ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، شماره ی 15، از شماره ی 141 تا 168

کجباف، علی اکبر، 1385، رابطه ی نهضت آزادی با جبهه ی ملی دوم، نامه ی تاریخ پژوهان، پاییز شماره ی 7 از ص 145 تا 167

مهر علیزاده، مهدی، 1385، تلاش های غرب گرایانه ی رژیم پهلوی برای تحکیم سلطه ی فرهنگی سیاسی در اصفهان 1343 - 1357، نامه ی تاریخ پژوهان، شماره ی 7 از ص (242-246)

خسرو پناه، محمد حسین، 1384، سرگذشت گریز ناپذیر اتحادیه های مستقل کارگری اصفهان (1323 - 1321) مجله ی گفتگو، شماره 43، از صفحه 96 تا 131

روزنامه:

روزنامه ی اصفهان - فروردین تا اسفند 1322 - صاحب امتیاز و مدیر مسئول و سردبیر امیر قلی امینی، محل نگهداری مرکز اسناد و مدارک فرهنگی استان اصفهان، کتابخانه ی صائب

روزنامه ی اصفهان - بهمن 1341 - صاحب امتیاز و مدیر مسئول و سردبیر: امیر قلی امینی، لوح فشرده ی، روزنامه محل نگهداری مرکز اصفهان شناسی و خانه ی ملل، اصفهان

روزنامه ی اطلاعات مؤسسه ی اطلاعات، زیر نظر جلال رفیع 80 سال حضور مستمر اطلاعات 1304 ، مهر 1385، محل نگهداری مجموعه ی فرهنگی تخت فولاد کتابخانه ی باغ طوبی

روزنامه ی چهلستون، شهریور 1320 تا شهریور 1333، محل نگهداری مرکز اسناد و مدارک فرهنگی استان اصفهان، کتابخانه صائب آیین اسلام صاحب امتیاز و مدیر مسئول و سردبیر نصرت الله نوریانی به کوشش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ج 8 (در چهار مجلد)، محل نگهداری: مجموعه ی فرهنگی تخت فولاد کتابخانه ی باغ طوبی

پایان نامه:

مسعود نیا، حسین، 1386، علل پیدایش و تحلیل کارکرد احزاب سیاسی در ایران 1320-1332 ش با تکیه بر مورد اصفهان، پایان نامه ی دکتری، 140-144

شیخی، الیاس، 1379، تحلیلی از انجمن ها و تشکل های سیاسی-مذهبی در اصفهان 1342-1357، پایان نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته ی علوم سیاسی

کشتی آرا، کیمیا، 1391، بررسی فعالیت های سیاسی گروه ها و احزاب در اصفهان از شهریور 1320 تا بهمن 1357 ش، پایان نامه ی برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته ی تاریخ

مصاحبه:

مصاحبه با آقای احمد زمانی، 1391، مرکز اصفهان شناسی، اصفهان

مصاحبه با آقای فضل الله صلواتی، 1392، دفتر کار آقای صلواتی، اصفهان

مصاحبه با آقای رضا جدیدی، 1392، دفتر ستاد اقامه ی نماز، اصفهان

مصاحبه با آقای علی الشریف، 1392، دفتر وکالت آقای الشریف اصفهان

رسولی، پور مرتضی، 1379، مصاحبه ی اختصاصی با آقای فریدون مختاریان 3791/3/3، اصفهان رسولی، پور، مرتضی، 1378، مصاحبه ی اختصاصی با عباس جان قربان 137/11/30

رسولی، پور، مرتضی، 1379، مصاحبه با محمد علی الشریف، اصفهان

سایت:

سایت مدارس جامعه ی تعلیمات اسلامی، 1391

سایت www.idsf.ir

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

